جزء اول

# آثار الحجة

«یا تاریخ و دائرة المعارف»

## حوزه علمیه قم

دینی - تاریخی - رجالی - ادبی - انتقادی - اجتماعی

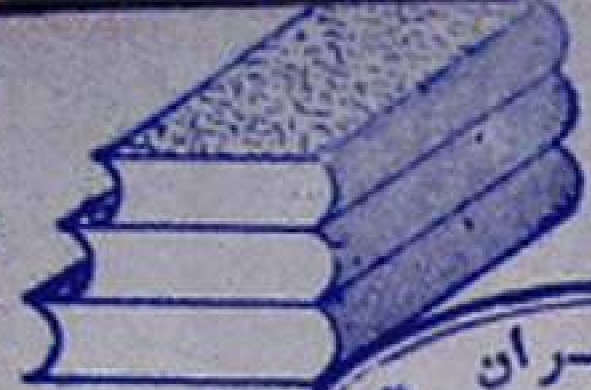
تألیف

محمد رازی

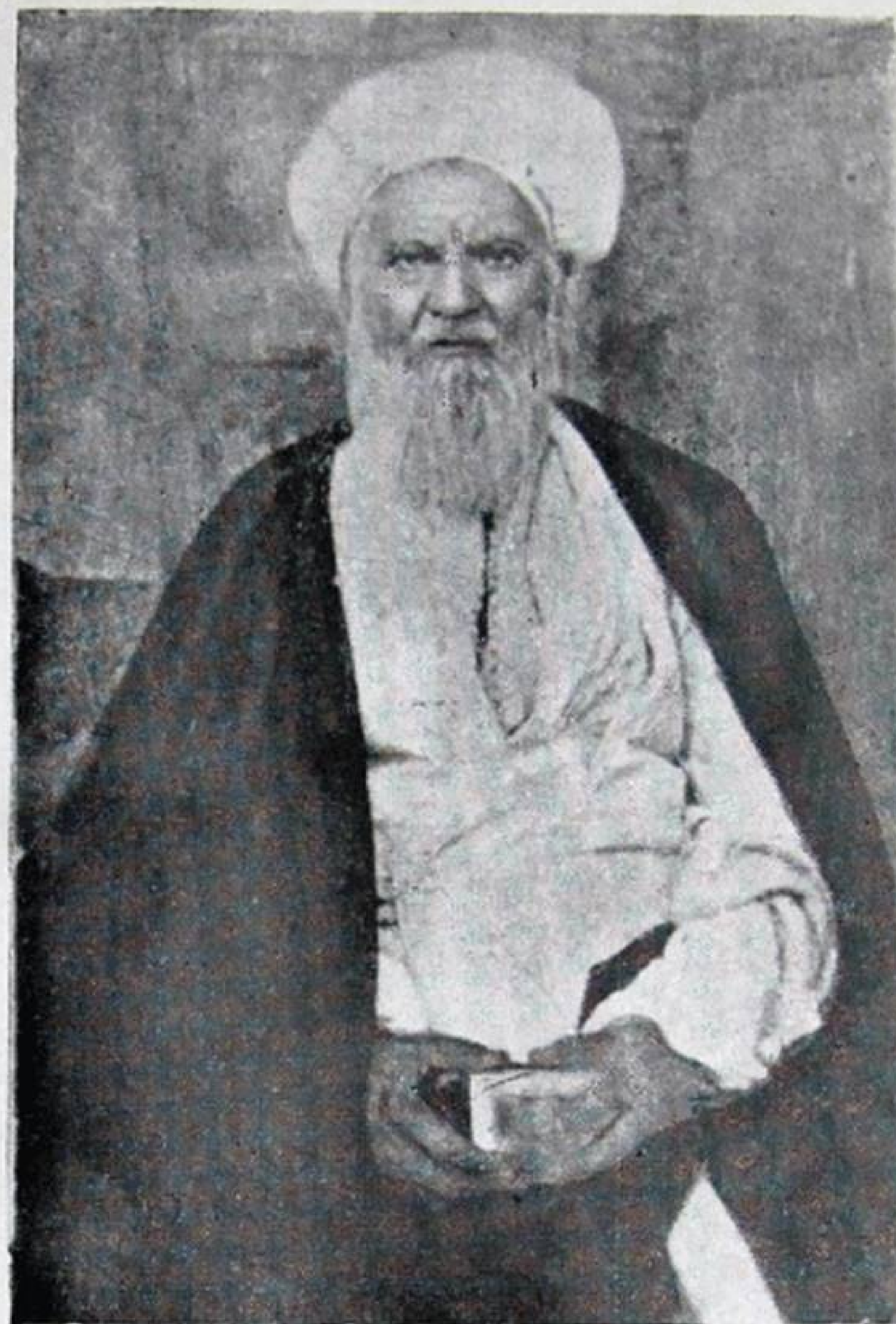
ناشر

کتابفروشی برقعی - قم

شعبان ۱۳۷۳



تهران
مجتبى الشهرستانى
تجريش

تمثال المبارک للزعیم الاول «للحوزة العلمیة» الآیة الله المؤسس الحائری الحاج شیخ عبدالکریم الیزدی قدس الله سره

## فهرست مندرجات کتاب

اهدائی سید نورالدین شهرستانی



ان آثارنا تدل علینا
فانظروا بعدنا الی الآثار

# آثار الحجة

یا

# تاریخ و دائرة المعارف حوزه علمیه قم

نگارش

اقل خدمة اهل العلم والدین
محمد رازی

ناشر
کتابفروشی برقعی - قم



۱۳۳۲

قم
چاپخانه حکمت

آثار ما بصفحه گیتی نشان ماست
از بعد ما نگاه بآثار ما کنید

قوله تعالی

قل فلله

الحجه البالغه

فلو شاء لهدیکم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی خلق الانسان من العدم وعلمه البیان و القلم وعلم الانسان مالم یعلم و الصلوة علی اکرم ولد آدم سید العرب و العجم النبی الخاتم و الرسول الافخم محمد المبعوث علی العالم وعلی آله وسلم لاسیما علی وصیه الاعظم وخلیفته الاکرم الذی کان علی اوصیائه خاتم سیدنا وولی عصرنا المعظم امام الغائب المنتظر المکرم عجل الله فی ظهوره وفرجه المسلم ولعنة الله علی عدوه من الان الی یوم الذی کان عدوه فیه اصم واعمی وابکم وبعد برصاحبان خرد ودانش روشن است که معلم واستادرا برمتعلم وشاگرد خود حق بزرگی است وحتی گفته اند که حقوق معلم وآموزگار اولی واقدم ازحقوق پدراست

زیرا پدر باعث حیوة بدن ولی آموزگار و معلم موجب حیوة روح است پدر علت ناقصه زندگانی موقت وفانی ومعلم وآموزگار سبب تام وعلت تامه زندگانی ابدی و جاودانیست پدر تورا برای معرضیت بلیات وآفات تربیت و معلم برای سلامتی و امان ازمهلکات مهیا ومجهزت کند

پس حق او از پدر بیشتر وتعظیم توقیر او لازم تر

حق معلم ز پدر بیشتر　　　حرمت استاد ز وی بیشتر

پس این حقیر (مستوعب التقصیر محمد بن ثقة الاسلام ملا علیجان الرازی اداء لحق اساتید عظام ومعلمین کرام خود خصوصاً زعماء و پایه گذاران حوزه علمیه قم و بالاخص مرحوم آیة الله الموسس الحاج شیخ عبدالکریم الحایری الیزدی و آیة الله المرحوم السید محمد الحجة الکوه کمری و آیة الله الحاج سید محمد تقی الخونساری و آیة الله الحاج سید



صدر الدین الصدر الموسوی قدس الله انفسکم الزکیه ولاسیما حضرت المستطاب خاتم الفقهاء المتبحرین غوث العلماء و المجتهدین عماد الملة و الدین قطب ارباب الیقین آیة الله فی العالمین الذی انتهت الیه الریاسة الامامیه فی ماة الرابعة و العشر من الهجرة النبویة علامة المتاخرین مولینا الحاج آقاحسین الطباطبائی البروجردی ادام الله ظلاله علی رؤس المسلمین وسایر علماء وفضلاء ومدرسین شروع بتالیف این کتاب که در تاریخ حوزه علمیه قم ومعاریف آن از اول تاسیس سال (۱۳۴۰) ق ه تا امروز که سال ۱۳۷۳ ق هجریست نموده ونام آنرا آثار الحجة یا تاریخ ودائرة المعارف حوزه علمیه قم گذارده ودر آن شرح احوال و آثار آیة الله المؤسس وارکان دیگر حوزه ومدرسین واساتید وفضلاء گذشته وحاضر وآثاری که این دانشگاه ازروز نخست خود تاکنون تحویل جامعه داده از فارغ التحصیلان و مجتهدین وعلماء ومروجین وگویندگان وخطباء نامی ووعاظ شهیر و ادباء وشعراء بصیر و فضلاء جوان که درآتیه پرچم داران جامعه وخود بزرگترین آثار این حوزه اند باحوادث مهمه وضایعات مولمه و ورود شخصیتهای مهم وقضایای دیگر نگارش داده باصدها گراور ازتمثال بزرگان حوزه وغیره دراختیار عموم برادران ایرانی ودیگران میگذارم علی الله توکلت والیه انیب

واز برادران عزیز مخصوصاً حضرات اساتید وارکان حوزه وفضلاء عالیقدر استدعادارم که که اغلاط قلم ونکات ضعف را بدیده اغماض عفو فرموده و بعین الود که (عن کل عیب کلیلة است) نگریسته واین خدمت ناقابل را قبول فرمایند

«هدیة الی آیة الله الموسس والزعیم الاول الحایری»

والزعماء من بعده الایة الحجة الکوه کمری و آیة الله الصدر الدین الموسوی و آیة الله الخونساری و الزعیم الاکبر الیوم الایة المعظم البروجردی مدظله العالی

کتابنا هذا کحب (۱) الخردل　　　هدیة الی الزعیم الاول
الایة الله المؤسس حایری　　　و من به العلم هناك دائر
ثم الی سیدنا المعظم　　　الحجة الکوه کمر المکر
محقق الرابع (۲) فی العقول (۳)　　　وحید (٤) هذا العصر فی الاصول (٥)

---

(۱) کحب الخردل کنایه ازچیز ناقابل وجزئی است (قال الله تعالی فی سورة لقمان یابنی انها ان تك مثقال حبة من خردل الایه (۲) محقق اول صاحب شرایع جناب شیخ ابو القاسم

ثم الی الخونساری الجلیلی — وصدرنا الفقیه و الاصیلی
و بعدمن عبدالضعیف الاحقر — هدیة الی الزعیم الاکبر
آلایة العظمی الطباطبائی — ومن به الیوم وغد(۱) رجائی(۲)
اعنی البروجردی فقیه الاعظم — نجل رسول المصطفی المفخم

بنام و یاد توای پیشوای بزرگوار و مؤسس عالیمقدار ای آیة‌الله حایری ای پایه گذار این اساس متین و بنای مکین که از در و بام شالوده تو بوی حقیقت و معنویت بمشام جان رسیده و روح انسان را شاد و دل اهل ایمان را صفا و دیده اهل وفا را نور و ضیاء دهد

ای عنصر شریف عجیب همتی داشتی و غریب سعی و کوششی گماشتی با این تشکیل و مؤسسات ایران را مهد علم و ادب و شهرستان قم را مرکز فضل و حسب نمودی

آفرین بر روان پاکت و مرحبا بر روح تابناکت کلام صادق آل محمد علیه السلام را که فرمود(۳) **(یازر العلم فی الکوفة زئیر الحیة فی جحرها و یخرج عن بلدة یقال لها قم)** راشنیده و بیرون آوردی علم و هنر را از این شهرستان که تاقم قم است و دار العلمش برجا روح و ریحانش بر پرچم تو وزد و بگفته نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود **(من سن سنة حسنة فله اجر من عمل بها)** تا روز پسین هر که از این دانشگاه خیزد و یاد از این بنگاه پاگذارده و ترویج

---

جعفر بن سعید و محقق دوم جناب شیخ علی بن عبدالعال کرکی صاحب جامع القاصد و محقق سوم جناب شیخ حسن صاحب معالم الاصول و محقق چهارم سید و استاد ما (۳) مراد از عقول (علوم عقلیه حکمت و فلسفه و ادله آنست) (٤) وحید اشاره بجناب محقق بهبهانی آقای آقا باقر است که میان علماء و متاخرین وحید بوده یعنی چنانچه او وحید عصر خود بود سید و استاد ما هم وحید زمان خود بوده (٥) مراد از اصول هم اصول اعتقادات و هم علم اصول و مبانی متقنه ایشانست

(۱) غد مخفف غدا و مراد روز قیامت است (۲) رجاء امروز از آنجناب استفاده از علوم و معارف ایشانست و رجاء روز قیامت هم نیل بشفاعت ایشان و اجداد ایشانست رزقنا الله جمیعا انشاءالله

(۳) این روایت در بحار مجلسی است که محدث قمی آنرا در سفینة البحار در باب قم و قم آورده و اصل آن چنین است روی عن الصادق علیه السلام انه ذکر الکوفه و قال **ستخلوا الکوفة من المومنین و یازر عنها العلم کما تازر الحیة فی جحرها و یظهر العلم ببلدة یقال لها قم و تصیر معدنا للعلم و الفضل الخ** (و زئیر الحیة بمعنای جمع کردن مار است خود را در سوراخ خود



دین و علم کند تو را اجر جزیل و پاداش نبیل است جزاک الله عن الاسلام و المسلمین خیرا

و بنام و یاد توای زعیم معظم و حجت مکرم ای علت مبقیه این اساس استوار و بناء محکم ای استاد عزیز ما ای آیة‌الله حجت که پس از رحلت آیة‌الله المؤسس با همه آلام و اسقام نگذاشتی این بنا وارونه و منهدم گردد و با مبارزات منفی و مثبت خستگی ناپذیر خود و همت و تشریک مساعی دو کفل(۱) و قرین ارجمند خود آیة‌الله صدر و آیة‌الله خونساری از خطرات عظیم نگهداریش نموده و به ترویج و تشییدش کوشیدی

ای مجسمه متانت و پیکره تقوی ایکسیکه نامت پسندیده و خویت پسندیده بود ای سمی نبی اکرم و هم نام ولی اعظم روحت شاد و روانت یاد باد که آثارت ظاهر و همتت باهر است تاقرآن حجت مردم است حجتیهٔ تو نیز حجت بارک الله فی آثارک و انار الله برهانک سزد که نام این کتاب را اقتباس از شهرت تو نموده و آثار الحجه اش نام گذارم

و بنام و یاد توای آیة عظمی و فقیه اعظم ای پرچمدار بزرگ و رادمرد سترک ای آخرین علامه دوران و بزرگترین نابغه جهان ای آیة‌الله بروجردی و ای سید العلماء العاملین و نائب امام الاخرین که از وطن مألوف خود دل کنده و فریاد و اشوقاه مشتاقانت را پاسخ و نداء یاغوثاه تشنگانت را اجابت نمودی گرچه بی اختیار آمدی و حکم شریفه(۲) (و انزلنا من السماء ماء بقدر فاسکناه فی الارض) تو را بااین سامان کشید ولی بااختیار تسلیم امر رب العالمین شده (و افوض امری الی الله) گفتی جهان شیعه امروز بچون تو زعیمی نازد و ناقوس(۳) پیشوائی و سیادت بنام حضرت تو نوازد

ای مجسمه توحید و علم و ای هیکل ورع و حلم شعله فضائل تو هر طالب فضل و دانشی را از هر گوشه و کناری پروانه وار گرد شمع وجودت جمع عده را فانی نور و حرارت نموده و جمعی را بتماشای مشعل منیرت نگران گذاشته

---

(۱) این کلمه اقتباس از آیه شریفه قرآنست که میفرماید در سوره حدید یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نورا تمشون به و یغفر لکم والله غفور رحیم

(۲) اشاره باستخاره قرآنی ایشان است که در بیمارستان فیروزآبادی برای آمدن بقم و توقف در آن فرمودند و بنده با جمعی از فضلاء و دانشمندان حاضر بودم آیه مذکوره آمد

(۳) ناقوس گرچه اصطلاح دیگرانست اما چون کلمه مناسب تر از این در این مورد نیافتم آنرا آوردم و گفته اند در مثل و تعبیر مناقشه نیست خدای تعالی در کلام مجید میفرماید (ان الله لا یستحی ان یضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها الایة)

ای ثانی محقق اول(۱)وای ناسخ علامه ثانی(۲)از تحقیق فقه وروایت بگویم و یا از تشریح اصول ودرایت ای معلم اول(۳)وای استاد(٤)آخر ازحکمت وفلسفه ات بمیان آرم ویااز نجوم وهیئت بزبان اولی آنکه زبان ازتقریر وخامه از تحریر وصفت برداشته وبی مهابا بخود بگویم

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست　　عرض خود میبری وزحمت ما میداری

ای زعیم الاکرم وای امام الافخم بی تردید که اجر وپاداشت از آیة الله المؤسس کمتر نباشد زیرا شالوده وپی ریزی این اساس را آن بزرگ مرد ریخت و بنارا تو بالا برده و کنگره آنرا بعرش اعلا رساندی کی وکجا قم بخود دیده که هزاران ستاره فروزان در گرد یك ماه تابان رجم شیاطین نموده وزینت آسمان وزمین باشند خدای علم آفرین از بلیات آن و این مصونت داشته ودشمنانت را در امروز وروز وابسین معذاب بعذب مهین دارد آمین یارب العالمین

کمترین خدام اهل علم محمد رازی

**وجه تسمیه کتاب باین اسم** براهل فضل ودانش واضح است که این اسم یا از باب تسمیه کل باسم جزء است زیرا که این کتاب متضمن ترجمه واحوال یکی از زعمای حوزه بنام آیة الله حجت است که آثار روشن وشاخصی ازمدرسه وکتابخانه و مصنفات رشیقه ومؤلفات دقیقه ازخود یادگار گذارده که خود این کتاب هم از آثار اوست زیرا ابتداء تنها محرك این مؤلف حقیر هم ضایعه اسفناك وفاجعه دردناك فوت ورحلت ایشان شد بقول معروف

این همه آوازه‌ها از شه بود　　گرچه از حلقوم عبدالله بود

ویا ازباب کنایه واستعاره واشاره بدومعنی است یکی مراد ازحجت وآثار او حضرت صاحب الزمان حجة بن الحسن عجل الله له الفرج حجت ثانی عشر است که درهرشهر ودیار آثار ودرشهر قم بخصوصه آثار زیادتری ازهرجا دارد ازاینکه قم خانه وحرم او واجداد علیهم

(۱) یعنی در تحقیق ومبانی فقهیه دومی محقق اول صاحب شرایع است

(۲) علامه اول علامه حلی جناب حسن بن مطهر حلی وعلامة دوم جناب مجلسی دوم صاحب بحار الانوار یعنی دراخبار واحادیث ناسخ ایشان در زمان ما میباشد

(۳) معلم اول جناب شیخ ابونصر فارابی ومحقق خواجه طوسی است

(٤) استاد آخر جناب شیخ الرئیس است یعنی ای مانند معلم اول ونظیر استاد آخر که گویا دیگر مادر زمانه مانند تو چون فرزندی واستادی تربیت نکند



السلام اوست چنانچه حضرت صادق ع درخبر مبسوطیکه محدث قمی مرحوم حاج شیخ عباس درسفینة البحار نقل میکند میفرماید(ولنا حرم وهو بلدة قم)(۱) ودر خبر دیگر میفرماید(قم عش آل محمد ص)است ودرخبر دیگر میفرماید قم مأمن وپناهگاه شیعیان وپیروان مااست وبخصوص دستور داده اند که وقتی در آخر زمان فتنه وآشوب دنیارا فرامیگیرد بقم واطراف آن پناه ببرید وخبر(۲)(علیکم بقم)در لسان خاص وعام مشهور است

آثار حجت درقم ازدیر زمانی ظاهر است واز باهرات آن حضرت فاطمه معصومه علیها سلام دختر عزیز حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام است که درعصر او همتائی برایش ازبنی هاشم وغیره نبود وبعضی گفته اند ازاین جهت بشوهر نرفت تادرسن جوانی(۱۸ یا ۱٤) درقم از دنیا رفت

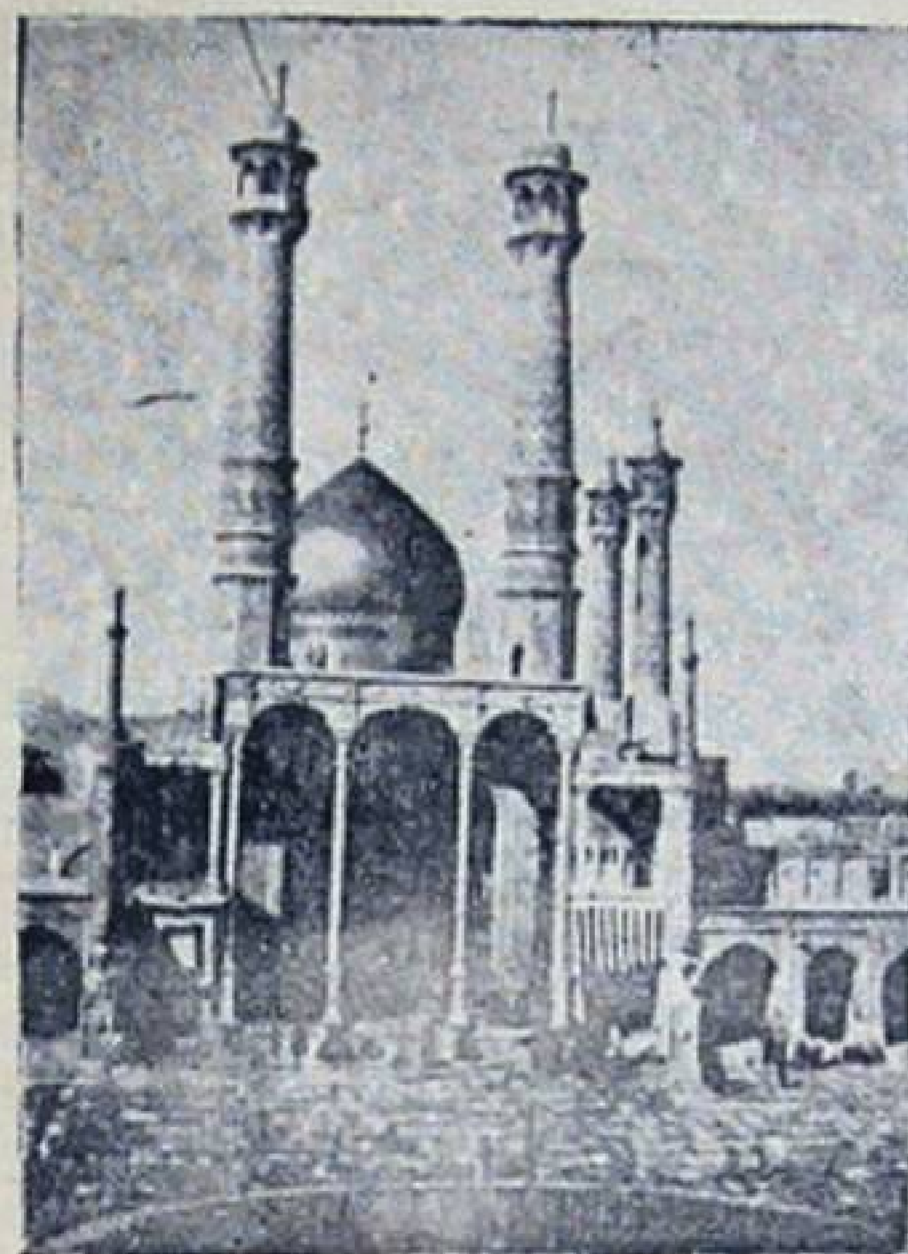
و ائمه علیهم السلام پیش ازدنیا آمدن اوپیش بینی اورا نموده وچون حضرت صادق علیه السلام جد ما جدش درباره زیارتش(**من زار فاطمه بقم وجبت له الجنه**) فرموده چنانکه تمام خبر آنرا در پاورقی آورده ام و همین مضمون را شیخ صدوق بسند صحیح درثواب الاعمال خود از سعد بن سعد روایت کرده که ازحضرت رضا علیه السلام ازفاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام پرسید فرمود هر که اورا زیارت کند بهشت برای اوست وبسند معتبر دیگر از فرزند آنحضرت امام محمد تقی رسیده که هرکس عمه مرا درقم زیارت کند برای او بهشت است ومجلسی در بحار ازبعضی کتب زیارت ازعلی بن ابراهیم ازپدرش ازسعد اشعری قمی از حضرت رضا علیه السلام روایتکرده که آنحضرت فرمود ای سعد نزد شما قبری هست ازما سعد گفت گفتم فدای تو شوم قبر

(۱) فی السفینة روی عن عدة من اهل الری انهم دخلوا علی ابیعبدالله علیه السلام و قالوا نحن من اهل الری فقال مرحبا باخواننا من اهل قم فقالوا نحن من اهل الری فاعاد الکلام قالوا ذلك مرارا واجابوهم بمثل ما اجاب به اولا فقال ان لله حرماً وهو مکة وان للرسول ص حرما وهو المدینه وان لامیر المؤمنین ع حرماً وهو الکوفة وان لنا حرما وهو بلدة قم و ستدفن فیها امرأة تسمی فاطمه فمن زارها وجبت له الجنة(۲) وایضاً فیها قال قال ابوالحسن الاول علیه السلام قم عش آل محمد ومأوی شیعتهم ولکن سیهلك جماعة من شبابهم بمعصیة آبائهم والاستخفاف والسخریة بکبرائهم ومشایخهم ومع ذلك یدفع الله عنهم شر الاعادی و کل سوء (۳) وفیها ایضاً عن تاریخ قم قال قال الصادق علیه السلام اذا عمت الفتن فعلیکم بقم وحوالیها ونواحیها فان البلاء مدفوع عنها

فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را میفرمائی فرمود **بلی من زارها عارفا بحقها فله الجنة** کسیکه اورازیارت کندوعارف بمقام او باشدبرای او بهشت است پس دستور زیارت معروفه را دارند

گل گلشن فاطمی بین که چونان — زدست قضا نو جوان آرمیده

یکی لاله از لاله زار نبوت — بگلزار قم بین چسان آرمیده



بهر سوی این آستان آرمیده

کمال و شرف علم و جاه و جلالت

بساسانیان گوی کاین در بپیوند — از آنرو که شاه زنان آرمیده

مؤلف گوید این مخدره معظمه علاوه بر مقام و موقعیت نسبی که دختر امام و خواهر امام و عمه امام و ٤ تن از ائمه علیهم السلام است از رواة و محدثات امامیه است و نام جنابش در کتب رواة و محدثین و محدثات ذکر شده و از احادیثیکه منسوب بآنحضرت است حدیث فاطمیات (١) است که در میان روایات و احادیث فرد و از نوادر احادیث است و شایسته است که باسلسله رواتش در کفن نوشته و بباب طلا مرقوم گردد و این فقیر عائذ بحرم مطهر آن بانوی ولایت تیمنا آن حدیث را باسند عالیش که شفاهاً از سید و استادم علامه نسابین آیة الله المرعشی النجفی

(١) این حدیث در ص ٢١٧ کتاب (اللولوءة المثنیه فی الاثار المعنعنة المرویه) للعلامة المحدث البارع الشیخ محمد بن محمد بن احمد الچشتی الداغستانی که درسال (١٣٠٦) در مصر چاپ شده میباشد



شنیده و بحاشیه درب ضریح در پائین پای شریف بخط طلا کتیبه شده در اختیار دانشمندان و مؤمنین میگذارم بسم الله الرحمن الرحیم قال العلامة النجفی روی السید محمد الغماری الشافعی فی کتابه عن فاطمة بنت الحسین الرضوی عن فاطمة بنت محمد الرضوی عن فاطمة بنت ابراهیم الرضوی عن فاطمة بنت الحسن الرضوی عن فاطمة بنت محمد الموسوی عن فاطمة بنت عبدالله العلوی عن فاطمة بنت الحسن الحسینی عن فاطمة بنت ابی هاشم الحسینی عن فاطمة بنت محمد بن احمد بن موسی المبرقع عن فاطمة بنت احمد بن موسی المبرقع عن فاطمة بنت موسی المبرقع عن فاطمة بنت الامام ابی الحسن الرضا (ع) **عن فاطمة بنت موسی بن جعفر** عن فاطمة بنت الصادق جعفر بن محمد عن فاطمة بنت الباقر محمد بن علی عن فاطمة بنت السجاد علی بن الحسین زید العابدین عن فاطمة بنت ابی عبدالله الحسین عن زینب بنت امیر المومنین (ع) عن فاطمة بنت رسول صلی الله صلی الله علیه و آله قالت قال رسول الله صلی الله علیه و آله **(الا من مات علی حب آل محمد مات شهیدا)** و در جلالت و عظمت این فاطمه علیها سلام چه نیکو سروده شده است

خاك قم گشته مقدس از جلال فاطمه — نور باران گشته این شهر از جمال فاطمه
گرچه شهر قم شده گنجینه علم و ادب — قطره باشد ز دریای کمال فاطمه
تابش شمع و چراغ و کهربائی نورها — باشد از نور جمال بیمثال فاطمه
صافی آئینه ایوان نیکو منظرش — گوشه از صافی قلب زلال فاطمه
عطر آگین گشته گر این بارگاه جنتی — این نسیمی است از عبیر بیهمال فاطمه
برسر ماسایه افکن از کرامت ایبتول — شد سعید آنکس که بد اندر ظلال فاطمه
آفت دلها غم است بر در گه معصومه ام — حرمت من حرمت عز و جلال فاطمه
یارب از غم هامر ابرهان غم افسرده گی — عفو کن مارا بقلب پر ملال فاطمه
کبریا از درگهش کس را نکرده ناامید — خاصه آنکو داشت پشتیبان مثال فاطمه

وجناب فاضل دانا آقا شیخ علی دوانی در توصیف آستانه مبارکه آن بی بی عالم گوید

زباد حوادث گلی از پیمبر — در این خاك عنبر فشان آرمیده
یکی لاله از لاله زار نبوت — بگلزار قم بین چسان آرمیده
گل گلشن فاطمی بین که چونان — ز دست قضا نو جوان آرمیده
در این عرض اقدس یکی گوهر پاك — بتقدیر چرخ زمان آرمیده

در این بارگاه رفیع دل افروز | نهان زیب تاج کیان آرمیده
درخشان مهی دخت موسی بن جعفر | کز او کشوری در امان آرمیده
جبین سا بخاک درش هان که بی شك | در این بقعه جان جهان آرمیده
بساسان گوی کاین در پیوند | از آنروز که شاه زنان آرمیده
کمال و شرف علم و جاه جلالت | بهر سوی این آستان آرمیده

گذشته از این بی بی محترمه امامزاده های لازم التکریم دیگری در این شهرستان وجود دارد که چندتن آنها چون جناب موسی مبرقع که مکنی بابن الرضا میباشد وحمزة بن موسی بن جعفر علیهما السلام وسه دختر از حضرت هادی وحضرت جواد علیهما السلام بلا فصل و واسطه بامام علیه السلام میرسند وخود هر کدام صاحب جلالت ومقام اندکه این کتاب را گنجایش نقل و نگارش آنها نیست واز موضوع کتاب هم خارج است و احصائیه تمام آنها در حدود چهار صد تن میباشد وهریك از آنها حجت حجت خدا و آثار حجت خدا هستند واز آنها هم که بگذریم از عصر حضرت صادق علیه السلام که یك خانواده از پیروان حقیقی وشیعیان متعصب وواقعی حجت بنام اشعریین درقم تشکیل شد قم یکی از مراکز بزرك آثار حجت گردید

رجال معروف این طایفه که نهایت توسل وتمسك را بحجج الهی و حجت های زمان خود داشتند وترویج شایانی ازحضرات نموده ودرعلانیه وخفاء طرفداری آنهارا مینمودند وحضرات معصومین وحجج الهی هم بآنها علاقه ولطف وتوجه مخصوصی داشتند بسیار واز معارف ایشان جناب زکریا بن آدم اشعری است که حجت حضرت رضا علیه السلام درقم بوده ودر یکسفر طولانی هم کجاوه وپالکی آنحضرت بوده ووقتی درقم کسل ونگران میشود ازبعضی مردم جاهل بحضرت عرض میکند اجازه بفرمائید ازقم بیرون روم حضرت (۱) باو میفرمایند درقم باش واز آن مهاجرت مکن زیرا خدا بسبب برکت وجود تو بلا را ازمردم قم دور میکند چنانچه بواسطه پدرم موسی بن جعفر علیهما السلام ازمردم بغداد دور مینماید و کشی (۲) دررجال خود درباره توثیق زکریا میگوید حضرت رضا علیه السلام

(۱) رجال الکشی ص ۳۶۶ باسناده عن زکریا بن آدم قال قلت للرضا ع انی ارید الخروج عن اهل بیتی فقد کثر السفهاء فیهم فقال لاتفعل فان اهل بیتك یدفع عنهم بك کما یدفع عن اهل بغداد بابی الحسن الکاظم ع

(۲) وعنه عن سعد بن عبدالله عن محمد بن عیسی عن احمد بن الولید عن علی بن المسیب



برای او فرموده انه **مأمون علی الدین و الدنیا** ونجاشی درباره وثاقت او گوید زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد الاشعری القمی ثقة جلیل عظیم القدر **و کان له وجه عند الرضا علیه السلام** (قبر آنجناب در قبرستان شیخان قم مقبره وگنبد کاشی کوچکی دارد)

ودیگر از رجال معروف اشعریهای قم که از حجت های حجت الهی است سعد بن عبدالله اشعری است که در ورود حضرت معصومه اهالی قم را باستقبال آنحضرت تاچندین فرسخ فرستاده و خود باهزاران اخلاص وارادت باریاست وشخصیتش مهار ناقه حضرت معصومه را بدست گرفته ووارد شهر گردیده وفریاد میزد مردم قم باادب باشید وخوشا بحال شما که دختر امام و خواهر امام وعمه امام بشهر شما نزول اجلال فرموده ودیگر پسر او سعد بن سعد است که روایتش را درباره زیارت آنحضرت نگارش دادیم ودیگر آدم بن اسحق است که از روات حضرت صادق و کاظم علیهما السلام بوده وبسیاری دیگر از رجال علم وحدیث این خانواده که هر چند نفر آنها در عصر حضرت جواد وحضرت هادی و حضرت عسکری علیهم السلام چون احمد بن اسحق وکیل وحجت مردم قم بوده اند ازطرف آنحضرات که واسطه فیض بین ایشان ومردم بوده اند وحدیث معروف درباره حجیة علماء و فقهاء و روات ومحدثین از حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء که فرمود (۱) (واما الحوادث الواقعة فارجعو الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم ) اشاره بجلالت آنهاست و از ایشان گذشته خانواده های دیگری از قبیل خانواده ابن بابویه صدوق اول جناب (۲) علی بن حسین بن موسی بن بابویه که مورد اطمینان و وثوق حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوده وشاهد جلالت او توقیع حضرت عسکری (ع) است برای او که خطاب شیخی وثقتی ومعتمدی باو نموده ودو فرزند او صدوق ثانی محمد بن علی بن بابویه که حجت بر مردم ری وقبرش درشهر ری معروف ویکی ازمقابر اعیان واشراف طهرانست وحسین بن علی بن بابویه که استاد سید مرتضی وشیخ طوسی بوده وبعد از آنها خانواده نوبختی های

قال قلت للرضا شقتی بعیدة ولست اصل الیك فی کل وقت فعمن آخذ معالم دینی فقال من زکری بن آدم القمی المامون علی الدین والدنیا الحدیث

(۱) این حدیث در احتجاج طبرسی از اسحق بن یعقوب از آنجناب روایت شده

(۲) وفات جناب ایشان در سال ۳۲۹ هجری واقع شده همانسالیکه تناثر نجوم واقع گردید چنانچه نجاشی دررجالش گوید

قم که ازمشاهیر ورجال برجسته آنهاجناب شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است که
از نواب اربعه خاصه حضرت حجة الله در بغداد بوده واز اول غیبت صغری الی زماننا هذا هم
درهر عصری آثاری از حجة الهی درقم بوده که شرح آن در تواریخ قم ،و کتب رجالی مسطور
است ودیگر از آثار حجت درقم مسجد شریف جمکرانست که دریکفرسخی آن از طرف
کاشان واقع وچنانچه شرح بناء آنرا مرحوم حاجی نوری در نجم الثاقب نقل کرده ودر بعضی از
از تواریخ قم هم منقولست که حضرت ولی عصر عجل الله له الفرج امر به بناء آن نموده و بحسن
مثله جمکرانی هم تاکید فرموده که مردم را ترغیب بزیارت آن و نماز در آن نماید وفرموده اند
من صلیهما فکانما صلی فی بیت العتیق یعنی کسیکه دو رکعت نماز در آن بجا آورد پس چنانست
که در مسجد الحرام بجا آورده وداراي برکات ومزایای بسیاریست که خود این نگارنده بعضی
از آنها را یافته ام ودر این اواخر اول کسیکه این مسجد را احیاء وتجدید عمارت نمود مرحوم
حجة الاسلام حاج شیخ محمد تقی بافقی یزدی زاهد ومتقی ومتوکل وموحد وعارف وسالك و
یگانه مجاهد عصر خود بوده که شرح حالش برارباب خرد ودانش پوشیده نیست و باز درهمین
کتاب اشاره به پارهٔ ازخدمات وحالات ایشان درقم خواهم نمود وهرکس بخواهد کما وکیفاً تا
حدی ترجمه واحوال اورا بداند مراجعه برساله التقوی وماادریك ماالتقوی نگارنده کند که
چندسال است بطبع رسیده ومنتشر گردیده است

خلاصه ازروزیکه آنمرد جلیل درقم تجدید بناء وعمارت آنرا نمود وعموم مردم
قم وبخصوص طلاب ومحصلین را برفتن آنجا تحریص نمود. آن مسجد شریف ازغربت و
مهجوری بیرون آمده وتاکنون همه روزه صدها نفر مردم قم و اطراف از علماء وغیره
بزیارت آن میروند وهرکس بخواهد حالات فقید مذکور را در آن مسجد از مناجاة
وراز ونیازش باعلیحضرت بقیة الله عجل الله له الفرج بداند .مراجعه برساله مذکوره نماید
ودیگر از آثار حجج الهیه درقم قبور ومشاهد امامزاده گان جلیل القدر وعظیم الشان است
که تاحدی ازجاهای دیگر زیادتر وحدود ۴۰۰ تن میباشند چنانچه اشاره کردم ویکی
ازبراهین ودلیل هائی است درعظمت قم که شاه پوران وشاهزادگان اسلامی بآنجامتوجه
بوده ودرآنجا رحل اقامت انداخته اند وشرح اسامی واحوال آنهاخود کتابی جداگانه
لازم دارد وجزء اینها آثاردیگری ازحجت درقم میباشد که برای اختصار از آن میگذریم
وفقط بزرگترین آنهارا شرح میدهیم که برای جهان وجهانیان کافیست و آن حوزهٔ مقدسه
علمیه قم است که میتوان گفت عاصمه تشیع وبزرگترین مراکز روحانی اسلام است وامروز



صدها ملیون مردم شیعه ومسلمان دنیا بآنجامتوجه وچشمها بآن دوخته اند زیرا اکنون
پرچمدار شیعه جهان نایب صاحب زمان حجت حجة رحمان آیة الله البروجری حضرت
مستطاب حاج آقاحسین طباطبائی متع الله المسلمین بوجوده در آنجامشرف وبرهزاران
محصل مجاهد وفاضل وصدها دانشمند محقق وملیونها مردم شیعه ایران وجهان سرپرستی
میکند ازخدای عزیز مسئلت دارم که وجود مقدسش رااز جمیع بلیات ارضی وسمائی در
حمایت ولی عصر مصون ومحفوظ دارد آمین یارب العالمین

وانشاءالله درهمین کتاب ترجمه احوال ایشانرا ایراد خواهم نمود بتوفیق الهی و
تأیید حجت های نامتناهی خصوصاً اعلیحضرت ولایت پناهی که تنها سزاوار پادشاهی
ودر ثانی ومرتبه دوم مراد ازحجت وآثاراو مرحوم آیة الله حجت است که ترجمه احوال و
شرح زندگانی وآثاراورا که بانی دوم حوزه علمیه قم ومهمترین علت مبقی این دانشگاه
روحانی است خواهم نگاشت

**بانی اولیه حوزه علمیه قم کیست ومؤسس آن کدامست**

شهرستان دینی قم ازروز نخستیکه بصورت شهر درآمد
بدست مهاجرین عرب بنام قبیله اشعریه که خانواده بزرگی
ازشیعه یمن بودند ونهایت علاقه وارادت و اخلاص را
بخاندان وحی ورسالت داشتند وهمین ارتباط و توسل آنها بائمه هدی علیهم السلام هم
باعث تبعید ویامهاجرت آنها بزمین قم شد این آبادی که از ۱۶ قلعه محکم تشکیل شده
بود بصورت شهر درآوردند و مخالفین خودرا بیرون کردند مرکز علم و حدیث شد
باندازه ایکه حدیث مشهور (لولا القمیون لضاعت الدین اولاندرست الاحکام) از حضرات
معصومین (ع) درباره آنها رسیده وچنانکه حساب ابجد حروف قم باحساب ابجد حروف
علم مساویست (۱۴۰) ظاهراً و باطناًهم قم دار العلم والایمان گردید و همواره ازاین
شهرستان چون صدوقین ومحمد بن حسن صفار وعلی بن ابراهیم وابن قولویه و دراین
شهرستان چون میرزا ابوالقاسم قمی صاحب القوانین ودیگران از نوابغ علم و حدیث
برخاسته ویارحل اقامت انداخته اند امابا همه این خصوصیات در تواریخ هیچ دیده نشده که قم
راساً واساساً مرکز علم درقبال نجف اشرف وحوزه چندصدساله آن بوده باشد بلی چنانچه
اشاره کردیم قم هم مانند بسیاری از شهرستانهای دیگر ایران و اسلامی هیچگاه از رجال
علم وفضل وفقه وحدیث خالی نبوده بلکه درهر عصر وقرنی رجالی از برجسته گان فقه
ودرایت وزهد ورشادت در آن افاضه واضائه مینمودند ولی غالباً بطور انفراد تاسنه ۱۳۳۷

از هجرت که مجسمه زهد وتقوی مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد تقی بافقی یزدی یگانه مجاهد وفدائی دین درزمان خودش از نجف اشرف مهاجرت بقم نموده ودراین دارالمؤمنین رحل اقامت انداخت وبا علماء ورجال دانش وفضل آنزمان قم چون مرحوم حجة الاسلام آیة الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی که مجتهد باتقوی وفضلیت بوده ومرحوم حجة الاسلام آیة الله حاج شیخ مهدی فیلسوف قم ومرحوم آیة الله حجة الاسلام حاج میزرا محمد ارباب والد مرحوم میزرا محمد تقی اشراقی خطیب فحل و دیگران از بزرگان علم قم آمیزش وزمزمه تاسیس حوزه علمیه رانمود وآنهارا تشویق وترغیب بچنین شالوده وبنیان میکرد وخود در گوشه و کنار از طلاب ومحصلین دلجوئی مینمود ولی حضرات حجج اسلامی قم که خود اهل شهر بودند واز باب اهل البیت ادری بمافی البیت مقتضی برای اقدام چنین امری نمیدیدند قدم برای این کار جلو نمیگذاشتند ومیگفتند این کار بسیار خوب واساس بینهایت محکمی است لکن ماخود که اهل این شهر هستیم ووضع وروحیه مردم شهرمانرا خوب میشناسیم شخصا نمیتوانیم مبادرت باین عمل نمائیم بلی اگرشخص استخوان داری ازرجال علم وفقاهت وفضل ودرایت ازخارج بیاید واقدام بتأسیس حوزه علمیه نماید ما هم مضایقه نداریم وبنوبت و موقع خود پشتیبانی نموده وطرفداری خواهیم کرد مرحوم حجة الاسلام بافقی اضافه میفرمودند اگرحتماً بایدعالم ومجتهدی ازغیراین شهرمؤسس باشد این اراك ۲۲ فرسخی شهرشماست که در آن حوزه علمیه کوچکی دائر ومردان بزرگی چون حضرت آیة الله الحایری حاج شیخ عبدالکریم یزدی و آیة الله آقای آقا نورالدین عراقی و آیة الله حاج میزرا محمد علیخان و آیة الله حاج شیخ محمد سلطان العلماء ودیگران تدریس میکنند جناب حاج شیخ حایری رابخواهید ورسماً دعوت کنید که شهرشما رامرکز اقامت خود قراردهد زیرا این مردیست شایسته واز برجسته گان تلامذه مرحوم میرزای بزرك شیرازی وبخصوص ازشاگردان آیة الله وحجة الاسلام آقا سید محمد فشارکی اصفهانی وردیف آیة الله میزرا حسین نائینی و بلکه اکمل واجمع و خود مورد وثوق مرحوم آیة الله یزدی آقا سید محمد کاظم و آیة الله شیرازی آقا میرزا محمد تقی ومرجع احتیاطات ایشان میباشد اگر ایشان قم رانعم البدل اراك قرار دهند وتشریف بیاورند قطعاً فضلاء واصحاب ایشان برای استفاده ازمحضرشان خواهند آمد و از اطراف دیگر نیزجمع خواهندشد وقم خود قهراً مرکزعلم وحوزه فضل خواهد گردید وفرمایش حضرات ائمة هدی علیه السلام مصداق خواهد یافت آقایان آنروز قم از این



گفته استقبال نموده وموافقت خود را اعلام داشتند وبنابرانتظار فرصت گذاردند که بخواست خدای تعالی وتوجهات ولی عصر عجل الله له الفرج هرچه زودتر فرصت بدست آورده وازمعظم له دعوت کنند تا اتفاقا مرحوم آیت الله حائری برای تشرف بآستان قدس اعلیحضرت ثامن الحجج علیه آلاف التحیة والثناء ازاراك حرکت بجانب مشهد مقدس و ودررفتن وبرگشتن چندشبی رادرقم توقف نموده وعلماء قم بزیارت وديدارشان نائل و از آن سرچشمه علم ودانش ومنبع فضل وکمال مستفیض ودانستند چه شخصیت برجسته درنزدیکی آنها فیض افشانست و معظم له پس ازتوقف مختصر درقم بعد ازمراجعت ازمشهدشان باراك توقف گاه موقت وحوزه علمیه ودرس خود دراراك برگشتند وتا سه سال دیگر توقف خودرا در آنجا ادامه دادند

### حرکت آیة الله حایری از اراك بقم

مرحوم آیة الله حایری رضوان الله علیه ازسنه ۱۳۳۲ که از کربلای معلی بجهت دعوتیکه از ایشان شده بود بامعیت میزبان خود آقای حاج آقا اسمعیل فرزند آیة الله مرحوم حاج آقا محسن اراکی باراك تشریف آوردند تا ۱۳۴۰ مدت ۸ سال در آنشهرستان جدید ومستحدث بتدریس وتعلیم فضلا مشغول و در خلال این مدت چنانچه اشاره شد سفری بارض اقدس وقم مشرف ودرسنه مذکور در ۲۲ رجب برای تحویل حمل ونوروز ۱۳۰۱ شمسی بقصد زیارت علیاحضرت فاطمه معصومه علیها سلام باتفاق مرحوم آیة الله خونساری که هویت وشخصیت آنرا خواهیم نگاشت انشاالله ودیگر حاج میرزا مهدی بروجردی ومرحوم آقا شیخ احمد یزدی وخادمشان کربلائی علیشاه که اکنون در قید حیاتند حرکت بقم نمودند وحدود دوروز درراه بودند زیرا آنروز اتوبوس در ایران نبود وتنها وسیله مسافرت گاری ودلیجان و کجاوه واسب والاغ بود وآیة الله حایری باملازمین خود باهمین وسایل میامدند تا در ۲۴ ماه رجب ورود بقم فرمودند اهالی قم مخصوص علماء شهری و مهاجر ازحرکت ایشان مسبوق شدند بتشویق مرحوم حجة الاسلام بافقی وبعض دیگر وسایل استقبال رافراهم کردند واکثر علماء قم وتجار وکسبه ومجاور ومسافر تا حضرت شاه جمال که ازامامزادگان معروف قم ودر ٤ کیلومتری شهر درسر راه اراك قرار دارد پیشواز نموده وخیر مقدم گفتند ودرهمانجا که ساعتی رابرای استراحت توقف فرمودند اولین زمزمه نگهداشتن وتوقف ایشانرا درقم نمودند واز آنجا باتجلیل حرکت ودر منزل آیة الله آقای حاج شیخ مهدی پائین شهری قمی که ازدوستان قدیمی ایشان بود نزول کردند ماده تاریخ ورود ایشان بقم اسم ایشان (الحاج شیخ عبدالکریم یزدی ۱۳۴۰) میباشد (فافهم) وپس از آنهم درایام نوروز که مردم قم

ازمجاور وزوار بزیارت ودست بوسی ایشان میامدند تقاضای ماندن درقم را از ایشان مینمودند ومخصوص در آن ایام چندتن ازوعاظ برجسته آنزمان چون مرحوم حاج شیخ محمد سلطان الواعظین تهرانی وبعض دیگر برای زیارت ودرك تحویل درقم باین شهر آمده و از تشریف فرمائی آیة الله حایری تقدیرها نموده وبالای منابر درصحن ومسجد نغمه تقاضای ماندن ایشان رادرقم نموده ومردم را تحریص وترغیب وتشویق وتحریك بنگهداشتن معظم له مینمودند و بایشان نیز اصرار ودرمیان علماء قم ووعاظ ومردم دیگر یگانه کسی که بیشتر ابراز علاقه و اشتیاق بماندن ایشان درقم وانتقال حوزه علمیه اراك را بقم میکرد مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد تقی بافقی بود که خود برای این نگارنده حقیر وجماعتی دیگر میفرمود که مرحوم آیة الله حایری بااینکه درسفر مشهدشان وضع مدارس مهجور و بایر قم را از فیضیه ودارالشفاء دیده که چگونه دانشگاه روحانی مرحوم آخوند فیض و میرزای قمی مرکز گدایان وفقراء ویامجانین ومریضها شده وبسیار متاثر ونگران گشته و گاهی هم دراراك به بعضی ازحوارین ورفقاء وتلامذه خود هم ابراز وتمنای اینکه چه میشد این مدارس قم از غربت بیرون میامد مینموده معذلك بنظر مبارکشان مشکل وگران میامد که ممکن باشد حوزه را از اراك بقم منتقل و خود در قم بتواند توقف کند فرمودند وقتی بایشان اصرار کردم موانعی ذکر کردند جواب آنها رادادم وآخر باین کلمه ایشان را قانع نمودم و منصرف از بر گشت باراك نمودم گفتم شما این اخباریرا که از آنحضرت معصومین علیهما السلام راجع بآخر الزمان که قم مرکز علم ودانش خواهد شد و از آنجا بعالم فاضه خواهد گردید و اینکه درآخر الزمان علم در نجف چون مار بزمین فرورفته وازقم سربیرون خواهد آورد دیده اید فرمودند بلی گفتم آیاقبول دارید ویاشبهه میکنید فرمودقبول دارم گفتم آیانمیخواهید که تاسیس این اساس محکم بدست باکفایت شما گشته وتاابداین سکه بنام شما خورد و باقیات الصالحات شما باشدفرمودندچرا گفتم پس تصمیم بتوقف بگذارید وباراك بنویسید هر کس مایل باشد بشماملحق شود ودیگر از کسانی که درتأسیس حوزه سهم بسزائی دارد مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمد اراباب است که بسیار ساعی ومصر بود در توقف مرحوم آیة الله حائری ونیز مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد رضای شریعتمدار ساوجی که ازعلماء مبرز آنروز بوده ودرقم آمده بودند وعلاقه تامی باین موضوع داشته وابراز احساسات میکردند مرحوم آیت الله حایری درمقابل این اصرارها دیگرمیهاو عازم باقامت وتوقف



وبرای اطمینان قلب بنارا براستخاره گذاشته و دربین الطلوعین که بحرم مشرف شدند با قرآن شریف استخاره کردند آیه ۲۹ سوره یوسف جواب استخاره آمد(اذهبو بقمیصی هذافالقوه علی وجه ابی یات بصیرا(واول مایری)واتونی باهلکم اجمعین)طبقات مردم درمنزل حاج سید علی مصطفوی معروف به بلورفروش(منزل فعلی آیة الله بروجردی) تجمع وانتظار داشتند. معظم له تشریف آورده آیه را باطلاع آنجمع رسانیده همگی خوشحال گردیدند

و ترتجیه من الرحمن سائلة　　حتی استجیب لما ترجوه داعیها

آقای حاج میرزا عبدالحسین بروجردی معروف بصاحب الداری که مقسم ایشان در اراك بودند برای نگارنده گفت که بعداز توقف ایشان اول کسیکه از اراك بایشان پیوست بنده بودم باجناب حجة الاسلام آقای حاج میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی که اکنون ساکن طهرانند (بس از آنکه تادوماه بامر ایشان شهریه محصلین اراك را پرداختم) وبعداز آنکه خدمتشان رسیدیم فرمودند ماماندنی شدیم اگرشما هم بخواهید بمانید خدا کریم است بروید خانواده خودرا بیاورید بس آقای حاج میرزا هدایت باراك رفته و رفقا واصحاب آیة الله حایری راازقضیه اطلاع داده وخانواده خودومرا بقم آورد وکم کم رفقای اراك بقم آمده ورفته رفته حوزه علمیه قم تاسیس گردیده وپیش بینی ها وپیش گوئیهای حضرات ائمه معصومین علیهم السلام مصداق یافت

**یکی ازعلائم آخر زمان حوزه علمیه قم است**

بزرگان دین وپیشوایان الهی مسلمین دارای فضیلت وکرامت بوده اندازجمله بسیارغیب گوئی میکردند وچون حضرت مسیح عیسی بن مریم علی نبینا وآله وعلیه السلام ازدل مردم واندوخته های مردم وآینده مردم و وقایع وحوادث هزاران سال بعد خبر داده و باصطلاح عصری پیش گوئی وپیش بینی میکردند و از چیزهائیکه زیاد دراطراف آن صحبت کرده و علائم و نشانه هائی برای آن بیان کرده و از آن پیش گوئی نموده اند ظهور حضرت ولیعصر ارواحناله الفداء وآخر زمانست که در اکمال الدین صدوق و غیبت طوسی وغیبت نعمانی والزام الناصب و۱۳ بحار الانوار مجلسی ونجم الثاقب نوری و کتابهای دیگر ازسنی وشیعه مسطور ومشروحاصدها علامت راکه بعضی از آن واقع و گذشته وبعضی هم مصداق(فانتظروا انی معکم من المنتظرین)است برای این دوموضوع معرفی نموده وتوضیح داده اندیکی از پیش گوئی های رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحضرات ائمه هدی علیهم السلام راجع بآخرالزمان تاسیس حوزه علمیه درقم و مرکز دانش و

فضل شدن آنشهرستانست که ماچند خبری از حضرات(ع) برای شرافت قم وفضیلت آن بر شهرستانهای دیگر و مرکز علم و منبع فیض گشتن آن نقل ودراختیار خوانندگان میگذاریم وپیش ازشروع بذکراخبار این مطلب گفته شود که در میان محققین از دانشمندان اختلاف است که آیاشرافت وفضیلت اشیاء عرضی ویا ذاتیست مثلافلان زمین وشهرستان میمون وشریف است وفلان زمین وشهرستان ملعون وخبیث آیااین شرافت و خباثت بالذات وفطر تست ویابالعرض والاکتساب بعضی گویند ذاتیست وحدیث(۱)(الشقی شقی فی بطن امه والسعید سعید فی بطن امه) (رادلیل خوددانند)چون زمین مکه ومدینه و کوفه وکربلاوقم که ذاتاوفطر تاشریف خلق شده وبوجود آمده اندویاچون زمین بغدادوشام وبرهوت وری وقزوین وساوه که خبیث وملعون آفریده شده اندوبرخی دیگر گویند بلکه شرافت وعدم آن برای اشیاء عرضی است واکتسابی نه ذاتی وفطری زیراهمه ازحیث فطرت که خالق وفاطر وایجادکن آنهاخدای واحدیکتاست یکسان وهیچ برتری و امتیازی بردیگری ندارند مگر بعرض مکه چون کعبه وقبله جهانیان ومطاف روحانیان در آن واقع ومدینه چون قبر نبی اکرم وپیغمبرخاتم ومسجدالنبی وقبور چهارتن ازائمه دین در آن قراردارد وکوفه چون حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام و کربلا چون آمیخته باخون پاك حسین علیه السلام وشهدای راه خدا شده وقم چون حرم ائمه دین علیهم السلام ومدفن دختر هفتمین امام علیاحضرت فاطمه معصومه علیهاسلام ومرکز علم ودانش ومقام آنارحجت است صاحب شرافت وفضیلت میباشد

نگارنده گوید بطوری که ازاخبار اهل بیت عصمت وخاندان وحی استفاده میشود شرافت وفضیلت اماکن وازمنه وعدم آن ازیك لحاظ ذاتیست وازیك لحاظ عرضی وبعضی از آن ذاتا ملعون ولی عرضا شریف ویابالعکس میباشد چون شهرری ما که ذاتا ملعون ولی بالعرض که مشهدسیدناحضرت عبدالعظیم حسنی است شریف وپناه اهل طهران است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیده که خدای تعالی ولایة علی علیه السلام و امامان از فرزندان او رابکوه ها و زمینها و دریاها و موجودات دیگر عرضه نمود هر کدام که درروز نخست آنراپذیرفتن خدا آنهارامعدن جواهرات ومعدنیات ومدفن انبیاء ومسکن اولیاء ومقام ائمه علیهم السلام قرارداد وهر آبی که قبول نمودخدا آنرا شیرین

(۱) این حدیث درمتشابهات القرآن ابن شهر آشوب ازمجعولات دانسته شده وعلامه مرعشی میفرمودنداین حدیث ازمجعولات عشائره است



وگوارا قرارداد ووو)وهر کدام که قبول نکردند ولایت حضرات را ملعون گردیدند مکه ودیگر بلدان شریفه پذیرای ولایت شده مورد توجه گردیده وشریف گشتند وقزوین وبغدادوساوه وری نپذیرفتند مذموم وملعون شدندشهرستان پاك قم ونواحی آن درشمار بلدان واماکنی است که ولایت اهل بیت راپذیرفت وازبسیاری ازاراضی واماکن گوی سبقت راربود ومنبع فضیلت و سرچشمه حیوة وشرافت و محل اشراق و افاضه گشت مرحوم محدث قمی درسفینة البحار ازمجلسی باسنادش ازحضرت صادق علیه السلام از پدرانش روایت کند که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود وقتی که مرا برای معراج بآسمان می بردند جبرئیل مرابر کتف خود حمل میداد پس نظرمن به بقعه وزمینکه در دامن کوه سرخی واقع بود افتاددیدم که آنزمین وبقعه از رنك زعفران نیکوتر واز مشك خوشبوتر بود وپیری را دیدم که کلاه برنسی (شاپوئی) برسرداشت ودرآنزمین کمین کرده بودبجبرئیل گفتم که این زمین وبقعه نیکورنك وخوشبو کجاست گفت این زمین پیروان تو و پیروان وصی وخلیفة تو علی علیه السلام است گفتم این صاحب برنس کیست گفت شیطان است گفتم چه خیال دارد بایشان گفت خیال دارد که ایشان راازدوستی وپیروی علی علیه السلام منصرف گرداند وبفسق و فجور دعوت کند گفتم فوراً مرا باونزدیك کن پس نزدیك باوشدم سریع تر از برق وچشم برهم زدن وگفتم (قم) برخیزای ملعون ودرمال و نطفه واولاددشمنانشان شریك شو زیراکه شیعیان من وعلی علیه السلام ازشرتومحفوظ وتورابر آنهاراهی نیست امام صادق علیه السلام فرمود و **لذالك سمی قم بقم**

**شهرقم برشهرهای دیگر حجت ومردم آن برمردم دیگر**

درهمان کتاب مرحوم قمی باسنادش از مجلسی از حضرت صادق ع علیه السلام روایت کند که خدای تعالی احتجاج کند بکوفه برسایربلاد وبمؤمنین ازمردمانش برغیرایشان از مردم دیگر واحتجاج کند بشهرستان قم بر شهرستانهای دیگر وباهل قم بر تمام مردم مشرق ومغرب ازجن وانس وخدای تعالی قم واهل قم راضعیف نگذارد بلکه توفیق بآنها داده وتاییدشان فرمایدوفرمودند دین واهل دین درقم ذلیلند صورتاًوظاهراًزیرا اگر چنین نباشد مردم نقاط دیگر بطرف آنهاسرعت میکنند وقم خراب شده واهلش از میان میرود وفرمود بدرستیکه بلا ازقم و اهلش دفع میشود وزود آید که قم واهل آن حجت بر مخلوقات شود واین درزمان غیبت ولی ماصاحب الامرخواهدبودتاوقتیکه ظاهر

شودواگرنباشد حجت بودن قم واهل قم هر آینه زمین اهل خودرا فرومیبرد و فرشتگان بلاراازدورمیکنند ازقم واهل آن وهیچ ستمکاری قصدسوء دربارهٔ قم نمیکند مگراینکه گردن اورا (قاصم الجبارین) میشکندواورا ببلاو دردی و یابدشمن بزرگی مبتلامیکند که قم رافراموش کندچنانچه خدا اورافراموش کرده است

و نیز در همان کتاب از حضرت صادق علیه السلام آورده که آنحضرت کوفه رایاد فرموده وگفتند زوداست که خالی شود ازمؤمنین وعلم ازآن جمع شده و پیچیده گرددچنانچه ماربخود می پیچددرسوراخ خودوظاهرشود در شهری که آنرا قم میگویندومعدن علم واهل فضل میگردد

و نیز درآنکتاب باسنادخوداز آنحضرت آورده که هروقت بلیه وزحمتی بشما رسید لازمست که بقم برویدزیراکه مسکن فاطمیین وراحتگاه ومأمن مؤمنین است و هیچکس خیال بددربارهٔ قم نکرد مگر آنکه خدااورا ذلیل نموده وازرحمت خوددور ساخت و نیز (١) آورده که جماعتی ازمردم ری بمحضر آنجناب رسیده وخودرا معرفی نمودندفرمودند (مرحبا باخواننا من اهل قم فقالوا نحن من اهل الری فاعاد الکلام قالوا ذلك مراراً و اجابهم بمثل مااجاب به اولا فقال علیه السلام ان لله حرماً وهو مکة وان للرسول حرماً و هو المدینه وان للامیر المومنین حرما وهو الکوفة وان لنا حرماً وهو بلدة قم وستدفن فیها امرأة من اولادی تسمی فاطمه فمن زارها وجبت له الجنة)

ودرآنکتاب ازحضرت موسی بن جعفر علیهما السلام آورده که قم مرکز آل محمد و مکان پیروان ایشان است ولکن جوانان ایشان نابود گناهان پدران خود میشوند ازجهت اهانت واستهزاء به بزرگان وپیران خود و باین جهت خدا شر دشمنان آنها را باهرشردیگری ازآنها دورمیکند

وازحضرت رضا علیه السلام آورده که فرمودند برای بهشت ٨ دراست ویکی از آنها مخصوص وویژهٔ اهل قم است فطوبی لهم ثم طوبی لهم

وازحضرت امام علی النقی علیه السلام ازپدرش از جدش امیر المومنین علیه السلام روایت کند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود وقتیکه مرا اسیر و گردش درافلاك و آسمانها میدادند رسیدم بآسمان چهارم قبه‌ئی رادیدم ازلؤلؤ که برای آن ٤ ستون و ٤ در بود که گویا اززبرجد سبز بود گفتم ای جبرئیل چیست این قبه‌ایکه مثل آنرادرآسمان

(١) این حدیث درپاورقی صفحه قبل گذشت



چهارم ندیدم ازخوبی گفت ای حبیب من اینصورت شهریست که اورا قم میگویند در آن جمع میشوند بنده گان مؤمن خدا که انتظار تو وشفاعتت رادرقیامت دارند و ناملایمات و اندوه‌های فراوانی بآنها خواهد رسید

**مبدء تاسیس حوزه علمیه قم**

درچند صفحه قبل اشاره کردیم که مرحوم آیة الله حایری دامت آثاره درسنه (١٣٤٠) برای زیارت بقم مشرف و بنابر تقدیر ومشیت الهی بگفته آن مرد بزرگ سبزواری (فماشاء کان وان لم اشاء وماشئت ان لم یشاء لم یکن) واصرار وتقاضای مردم و تشویق مرحوم حجة الاسلام بافقی و علماء دیگر و اینکه مضمون اخبار مذکور وپیش گوئی هـای حضرت صادق علیه السلام و دیگران از امامان مصداق خارجی باید بنابر اقامت گذارده وهمت بتاسیس حوزه علمیه اسلامیه امامیه نمودند برای چنین روزی که قم صبح کند وخودرا قبله دنیای اسلام دیده وچشم مسلمانان وشیعه جهان رانگران بخود بینند خدا رحمت کند آیة الله حایری ومرحوم حاج شیخ محمدتقی بافقی راکه راستی مصداق (اتقوا من فراسة المومن فانه ینظر بنور الله) بود اوامروز راپیش بینی میکرد که بآیة الله حایری اصرار میکرد که بایددرقم بمانید وتأسیس حوزه علمیه کنیداو بانورالهی وچشم بصیرت آیة الله حایری رامینگریست اوچون ارتباط وتماسش بامرحوم آیة الله حایری مستقیم وازدیگران بایشان نزدیکتر بود وخودصراف مردشناس وگوهری گوهرشناس بود ومیدید که بااین مرد بزرگ و حساس واستخوان علم وفضیلت وعنصر عمل وپیکره متانت وتقوی وشرافت میتواند چنین اساس بزرگی برپاکرده وقرون درازی آواز علم وادب را ازقم بلند بشرق وغرب عالم برساندراستی روحش شاد باد که عجب دوربینی بردیده خود گذارده بود وباچه چشمی مطالعه امروز رامینمود آفرین براین چشم و مرحبا براین بصیرت بلی عجیب نباشد زیرا که مصداق اولئك هم المومنون حقابود و بیان کردیم فرمایش حضرت صادق علیه السلام را که فرمود به پرهیزید از بصیرت وزیرکی مومن زیراکه اوبانور خدامینگرد

ازبعضی ازثقات شنیدم که میگفت مرحوم بافقی اصرار زیادی بآیة الله حایری برای توقف و اقامت درقم نمودند وایشان تامل داشتند تادریکی ازمجالس دید وبازدید گفتند آیا اخباریکه میگوید در آخر الزمان علم درقم ظاهر شده وازآنجا بسایر بلادا فاضه میشود قبول دارید فرمودند البته گفتند آیا نمیخواهی که این اساس بدست توده وسالهای دراز درمثوبت آن شریك باشی فرمودند چرا گفتند پس چراتامل دارید دراینجابمانید

وبناء این اساس را بگذارید فرمودند بودجه لازم است گفتند (**وما من دابة الا علی الله رزقها**) ظاهراً فرموده بودند (**ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها**) گفتند (**هو مسبب الاسباب اذا اراد بعبد خیرا هیاء اسبابه**) فرمودند عدهٔ از فضلا در اراك ٭ مجتمع ومشغولند گفتند آوردن آنها آسانست الغرض کیف کان ایشانرا قانع نمودند که قم ماندهٔ وبناء و تاسیس این کانون علم واساس فضیلت را گذاردو از آنطرف تجار ورجال دیگر را درقم تحریك وتشویق نمودند که بقدر وسع خود کوشش کرده واین بارفضیلت را بخانه وشهرستان خود فرود آورند

به به ازاین همت وآفرین براین فکر راستی روانش شاد باد که چنانیکه آیة الله حایری تاقیام این بساط در ثواب آن شریك است مرحوم بافقی هم سهیم خواهد بود



**هویت آیة‌الله حایری و شخصیت بزرگ او**

آیة‌الله حایری حاج شیخ عبدالکریم فرزند مرحوم آقا محمد جعفر مهرجردی یزدیست که یکی از کشاورزان متدین وپرهیز کار آن قریه که از قراء بخش میبد یزد در نزدیکی اردکان است که تا شهرستان یزد ۱۲ فرسخ فاصله دارد میباشد در سال ۱۲۷۶ در آن قریه متولد شده واوان شباب را در آنسامان بتحصیل گذرانیده وپس از تکمیل مقدمات به یزد آمده وباقی مقدمات وسطوح عربیت وادبیت وفقه واصول را نزد علماء آنزمان یزد چون مرحوم آیة‌الله حاج سید یحیی بزرگ ودیگران بنهایت رسانیده وبرای ادامه تحصیلات وتکمیلات نفسانی از یزد عزیمت عتبات عالیات نموده و ازمحضر نوابغ علمی وفقاهت آنروز چون مرحوم آیة‌الله آقا میرزا ابراهیم محلاتی وآیة‌الله آقا سید محمد فشارکی اصفهانی و آیة‌الله آقای میرزا محمد تقی شیرازی وآیة‌الله حاج شیخ فضل الله نوری در سامری استفاده



وازایشان تلمذ نموده است وچندین سال هم در حوزه آیة‌الله بزرك شیرازی حاضر میشدند تا پس ازفوت ایشان بااستاد دیگرش آقا سید محمد طباطبائی فشارکی اصفهانی بنجف اشرف آمده واز محضر این استاد بزرك پس از میرزا استفاده مینمود وپس از فوت ایشان بدرس مرحوم آخوند خراسانی حاضر وقبل ازفوت مرحوم آخوند بکربلاء معلی مشرف ودر آنجا حوزه تدریس میگذارد مرحوم آیة‌الله میرزا محمد تقی شیرازی توجه کامل بایشان داشتند وحتی ارجاع احتیاطات خود را هم بایشان فرمود تا سنه ۱۳۳۲ ازهجرت بنا بردعوتیکه از اراك ازایشان شده بود بایران وارد وباراك نزول اجلال فرموده وحوزه مختصر اراك را آبروی بسزائی دادند وآنشهرستان جدید البنیانرا مرکز علم ومجمع فضلاء ودانشمندان قرارداده وپس از ۸ سال بنابر تقدیر الهی و توجه اعلیحضرت ولی عصر! ارواحنا له الفداء بقم عزیمت نموده واین دار المومنین را دار العلم و الفضل کردند مرحوم آیة‌الله حایری ازشخصیتهای برجسته وبسیار بزرك علمی اسلامست که خود در قبال اساتید واساطین فقه واصول چون مرحوم شیخ انصاری وآخوند خراسانی دارای مبنای متقن ومستقل محکمیست که میتوان اورا در ردیف نوابغ و فحول علمی اسلام آورد وگذشته ازشخصیت علمی در تقوی وزهد وقدس وورع وارتباط و توسل بخاندان وحی ورسالت وخصوصا اعلیحضرت بقیة‌الله نادره زمان بوده و در این قرون اخیر کمتر کسی برتبه اش رسیده است مصداق حقیقی مخالفاً لهواه بود وبگفته یکی از علماء بزرك اصلا هوا وحب نفسی در او دیده نمیشد بطلاب ومحصلین علاقه تامی داشت راضی بود بزرگترین لطمات بر بدن شریفش وارد وکوچکترین صدمات اهانت برایشان وارد نشود بسادات علاقه بسیاری داشتند واحترام زیادی مینمودند یکوقت یکی از اطرافیان ایشان که در مدرسه فیضیه سمتی داشت بطلبه سیدی اسائه ادب نموده واورا میزند آنسید طلبه گریه کنان نزد ایشان رفته شکایت! میکند آیة‌الله حایری رضوان الله علیه بدیدن این منظره گریان شده وعذرخواهی میکند واز آنشخص که باین سید طلبه اهانت کرده بود اعراض فرموده پس ازچندماه بشفاعت بعضی ازحضرات حجج اسلام وتوبه خود آنشخص ورضایت آنسید طلبه شخص مزبور را مورد عنایت قرار میدهد چون این سجیه کریمه و اخلاق حسنه آنجناب باآن مقامات علم وفقاهت وزهد وزکاوت وجود وسخاوت وفضل وشهامت شهره ایران شد برق آسا ازهر گوشه وکنار داوطلبان علم وفضیلت بقم آمده وخدمتش رسیدند و بالمعاینه آن کرامات را فوق تصور خود دیده باندك زمانی متجاوز از هزار طلبه در

اطراف شمع وجودش چون پروانه گرد شمع جمع شده و استفاده میکنند

**قم وحوزه علمیه آن شاهد حوادث مهمی بوده**

حوزه علمیه قم از اول تاسیس آن سنه ۱۳۴۰ بدست مرحوم آیة‌الله حایری اعلی الله مقامه شاهد و ناظر حوادث و قضایای مهم تاریخی بوده که از حیث تاریخ مورد عظمت و اهمیت است حادثه اول تبعید حضرت آیات الله العظام و مراجع و پیشوایان بزرك دینی و رؤسای حوزه علمیه نجف اشرف و نوابغ قرن چهارده هجری چون مرحوم آیة‌الله علی الاطلاق فی زمانه السید ابوالحسن الموسوی الاصفهانی و آیة‌الله المرحوم المیزرا حسین النائینی و آیة‌الله الحاج السید علی الشهرستانی و آیة‌الله السید عبدالحسین الحجة الکربلائی و آیة‌الله الحاج شیخ محمد حسین الاصفهانی الغروی و آیة‌الله الحاج شیخ مهدی الخالصی رضوان الله تعالی علیهم اجمعین است

شخصیت و عظمت هریك از مذکورین مشهور عالم و در کتب تراجم چون ریحانة الادب وعلماء معاصرین خیابانی واحسن الودیعه کاظمینی مسطور دیگر محتاج بتوضیح و تشریح مانیست اما علت تبعید آیة‌الله اصفهانی و نائینی وشهرستانی و سید عبدالحسین حجت مخالفت کردن ایشان بوده با دولت ستمکار و جنایتکار انگلستان در امتیاز نهرین فرات و دجله که آنها میخواستند مخصوص و ویژه خود قرار دهند و دولت عراق هم میخواست بآنها بدهد حضرات مذکورین اعتراض نموده و بعنوان قهر از نجف بکربلا آمدند تا شاید مردم نجف وعراق عرب بغیرت و تعصب آمده و نهضت کنند و دست اجانب و کفار را از بلاد اسلامی و مشاهد مشرفه کوتاه نمایند چون باختیار خود بکربلا وارد شدند روز دیگر دولت مستعمره عراق بامر ارباب ستمگر خود برای ارعاب مردم آن مراجع عالیقدر اسلامی و پیشوایان بزرك دینی و فحول و نوابغ علمی را تبعید بایران نمود در سنه ۱۳۴۱ از هجرت خبر تبعید حضرات که بشاه ایران مرحوم احمدشاه و مردم ایران رسیده از یکجهت بسیار متاثر و محزون و از جهت دیگر که کشور اسلامی ایران بقدوم ایشان نورانی و گرانبار میشود بینهایت خرسند گشتند و از دربار و وزارتخانه‌ها و تجار و کسبه و عموم طبقات و بخصوص علماء و روحانیین آن عصر ایران قدوم شریفه آنان را گرامی شمرده و تا سرحد ایران بعراق یعنی خسروی و قصر شیرین استقبال نموده و با عزت هرچه تمامتر بشهرستانهای قصر و کرمانشاه و همدان و ملایر و اراك تا قم وارد نمودند و در ورودشان بقم تمام شهر تعطیل از آیة‌الله حایری و سایر علماء و دانشمندان و طلاب و تمام طبقات دیگر غیر از مردمیکه از طهران آمده بودند تا چندین فرسخ استقبال شایانی کرده و بشهر واردشان کردند



و روز دیگر احمدشاه شخصاً برای دست بوسی و زیارتشان با جماعتی از وزراء و وکلاء و هیئات دیگر دولت بقم آمده و بمحضرشان مشرف و اظهار تاثر و ابراز علاقه و ارادت و انقیاد کردند و تا مدت هشت ماهیکه در قم توقف داشتند همه روزه از تمام نقاط دور و نزدیك ایران از همه طبقات وارد قم شده و بزیارت حضرات مشرف میشدند و آیة‌الله حایری برای احترام میهمانهای عزیز مباحثه و تدریس خود را تعطیل و بآنها واگذار نمود و حضرات بنابر دیدن و عادت کریمه خودشان که همواره بتدریس و مباحثه میگذرانیدند همین مدت کوتاه ۸ ماه را هم مباحثه و تدریس شروع نموده و فضلاء و دانشمندان را از فیوضات علمی خود برخوردار نمودند



مرحوم آیة‌الله آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره



مرحوم آیة‌الله آقای آقا میرزا حسین نائنی قدس سره

درهمین سال بود که شخصیت بارز دیگر مانند مرحوم آیة‌الله حاج شیخ مهدی خالصی کاظمینی که از فحول علماء عصر و نوابغ زمان خویش بود وارد ایران شده و از راه بوشهر و شیراز و اصفهان بقم آمده و بهم قطاران خود ملحق گشتند و اما تبعید ایشان که همان همکاری کردن با آیات عظام نجف بوده که باقتضای وظیفه دینی با علماء دیگر کاظمین بر علیه دولت قیام و مردم را تحریك تا دولت شوم عراق بدستور اربابان خارجیش ایشانرا با جماعتی از دانشمندان بحجاز تبعید کرد و چون بمکه وارد شدند بسیار مورد

تکریم وتعظیم شریف حسین پادشاه حجاز واقع گشتند وشریف نهایت احترام را بایشان مبذول داشت و دولت ایران از آنجناب دعوت نموده وتقاضای آمدن بایران از ایشان کردایشانهم قبول کرده واز همان راه سابق با عزت و اکرام استقبال شده و در قم بعلامتین اصفهانی ونائینی پیوسته وپس از چندمدت توقف برای زیارت اعلیحضرت ثامن الحجج علیه السلام بمشهد مشرف شده ودرهمانجا اقامت نموده و بتدریس وتبلیغ احکام پرداخت تاازدنیارفت ودرجوارامام هشتم علیه السلام در ۱۲ رمضان ۱۳۴۳ در قرب حرم شریف وآستانه رضویه مدفون گشت رضوان الله تعالی علیه

مرحوم آیة الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی غروی پس ازچندماه بنجف اشرف برگشته وباتفاق حاج میرزا مهدی کفائی پسر بزرك مرحوم آخوندخراسانی وشیخ جواد علاوی جواهری که ازمشاهیرشیوخ واشراف نجف بود بقم آمده وحضرات مراجع و آیات الله عظام رابرای نجف حرکت دادند وبااحترام وتجلیل زیادی وارد عراق تابنجف عاصمه تشیع وحوزه علمیه نهصدساله بااستقبال بیسابقهٔ نزول اجلال فرمودند

**حادثه دوم فوت عالم ربانی آقای حاج میرزا جواد ملکی**

دوم ازحوادث مهمیکه حوزه علمیه قم درسالهای اولش دیده که میتوان آنرا درردیف ضایعه‌های اسفناك ووقایع مولمه جهان اسلامی آورد فقدان حجة الاسلام والمسلمین آیة الله فی العالمین العالم الربانی والکامل الصمدانی جمال السالکین وقطب العارفین الحاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزیست که در ۱۱ ذی الحجه ۱۳۴۳ هجری واقع شده وحوزه علمیه را بغروب نوروجودخود تاریك نمود

فقیدمعظم ازشخصیتهای برجسته ودانشمندان وعلماء متاخرین ومعاصرین مابوده که می توان اورا درسلوك وعرفان وخلق وایمان در شمار نوادر واغلوطه‌های زمان آورد

درتبریز متولد شده وپس ازدیدن مقدمات وسطوح بعتبات عالیات ونجف اشرف عزیمت نموده وفقه را ازمرحوم حاج آقارضای فقیدهمدانی صاحب مصباح الفقیه واصول رااز آقای آخوند خراسانی آموخته وعلم حدیث ودرایه را ازحاجی نوری ودر همان اوقات ملازمت ومصاحبت مرحوم جمال السالکین صاحب النفس الزکیه مولینا آخوند ملاحسین قلی همدانی را که شهرت فضائلش نزدارباب علم ودانش و عرفان وبینش بسیار ومستغنی ازتوضیح نالایق ماست ودررساله التقوی اشاره بمقام ایشان وشاگردانش نموده اختیارکرده ونفس خودرا تهذیب وتکمیل نموده ودرحدود ۱۳۳۱ بایران مراجعت



واولا درتبریز سکنی نمودند تابعد درقضیه انقلاب مشروطه درسال ۱۳۲۹ هجری از آنجا بقم مهاجرت نمودند ومشغول بتدریس (درس فقه که عنوانش مفاتیح مرحوم فیض بود) و ترویج و تربیت شاگردان مکتب جعفربن محمد علیهما السلام شدند وسه ماه رجب وشعبان ورمضان راصائم گردیده ودر مدرس مدرسه فیضیه درس اخلاق عمومی میگفتند واکنون که سی سال است ازرحلت وفقدان آن عالم ربانی می گذرد درودیوار مدرس وفضای مدرسه صدای حزین وگریان وناله‌های شوق وسوزان اورا که می گوید اللهم ارزقنا التجافی عن دار الغرور والانابة الی دار الخلود والاستعداد للموت قبل حول الفوت بگوش هوش می رساند

فضائل وکرامات مرحوم حاج میرزا جواد آقا بیشتر ازآنستکه دراین وجیزه توان آورد درباره اخلاق وزهد وتقوی وعشق وعرفان اوشاگردانش که ازعلماء معروف حاضر نداستانهائی گفته و حتی اورادرردیف بکائین آخرالزمان آورده‌اند نمازجماعتش درمسجد بالای سرمطهر وگاهی درمدرسه فیضیه ودرس گفتنش درآن شاهداین مدعاست

ارتباط ومراوده‌اش بااعلیحضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء بسیار ملازمتش بتقوی وورع بی اندازه مراقبتش بنوافل وحضور وتوجه دائمی آنی غافل نبود ولحظهٔ ازیاد خدا بیرون نمیرفت حکایت کرد برای ماجناب حجة الاسلام حاج سید جعفر شاهرودی که ازعلماء عصرحاضر طهرانست د ومکاشفه‌را که مفصل است مجمل ان را برای یافتن مقام و منزلت صاحب ترجمه می نگارم فرمود شبی درشاهرود خواب دیدم که درصحرائی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی له الفرج باجماعتی تشریف دارند وگویا بنماز جماعت ایستاده‌اند جلورفتم که جمالش رازیارت ودستش رابوسه دهم چون نزدیك شدم شیخ بزرگواری رادیدم که متصل بآنحضرت ایستاده وآثارجمال ووقار وبزرگواری ازسیمایش پیداست چون بیدار شدم دراطراف آن شیخ فکر کردم که کیست که تااین حدنزدیك ومربوط بمولای ما امام زمانست ازپی یافتن او بمشهد رفتم نیافتم درطهران آمدم ندیدم بقم مشرف شدم اورا درحجرهٔ ازحجرات مدرسه فیضیه مشغول بتدریس دیدم پرسیدم کیست گفتند عالم ربانی آقای حاج میرزاجواد آقای تبریزی است خدمتش مشرف شدم تفقدزیادی کردند وفرمودند کی آمدی گویا مرا دیده وشناخته‌واز قضیه آگاهند پس ملازمتش را اختیار نمودم وچنان یافتم اورا که دیده بودم ومیخواستم تاشبی که نزدیك سحر دربین خواب وبیداری دیدم درهای آسمان بروی من گشوده وحجابها مرتفع گشته تازیرعرش عظیم

الهی‌را می‌بینم پس‌مرحوم استاد حاج میرزاجواد آقارا دیدم که ایستاده‌ودست بقنوت گرفته‌ومشغول تضرع ومناجاتست باو می‌نگریستم وتعجب‌ازمقام اومی‌نمودم که صدای کوبیدن درخانه‌را شنیده ومتنبه گشته برخاستم درخانه رفتم یکی‌ازملازمین ایشانرا دیدم که گفت بیامنزل آقاگفتم چه خبراست گفت سرت سلامت خدا صبرت دهد آقا ازدنیا رفت قبرش درشیخان نزدیك قبرمیرزا ابوالقاسم‌قمی صاحب قوانین است وماده تاریخ آن برلوحه قبرش بعربی ( **رفع العلم وذهب الحلم** ) ودرقصیده‌ایکه بفارسی درمرثیه‌ایشان گفته‌شده‌این بیت است(ازجهان‌جان‌رفت وازملت‌پناه)(۱۳۴۳هجری

تالیفات‌ایشان متعدداز‌جمله اسرارالصلوة‌است که در۱۳۳۸ بطبع رسیده‌ودیگر سیروسلوك که نسخه خطی آن نزد سیدالاعلام عالم‌زاهد وعابدومتقی وپارسا حاج آقا حسین‌فاطمی قمی است که‌ازشاگردان وملازمین دائمی تاآخرعمرایشان بوده‌و نیز نزدحضرت آیةالله‌حاج سیدابوالقاسم خوئی درنجف‌اشرف‌و بعض‌تلامذه‌دیگر ایشان موجوداست

شاگردان درس‌اخلاقش بسیار وازمعاریف آنها آقای شاهرودی مذکور وآقای حاج آقاحسین فوق‌الذکر وآقای شیخ عباس طهرانی وحجة‌الاسلام آقای نجفی مرعشی وآقای حاج میرزاعبدالله چهل ستونی طهرانی‌وآقای فاضل لنکرانی وآقا سید کاظم شریعتمدار‌و آقاشیخ‌محمدعلی عراقی‌وبسیاری‌ازفضلاء کنونی حوزه‌قم ایدهم‌الله‌تعالی‌میباشند

**حادثه‌سوم نهضت مرحوم حاج آقانورالله‌اصفهانی**

سومین حادثه واقعه درقم قیام ونهضت حجة الاسلام آیةالله آقای حاج آقا نورالله اصفهانی برادرمرحوم حاج آقانجفی‌وحاج آقا جمال فرزند مرحوم حاج شیخ محمدباقرتهرانی رازیست که‌دراواخر۱۳۴۵ازاصفهان باجمیع‌علماء‌آن عصراصفهان وچندهزاراز‌طبقات دیگرمردم برعلیه سلطان وقت قیام‌نموده وبااین‌جمعیت بشهرستان قم‌وارد واعتراض شدید بدولت برای‌بعضی‌ازقوانین‌موضوعه مجلس‌وتصویب امرشاه ودولت‌وقت کرده وباین‌اعتراض‌پافشاری‌نمودوحتی‌ازتمام شهرستانهانماینده ازعلماء وتجاروردجال‌درجه یك خواست ودرحدود دوماه همگی‌بقم آمده واعلان خطر نمود که‌اساسا این‌شاه‌قلدر ودیکتاتور مستبد و مخالف دین و مروج بدعتهای باطله بدرد ما نمی‌خورد باید عزل شود

بلی خدا رحمت کندآن عالم ربانی‌راکه‌عینك‌آتیه بینی بچشم خود گذارده ومی‌دیدکه‌آن‌پادشاه‌جابراگرمسلط برکارخودواریکه‌سلطنت‌باشد همچنانکه‌حضرات



معصومین علیهما السلام پیش گوئی نموده‌اند مؤمنین‌را ذلیل وفساق وجنایتکاران را عزیزمیکند فحشاء ومنکراترا علنی‌می‌نماید شرب‌خمر ومسکرات‌را حلال می‌دارد زناء ولواط را رواج می‌دهد زنان‌را بی‌حجاب‌وبی‌عفت‌وبی‌حیامیکند مساجدراخراب مشاهد بزرگان دین وامامزادگان‌را ویران علما را اهانت مدرس‌هارا مقتول امثال آیةالله قمی‌را تبعید. آستانه‌رضوی‌را تیرباران وچندین هزار زوار شیعه‌را بمسلسل می‌بندد ومرده ونمرده‌آنهارا روی‌هم بی‌غسل‌وکفن زیرتوده‌های خاك میکندعلماء و وعاظ مشهد مقدس‌را باسارت وچون‌آیةالله بافقی‌را شخصا مضروب وتوهین‌وبالاخره زندانی‌ووو که‌اگربخواهم‌جنایات‌وستمهای‌اورابشمارم مثنوی هفتادمن کاغذشود

خلاصه مرحوم حاج آقانورالله رضوان‌الله علیه‌امروزرامطالعه‌می کرد که دراثر جنایت‌هاوستمها وضدیت‌های اوبادین‌اسلام‌ودشمنی‌اوباقرآن همه‌چی‌ما ازمیان‌می‌رود وفسادجبران‌ناپذیر دربروبحرظاهرمیشود



پس‌استقامت‌ورزیده وارکان دولت و دربار را متزلزل نمود ودریکروز سه‌وزیر ازدربار بقم آمده‌واظهار انقیادواطاعت کردند ازطرف‌شاه وبرای‌ایشان روشن‌بود که تمام کلاه وحقه‌و تزویراست به‌آقایان‌علماء‌اصفهان وشهرستانهای دیگرمیفرمود فریب این‌وعده هارانخوریدکه بگفته‌فاسق وظالم‌اطمینانی‌نیست

**مرحوم آیةالله‌حاج آقانورالله‌اصفهانی قده**

قم‌درآنروزها ناظر یکی ازبزرگترین قضایای‌تاریخی ونهضت‌های اسلامی بوده‌حوزه علمیه‌قم که‌درتحت ریاست‌وسرپرستی حضرت‌آیةالله حایری اداره‌می شدنگران‌این انقلاب وقیام‌مقدس بوده‌وبیطرفانه تماشامیکرد زیراآیةالله حایری‌آنمرد خیراندیش برای‌حفظ آنارحجت درقم وحوزه علمیه‌ناچار ازحزم‌واحتیاط بودکه مستقلا وعلنا وارد‌آن نهضت‌نشده‌وباآیةالله حاج آقانورالله مستقیما همکاری نمیکرد مرحوم حاج آقانورالله یکراه‌را خوانده ومرحوم حایری‌راه دیگررا آنفقید مجاهد برای‌کوتاه کردن‌دست ظالم ستمکار قیام‌کرده واین‌فقید حلیم برای‌حفظ‌بیضه اسلام‌وبقاء حوزه علمیه‌وآثار حجت‌بااحتمال‌وبایقین‌باینکه گفتارمعصومین‌پاك‌درمعرض‌بروز وظهوراست

پیش نخواهند برد تقاعد ورزیده وعملا اعلان بیطرفی خود وحوزهٔ علمیه را صادر نمود خدا هردو را رحمت کند وباموالیان خود محشور گرداند ومخصوص بآیة‌الله حایری جزای خیر دهد که اگر تقاعد نورزیده بود اکنون ازعلم ودانش وعالم وطلبه درقم و ایران اثری نبود

شهرستان قم بحدی محل ایاب وذهاب مردم مرکز وازدحام جمعیتهای دور و نزدیك شده بود که در تاریخ کمتر نشان میدهد هر روز ازشهری نمایندهٔ باصدها وهزارها نفر وارد و اظهار موافقت وپشتیبانی مینمودند قسمت ابرقو در کنار رودخانه از قبرستان مرحوم حاج شیخ حایری تاخاکفرج چادر بچادر متصل ومردم اصفهان وشهرستانهای دیگر در آنها ساکن ومهیای فرمان بودند غیر از کاروانسراها ومهمانخانه‌ها ومسافرخانه‌ها که همه مطروس از جمعیتها بود



**مرحوم حجت الاسلام حاج آقا جمال اصفهانی قده**

کار بر دولت تنك شد وشاه ودربار خوف ناك گاهی تیمورتاش ملعون و خائن میآمد و گاهی جم و گاهی دیگری تاعاقبت بهرراه تدلیس و وعده های کاذبانه که بود درمردم اختلاف وبواسطه رشوه‌دادن ببعضی گرگان متلبس بلباس میش نفاق و تفرقه میان مردم انداخته و کم کم از اطراف مرحوم حاج آقا نورالله پراکنده نمودند تا آن مرد مجاهد الهی تصمیم بمراجعت گرفته واز حضرت حجة‌الاسلام آقای آقانجفی مرعشی نیز دعوت نموده تاایشان را با خود باصفهان برد بایشان فرمود اسباب را جمع و عازم باش که فردا باتفاق باصفهان خواهیم رفت ودرهمان روز کسالت مختصری عارض ایشان شده اظهار الم نمودند که



ناگهان دکتری ازطهران ویااجل معلقی حاضر و گردی در آب حل نموده بایشان خورانید که خوردن همان ومردن همان پس صبح آنشب خبر درقم منتشر درس‌ها تعطیل وبازار و دکاکین بسته علم وبیرق ها افراشته زن ومرد کوچك وبزرك ضجه کنان و ناله کنان و گریان جنازه‌اش راحرکت وپس ازگردش درقسمتی ازشهر باتشییع کم سابقهٔ بآستانه وپس ازطواف بنجف اشرف حرکت وتمام شهر عزادار وفاتحه گرفتند شهادت او دراواخر سال ۱۳۴۵ هجری واقع شد وچون این خبر باصفهان وطهران رسید علماء این دوشهرستان مخصوص مرحوم حجة‌الاسلام حاج آقا جمال اصفهانی تهرانی بقم آمده ودرمنبرها با آن مقام علمی وعملی گریه عجیبی می کرد ومیگفت مردم دراین شهر برادرم را کشتند ودرودیوار صحن را بگریه میآورد تمام ایران عزا وفاتحه گذاردند خصوصا قم واصفهان وطهران طاب‌الله ثراه وجعل الجنة مثواه

**حادثه چهارم تبعید عالم مجاهد ربانی مرحوم بافقی**

چهارمین حادثه ایکه حوزهٔ علمیه قم درسال ششم تاسیس آن دیده تبعید مرحوم حجة‌الاسلام حاج شیخ محمدتقی بافقی رضوان الله علیه ازقم بطهران وحضرت عبدالعظیم (ع) بوده وجهت آن تبلیغات صریح ودینی ایشان بوده چنانچه دررساله التقوی ومالادریك ماالتقوی که در ترجمه واحوال آن فقید مجاهد ست توضیح دادم ودراینجا فهرست آنرا بیان میکنم

مرحوم بافقی ازعلماء مجاهد وفداکار وآمر بمعروف وناهی از منکر وحقیقتاً پیکره قدس وتقوی ومجسمه زهد وورع وهیکل توحید و توکل و عنصر ولایت وتوسل بوده وبگفته یکی از دانشمندان معاصر که هروقت ذکر ایشان میشد این بیت رامیسرود ومیگفت

انصاف میدهم که دلیران دلبران ... بسیار دیده‌ام نه باین حسن و دلبری

مرحوم بافقی ازاهل بافق یزد است که تاشهر یزد بیست ودو فرسخ مسافت دارد میباشد فرزند مرحوم حاج محمد باقر تاجر بافقیست در سنه ۱۲۹۲ در آن قصبه بدنیا آمده وتا ۱۴ سالگی در مهد تربیت پدر ومادر زیسته وپس از آن برای تحصیل علم و کمال بشهرستان یزد آمده و تا ۱۴ سال دیگر ازاساتید وعلماء آن عصر یزد چون مرحوم حاج میرزا سیدعلی لب خندقی ودیگران تعلیم فقه واصول نموده وسطح را دراین مدت بپایان رسانیده وبرای تکمیل وادامه تحصیل عزیمت عتبات عالیات کرده وتا ۱۷ سال تقریبا درنجف اشرف ازمحضر مرحوم آخوند خراسانی و آیة‌الله طباطبائی یزدی وحاج میرزا حسین نوری و دیگران استفاده وپس ازایشان درکربلا ازمرحوم حاج سید احمد موسوی کربلائی که از

بزرگان مراجع عتبات و اعاظم اصحاب مرحوم آخوند ملاحسین قلی بوده تهذیب اخلاق وتزکیه نفس نموده و درسال ۱۳۳۷ برای تشکیل حوزه علمیه بقم مشرف وهمت بر تاسیس آن با معیت مرحوم آیةالله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و آیةالله فیض که ترجمه آنهارا خواهم نگاشت گماشته تا آیةالله حایری ازاراك بقصد زیارت وارد قم شدند مجتمعا ومتفقا درخواست وتقاضای توقف ایشانرا نمودند وبالاخره بااصرار هرچه تمامتر ایشانرا نگهداشته ومانع ازبرگشت باراك گردیدند



مرحوم بافقی از نوادر ونوابغ وبگفته یکی از بزرگان ازاغلوطه های زمان بوده وحقا ازعناصری بود که میتوان برای اوحساب جداگانه باز نمود و در این قرون اخیر ازجنبه علمی و فقاهت که بگذریم ازجنبه های دیگر عدیل ومثیلی برایش نبوده وشاهد این گفته وبیان حضرت حجةالاسلام آقای آقاشیخ عباس طهرانی است که ازعلماء و دانشمندان طراز دوم قم محسوب وبفضل وتقوی مشهور است در سال ۱۳٦٤ جماعتی از ثقات و مؤمنین طهران که حقیر هم حاضر بودم ازایشان از آقای واقفی پرسیدند فرمودند آقای حاج شیخ محمدتقی بافقی فقط یك عیب دارد پرسیدند کدامست گفتند درزیر این آسمان یکیست دومی ندارد

ارتباط ومراوده وتوسلش بااعلیحضرت بقیةالله ارواحنا له الفداء بسیار و مسلما از کسانی بوده که کرارا برایش تشرف بمحضر امام عصر عجل الله له الفرج نصیب شده واین فقیر یکی ازموارد آنرا برای نمونه مینگارم حکایت کرد برای این بنده حقیر جناب حجةالاسلام مروج الاحکام ثقه جلیل حاج ملا اسدالله قائمی بافقی برادر تقی وپرهیزکار مرحوم بافقی که بگفته بعضی از بزرگان اگر از آنمرحوم جلو نبوده عقب هم نمیباشد

که مرحوم اخوی حاج شیخ محمدتقی کرارا مشرف بحضور ولی عصر رزقنا الله رویته شده پرسیدم چگونه بوده دو نوبت آنرا شرح دادند، که یك مرتبه آنرا بیان میکنم فرمود مرحوم اخوی یکسفر از نجف بقصد تشرف بارض اقدس پیاده حرکت نمودند و چون بکردستان میرسند بواسطه تصادف بافصل زمستان برف زیادی باریده و کوه و دشت را برف گرفته نزدیك غروب بقهوه خانه که در آن نزدیکی بوده



پناه میبرد که ازسرما وبرف خودرا حفظ کند چون وارد بآن قهوه خانه میشود می بیند که جماعتی ازالواط کرد بقماربازی ولهویات و بیعاری مشغولند مناسب ایشان نیست در آنجا بیتوته کند و مقتضی امر بمعروف ونهی از منکر هم با اکراد سنی لاابالی موجود نیست سرگردان ومتحیر ازقهوه خانه دورشده ومتفکر میماند که چکند ناگاه صدائی میشنود که اورا بنام میخوانند درانر صدا میرود بدرخت سبز وخرمی میرسد که زیر آن خشك وهوای آن معتدل چون هوای بهار بااینکه تمام آن صحرا وهامونرا برف و کوران وسرمای سوزان احاطه کرده درزیر آندرخت شخص بزرگوار نورانی که آثار وقار وشخصیت ازسیمایش ظاهر است میبیند سلام میکند وجواب میشنود که باو میفرماید فلانی شایسته تو قهوه خانه چنانی نباشد بیا درهمین جا شب را صبح کنیم حاج شیخ زیر درخت رفته ومستغرق آنجمال وجلال میشود وتاپایان صبح از فیض محضر ومنظر و منطقش بر خوردار میگردد و چون طلوع فجر میشود نماز را بااو خوانده وپس از آن حرکت میکنند وبراه میافتند دراین وقت حاج شیخ حساب روشن دودو تاچهارتا را میکند که این آثار و کرامات نیست مگر ازمولای من صاحب الامر عجل الله له الفرج خودرا مؤدب نموده ومعامله شناسائی وشناختن میکند آنجناب تبسم کرده میفرماید میدانم که حالا مرا شناخته ای اینك وقت مفارقت است حاج شیخ اضطراب کرده والتماس وتضرع از این فراق و جدائی میکند اورا تسلی داده امر بصبر وسکوت مینماید عرض میکند سیدی پس کی دیگربار شما را ملاقات کنم میفرمایند دراین سفرت دو نوبت مرا خواهی دید یکی درقم ودیگر نزدیکی سبزوار این را فرموده وپنهان میشوند حاج شیخ بشوق وعده قم باوجد ونشاط خودرا بقم میرساند و چندروزی توقف لکن ظاهرا مشرف بشرف لقاء نمیشود حرکت بطرف مشهد نموده وبا اشتیاق زیادتری برای وعده سبزوار میاید چون به نزدیکی آن میرسد صدای پای اسب میشنود بعقب مینگرد حضرت را سوار براسب میبیند که باوقار و هیبت ولایت وسلطنت میاید سلام میکند جواب میفرماید عرض میکند مولای من وعده شما خلف نمیشود چگونه قم نیامدید میفرماید آمدم لکن شما مرا نشناختید عرض میکند چه موقع آقای من میفرماید درفلان روز اول صبح از حرم عمه ام حضرت معصومه علیها سلام بیرون آمدی در میان صحن زنی بتو رسید فلان و فلان مسئله را پرسید چه وچه جواب گفتی من در مقابل تو ایستاده استماع سئوال وجواب شما را میکردم وشما تمام توجه داشتی که اشتباه جواب نگوئی حاج شیخ عذر میخواهد

وپس ازلحظه آنحضرت می‌روند وما مضمون این حکایت راآوردیم از آنمرد موثق والله‌اعلم

واین موفقیت رابرای‌اوبسیاری ازفضلاء ودانشمندان‌ونزدیکان اومعتقدبودندخود این‌بنده خدمتشان عرض‌کردم باب ملاقات‌رامفتوح میدانید ویامسدودفرمودندبچند دلیل‌مفتوح‌وآنهارابیان‌کردندوفرمودندبگفته‌اصولیین‌ومنطقیین‌ادل‌دلیل‌برامکان‌شیئی وقوع شیئی‌است چطور باب‌ملاقات‌حضرت صاحب‌الامر ارواحناله‌الفداء مسدود است وحال‌آنکه بتواتر معنوی‌ثابت شده‌جماعتی درعصرغیبت‌کبری چون‌سیدبحر العلوم‌و حاجی‌علی‌بغدادی وکه‌وکه‌بخدمتش رسیده‌اندعرض کردم‌شما هم‌مشرف‌شدید اشاره بدهان‌خود کردندفهمیدم‌مرادشادن کتمان تشرف‌خودمیباشد

مرحوم حاج‌شیخ باافقی خصایص‌مختص بخودزیاد داشت شجاعت وقوة‌قلب رأفت وترحم بضعفاء وطلاب‌راکه ازاضدادست جمع کرده‌درعین‌حالیکه شجاع بود رحیم بود حاج‌میرزا عبدالله‌طهرانی چهل‌ستونی میگفت‌تاوقتیکه حاج شیخ‌باافقی‌در قم بود طلاب روزبسیار خوشی داشتندازعمامه تاکفش پابشانرامتکفل بودهرطلبه‌هردردلی داشت‌بایشان میگفت وایشان‌قضاء حاجت‌اورامینمود برای تعمیرمساجدساعی‌بوددرقم چندین مسجدرابنا وبنام‌خود یادگار گذارد یکی‌مسجد میدان‌کهنه و دیگر مسجد حسین‌آباد که‌خوددرآن عمله‌گی‌هم‌نمود ودرآن پیش‌بینی‌تبعید خودرا نمود ازهمه معروفتر مسجد صاحب‌الامر درجمکران که‌عمران واحیاء‌آن مرهون خدمات اوست وماشرح آنرادر رساله‌ترجمه ایشان‌آورده‌ایم .

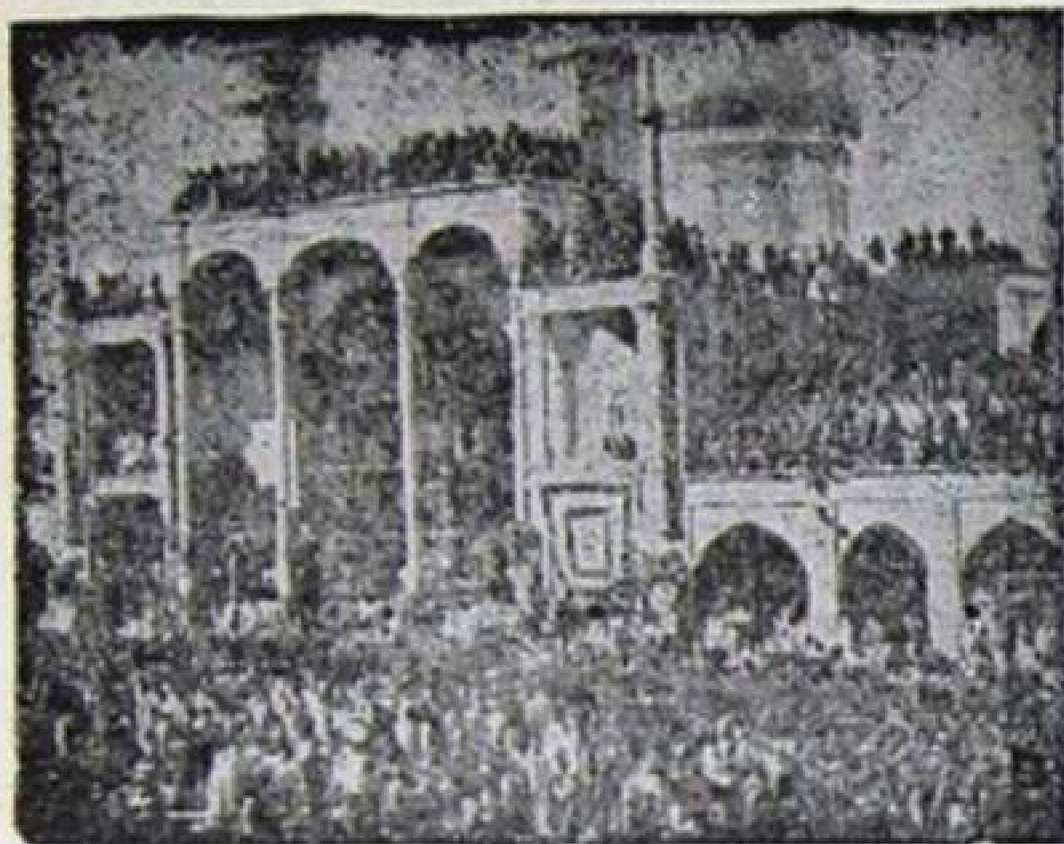
ازخصایص معروف ایشان‌کیفیت امربمعروف ونهی‌ازمنکراوست‌که فعلاوقولا انجام میداد تااودرقم بودریش‌تراشیدن‌غدقن‌بودوتراشیده‌نمی‌شدزیرا ازهمه سلمانیها وآرایش‌گاه‌ها التزام‌گرفته بود وتمامی‌متعهد شده‌بودند درعدم‌اجراوانجام‌این‌منهیه ازهمه وهمه‌گوی‌سبقت‌را ربوده باندازه‌ایکه گفتن‌اشهد انك‌قداقمت الصلوة وآتیت الزکوة وعمرت‌المساجد وامرت بالمعروف ونهیت عن‌المنکر وماخفت فی‌الله‌لومة‌لائم درباره‌اوغلوومبالغه‌نباشد

راستی‌مصداق‌آیه دوم سوره‌انفال که‌میفرماید(انماالمؤمنون‌اذاذکرالله وجلت قلوبهم واذا تلیت علیهم آیاته زادتهم‌ایماناوعلی‌ربهم‌یتوکلون الذین‌یقیمون الصلوة‌ومما رزقناهم‌ینفقون‌اولئك‌هم‌المؤمنون حقاله‌درجات‌عندربهم‌ومغفرة‌ورزق کریم) بود



میزان‌مرحوم باافقی‌رحمة‌اله علیه‌باهمه‌مردم‌ازشاه‌وگدا وعالم‌وجاهل‌وخویش وبیگانه دین‌مقدس‌وشرع مبین بوده‌هرکس‌را بقدر تقوایش‌دوست‌میداشت آنکس که پرهیزکاریش‌بیشتربود نزد اوعزیزتربود امربمعروف‌را نسبت‌بهیچ‌کس‌دریغ نمیکرده ونهی ازمنکررا‌ازهیچ‌فردی‌مضایقه‌نمی‌نموداز‌شاه‌ظالم‌وستمگر نمی‌ترسیدازوزیرووکیل خائن‌وفاسق‌نمی‌هراسیدزیرا‌ولی‌خدابودومصداق‌ان‌اولیاءالله‌لاخوف علیهم‌ولاهم‌یحزنون بود وقتی‌طغیان وباغی‌گری سلطان زندیق عصرخودرا دیدچندین‌بار شفاهاوکتبا امر بمعروف ونهی‌ازمنکرنمود ودرآخرین نامه‌برای اوسوره‌تکاثررا نوشت راستی‌مرد بودوکیف مردی

ازموقعیکه‌مرحوم آیة‌الله‌حائری بقم مشرف‌شده‌وبناءحوزه‌راگذارد‌قدم بقدم‌ودوش بدوش ایشان‌درتشیید و توسعه‌حوزه کوشیده‌باآن‌مشاغل‌عبادی و وظائفی که برای‌خودفرض‌ولازم میدانست آنی کوتاهی‌ازترویج‌وتشویق طلاب‌نمی‌نمودندتادرتحویل ۱۳۰۵ شمسی‌وعید۱۳۴۶ هجری که‌مردم ازاطراف واکناف برای‌درك‌تحویل درآستانه‌فاطمه‌علیهاسلام‌بقم‌مشرف



منظره‌ای ازاجتماع‌مردم درآستانه‌مقدسه فاطمیه‌قم‌درموقع‌تحویل‌حمل

شده‌ودربام‌وسطح‌صحنهاورواق وحرم ومسجدراجمعیت‌فراگرفته‌ومرحوم‌باافقی‌بعادت همیشه‌درمسجدبالای‌سربموعظه‌خلق‌مشغولست جماعتی‌اززنان دربارسلطنتی‌باروی باز وموی‌نمایان دربالای ایوان‌آئینه بتماشای مردم‌پرداختنداین‌منظره چون قبل‌ازکشف حجاب بود وخصوصا درچنین مکان مقدسی برمؤمنین ومتعصبین‌وارباب‌غیرت وناموس گران‌آمده .سروصدا راه انداختند وبه‌آقای باافقی‌اطلاع‌دادند آن‌مجسمه غیرت‌وتعصب بسیار پریشان شده پیغام فرستاد که‌کیستید اگرمسلمانید چرا چنین آمده‌اید و اگر نیستیداینجاچه می کنید فریادهابلند مغرضین‌ومفسدین وشیاطینی که مدتها ازتبلیغات ونهی‌ازمنکرهای مرحوم باافقی‌ناراحت بودند وایشانرا موی دماغ‌خود می‌دانستند و انتظارفرصت‌می‌بردندموقع رامغتنم شمرده ووقت‌را غنیمت‌دانسته نزدآن زنان‌ازهمه

چی دور سعایت کردند که آخوند مردم‌را برعلیه شما تحریک میکند آنها هم بامعیت شهربانی خائن آنوقت قم باشاه بیدادگر مخابره کردند واورا بطوری عصبانی وتحریک نمودند که خود شخصا روز دیگر باتیمور تاش بی‌همه‌چی وسربازان مسلح وتانك ومسلسل وچه وچه بقم آمده وآستانه متبرکه رامحاصره وخواست باحرم این مظلومه همان کند که باحرم برادر مظلومش علی بن موسی الرضا علیهما السلام نمود لکن خدا نخواست و شراورا دفع نمود چنانچه ائمه معصومین علیهم السلام خبرداده بودند وماچند خبر آنرا بیان کردیم خلاصه خود آن زندیق باقدم جسارت وکفش اهانت پابرمطاف فرشتگان گذارده وتیمور تاش کافر ومنکر خدارا برای جلب مرحوم بافقی بحرم ومسجد فرستاد آن پلیدهم باکفش پای بحرم مقدس ومسجد گذارده ومرحوم بافقی راکه بوعظ واندرز مردم ایستاده بود باهزاران توهین وتحقیر وجسارت کشان کشان نزد آن جنایتکار آورد اوهم ازبغض وعداوتیکه سالها ازاین هیکل توحید ومجسمه تقوی وفضیلت داشت هرچه می‌توانست باحربه دست وچکمه پابسر وبدن آن جناب زده وبدن اولیاء خدا و مخصوص علیا حضرت معصومه سلام الله علیها را لرزانیده وبعد امر نمود که اورا باچند نفر دیگر ازجمله آقا سید عبدالرسول طهرانی جلب بطهران نمودند ومرحوم بافقی را تاشش ماه زندانی وپس ازآن تبعید بحضرت عبدالعظیم وتا ۱۹ سال هم درآنجا تبعید وتحت نظر تادر ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۶۵ رحلت ویا اورا مسموم کردند وجنازه اورا بااحترام وتجلیل شایانی بقم آورده که خود این بنده هم حاضر وموفق بودم وپس ازتشییع مفصلی درنزدیك قبر آیة الله حائری بخاك سپردند

کرامات مرحوم بافقی بسیار ودرشهرری وطهران بسیاری ازمردم یاد کرده ورحمت بروانش میفرستند حقا هم خدا اورا رحمت کند که عاش سعیدا ومات سعیدا جعله الله مع السعداء والشهداء من النبیین والصالحین وحسن اولئك رفیقا وهرکس ترجمه اورا مبسوط تر خواهد برساله ترجمه ایشان التقوای نگارنده مراجعه کند

**حادثه پنجم یافوت مرحوم آیة الله حاج میرزا صادق آقای تبریزی**

پنجمین حادثه ایکه قم وحوزه علمیه بخود دیده رحلت وفقدان مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آیة الله فی العالمین آقای حاج میرزا صادق آقای تبریزی بوده که بسیار گران برای اسلام وتشیع وایران ومخصوص قم وحوزه علمیه آن تمام شده این مرد ازشخصیتهای بسیار بزرك وبرجسته عالم تشیع بوده ودرعصر خود یکی ازمراجع امامیه محسوب میشد ریاست تامه ومرجعیت



تقلید عامه اورا بود و بگفته صاحب کتاب علماء معاصرین اعلم وافقه وادق نظر وجمیل الخلق وحسن الخلق حلیم کریم حکیم وقور وشدید العزم وقوی القلب وبصیر در امور وصبور در شدائد وملمات ومتصلب دردین وشرعیات طیب المحاورة مترفق در محاضره ادیب منشأ شاعر مجید جید الخط حسن الربط وخلاصه خداوند عالم تمام نعم خودرا دراین وجود مسعود باتمام رسانیده بود

هویت ایشان میرزا صادق بن عالم فقیه مجتهد متکلم علامه حجة الاسلام میرزا محمد بن عالم مجتهد مولی محمد علی قراجه داغی صاحب شرح تبصره علامه حلی رضوان الله علیهم

پدران او وتمامی تامرتبه هفتم بابرادران گرامیش اززمره علماء و دانشمندان و فقهاء و مجتهدین عالیقدر وطراز اول بوده‌اند

درحدود ۱۲۷۴ هجری در تبریز متولد ودردامن پدر ومادر عالم و متدین خود نشو ونما کرده تابتحصیل وتحریر شروع ودرمدت کمی تکمیل وپس ازآن بمقدمات فقه واصول مشغول ودرزمان اندکی باامثال وهمگنان فائق آمده وچون سن شریفش به ۱۴ سالگی رسید درمصاحبت برادر بزرگترش عالم فقیه حجة الاسلام حاج میرزا محسن آقای مجتهد قدس سره بنجف اشرف زادها الله شرفا که محط اساطین امامیه ومهبط اساتید اثناعشریه بود درسال ۱۲۸۸ مسافرت نموده ومدت اقامتش درآن مکان شریف ۲۴ سال بوده ودرآنجا یکی از مشایخ عظام واساتید گرام بوده که فضلاء ومنتخبین طلاب ببحث او حاضر میشدند بعد بواسطه عدم تمکن قیام ومساعدت نکردن ایام چنانچه عادت او ست باارباب فضل وکمال و اصحاب عزو افضال سنه ۱۳۱۲ عزیمت مراجعت بسوی تبریز نمود و دراثر فضل وکمال علم وحسن اخلاق صیت وصوتش دراطراف واکناف ایران خصوص آذربایجان پراکنده شده ومقبول خاص وعام ومحسود بعض عالم نماها وناهلان گردید

اما آن بزرگوار بواسطه علو جلالت وسمو مکانت ابداً بانها ملتفت نمیشد واصلا اعتناء نمینمود ودرقبال بدگوئی وحسد ایشان محبت واحسان نموده و آنهارا بخوبی یادمیکرد زیراکه آن حبر اعظم وافر العقل حدید النظر عدیم النظیر عمیق الفکر بود پیش بینی وپیش گوئی او بنحوی بود که ازامور فضیحه وقوانین مبتدعه قبل ازوقوع بفکر ثاقب ونظر صائب خود خبر میداد وهمانطور که میگفت میشد حتی بعض اشخاص را معین میفرمود که بفلان امر متصدی خواهد شد وهمانطور میشد چنان صاحب حزم بود که احدی نمیتوانست درامری برایش دخالت وغلبه بنماید وسخن نمیگفت مگر بچیزیکه فایده داشته باشد

برای مردم یادینی ویادنیوی وهیچکس رایاد نمیکرد مگر بخیر وخوبی وآن فقید معظم هم متصدی تدریس وبحث بود وهم متصدی وعظ وخطابه و ارشاد مردم و منبر مؤثر و مفیدی داشت که مفصلا مصائب حضرت سیدالشهداء (ع) رابابیان نکات واسرار شهادت ودقایق قیام حسینی ذکر میفرمود

بنابر مصلحتی یکسفر بکردستان وسنندج مرکز حکمران کرد هامسافرت نمودند که مردم آنجا تمامی ازشیعه وسنی شافعی بزیارت او آمدند وتکریم وتجلیل بسیاری کردند وهمه روزه علماء ایشان می آمدند وبقدوم او در بلدشان افتخار مینمودند حتی شیخ اجل شیخ شکرالله امام جمعه سنندج گفت بایشان اگر ذبح ولد شرعی بود من یکی از اولادم را در مقدم شما ذبح میکردم و التماس جدی میکرد که در همین ولایت بما منت دهید و توطن نمائید

آنعلامه فقید بعد از اقامت ۲۰ روز در سنندج ازطریق همدان وعراق بشهرستان دینی وعلمی قم مهاجرت فرموده ودر این مکان مقدس اقامت گزیده وعائله خود رااحضار فرمود ودیگر به تبریز برنگشت تاازدنیا رفت وبعد از ۴ سال توقف در قم بزیارت حضرت رضا علیه السلام والصلوة مشرف وپس از سه ماه توقف وتشرف بقم مراجعت فرمود در حالیکه مبتلا بدردسینه گشته ودرشب عید فطر هم بمرض ذات الریه مریض تاشب جمعه ششم ذی القعده ۱۳۵۱ دوساعت ونیم ازشب مزبور گذشته بروح وریحان وجنت ورضوان خداوند رحمان شتافت

درصبح جمعه علماء وطلاب قاطبة واهالی قم وغیره ازمجاورین وزوار بتشیع جنازه او اجتماع نموده وپس از گردانیدن درمقداری ازقم بصحن وارد وبعد ازطواف درمسجد بالاسر گذارده وجناب حجةالاسلام واورع ازهد وحبر فقیه اوحد آقاشیخ ابوالقاسم شیخ علماء قم ومرجع تقلید ایشان نماز براو گذارده وجنازه را برواق آئینه برده وچون حفار خاک وخشتی اززمین حجره رواق برداشت ومختصری زمین راحفر نمود قبر وسیع عمیق لحدچیده وکچ کاری شده مهیا پیدا شد تمام مردم وخدام ازاین امر تعجب کردند چه هرگز احتمال نمی دادند که دررواقین واطراف حرم چنین قبر خالی حاضر باشد پس درهمان قبر او را دفن کردند وآن درحجره جنوبی رواق دوم آئینه جنب چراغخانه وشمعخانه وعکس بزرگی ازایشان بالای قبرش نصب است نور الله مضجعه بانوار رحمته وسقی تربته بشآبیب لطفه و مغفرته ماده تاریخ وفاتش بعربی (قدانجاه الله تعالی من ایدی الظلمه) (وبفارسی قوام ملت ودین



بوده مقتدای انام) ۴ـ نفر ازعلماء وفضلاء برایش مرثیه بعربی وفارسی انشاد کردند که بنابر اختصار ازذکر آن خودداری شد

اساتید ایشان درنجف اشرف ۱ـ فاضل اردکانی ۲ـ فاضل محقق مولی محمد فاضل ایروانی ۳ـ فاضل شربیانی ۴ـ شیخ حسن مامقانی وازهمه آنهامهمتر آیة الله شیخ هادی طهرانی صاحب ذخائر النبویه قدس الله سره وچندتن دیگر سپس خوددر عداد محققین از اساتید منسلک گردید که علماء وفضلاء محصلین درنجف اشرف و تبریز و قم از نظریات صائبه عمیقه او استفاده مینمودند تاداعی حق رالبیك گفت

تالیفات وتصنیفات او که مشتمل بر تحقیقات انیقه وابکار افکار سدیده است که شاهد علو فهم ووفور علم وکثرت تبحر واحاطه تامه اوست برعلوم عبارتست از ۱ـ مقالات الغرویه ۲ـ رساله فی المشتقات ۳ـ کتاب صلوة فی الفقه من اولها الی آخرباب الامامة والاقتداء فی اربعة اجزاء ۴ـ کتاب شرح تبصره علامه درطهاره ازاول تاآخر احکام سلس ۵ـ رسالة فی شرایط العوضین والربا وانتصاف المهر بالموت ۶ـ چندین رساله عملیه دیگر وقصائد درمدح ومراثی حضرت سیدالشهداء وقصیده معروفه درمرثیه حضرت علی اکبر علیه السلام وقصائد دیگری در وقایع متفرقه (مأخوذ ازعلماء معاصرین خیابانی (ازص ۱۵۳ تا ۱۵۷)

**حادثه ششم یافوت اعلم واورع علماء قم عالم ربانی آیة الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر**

ششمین حادثه ایکه قم وحوزه علمیه وعالم تشیع دیده رحلت عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی تقی زاهد معروف بفضل وسعه اطلاع ودقت نظر آیة الله العظمی آقای آشیخ ابوالقاسم کبیر قمی بود که او را بعضی برمرحوم آیة الله حایری یزدی رئیس وبانی ومؤسس حوزه علمیه ترجیح میدادند وفضلاء اصحاب ایشان ازمراجع امروز بشمار میروند مرحوم آیة الله جبل عاملی حاج سیدمحسن امین دراعیان الشیعه گوید درسال ۱۳۵۳ ایشانرا درقم دیدم ومباحثات فقهیه میان ما وایشان واقع شد که فضل ودقت نظرش را ازآن فهمیدم فضلاء قم وغیره او را بوصف وثنا میکنند

اساتید ایشان شیخ محمدجواد قمی ازاعاظم علماء قم وحاج میرزا خلیل طهرانی نجفی وشیخنا الاستاد حاج آقارضاء همدانی صاحب مصباح الفقیه وآخوند ملاکاظم خراسانی وآیة الله سید کاظم یزدی وچندنفر غیراز ایشان بوده اند ازتالیفاتش کتابی در اصول است

آن بزرگوار بسیار کریم الطبع وزکی النفس وتقی القلب ووسیع الصدر وحسن الخلق وزاهد ومتقی وپارسا بوده اکثر مردم قم ونواحی آن ازاو تقلید مینمودند ومواظبت ومراقبتش درعبادیات بسیار حزم و احتیاطش در امور بی اندازه حوزه تدریسش از

فضلاء برجسته آبرومند وشاگردان وتلامیذ درسش تمامی برومند فقیهی بود ربانی و مجتهدی بودالهی محضرش ذکر ومنظرش ذکررؤیتش ذکر ومنطقش ذکر سجیهٔاش تواضع ورویه‌اش اندرزوتنبه راستی چراغ روشنی بود که‌ازایوان دین خاموش شدو ستاره درخشانی بود که‌ازآسمان علم غروب نمود دراواسط ماه جمادی‌الاخر سنه ۱۳۵۳ در سن متجاوز ازهفتادازدنیارحلت کرده ودلهائی را جریحه‌دار نمودواین مردهمان عالم بزرکواریست که بابودن آیةالله حایری ودیگران انتخاب شدکه جلوایستاده وباقاطبه



علماء وطلاب ومجاورین وزوار برجنازه مرحوم آقامیرزاصادق آقانماز گذارد



مقبره اودرقبةالعلماءدرقسمت بالای سر آیةالله حایری وبالاسرمرحوم اشراقی واعظ قراردارد

**حادثهٔ حوزه علمیه قم وشهرستان قم آمدن سیل وخرابی فراوان وفداکاری آیةالله حایری قدس سره**

این حادثه‌راچون نگارنده ازنزدیك مشاهده نکرده تنهاباآثاروخرابی آن برخوردنموده‌ام عیناً ومتناً ازکتاب آئینه‌دانشوران جناب ریحانی که شاهد حادثه وقصیده بوده مینگارم وقبلاًدانسته شود که‌هفتمین حادثه‌قم از بدو تاسیس حوزه علمیه که‌بسیارگران بودبرای حوزه روحانیت وعموم مردم ایران وخصوص مردم فقیرو ومتدین قم آمدن سیل عظیمی بوددرهمین سال ضایعه‌فوت مرحوم آیةالله آقاشیخ ابوالقاسم کبیرقدس سره جناب آقای آقاسید علیرضای ریحانی یزدی (چنین نگارد) داستان سیل زده گان قم پیش ازآنکه حادثه دلخراش سیل زدگان را بنویسم میخواهم بدین نکته مبادرت‌جویم ازسمت مغرب قم رودخانه ایست که ازتپه و ماهورهای جنوب غربی سر چشمه گرفته وپس ازپیمودن یکمسافت طولانی ازجنوب بشمال قم جاری وشهررابدوبخش قسمت می نماید بخش اعظم بلددرمشرق وحصة دیگر آن درمغرب نهرقرار گرفته چون سالهای متمادی سطح رودخانه بواسطه جریانات آب ازریك وشل ولای که‌ازنقاط علیاحمل نموده مماو گشته تقریباًیك نشیب وفرازی رااحداث نموده بطوریکه جریان وعبور آب هنگام طغیان خالی ازاشکال نبوده بلکه‌یك حادثه هولناك و واقعه‌فراموشی نشدنی رابرای ساکنین تعبیه‌می کرد عدم ترمیم درهردقیقه تقویت برخطروحشت انگیز نموده‌چنانکه روزسه‌شنبه هشتم صفرسال ۱۳۵۳ درحالیکه‌محیط مساعد بوداز گلپایگان که کهسار منبع رودمذکور است سرازیرشدن سیل عظیمی رابقم اطلاع دادند در این هنگام اهالی بدستور نظمیه اماکنی راکه‌درجواررودخانه موردخطر بودتخلیه وبادلی پریشان چشم براه‌واقعه بودندوخوف ووحشت سخت آنانرافراگرفته بود چه پیش‌ازاین چندین دفعه درنتیجه طغیان سیلاب شهرقم موردخطرعظیم واقع شده بود ازجمله درسال ۱۰۴٤ زمان سلطنت شاه‌صفوی سیلاب بهاری طغیان کرده‌شهرقم راویران ساخت وجمعی کثیررا هلاك نمودباری بینوایان باآنهمه تزلزل و وحشتی که‌داشتند رضاوتسلیم راازدست نداده گویا بیچاره‌گان کلبه‌های خودراخالی ودرب منزلهارا برای این تازه‌وارد باز نهاده بودند

ومعلوم است که‌این انتظاروپریشانی تنهاازکسانی بود که‌در جواراه سیل‌خانه ویا علاقه‌داشتند امادیگران باکمال اطمینان بمنزلهاشتافته بمراسم همیشگی خود پرداختند

روز بدین منوال بپایان رسید واندك اندك جمال نورانی خورشید در پس ابرهای چهره سیاه درطرازافق قرار گرفت وسپاه افریقائی شب عالم را تیره وتار ساخت زمین جامه سیاه مصیبت درسر تاسر محیط گسترده دیبای ظلمانی شب هیجان بی نوایان بیش از پیش گشته هریك پیش بینی بس موحشی برای زندگانی آتیه درقوه مخیله خطور می دهند چون پاسی ازشب دهم صفروسوم خرداد گذشت نعره سیل که قلبرا مرتعش وروحرا متزلزل میساخت بگوش باشندگان شهر رسید بناگاه حمله کوه پیکر آب آشکار شده پارهٔ ازاماکن مهیا شده را خراب وازبقیه عمارت‌های همجوار صرفنظر نموده مرکب بادپیمای بی رحمی را بکاشانه خفتگان بترك تازی جولان داد بهر کجا برخوردی بنیاد واساس آنرا طعمه خویش قرار دادی وبهرچیز تصادف نمودی اثری از آن باقی نگذاشتی شبیخون سیل یکدفعه نفوس را مبهوت ولی پس ازاندك تاملی همه ازخانه‌های خود روبفرار نهادند در آن شب چنان ضجه وغریو ازمردم بلند بود که گویا هنگامه رستاخیز را یادآور میشد زنها همه اطفال خوردسال را در آغوش کشیده میان گل وآب افتان وخیزان روبفرار ند کودکان چهار پنج ساله مادرمادر گویان درحالی که سیلاب اشك ازدیدگانشان جاری است بپدرها پناه میبرند مردها نتیجه زحمات وذخیره چندین ساله خودرا بزیر انبوه آوار گذاشته بتعجیل میروند بلکه جان بسلامت بیرون برده باشند دراین میانه دلخراشتر منظره مادرانی بود که پس ازپیمودن پارهٔ ازراه بحال خویش آمده فرزندان خوردسال خودرا مفقود می دیدند در آنشب ظلمانی دیوانه وار جانب خانهای نیم خراب شده خودباز آمده باناله ضعیف اولاد های خودرا صدامی زدند وبایك حال دلخراشی چراغ جانرا برابر بادهای مخالف دردست گرفته درزوایای دیوارها گردش می نمودند بیچاره مادریکه چند دقیقه بگذردو بدیدار فرزندش نائل نشود چنان ناله کجائی عزیزم کجائی نورچشمم ازسینه برمی کشد که توگوئی اینك مرغ روحش ازکوفجان تن پروازمی کند

شگفتا ازخیره سری پسر آدم که درمیان این ولوله وغوغا؛ این آشوب وپریشانی پارهٔ ازدیومنشان وقترا غنیمت شمرده بدست برد وغارتگری می پرداختند چه اشیاء وچیزهای پربهائی که دراین میان مفقودشد وچه بسیار خوانواده‌های عزیز که بواسطه این پیش آمد بچنگال فقروذلت دچار گشتند ازهمه شگفت آور اینکه سیل خود گویا برای ویران ساختن خانه‌های معمورمأموربودو گرنه خانه‌ها وکلبه‌های درویشی درراهش فراوان بود وازآنها صرفنظر کرده بگذشت مدرسه فیضیه ودارالشفا که هردوجایگاه



طلاب است درکنار رود ومجرای سیل مذکورواقع شده درعین حال کوچکترین صدمهٔ بر آنها نرسیدو ازاین آفت ایمن ماندند صاحبدلی درحل این مسئله چنین گفت

هیچ دانی که چرا سیل بویرانه ما — پای نگذاشت وباحال پریشان بگذشت
ازتهیدستی وبی برگی ما وحشت کرد — کاین چنین خاك بسر کرده بافغان بگذشت

باری شب بدینمنوال بپایان رسید وسپیده دم آغاز کرد اندك اندك هوا روشن شد خورشید باچهره غضب آلودسر ازکوهسار بر کشید آن دریای موحش وآن تلها وخرابهای خوفناك که تاآنوقت ازنظرها پنهان ومستور بودآشکار گردید حملات آب که برباد دهنده ومخرب هربنای قوی بود هویداگشت دشتی پهناور باکوههای بس عظیم که از انبوه وفرودآمدن بناهای بزرك تشکیل یافته بود پدیدار شدمردم همه باحالت بهت وتحیر درآمدوشدند اطفال خرد سال بارنگهای بریده پریشان ومضطرب ازهمه اسف انگیزتر حال کسانی بود که تادیروزخانه ومنزل متعدد داشتند واکنون درصفه‌های صحن وبازاویه‌های مساجد کودکان شیرخوار خودرادر آغوش کشیده دیوانه وار نشسته اند

نگارنده در بامداد آنروزببام برآمده وبرآن رستاخیز می‌نگریستم فراموش نمیکنم که حملات کوه وش آب بایك منظره مهیبی در ختان سالخورده را در آغوش گرفته طوری بآرامی میبرد که توگوئی پارچه چوبی است روی آب شناور است امواج سهمگین آب همچون شتران مست کف بدهان آورده روبه نشیب وفرازند تخته سنگهای بزرك ازاثر بهم خوردن شورش وصدای عجیبی راایجاد کرده بودند مجرای طبیعی رودخانه بکلی محوشده وحدودآنرا جز خانهای نیم‌خراب شده تحدیدنمی کرد بوئی ناخوش ورائحه نکبت خیزفضای شهررافراگرفته بودپرندگان کوچك درفضای رودخانه پرواز میکردندو گویا باناله‌های خودآسیب رسیدگانرا تسلیت میگفتند

پس ازاین پیش آمدناگوارحضرت آیةالله خویشتن رادراین مصیبت سهیم دانسته بسرعت هرچه تمامتر گزارش رابهمه شهرها تلگراف کردند واهالی ایرانرا بهمدردی برادران وخواهران خود دعوت فرمودند بدیهی است درهمچو موقعی مردم احساسات خودرابکار گذاشته ازکمك وهمراهی دریغ نمی دارند بویژه که درنخستین بار ازطرف (دولت شاهنشاهی) اظهارلطف ببذل مبلغ خطیری بآنان دستورعملی داده شد

پس اصناف هرشهری درمقام جمع آوری اعانه گشتندو بسبب مؤسسات خیریه کمکها کردندو اهالی بایك حرارت وسرعت عجیبی بنام همدردی برخاستند چنانکه شنیدم در همدان در

مجلسیکه آقاشیخ غلامرضای واعظ طبسی این عنوان را اظهار داشتند زنان طلاهای زیوری خود رادرهمانجا بیرون آورده بنام کمك بسیل زدگان تقدیم داشتند

پس ازجمع شدن مبلغ فراوانی بنظارات آیة‌الله و اولیاء دولت قسمتی از زمین مبارك آباد راکه ازموقوفه آستانه مقدسه است برای مدتی طولانی اجاره وخانه هائی که اینك در تصرف سیل زدگان می بینیم بنا گردید وهم کسانی راکه خانهای آنان قابل تعمیر بود پول بدانها داده شد تا خرابی سیل را ترمیم کنند (پایان گفتار آقای ریحانی)

مؤلف و نگارنده این تاریخ گوید بطوریکه از بعض ازثقات و بعضی از کتابها داستان و حادثه سیل قم را شنیده و دیده ام از این قرار است که در اوائل خرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی تلگرافی و تلفونی از گلپایگان و محلات بقم خبر داده شد که با خبر باشید سیل مهیبی که قم را تهدید بخطر می کند بطرف قم جاریست

این خبر چون درقم پراکنده شد مردم تمامی هراسان و پریشان شده و متفکر بودند که چه کنند عده ئی رفتند سد را شکستند که آب دو قسمت شده و فشار و زور آن کمتر باشد که ناگاه سیل رسیده و تمامی رو بشهر گذارد مزارع و باغات سر راه و قسمت مهمی از طرف جنوب شرقی و دروازه قلعه و نصفی از ابرقوی آنوقت و خانه های زیادی در کوچه حرم و نزدیکی رودخانه را آب برده و نابود نمود

به آیة‌الله حایری قدس سره که خبر دادند خود بنفس نفیس باعلماء و دانشمندان و طلاب برای بستن سد حرکت و بیل و کلنك برداشتند با آن سیل ژیان مبارزه نموده وقتی دولتیان واهالی قم این مجاهدت و فداکاری را از آیة‌الله حایری دیدند بجلو آمده و مشغول بسد بندی شدند و معموره قم را از خطر سیل مأمون کردند خسارت این سیل زدگی در آنروز متجاوز از صدها هزار تومان بود که بحساب امروز بیش از ده ها ملیون تومان باشد

پس همت برای جبران این خسارت گماشته و صدها خانه علاوه بر قلعه مبارك آباد واقع در راه خاکفرج برای سیل زده گان و آسیب دیدگان بنا نمودند

وبگفته جناب آقای محمد علی صفوة تبریزی در کتاب داستان دوستان قلعه مبارك آباد که درسایه وجود و اهتمام آنمرحوم معمور و معمول گردیده جادارد مردم از بلاد بعیده بتماشای بلندی همت و بزرگی روح پرفتوح آیة‌الله حایری و دیدار کوی مبارك آباد بقم مسافرت نمایند

ولنعم ماقال مولی الکونین ارواح العالمین له الفداء آلة الریاسة سعة الصدر



این مؤلف گوید آن فقید معظم یکی از بزرگترین دارندگان سعه صدر و مصداق الم نشرح لك صدرك بوده است

آقای صفوة گوید در این سیل زدگی که دو سال پیش از فوت مرحوم آیة‌الله حایری بقم آمد نهصد و هفتاد و دو خانه ویران و مردم و سکنه آن آواره و بی خانه گشتند

پس آنمرحوم دست باقدامات وسیع تری زد از یکطرف بدولت وقت یادآوری فرمود که هرچه زودتر رودخانه را سدسازی کنند از سوی دولت با اعزام مأمور و مهندس بآن کار شروع گردید بحمدالله تاحدیکه رفع خطر نماید سدبندی صورت گرفت ولی فوت مرحوم آیة‌الله باعث شد که تاکنون عمل سدسازی ناتمام مانده است

واز طرفی بولایات تلگرافات مؤثر نمود که کمك و حمایتی باحوال فلاکت بار قم و سیل زده گان نمایند لذا مبلغ معتنابه و کافی از نقاط ایران فرستاده شد تجار معتمد و معتبر محلی را دستور داد که وجوه واصله را ضبط و ثبت نمایند

واز یکسو کمسیون مرکب ازمعتمدین و مردان کار آمد محل و رؤسای ادارات دولتی تشکیل داد که بوضعیت سیل زده گان و خرابیهای سیل کاملا رسیدگی نمایند

اولین اعانتی که درحق بیچارگان نمود آن بود که بهریك از مستمندان مبلغ چهل تومان آنروز که بیش از چهارصد تومان امروز باشد داده شد تا بتوانند بیاری کارگرها وعمله ها اسباب و اثاثیه خود را از زیر گل وخاك بیرون آوردند سپس اراضی مبارك آباد را از تولیت وقت به نود و نه سال اجاره کرده توسط (اسپاشوسکی) مهندس که از روسهای سفید بود خانه های بسیار ساخت که مرکب بودند از مطبخ و سرداب و دو اطاق روی آنها وانبار آب را غالباً طوری ساختند که دو خانه از آن استفاده کنند وچون عمارات باتمام رسید آواره گانرا که بسیاری از آنها در ایوان های صحنین اتابك و کهنه چون مسافرین و زائرین ازلاعلاجی مسکن کرده و جلو خود را با بستن پرده سد کرده بودند در آنخانه ها جاداده بنا و اعیان عمارات را باقباله بساکنین آنها تملیك فرمود

ونیز درجوار کوی مبارك آباد قلعه دیگری بنا کردند یعنی اطاقهای مسقف در یك جای وسیع و محصور برای مساکین که درصورت تمایل در آنخانه ها مسکن گزینند

بالاجمال کسی نشد از ضرر دیده گان که بحال او رسیده گی وارفاق نشود هزینه این خدا پسندانه مطابق دفاتر منظم تجار معتمد و نظارت کمسیون و سرپرستی مرحوم حاج شیخ بمصرف معین خود رسید بدون اینکه آنشادروان مداخله مستقیم کرده باشد

و رافة بعبادالله کافلة          بخیرماحدثت نفسها امانیها

**دیگر از حوادث مهم حوزه علمیه اعلان اتحاد شکل و سختگیری برطلاب بود**

از آنجاکه بموجب اخبار واحادیث و آیات قراینه هرکس اخلاصش درعمل بخدا زیادتر باشد خطر بیشتر باو متوجه و بلاء زیاد تر از گریبانش میگرد چنانچه فرموده‌اند البلاء موکل للانبیاء ثم للاولیاء ثم الامثل فالامثل وبگفته شاعر

(هرکه دراین بزم مقرب تراست          جام بلا بیشترش میدهند) وبمضمون لکل شیئی آفة وللعلم آفات ازروزیکه مرحوم آیةالله حایری بایکجهان اخلاص ویکعالم خلوص پابقم گذارد وباتشریك مساعی امثال باقفی ها تاسیس حوزهٔ علمیه را نمود وهرروز یك حادثه ویك ضایعه و فاجعه ویك پیش آمد بزرگی متوجه حوزهٔ علمیه شده واعلان خطر داده وحوزه روحانیت را تهدید نموده است یکروز تبعید حضرات مراجع بقم و یکروز نهضت وقیام حاج آقا نورالله وعلماء اصفهان درقم وروزدیگر تبعید حجةالاسلام باقفی ازقم وروز بعد خطر سیل و بعدازآن اعلان اتحاد شکل وسخت گیری برطلاب ومحصلین ودانشمندان وعلماء قم برای لباس وعمامه واین بلیه ومصیبت ازتمام حوادث وضایعه‌های قم برای حوزه علمیه ومخصوص آیةالله حایری قدس سره گران‌تر تمام شد زیرا اولا همینکه شیاطین انسی وجیره‌خواران ظلمه وپیروان معاویه شروع به تزریقات مسمومانه خود ووعد ووعیدها نمودند چون شب یازدهم عاشوراء که آنجماعت بیوفای دنیاطلب ریاست خواه هواجو دسته ده نفر ده نفر وکمتر وبیشتر حرکت وفرزند پیغمبر راتنها گذاردند جماعت بسیاری از طلاب و محصلین که برای دنیا واشغال مناصب جمع شده بودند دیدند لقمه چرب تری گیرشان آمده ازحوزه کناررفته وخودرا درعدد پیروان ظلم وظالم در آورده وبامتحان دادن و تصدیق گرفتن پست‌های دولتی را اختیار وسنگر دین وقرآن وامام زمان را خالی گذاردند ویل لهم ثم ویل لهم مرحوم آیت‌الله حایری با این همه زحمات وشدائدیکه مواجه شده وحوزه رابه این پایه رسانیده وبرای بقاء دوام آن طریق حزم واحتیاط وبیطرفی را منسلك گردیده ودر نهضت مرحوم حاج آقانورالله شرکت نکرد ودرداستان مرحوم باقفی بطوری متانت بخرج داد واظهار بی اطلاعی واینکه حتی اسم حاج شیخ محمدتقی راهم پیش من نیاورید وتنها منظور وهدفش حفظ بیضهٔ اسلام وحوزهٔ علمیه بود زیرا اگردراین جزرومدها وقلب وانقلاب‌ها مداخله کرده بود هرآینه ازعلم وعالم درقم اثری نبود ونه تنها درآن بلکه در تمامی ایران . بااین تقیه‌ها وصبروشکیبائی‌ها که خدا میدادند چقدر دل مبارکش از تبعید



عالم پرهیزکاری چون آقای باقفی مجروح بود ولی چاره‌ای نداشت مبتلا باهم ومهم شده عالمی ازبین برود یا اسلام البته عالم برای اسلام است امام وپیغمبر (ص) برای اسلام‌اند آیةالله حایری میدید که اگرپشتیبانی علنی ازمرحوم باقفی کند نه باقفی آزاد وجبران اهانتش شود ونه حوزه بماند ونه آستانه قم ونه شخصیت خود زیرا دارای بصیرت بود مومن کامل بود مصداق مومن اتقوا من فراسة المومن فانه ینظر بنورالله بود اوبافراست ایمانی وشم الفقاهتیکه داشت سلطان زندیق ودیکتاتور ومدلس خودرا خوب میشناخت میدانست تنها تظاهرش بارادت واخلاص واینکه مرید ومخلص ومقلد شمایم ونهایت چاپلوسی را مینمود جز تدلیس وتزویر وحقه بازی چیزدیگری نیست باطناً دشمن ظاهراً ابراز دوستی میکند از همین تظاهرات استفاده نموده باعلم بباطنش طریق حزم وسکوت ومتانت ومهر خاموشی بردهان زدن را سلوك مینمود واز آنطرفهم چه کند بگفته شاعر

در کف شیر نرخونخواره          غیر تسلیم و رضا کو چاره

تاریخ حضرت صادق وکاظم علیهما السلام را دیده که آندو بزرگوار با مقام امامت و خلافت حقه‌ایکه آنهارا بود وغاصبین مقتدر وجباری چون منصور وهارون غصب کرده‌اند وقدرت ظاهریهم برای مبارزه واحقاق حق خود ازآنها ندارند ناچار ساکت نشسته وگاهیکه احضار میشدند السلام علیك یاامیرالمومنین میگفتند مرحوم باقفی را دیده بود امربمعروف کرد سالهای دراز بتبعید وماه‌ها زندانی شد ونتیجه‌هم نگرفت بااینکه پیش مبنا واعتقاد خود مثاب ومأجور بود زیرا بوظیفه عمل کرده بود واگر نمی‌کرد مسئولیت داشت و معاقب میشد مرحوم حاج آقانورالله اصفهانی را دیده بود که یك قیام بیجا ومورد کرد نتیجه نگرفته جان خودرا هم ازدست داد (البته ایشانهم شهید ومرضی خدا ورسول ص) وامام زمان خواهد بود ونیز آیةالله قمی مرحوم حاج آقاحسین طباطبائی را دیده بود که باکمال متانت ووقار آمد خواسته‌های دینی وشرعی وعرفی مردم خراسان وایران را حضوراً برساند که ایرانی مسلمان اثناعشری میگوید من کشف حجاب نمیخواهم لباس خارجه نمیخواهم طالب بدعت دردینم نیستم طرفدار بیگانگان واجنبی پرست نیستم ملاقات که نداد بااینکه ازبسیاری ازموثقین شنیدم که بایشان عرض کرده بودند اگرشما شاه را می‌دیدید چه می‌کردید فرموده بودند خواسته‌های مشروع را تقاضا میکردم والتماس مینمودم وحتی دست اوراهم می‌بوسیدم ومی‌گفتم بیاوبگذر از مخالفت دین و معاندت باقرآن خیرالمرسلین مع ذالك آنشقی جبار بچنین عالم ربانی روی نشان نداده وامر کرد اورا

تحت الحفظ تاقصر شیرین برده واز ایران اخراج وتبعید بعراق عرب نمایند

مردم غیور ومتعصب ومتدین خراسان ادیده بود که برای درخواست حق خود پناهنده بآستانه قدس اعلیحضرت ثامن الحجج سلطان سریر ارتضا علی بن موسی الرضا علیه الصلوة والسلام ومسجد گوهرشاد شده وباکمال تضرع و زاری بدرخانه خدا رفته واز خدا استعانت میکرده ودعا میکنند که خدیا خودت دینت را یاری کن نوامیس قرآن واسلامت را حفظ کن درنیمه شب مسلسل وتوپ بروی آنها گشوده وبدن متجاوز از دوهزار نفر را چون خانه زنبور سوراخ سوراخ وجملگی را شهید نموده ونیم جان وبی جانرا روی هم زیر تل توده های خاکها نموده اند

تمام این حوادث مهمه وضایعات موئمه رادیده ودامن صبر وشکیبائی را ازکف رها ننمود فقط برای حفظ بیضه اسلام و کانون علم ودانش ایران وحوزه علمیه قم وخدا شاهد است که باین مرد نورانی چه میگذشت اگر بگویم مااودی عالم مثل مایوذی مبالغه نکرده باشم خوب باوصف این مطالب چه قدر گرانست که درمقابل تمام تحمل ها و شداید به بیند نهال های برومند باغستان علم اورا میبرند ویا به بیند گرازسیرتان و شغال صفتان و گرگ مسلکان درمیان این نهالهای تازه بر و ثمرات نورسیده افتاده وشاخ وبرگ آنهارا میریزند بطوری فشار آوردند وتعقیب نمودند که وصف نتوان کرد همه روزه چون غارتگران ترك تتار ویغماگران زنك وسودان دور مدرسه فیضیه کانون فقه ودانش را گرفته و نمیگذاشتند یکنفر عمامه بیرون آید هرکس بود فوراً بدست پلیس داده جلب بنظمیه و آگاهی نموده یا زندانی ویالباس را گرفته وعمامه را ربوده و عبارا بغنیمت برده والتزام گرفته و رها مینمودند وقناعت باین اندازه هم نکردند قدم میان حصن دین ودانشگاه روحانی فیضیه گذارده وازاطاق ها وحجرات طلاب محترم ازدنیا گذشته را چون اسیران روم وزنك کشان کشان بشهربانی برده وتوهین ها وتحقیرها وجسارات بی اندازه مینمودند شاگردان مکتب جعفر بن محمد ع و سربازان فداکار و مجاهد بانفس و شهوات ناچار بفرمان غیبی علیکم بالفرار اول طلوع فجر باهزاران ترس وبیم از مدرسه و شهر خارج و سر ببیان گذارده پناه بمسجد جمکران وشاه ابراهیم و ۴ امامزاده و کوه سبز معروف بکوه خضر وباغات اطراف شهر میبودند تاپاسی ازشب گذشته خائفاً یترقب عودت بمدارس و حجرات خود مینمودند وشب رابصبح رسانیده واول روز باز بصحرا میگریختند

یکی ازفضلاء حوزه بنام علامه یزدی در ۱۳۵۸ هجرت حکایت کرد برای این نگارنده که یکروز



دیر شد قدری فرار من ازمدرسه نماز صبح را خوانده وبرای تطهیر ازحجره بیرون آمده باآفتابه بمستراح میرفتم وهیچکس در مدرسه نبود جزمن همه فرار کرده بودند که ناگهان دیدم چند پلیس مسلح باماًمور آگاهی معروفی که جنایاتش احصاشدنی نیست وارد وچون غیر من رانديدند بطرف من آمدند تا بجرم طلبگی و ملبس بلباس دین بودن مرا جلب کنند من چارهٔ ندیدم جزاینکه متوسل بذیل عنایت صورت نماز شوم آفتابه را در کنار زمین گذارده ودر ایوانی ایستاده وتکبیر گفتم آمدند مرا دیدند که بنماز ایستاده ام اطرافمرا گرفته نشستند چارهٔ جز اطاله نماز ندیدم آیات حمد وسوره را مکرر میکردم رکوع را بسیار طول دادم وسجده را کذلك یکرکعتش راحدود یکساعت معطل تا آن مامور آگاهی به پلیس ها گفت اگر ماتاغروب هم بنشینیم نمازش تمام نمیشود درضمن طلبهٔ دیگر برادر حجرهٔ احساس کردند فوراً بتعقیب او برخاستند من فرصت را مغتنم شمارده آفتابه را برداشته وخودرا پنهان نمودم

خلاصه هرچه فشار بفرزندان روحانی و شاگردان مکتب جعفری آیةالله حایری میآوردند بر تاثرات آن یگانه پدر روحانی میافزود وخون دل میخورد و صبر میکرد وبزبان حال میگفت کلام مولاعلی علیه السلام را (فصبرت وفی العین قذی وفی الحلق شجی) آری ابنائی و اصحابی و اخوانی و تلامیذی توهن و عرضی تهتك و تفنی و گریه میکرد وگاهی بی اندازه منقلب وازخود بیخود میشد واین شداید ولطمات بر پیکره اسلام وعلم منحصر بیکی ودو نبود که آیةالله حایری برچمدار اسلام ایران وشیعه در آنروز بتواند خودداری کند هرروز غم دیگری بغم هایش افزوده میشد هنوز خودرا ازاین تسلی نداده واستراحت ننموده مصیبت وبلیه بزرگتری چون کشف حجاب برای نوامیس مسلمین ایران وزنان عفیفه ونجیبه قم وشهرستان های دیگر پیش میآمد

آیةالله حایری آنمرد ناموس پرست متعصب و غیور که برمسند غیرت الله حضرت حجة بن الحسن عجل الله الفرج نشسته چگونه صبر کند وچطور تحمل نماید و بچه ملاك مسئله عرض را که یکی ازمسائل ضروری اسلام و مذهب ماست به بیند که از بین رفته وازمیان برداشته میشود وبازسکوت کند بازمتانت نماید ازاین رویه ایشان خوب سوء استفاده نموده اندفرمودیکی ازمراجع کنونی قم واساتید حوزه علمیه که خدا توفیقش داده ومؤیدش نماید رغم الانف حسودان وغبطه آورنده گانش که شبانه باتفاق یکی از معاریف طهران که ازبردن اسمهر دوی آنها خودداری میکنم بمنزل آیة الله حایری رفتیم

ودرحیات اندرونی ایشان ملاقات کردیم و گفتیم که یکی از علماء معروف و برجسته تهران با جماعتی از نماینده گان تجار واصناف بقم آمده و کسب تکلیف میخواهند در موضوع کشف حجاب که آیا سکوت کنند و یا قیام و یا مبارزه منفی نموده بازارها تعطیل وایستاده گی نمایند آنمرحوم که خدا درجات عالیه اش را متعالی کند از شنیدن این کلام که معلوم میشود مسبوق نبودند و بایشان نرسانیده بودند بر آشفته و باحال اضطراب و تشدید فرمودند البته تاپای جان باید ایستاد و من هم میایستم (تااینجا) واشاره بر گهای گلوی خود نمودند وفرمودند ناموس است حجاب است ضروری دین و قرآنست

بلی آیةالله حایری جای این حالت را دارد که بشود و باید هم ایستاده گی کند زیرا که در مکتب اباعبدالله الحسین تربیت شده سرتاپای شیفته آنجنابست و از کثرت علاقه خود را نسبت بحایر شریف آنحضرت داده (درباب توسل ایشان مشروحاً خواهم نوشت) او رضوان الله علیه تاریخ طف را خوب میدانست و مقتل حضرت سیدالشهداء (ع) را کاملا داناً بود که آنحضرت باکثرة جراحات وخستگی جبران ناپذیر وداغها والمها و تشنگی و گرسنگی و وو که مردم بیحیا و بی شرم دراینکه مرده و یا زنده است اختلاف و برای تحقیق حال باشاره ابن سعد و یا دیگری از آن ملاعین بحرم و ناموس و عرض او حمله کرده اند وحرمله لعین فریاد می زند یاحسین درچه کاری که لشکر حمله بخیام نموده اند

آنحضرت که غیرت الله و ابن غیرت الله ومظهر اتم خدای غیور که بگفته جدش در سر قبر یکی ازمسلمین عصر خود بمناسبتی والله اغیر منی تااین کلام را از آن ظالم شنید همه المهارا ازیاد برده وبازانو بطرف مردم آمده وفریاد میکرد (یاشیعة آل ابی سفیان ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم اناالقاتلکم و انتم تقاتلونی والنساء لیس علیهن جناح)

آیةالله حایری طاب مثواه وجعل الجنة مکانه و مأواه تبعید حضرات مراجع را دید صبر کرد شهادت آیةالله حاج آقانورالله را دید صبر کرد تبعید حجة الاسلام بافقی را دید صبر کرد توهین وهتك بفرزندانش را دید صبر کرد مصیبات شدیده دیگری دید صبر کرد حال می بیند که لباس اسلام را ازبدن مسلمین درمیآورند وحجاب را ازسر زنان می ربایند ویکباره میخواهند ریشه اسلام را اکنده و قرآن را بدستور اربابان دریائی (۱)

---

(۱) چون کلاردستان انگلیسی که گفت تااین قرآن و آخوندها درمیان مسلمانهاست مابپیش نخواهیم برد (والصلیب والنصرانیة فی خطر عظیم)



ازمیان بردارند و آثار اسلام و حجت را بکلی محو ونابود کنند دیگر دید که جای صبر وتامل وسکوت ومتانت نیست برداشت تلگراف شدیدی برای رضاشاه نمود که صدورش ازایشان دارای عظمت است واین خود حجت است برای کسانیکه نسبت بآیةالله حایری تامل نموده وایفاء وظیفهٔ از تجلیل وتکریم نمیکنند ویاقصور وتقصیر می نمایند ومامضمون آن تلگراف را دراختیار عموم میگذاریم

## مضمون تلگراف آیةالله حایری بشاه وقت

(۲) پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایونی ....

عرض میشود بنده بااینکه تاکنون در هیچکاری دخالت نداشتم اکنون میشنوم اقدام بکارهائی می شود که مخالفت صریح باطریقه جعفریه وقانون اسلام دارد که دیگر خودداری وتحمل برایم مشکل است

**الاحقر عبدالکریم الحایری**

عصر مرحوم آیةالله حایری دراین قرون اخیر مهمترین اعصار اسلامی بود و بلیاتی که دراین عصر متوجه به پیکره اسلام وعالم روحانیت شده درهیچ زمانی ازازمنه و قرنی ازاین چهارده قرون اسلام نشده ومی توان گفت بعدازمصیبت یوم الطف وکربلاء اعظم مصائب برای تشیع درآنزمان بوده چنانکه برای ارباب بصیرت وشاهدین آن وقایع روشن است وهرکس غیرازمرحومان آیةالله حایری درقم وآیةالله اصفهانی در نجف برمسند ریاست روحانیت واسلام استوار بود وروبه آنهار انداشت صددرصد مفاسد بیشتر ولطمات براسلام وقرآن زیادتر میبود

بی شباهت بزمان بنی امیه وحکومت حجاج بن یوسف ثقفی نبوده چنانچه در آنزمان شیعیان آل علی علیه السلام خوار و موهون و محکوم باعدام وفنابودند درزمان شاه گذشته که معاصر بامرحوم آیةالله حایری بوده نیز مؤمنین وپیروان آل محمد ذلیل

---

(۱) صورت این تلگراف درمنزل حجة الاسلام اشراقی درمحضر مرحوم آیةالله العظمی حایری تنظیم شد ولی عین وعکس آن که حدود ۵۰۰ قطعه بود هرچه تفحص کردم بدست این نویسنده نیامد زیرا دولت آنروز جمع کرده بود وبعضی ازرجال علم حوزه مانند آیةالله حاج میرزا خلیل کمرهٔ فرنقی راهم بواسطه حامل بودن آن تلگراف تبعید وتوقیف تهران نموده که پس ازشهریور تاکنون باختیار مقیم درآنجا وبانجام وظائف دینی اشتغال دارد

وزبون بودند در کشور اسلامی ایران یهود و نصاری گبر و زردشت عزیز و محترم لکن علماء و دانشمندان و طلاب و عموم اهل عمائم بی قدر و احترام بطوری آن زندیق سم پاشی نموده و تبلیغات مسمومانه اربابان کفر خودرا تزریق در افکار توده مردم نمود که همان مردمی که دست علمایشانرا بوسیده و آب وضویشان را برای تبرك و استشفاء می بردند برگشته و بایشان جسارت و اهانت میکردند حتی با لامذهبان و خارجیان ازدین معامله می نمودند و باایشان نمی نمودند یك ماشین واتوبوس نبود که بارهبران جامعه و دانشمندان اسلام و سربازان امام زمان علیه السلام و مروجین احکام قرآن اقلا معامله اسلام که نمیکند معامله وجدان و بشریت نماید کلمه آخوند سوار ماشین و اتوبوس نکن و یا نمی کنیم که پنچر میشود هنوز ازیاد جامعه نرفته که ورد هر راننده و یا شاگرد ماشینی و یا تاجر و کاسب بازار بوده اگر اتوبوس ۲۵ نفری ۲٤ نفر مسافر بهائی و یهودی و نصرانی و مجوس و طبیعی داشت و یك مسافر عمامهٔ واهل علم و طلبه دین و لو آیة‌الله و حجة الاسلام هم بود سید و یا غیر سید و اتفاقاً تصادفی نموده و یا پنچر میشد فوراً میگفتند از نحوست این آخوند است

چه مقدار از شیعیان فداکار و گویندگان نامی اسلام و دافعین از حدود و ثغور کشور اسلامی را چون آیة‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی و برادرش حاج آقا جمال و حجة الاسلام بافقی و سید الاعلام والمجاهدین آقا سید حسن مدرس و آیة‌الله حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و حضرت آیة‌الله حاج آقا حسین قمی و علماء عالی قدر دیگر اسلام را تبعید و یا مسموم و مقتول و یا خانه نشین نموده و از مساجد و پست های دینی ساقط و ممنوع کردند هر کس حرفی می زد کلمهٔ حقی میگفت زبانش را از دهانش بیرون آورده و او را خفه میکردند کدام زمان آنقدر مسجد خراب کردند چه وقت جلوی نماز جماعت را گرفتند و مردم را از مسجد رفتن و حج نمودن و زیارت مشاهد مشرفه رفتن منع کردند؛ عصر کدام یك از خلفاء بنی امیه و بنی عباس جلوگیری از شعایر مذهبی و اذان گفتن و قرآن خواندن و عزاداری نمودن برای خامس آل عباء اعلیحضرت سید الشهداء ارواحنا له الفداء کردند از پشت‌وی خانه‌ها روضه خوانها و وعاظ و مستمعین را (باسوق العنیف) بداد گاه می بردند و پرونده میساختند و محکوم بزندان و جریمه میکردند و کسی نبوده بپرسد و یا جرئت پرسیدن داشته باشد آیا این محکوم چه جنایت در کشور اسلامی کرده از خانه کسی بالا رفته بناموس کسی نظر خیانت انداخته بر سر کسی زده آدمی را کشته عمل خلاف عفت و منافی عصمت انجام داده



اگر کسی پیدا میشد و جرئت پرسیدن داشت و می پرسید الاولابد اگر تعقیبش نمیکردند جواب می دادند خیر هیچ یك از این اعمال منکر و زشت را ننموده تنها جرمش اینستکه برای امام حسین روضه خوانده و یا گریه نموده اشهد بالله متوکل عباسی هم چنین جنایتی را نکرد و چنین ظلم و بیدادیرا بر کسی روا نداشت مساجد غریب و متروك مشاهد ویران و محجور علماء و سادات خوار و زبون و وو که قلم یارای شرح ندارد و خواننده طاقت خواندن و شنیدن شکر خدارا و سپاس اورا که مهلتش نداد و اگر میداد میدید که این کشور بقهقرا برگشته و سر از جاهلیت و بربریت و چون اندلس و اسپانیا نه از اسلام خبری در آن بود و نه از قرآن اثری فالحمدلله القاصم الجبارین مبیر الظالمین مدرك الهاربین نکال الظالمین و الحمدلله رب العالمین

این بود فهرستی از زمان و عصر طاقت فرسای آیة‌الله حایری اعلی الله مقامه و پارهٔ از جنایات و تجاوزات و بدعیکه در اسلام شد و اهانات و جسارتهائیکه بحمله قران و گویندگان لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله و مخصوص به پیشگاه مقدس روحانین و علماء عظام گردید

**صبر و تحمل طاقت فرسای آیه‌الله حایری**

قال الحکماء والفلاسفه العلم والحلم متلازمان عالم باید حلیم و بردبار باشد حلیم باید عالم و دانشمند نبی اکرم (ص) میفرماید العالم بلاحلم کالطعام بلاملح علی علیه السلام میفرماید تعلموا العلم و تزنیوا معه بالحلم امام صادق علیه السلام میفرماید الصبر من الایمان کالرأس من البدن آیة‌الله حایری موسس حوزه علمیه قم و بانی آثار حجت با آن مقام شامخ علمی که خواهم نگاشت در حلم و بردباری نظیری برایش نبوده مجسمه حلم و پیکره صبر بود اگر در آنزمان صبر و حلم را بلباس و کسوة بشر در میاوردند آیة‌الله حایری میشد

در سطور قبل توضیح داده شد که بلیات و صدمات و لطماتیکه بر اسلام و قرآن و ضروریات دین و ناموس مسلمین و مقدسات و شعائر مذهبی در دوره و زمان ایشان وارد شد در هیچ زمانی وارد نشده با تعصب و غیرت و دیانت و شجاعتیکه آیة‌الله حایری داشت ذره از حریم صبر و حلم خارج نشد و بهانهٔ دست دشمن نداد تمام این فشارها و تعدیها برای تهیج ایشان بود که بتواند مدرکی بدست آورده و بگفته خود آن زندیق و معاند با خدا و رسول که تمام علماء را از بین بردم جز این یکنفر را این هم اگر برداشتم اسلام را برداشته ام این عالم ملهم و این فقیه مفهم هم باشم الحدیثیکه داشت و گوشش بهواتف غیبی باز بود و چشمش بیناء

بنور الله چنان لباس تقوی وحلم را در بر کرد که همه وهمه حتی صبر از دست او بیطاقت شد بلی اقتداء بموالیان خود نمود (از علی آموخت اخلاص عمل) پیروی از امام حسن فرزند بزرك علی علیه السلام نمود وصبر وتحمل راشیوه مرضیه خود قرار داد و بعد از آن بزرگوار منفعت صبرش کمتر از منفعت تابش خورشید بر ذرات نبود

**حسن خلق و ملکات فاضله اخلاق او**

قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم وقال علی علیه السلام ان لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم بطلاقة اللسان وحسن اللقاء آیات واخبار واحادیث در باره حسن خلق و خوش اخلاقی وذم کج خلقی وبداخلاقی بسیار ودر کتب اخلاق چون جامع السعادات و معراج السعاده واخلاق ناصری ومکارم الاخلاق طبرسی وعدة الداعی و کتابهای اخلاق واخبار دیگر منقول ومذکور و برای اختصار وایجاز اکتفا بآن دو خبر نمودیم وعنان کلام را سوق بشرح اخلاق وحسن خلق آیة الله حایری رضوان الله تعالی علیه میدهیم

آنجناب در اقران وامثال زمان خودش مجسمه اخلاق وپیکره فضیلت بود بحدی خوش اخلاق و خوش برخورد وخوش مجلس بود که وصف نتوان کرد هیبتش سلاطین وسطوتش سطوة ملوك حلمش حلم انبیاء وخلقش خلق خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله احسانش احسان اولیاء وجودش جود وسخاوت سید الاولیاء صلوات الله علیه گاهگاهی مطایبه ومزاح مینمود که ازخصایص اهل ایمان ومؤمنین است اقتداء بامیرشان اعلیحضرت امیر المومنین علی علیه السلام و گفته حضرات ائمه علیهم السلام که (ومامن مؤمن الاوله دعابة)

مطایبات ومزاحهای علمی ایشان که شاهد حسن خلق وبشاشة وجه و خوش اخلاقی ایشانست بسیار که خود درس وپندیست برای اهل علم ودیگران وما برای نمونه یك مورد آنرا مینگاریم وقتی در بازار تشریف می بردند رسیدند بدر قصابی گاوفروشی دیدند یکی از علماء بزرك که از رفقای عتبات ایشان بوده ایستاده ومیخواهد گوشت گاو بخرد نزدیك ایشان شده ومطایبانه فرمودند (ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه) (۱) راستی وبدون مبالغه آن بزرگوار منبع ومبدء اخلاق ستوده وافعال

(۱) (جناب حجة الاسلام آقای حاج آقا رضای زنجانی که از تلامذه مهم آنمرحوم بوده گوید) بشرحیکه مرقوم شده است آن بزرگوار در قدس وورع و حیا ادب وتعمق نظر وزهد و بی علاقه گی بدنیا وریاست بی نظیر ونمونه کاملی از اصحاب ائمه هدی صلوات علیهم بودند وچنانچه قسمتی ازمقاله ضرار بن ضمره را که در باره امام الهدی



حمیده بود وازباب هضم نفس وفروتنی هیچگونه تمیز وتظاهری ازاو دیده نشد درمیان جماعت اعم ازطلاب علوم وغیرهم چو یکی از آنان بود طرز معاشرت ومجالست آنجناب بااصحاب واحباب خویش سیره نبویه را بخاطر میاورد که اگر مرد غریب وناشناسی بمجمع ومحضر آنحضرت می آمد می پرسید (ایکم رسول الله) جز فرائض دینیه تمام اعمال تطوعی آنمرحوم ازقبیل عبادات خفیه بود بمورد در وصف ایشان گفته شده

بید الامان و ذمة الرحمان ... یا راحلا بالعالم الروحانی

شلت ید الحدثان اذلك سددت ... سهم الردی شلت ید الحدثانی

و لئن طوتك فقد طوت شخصیته ... بلغت من العلیاء کل مکان

این اخلاق پاك بود که تشنگان علم و دانش و داوطلبان تقوی و فضیلت را از اقصی نقاط ایران بقم کشانیده و مدار سیکه خالی بودند ویا بامنزلگاه غربا و دراویش بود منزل ومسکن طلاب گردید قد رجع الحق الی اهله


نماز جماعت مرحوم آیةالله حایری

علی بن ابیطالب ارواح العالمین له الفداء بیان فرمود وقتی که معاویه گفت یاضرار (صف لی علیا) درمورد آنمرحوم صادق بدانی چندان راه مبالغه ننموده ایم کان فینا کاحد تالی آخره مضافا بر اینکه آن بزرگوار در حب وطن وعلاقه بمصالح مسلمین وتعالی وعظمت ملل اسلامی بالاخص ملت مسلمان ایران درجامعه علماء شیعه همت بلند ومقام ارجمند وآمال غیر متناهی داشتند داعی ازایشان مطالب بسیار زیادی دراین جهات شنیده ام که این صفحات گنجایش شرح آنرا ندارد کان قدس سره قلیل الحاجة و کثیر الشکر ومع انه رحمه الله کان ناقب الفکر صائب البصیره ورزین الرای وعمیق التدبر فی الامور کان یشاور اصحابه «و کنت فیهم» ان لم یکن فی کل الامور ففی جلها کما قال سبحانه (و شاورهم فی الامر) وایم الله انی لو کتبت (وفقنی الله لمرضاته) فی شرح خصاله الجمیلة و اخلاقه الکریمه وتادبه بالاداب الاسلامیه وما منحه الله من الفضائل والفواضل وصانه من القبایح والرزایل لتم عمری من قبل ان یتم الکتاب حشره الله مع النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئك رفیقا و کتبه بیمناه الدائرة فی شهر جمادی الاولی سنه الف و ثلثمائة و ثلث و سبعین رضا الموسوی الزنجانی

**تفقد و رسیدگیش بطلاب حوزه**

مرحوم آیت‌الله حایری با آن عزت و شوکت و عظمتیکه داشت که همه سفراء و امراء و وزراء و وکلاو رؤساء زمانش بدست‌بوسی وعتبه‌بوسی منزلش مشرف میشدند مخصوص چندین مرتبه احمدشاه مرحوم باوزراء عصر خود تشرف بزیارتش وموفق ببوسیدن دستش گردید ونیزشاه بعدازاو با دیکتاتوری وتبختریکه داشت کرارا در اوائل جلوسش بسلطنت بقم آمده و بخانه کنونیکه دراختیار ورثه آنمرحوم وآیةالله‌زاده حایریست میرفت ودست‌های ادب از شنل یاعبا بیرون آورده وتاسینه تعظیم وسلام عرض میکرد ودست ایشانرا بوسیده وبر دیده خود میگذاشت.. بابزرگواریهای دیگر ظاهری ومعنوی که داشت نسبت بفرزندان روحانی خود وعموم طلاب ومحصلین نهایت علاقه وتفقدراداشت خود بنفس نفیس باآن سن شریف کهولت از آنخانه حرکت وبمدرسه آمده وبحجرات سرزده واحوالپرسی مینمود وبسیار اتفاق میافتاد که تنهائی درنیمه شب واردمدرسه شده و آهسته بحجره‌ها رسیده گی وطلبه‌های مشغول بمطالعه وکتابت ویا تهجد ونمازشب‌راتشویق نموده وخدمت پولی میکرد و کسل‌هارا امر بتقوی وپرهیز واغتنام فرصت وجدیت بدرس وتحصیل مینمود وبرای آنهائیکه مباحثات‌را می‌نوشتند ویااز عهده امتحان خوب بر میآمدند جایزه فوق‌العاده قرار گذاشته بود وهیچ‌وقت نمیشد که طلبه‌رابرنجاندودلسرد نماید حتی اگر طلبه تنبلی ویابطلهٔ‌رامید،یددرانظارمردم وطلاب اورا تنبیه وتوبیخ نمیفرمود ازبعضی ثقات‌شنیدم که گفت وقتی طلبه مقدمات‌خوانی را برای‌امتحان در حضورایشان آوردند ازاوپرسیدند منطق‌خوانده‌ای گفت‌بلی فرمودند کلیات خمس چندتــاست گفت‌چهارتا فرمودندبشمار گفت۱ـ‌اسم‌ـ ۲ـفعل۳ـحرف ٤ـ بلدنیستم یا یادم رفته آیةالله‌خندیده وفرمودند احسن‌احسن معلوم‌میشود طلبه‌است کلیاتی‌بگوشش‌خورده بااین جواب‌عامیانه وبیسوادانه که گفت‌اورا سرزنش‌ننموده و نفرمود بیسواد اینکه کلمه‌است که شمردی کلیات خمس شماره وکم ان پنج (خمس) است وآنهم عبارت ازجنس‌ونوع‌وفصل‌و عرض‌عام‌وعرض خاص‌است

سادات ازطلاب‌رابیش‌ازبیش‌دوست داشت چنانچه بعض‌ازبنات عفیفه خودرا ببعض ازایشان‌داد بمحصل‌جدی وطلبه‌ساعی علاقه‌تامی داشت میان طلاب و فرزندان نسبی خودچندان‌امتیاز نمیگذاشت وقتی‌یکی‌ازبزرگان عباء ظریف قیمتی برای یکی ازدو آقازاده گان ایشان هدیه‌فرستادفرمودند این‌عبابرای‌توزیاداست بااینکه‌بعضی‌ازطلاب



عبانداند آنرافروخته وپول آنراچنددست‌عباءمتوسط‌خرید یکی‌را به‌فرزند برومند خودداد وباقی‌رابه‌طلاب بی‌عباعنایت‌فرمود

کلیه‌طلاب ومحصلین که‌بالغ برهزارنفرمیشدنددرآن‌دوره‌پرخطر وآفةازایشان مشهربودند بهرطلبه مجرد که‌غالباً مدارس‌رااشغال کرده‌بودند ماهی۳تومان که‌بخوبی اورا درماه اداره‌میکرد وواقعاً برکت‌عجیبی‌داشت خوداین‌نویسنده بماهی‌سه تومان که‌عنایت‌میشد حسابی گذران‌میکردم و بهرطلبه معیل وخانه‌داری ماهی ۱۵ تومان می‌رساندند که‌آنهم‌علی‌برکةالله خود وعائله‌خودرا اداره‌مینمودمضافاً براین ماهیانه و شهریه در زمستان خاکه و ذغال بآنها تقسیم میفرمود و هر وقت هم که مقروض میشدند قرض آنهارامیپرداخت واگر مریض‌میشدند درمریضخانه‌ایکه‌ازآثارایشانست وشرح‌خواهم‌داد خوابانیده و معالجه میفرمود وبعضاً خود عیادت نموده و دلجوئی میکرد ووسائل‌غذاودوای آنهارا فراهم‌مینمودودر موقع‌ازدواج‌مجردین آنهانیز کمك شایانی‌میکرد وحتی‌دروقت‌مسافرتشان خرج‌سفر مرحمت‌میفرمود وتا قبل‌از کسالت وضعفشان‌هنگام‌رفتن‌وبرگشتن‌محصلین از آنهاملاقات‌کرده و تشویق وتوصیه بتقوی واحتیاط می‌نمود

**مرجعیت آیةالله‌حایری وحزم واحتیاط اودرفتوی**

مرحوم آیةالله حایری درزمان خود بعقیده جماعتی ازبزرگان دانشمندان اعلم‌وافقه‌واتقی وازهد واورع ازمعــاصرین خود بود وبهمین‌مناسبت مرحوم آیت‌الله‌میرزا محمدتقی شیرازی که‌مرجعیت‌تامه‌یافت احتیاطات خودرابمرحوم‌معظم‌له رجوع فرمودودرسفری که‌درسنه۱۳۳۷ قمری‌ازنظراداء نذر وانجام تعهدي‌که داشت بعتبه‌بوسی ثامن الائمه مشرف‌شددراثنای‌تشرفش‌بارض اقدس آیت‌الله طباطبائی سیدمحمد کاظم‌یزدی در نجف ازدنیا رفت خراسانی‌ها استدعا کردندکه مرحوم حائری درمشهد اقامت‌گزیند اما اراکی هاکه‌یك‌دنیا فضیلت ووقار وشخصیت علمی وعملی‌ازایشان دیده‌بودند اصرار کردند که بموقف اولی‌رجعت‌فرمــاید‌بالاخره‌مسئول‌ایشــان‌رااجابت‌وقبول فرمود

وچون باراك‌برگشتند مرحوم‌آیت‌الله شیرازی اظهار خوشوقتی نمودندکه ایشان ازاراك‌بعراق عرب‌برگردند ولی‌چون عمرمرحوم آیت‌الله‌شیرازی پایان‌یافت درذیحجه ۱۳۳۹هجری‌مرجعیت‌درسلطان‌آباد)اراك بایشان‌منتقل‌شدشهریه که‌بطلاب‌داده میشد بپول آنزمان‌ماهی‌ششصدتومان‌بودوعده‌طلاب‌هم‌درآنجا ازسیصدنمیگذشت

نکته جالب توجه اینجاست که مرحوم آیت‌الله حائری با آن مقام شامخ فقاهت و علمی که داشت در فتاوی بسیار جانب حزم و احتیاط و تأمل و دقت را توجه میفرمود حتی باقر آن کمتر استخاره میکرد ومیفرمود وقتی من ومرحوم آقا رضای اصفهانی (مسجد شاهی) ومیرزا حسین نائینی وبعض دیگر رفتیم خدمت آیت‌الله استاد (همان کسیکه همواره در کتاب درر الاصول ازایشان بسیدنا الاستاد تعبیر میفرماید ) مرحوم آقا سید محمد فشارکی اصفهانی و گفتیم چرا رساله عملیه نمی‌دهی وبانمی نویسی وچرا فتوی نمی‌دهی درب منزلش ایستاد ودو دسترا بدو طرف در گذارده وفرمود والله من مجتهد هستم و خودرا مجتهد میدانم والله فتوا نمیدهم وتلاوت فرمود (تلك الدار الاخرة نجعلها للذین لایریدون علوا فی الارض ولافساداً والعاقبة للمتقین) ازاین جهت ایشان چون ناچار از فتوا دادن ورساله عملیه نوشتن شد بسیار احتیاط درامور وبخصوص درفتاوی میکرد وحقا باین حدیث( شریف اخوك دینك فاحتط لدینك ) عمل می‌نمود وبااین احتیاط کاری وآن تبحر درمقام علم وفقاهت بحدی خردمند ومجرب وکار آزموده ومدبر کم نظیر بود درمدت ۱۵ سال که بوضعیت خاص وسختگیری زمان مصادف بود وباتمام قضایا وحوادث مهمه که تهرا تماس پیدا میکرد مانند موضوع نظام وظیفه که علماء اصفهان وغیر آن چنانچه اشاره کردم درقم جمع شدند یاموضوع جمهوریت که واقعه مهمی بود و متروك گذارده شد و و و . بوجهی حل اشکال میفرمود که هم شاکیان اقناع میشدند وهم دولتیهای وقت خوشحال میگشتند

نه قیافه تظاهر ومبارزه بخودمی گرفت که آنهابهانه پیدا کنند ونه طرفداری میکرد ازآنها که بتذلیل نوع خودمنجر شود همیشه هوادار عدل وانصاف و جلوگیر ازظلم وتعدی بود

محب العدل مشکور المساعی     علیم بالسیاسة بل مؤید
ولیس الشمس تخفی عن عیون     سوی ان کان صاحبهن ارمد

ودرسال ۱۳۴۲ که شرح آن رادرحادثه اول حوزه علمیه وقم دادم علماء اعلام ومراجع بزرك نجف انتخابات کشور عراق را تحریم وامتیاز بین النهرین را برای انگلیس‌ها لغو دانستند پارهٔ پیش آمدها وسیاسات حضرات را مجبور کرد که ازعراق عرب بقم مهاجرت نمایند ویاتبعیدشان کردند مرحوم حائری پشت وروی قضیه را توجه نمیکرد وبلکه ناهنجاری هرکاری را برای برانداختن وتبدیل وترمیم آن کار قوی‌ترین حاکم وعامل



فعال ومؤثر می‌پنداشت فقط هم اومصروف به تجلیل وتعظیم مهمانان عالی‌شان بوده و آنانرا باصرار تمام واداشت که کماکان وبنتظر بافادات وتدریسات خودشان ادامه دهند وخود درس وبحث را باحترام آنها تعطیل نمود وطلاب را دستور داد وتشویق فرمود که بدرس حضرات اعلام حضور یابند واستفاده نمایند وهمین ترتیب جاری وعملی شد تااینکه پس از ۸ یا ۹ ماه توقف درماه شعبان ۴۲ بااحترام چنانچه بشرح رفت باعتاب مقدسه عودت فرمودند

**مجلس درس و بحث آیة‌الله حایری**

آیة‌الله حایری رحمة‌الله علیه تا وقتیکه در اراك تشریف داشتند درمسجد معروف به آقا ضیاء تدریس کرده ودرهمانجا هم اقامه جماعت میکردند وچون متدرجا از خارج نیز طلاب بقصد استفاده ازمحضر آنمرحوم باراك آمدند ومتعلمین وتلامذه زیاد شدند ناچار مدرس خودرا بمدرسه سپهدار انتقال دادند

اما وقتیکه درقم تشریف آوردند مدرس فقه خودرا درصبح درقبة العلماء مسجد بالاسر مطهر همانجائیکه اکنون قبر شریفش چون شمع دروسط ورفقا وهمکارانش دراطرافش چون پروانه میباشند قرار داده ومدرس اصول را درعصر هادرمدرسه فیضیه واین دومجلس ازحیث کیفیت بسیار مورد توجه وجالب نظر بود زیرا رجال وفحول علمی زیادی در آن شرکت جسته وازمبانی متقنه ایشان که فهرست ترجمه هریك آنها را خواهم نگاشت استفاده مینمودند

وگاهی راستی منظره آندرس ادرسی ایشان دیدنی بود زیرا آیة‌الله فحلی چون مرحوم آقای خونساری اشکال نموده ومحکم ایستادگی میکرد ومناظره مینمود وآیة‌الله المؤسس ونابغه فقاهت واصول رد اشکال نموده واقامه برهان برای اثبات مبنای خودمیکرد وبعضاً فقید معظم باشکال خودادامه میداد وبهمین کیفیت بحث ودرس خاتمه می‌یافت (و لنعم ما قیل فی وصفه و مقامه

یوم تبسم عنه الدهر و اجتمعت     له السعود و اغضت دونه الغیر
لما تجلی عن الامال مشرقة     قال العلی بك استعلی و اقتدر

ویشتر مبانی ایشان همان مبانی متقنه مرحوم سید استادشان آیة‌الله فشارکی اصفهانی بوددر فقه واصول چنانچه رفقای دیگرش هم چون مرحوم آقارضا اصفهانی و مرحوم آقامیرزا حسین نائینی غالباً چنین بودند وحقاً هم مبانی مرحوم فشارکی وتلامذه ایشان

ازمبانی دیگران محکمتر ومتین تر است

**توسل و تمسك مرحوم آیة الله مؤسس بائمه هدی علیهم السلام**

قال فی زیارة الجامعه من اتیکم فقد نجی ومن لم یاتکم فقد هلك مرحوم آیة الله حایری در توسل واعتصام وتمسك بذیل عنایات ائمه هدی ولا سیما خامس اصحاب الکساء علیه و علیهم السلام گوی سبقت را ازهمگنان خود ربوده بود وحتی تا این حد شاید منحصر بخود وحید زمانش بود در منزلش زیاد روضه خوانی می نمود وهمه روز پیش ازدرسش مرحوم آقاشیخ ابراهیم ترك معروف بصاحب الزمانی درمجلس چند دقیقه مرثیه میخواند وایشان و حضرات طلاب گریه میکردند وبعداز آن بمنبر رفته درس میگفتند وتمامی راهم توصیه بتوسل می کردند مخصوص توسل بحضرت سیدالشهداء وخود راهم که بحایری شهرت داده بود ازفرط علاقه وارادتش بآنجناب بود وهنگام توقف درعراق عرب وایام محرم وعاشورا در میان هم قطاران ودانایان ازراه خلوص ومحبت قصاید واشعار درمرثیه خوانده وانشاد می کرد

درسفر مکه که این بنده بسامری مشرف شدم ومرحوم آیة الله طهرانی آقامیرزا محمد عسکری رازیارت کردم بحقیر فرمودند فلانی برفقا وطلاب ومحصلین بگو علیکم بالتوسل وبعد فرمودند بایشان ازقول بنده برسان که شهرستان سامری نواصب یکی ازاماکن شیعه نشد مگر درسایه توسل وعزاداری درایام عاشورا من وآقارضای اصفهانی ومرحوم میرزا حسین نائینی وآقای حاج آقاحسین قمی وجماعتی دیگر پیراهن ها کنده وبرسر وسینه زده ودر کوچه های سامری میگشتیم ومرحوم آیة الله حایری شما حاج شیخ عبدالکریم یزدی در میان ما نوحه خوانی نموده و مرثیه میخواند

ازجمله عزاداری وسوگواریهائیکه مرحوم آیة الله حایری درایران سنت نمود که تا قیامت بمضمون قول نبی اکرم صلی الله علیه وآله که فرمود (من سن سنة حسنة فله اجر من عمل بها) درثواب آن شریك وسهیمند عزاداری فاطمیه درماه جمادی الاخره است که در ایران قبل ازایشان شهرتی نداشت ومعمول به نبود تنها فاطمیه اول درجمادی الاولی دوسه روزی متداول بود وایشان جدا میفرمودند وفات حضرت زهرا سلام الله علیها درسوم جمادی الثانی است وروایت ٩٥ اصح واوقع است تا ٧٥ روز اختلاف ازجهت تسعین وسبعین که درخط کوفی یك نحو نوشته میشود واقع شده زیرا درقدیم خط کوفی معمول به بود ووقتی بخط نسخ ونستعلیق مبدل شد بعضی تسعین را سبعین خواندند ونوشتند تا اختلاف افتاد و بسیار ازفاطمیه دوم که اکنون درتمام ایران مخصوص درمیان اهل علم وخواص رواج دارد



ترویج میکرد وخودتازنده بود درآن ایام سوگواری نموده و در مدرسه فیضیه مجلس عزا میگرفت که هنوزهم که ١٨ سال است ازفوت ایشان میگذرد آیة الله زاده گان ایشان حسب الوصیه اقامه عزادرآن ایام نموده وروح آن پدر بزرگوار راشاد میکنند

**آثار باقیه و باقیات الصالحات آیة الله مؤسس درقم**

روی الصدوق فی خصاله و مجالسه باسناده عن الصادق عن رسول الله صلی الله علیه وآله قال اذامات ابن آدم انقطع عمله الاعن ثلث صدقة جاریة او علم ینتفع به الناس اوولد صالح مرحوم آیة الله حایری نورالله مضجعه برای ادراك عمل صالح دائمی با آنهمه اشتغالات فکری که درنگهداری واداره کردن حوزه علمیه داشت و باآنهمه مراجعات که از نقاط ایران ومجامع اسلامی خارج ازکشور میشد واوقات اورامستغرق میکرد یگانه میان دار میدان اجتماع ونمونه بارز تمدن پاك اسلامی بود ازهیچ کارمفید در آسایش مسلمانان شانه خالی نمیکرد اوپدرفقیران وسرپرست مساکین بود ازآنانکه بی بضاعت یاعجزه بودند دستگیری کرده شهریه میداد نانشانرا تامین نموده وشبهای عید بمستمندان و بینوایان عیدانه میرسانید سالی احصائیه مردان عیدانه ستان بیازده هزارتفر رسیده بود

عجبا بجاری البحر کفك فی الندی او ما دری لا یستوی البحران

سالیکه قیمت نان ترقی کرد وفقرا ازمجاعه بسختی افتادند دارالاطعامی ترتیب داده وفقرا را جمع آوری کرد وشب وروز آذوقه واطعام آنها رادرعهده گرفت وبدین وسیله از تلف نفوس مساکین جلوگیری شد

آیة الله حایری آثار و باقیات الصالحاتی از خوددر قم گذاشته که مادامت السموات والارضین بنام ایشان ثبت ودراجر وثواب آن بهره مندند ازجمله آنها برای بهداشت ضعفاء وفقراء مریضخانه مختصری ترتیب داد مرحوم سیدالاطباء کهکی را معالج بیماران معین کرد پس ازآنکه اوضاع گرانی تخفیف یافت و دارالاطعام تعطیل شد بیمارستان بحال خود باقی بود وکم کم صورت ظاهر خوشی پیدا کرد وبرای اعاده صحت بیچاره گان وسیله خوبی شد

درخلال این احوال مرحوم حاج میرزا سید محمد فاطمی قمی (مستشار دیوان تمییز) پس از فوت پسر منحصر بفردش خدمت حاج شیخ اعلی الله مقامه و درجته عرض کرد وجهی موجود دارم نمیدانم بچه مصرف خیری برسد فرمود خوبست که آن بساختن یك بیمارستان آبرومند صرف شود آنمرحوم بدون تردید امتثال واقدام کرد زمین مناسبی را خرید

بادستیاری حاج آقاعلی فهیم التجار بساختمان بیمارستان فاطمی مشغول و کلنك اول را
مرحوم حاج شیخ بزمین زد وازطرفی هم مرحوم سهام الدوله که ازارادتمندان حاج شیخ
بود فوت کرد ودر وصیت نامه خود مرحوم حاج شیخ عبدالکریم مؤتمن الملك مشیر الدوله
راوصی وحاج آقااحمد کرمانشاهی آل آقا و حاج میرزا یحیی خان احتشام تهرانی را
ناظر قرار داده بود مرحوم حاج شیخ درامر وصایت مداخله مستقیم خودرا مقدور و میسور
ندیده آقای شیخ علی مدرس تهرانی راازجانب خود وکیل و نائب معین فرمود

پس از آنکه اوصیاء بکارهای مربوط بوصیت رسیدگی کردند درخدمت حاج شیخ
اظهار داشتند که وجهی از ثلث سهام الدوله موجود است بهر نحوی صلاح بدانید درقم بمصرف
برسد مرحوم فرمودند مایلم مریضخانه مهمی که بدرد مردم بخورد ودر صورت امکان جهت قبرستان
نو پلی ساخته شود

پس بیمارستان سهامی برای عموم بینوایان وفقیران و بیچارگان ساخته شد که هنوز
دایر و مردم مستمند از آن استفاده میکنند و نیز در کنار آن بیمارستان فاطمی و آیة الله
ازهر دو آن بهره ثواب دارد

ودیگر از آثار ایشان درقم قبرستان نو در کنار رودخانه است که بدستور ایشان
از ثلث مرحوم حاج ابراهیم تهرانی بایك غسالخانه ساخته شده بود برای تسهیل در کار
حمل جنائز وعبور ومرور بوجود پلی احتیاج مبرم داشت جمعی ازغافلان وجاهلان محل
باهر نظری که داشتند بساختن پل عدم تمایل نشان دادند فلذا مسکوت ماند

تاتوفیق نصیب آهنچی شده همان پل را ازمال خود ساخت که الحال برای قم بنای
سودبخش و آبرومندی شده (رحمة الله علیه) فکیف کان باصرف نظر ازجزئیات مطالب و
مشکلاتی که در انجام اینگونه اعمال خیر وخداپسند پیش آمده بود مریضخانه باسرمایه
مرحومین فاطمی وسهام الدوله وبانیکوکاری ومراقبت وسرپرستی حاج فهیم التجار
ساخته شد مع الاسف باآنهمه شوق وولعیکه حاج شیخ مرحوم داشت دایر شدن بیمارستانهارا
ندیده چشم ازدنیابست

بگذار بگیتی اثری زانکه در آفاق    تاچشم بهم برزنی ازما خبری نیست

ودیگر از آثار ایشان تعمیر مدارس قم و بخصوص دو مدرسه فیضیه ودار الشفا است
که قبل از ایشان مخروبه و بلاطلبه بوده و نیز طبقه دوم مدرسه فیضیه از آثار ایشانست وتفصیل
آنرا خواهم نگاشت انشاالله تعالی



ودیگر کتابخانه مدرسه فیضیه که دارای چندین هزار مجلد کتاب ازهر موضوع
می باشد که همه روزه مورد استفاده قرائت ومطالعه صدها طلبه واقع می شود

ودیگر که ازهمه مهمتر است دایر بودن حوزه علمیه قم ومحصلین علوم دینیه
هستند که شکر خدارا روز بروز رونق دیانت وروحانیت درتوسعه وافزایش است و
فضلائی که ازمحضر فیض اثر آنجناب ادب درس وادب اخلاق ونفس یاد گرفته اند الحال
درشهرستانهای ایران متکفل امور دینی مسلمین هستند ومیراث خیر آنمرحوم می باشند
که فهرست آنهارا یاد خواهم کرد هم کسانی که ازمکتب ایشان فارغ التحصیل شده و
هم کسانی که ازمکتب مرحوم آیة الله العظمی آقای حجت انارالله برهانه بدرجه
رفیعه اجتهاد وپیشوائی مردم رسیده واکنون ملیونهانفر ازوجودشان بهرمند می شوند
وخودآنها افتخار دارند که مااز آثار سی ساله حوزه علمیه قم ومکتب آیة الله مؤسس و آیة الله
مجدد مرحوم آقای حجت و آیة الله خونساری می باشیم

وافی علی غیر میعاد یبشرنا    بان ستتبعه امثاله الاخر

دوچیز نیز ازاخلاق پاك وکرامات تابناك آنحضرت لایق ذکر وکتابست یکی فقر و
ناداری اوست درزمان فوت تمام اثاثیه خود ودوبسر کمتر از هزار وپانصد تومان بوده و
مبالغی مدیون بود زیرا که بابت تاهل یك پسر وعروسی سه دختر قرض کرده ونخواسته از
سهم امام بردارد چون طلبکاران آگاهی یافتند که مرحوم حاج شیخ ذخیره ودارائی ندارد
ذمه اورا بری کردند

ولست اری السعادة جمع مال    ولکن التقی هو السعید

ودیگر مزار بودن قبر شریف آنجنابست ازتاریخ غیبت کبری تاکنون علماء جلیل القدر
که بحق حائز مقام ولایت عامه بوده آمده ورفته اند وقبور ایشان هم غالباً معروف و مزار
بوده ولیکن قبر هیچیك از آنها مانند مدفن مرحوم حاج شیخ عبدالکریم مورد توجه و
ازدحام مسلمین نبوده است بندرت اتفاق می افتد که کسی بآستان بوسی حضرت معصومه
علیها سلام مشرف وموفق گردد وقبر آیة الله حایری رازیارت نکند وتلاوت قرآن ننماید
شاید این موفقیت موهوبی درنتیجه هضم نفس وتواضح آن بزرگوار می باشد که در ایام
حیاتش بدان متصف ومتخلق بوده

بقدر آنچه شوی پست سربلند شوی    گرفته ایم عیارش بلند و پستیها

اطراف قبر ایشان شموس مضیئه واقمار منیره عالم روحانیت وعلم وفقاهت آرمیده که

هر کدام یک کتاب ترجمه احوال دارند و بموقع خودچون آیةالله حایری رجل برجسته
و نابغه بوده اند

١- آیةالله آقای آقاسید محمد بن آیةالله آقاسید عبدالله برقعی متوفی ٢٠ ربیع الثانی ١٣٥٠ ق

٢- آیةالله آقاشیخ محمد مازندرانی ابن آیةالله الشیخ زین العابدین المازندرانی متوفی ٢٣ جمادی الاخر ١٣٥٠ ق

٣- آیةالله آقای آقاشیخ ابوالقاسم کبیر متوفی اواسط ماه جمادی الاخره ١٣٥٣ ق

٤- حجةالاسلام حاج سید احمد عراقی ابن آیةالله حاج سید محسن عراقی متوفی ١٠ ذی الحجه ١٣٥٦ ق

٥- آیةالله آقای حاج سید حسین کوچه حرمی متوفی ١٥ ذی القعده ١٣٥٧ ق

٦- آیةالله آقای آقاشیخ محمدعلی حایری قمی متوفی دوشنبه ٢٢ ربیع الثانی ١٣٥٨ ق

٧- حجةالاسلام حاج شیخ محمد تقی بهبهانی متوفی دوم ربیع الثانی ١٣٦٠ ق

٨- آیةالله حاج شیخ مهدی حکیم قمی متوفی جمعه نوزدهم ماه شعبان ١٣٦٠ ق

٩- حجةالاسلام حاج سید حسین شوشتری متوفی ١٨ محرم ١٣٦٢ ق

١٠- آیةالله حاج سید فخر الدین قمی (السبط المیرزا صاحب القوانین) متوفی ٣ شعبان ١٣٦٢ ق

١١- حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عیسی لواسانی متوفی ٢ صفر ١٣٦٤ ق

١٢- حجةالاسلام والمسلمین حاج سید محمد باقر قزوینی متوفی ٢٨ صفر ١٣٦٤ ق

١٣- حجةالاسلام حاج سید محمد صادق بهبهانی ذی القعده ١٣٦٤ ق

١٤- آیةالله حاج شیخ محمد تقی بافقی متوفی ١٢ جمادی الاولی ١٣٦٥ ق

١٥- آیةالله حاج سید محمد تقی خونساری متوفی ٧ ذی الحجه ١٣٧١ ق

١٦- آیةالله حاج سید صدر الدین صدر متوفی ١٩ ربیع الثانی ١٣٧٣

وجماعتی دیگر از مؤمنین و اخیار و اتقیاء و متدینین قم چون اخوان عمادالاعلام حاج شیخ علی اصغر و حاج شیخ علی اکبر سلامت و از این لحاظ آن بقعه ببقعة العلماء والاتقیاء خوانده میشود

### رحلت آیةالله حایری و خواب دیدن آیت الله صدر او را با بزرگترین حوادث حوزه

مرحوم آیةالله حایری مؤسس حوزه با دیدن تمام ناملایمات و حوادث و وقایع جهانسوزیکه قم و حوزه علمیه بخود دید سبارزه منفی نموده و کمال صبر و ثبات را ملازم میبود لکن وقایع و حوادث مهمه اخیر اورا از پای در آورد توپ بستن بآستانه قدس رضوی و مسجد گوهرشاد و کشتن چندین هزار شیعه را در آن آستان



و کشف حجاب و سخت گیری بر طلاب و اهل علم و منع از عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام و بعضی از اهانتها و همز و لمز ها که از ناحیه مخالفین و بیدینان و یا وابسته های بآنها نسبت بآنجناب میشد روح ایشانرا افشار میداد و بگفته اقای صفوة جای حیرت و تاسف نه بلکه برای همه از عالی و دانی مورد عبرت و تنبه است که آنجناب با دل مالامال از رنجش و ملال در گذشت و تاحدی از زمان و ابناء زمان در زحمت و شکنجه بود که از سه چهار ماه پیش از مرگش پیوسته

---

مرحوم حجةالاسلام خطیب فحل و واعظ دانشمند آقای میرزا محمد تقی اشراقی ابن آیةالله مرحوم حاج میرزا محمد (ارباب صاحب اربعین الحسینیه) متوفی ٢٥ ماه رمضان ١٣٦٨ ق

مرحوم حجةالاسلام آخوند ملا عبدالله قمی متوفی ١٣٥٧ ق

این دو بزرگوار نیز از علماء عالیقدر مدفون و مجاور قبر آیةالله حایری هستند که از ذکر آنها در مدفونین (بقعه حایری) غفلت شده و در اینجا جبران شد

واز قبوریکه در همین روزهای اخیر بمجاورین قبر آیةالله حایری اضافه شده بین قبر مرحوم حاج سید حسین کوچه حرمی و آقاسید محمد رضوی برقعی قبر جناب حجةالاسلام آقای حاج میرزا سید حسن برقعی است و ایشان ایده الله تعالی گرچه در قید حیات و از علماء عالیمقام قم هستند و ترجمه احوال و آثارشان در جزء دوم این تاریخ میآید اما چون خود قبل از موت تهیه قبر خود را نموده و لوحه قبرشان از مواعظ حضرات ائمه معصومین علیهم السلام است برای عبرت و اندرز خود و دیگران نگاشته و طول عمر آنجناب و علماء ربانی دیگر را از خدای متعال مسئلت دارم

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله و ان علیا ولیه - قال : ع : اوصیکم یا عباد الله بتقوی الله و ذکر الموت فان الدنیا ماضیة بکم کما مضی بآبائکم حیوتها لهو و لعب وحبها رأس کل خطیئة و النفس فی هواها هالکة لا نجاة لها لانها امارة بالسوء فاستظهروا ابزاد التقوی و قطع علائقها

اقول یا اخوانی انی عشت مثلکم فیها فما اعلم منها غیر ان الغایة القیامة فتوبوا الی الله و حاسبوا نفوسکم قبل ان تحاسبوا و انفقوا مما رزقکم الله ینفعکم یوم الحسرة و الندامة هذا مرقدی الاحقر المعترف بذنوبه المرجو الی عفو ربه الحاج میرزا حسن بن السید عبدالله الرضوی البرقعی القمی قدتوفی فی ...

بذکر امن یجیب المضطر اذادعاه مشغول و خلاصی از زندان حیات مسئول او بود و کاهی میفرمود دیگر مرك سر قفلی دارد (فیاموت زران الحیوة ذمیمة) ای مرك بیا که زندگی مارا کشت و در اواخر عمر شریفش بسیار خلوة و اعراض و انزوا را دوست میداشت و غالباً در غیر وقت درس و تحصیل طلاب در سالاریه مرحوم متولی بزرك پدر آقای مصباح التولیه تولیت حالیه که بایشان نهایت ارادت و اخلاص و علاقه را داشت بسر می برد روز بروز بر ضعف و کسالتشان افزوده میشد

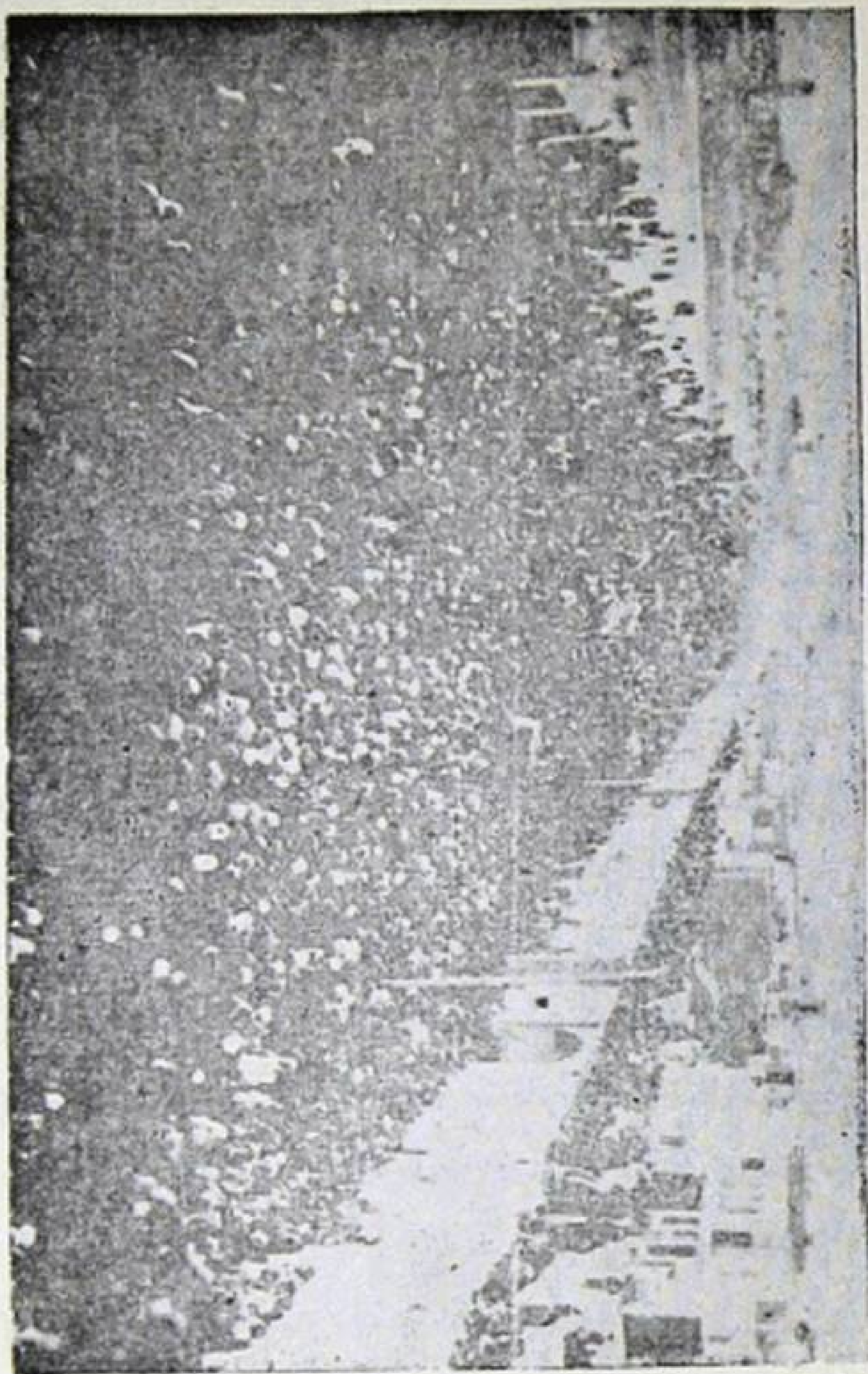

آیة الله حایری و تولیت در سالاریه

زیرا دیگر برای مرد متعصب و متدین غیور با مشاهدات آن حملات و تهاجم بتران مقدس و نوامیس مسلمین جای تامل و صبر و طاقت نبود و بگفته یکی از مراجع و اساتید فعلی حوزه که کرارا از او شنیدم مرحوم حاج شیخ بمرض دق از دنیا رفت خلاصه ضعف بالای ضعف و غصه بر غصه ایشان اضافه می شد تا درشب هفدهم ذی القعده ۱۳۵۵ از دنیای فانی فارغ و از ناملایمات آن راحت گردید ومضی من عمره الشریف ثلث وثمانین سنه ۸۳ انالله وانا الیه راجعون

وهمینکه این خبر درقم منتشر شد مرم قم دیوانه وار از زن و مرد کوچك و بزرك از خانه‌ها بیرون ریختند و خاك ماتم بر افشاندند و فریاد گریه و ناله بلند کردند با اینکه سیاست میشوم و مذموم دولت آنروز که تلاش برای از بین بردن اسلام و قرآن میکرد این بود که تظاهر دینی به لااله الاالله گفتن و یاحسین سرودن نشود و بقدری جدیت و سعایت برای جلوگیری این معنی میکردند که وصف نتوان کرد راستی مردم عهد متوکل و بنی امیه را از یاد بردند مع ذلك تمام اهل قم شیون کنان بر سر و سینه زنان در تشییع جنازه اش حاضر وحقیقةً اگر لشکر سلم و تور هم میخواست از این احساسات مجنونانه آنها جلوگیری کند



نمیتوانست با این کیفیت بآستان آورده و بر او حضرت آیة الله حاج میرزا فخر الدین قمی شیخ الاسلام قم نماز خواندو در جوار علیاحضرت فاطمه سلام الله علیها در همین قبر شریف بخاك سپرده شد


منظره از تشییع جنازه آیة الله حایری در عهد پهلوی که از هر تظاهر دینی جداً جلوگیری میشد

عبدالکریم آیة الله قضی و انحل من سلك العلوم عقده

حضرت آیة الله حاج آقا صدر الدین صدر رضوان الله علیه قصیدهٔ در مرثیه و تاریخ فوتش سروده‌اند که درمیان قصائد و مراثی بسیاری که در ضایعهٔ فوت ایشان گفته شده بیشتر مرضی خدا و مورد توجه آنمرحوم واقع گردیده

عبد الکریم آیة الله قضی - و انحل من سالك العلوم عقده

اجدب ربع العلم بعد خصبه ـ وحد ارکان المعالی فقده
کـان لاهـل العلـم خیر والدـ و بعده امست یتـامی ولـده
کوکب سعد سعد العلم بـهـ ـ دهرا و غـاب الیوم عنه سعده
فی شهر ذی القعدة غـاله الردی بسهمـه یـا لیـت شلـت یـده
فی حـرم الائمة الاطهـار فـی . شهـر الحـرام کیف حـل صیده
دعـاه مـولاه فقـل مورخـا لدی الکریم حل ضیفا عبده (۱۳۵۵)

فرمود پس از انشاد این قصیده در عالم رویا دیدم در باغی هستم که فوق العاده از حیث اشجار و اثمار و ازهار و انهار و خیابانها زیبا و قلیل النظیر است و من در خیابانها قدم میزدم شخصی از مقابل بمن رسید و گفت میل دارید آقای حاج شیخ را ملاقات بنمائید گفتم کدام حاج شیخ گفت آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری گفتم کمال میل را دارم

افتاد جلو و گفت بفرمائید سه چهار خیابانی طی کردیم رسیدیم بفضائی که وسط باغ بود و بحوضی مصادف شدیم که اطراف آن گل کاری شده بود و درسمت راست آن فضا عمارتی بود که سه چهار پله از زمین باغ مرتفع بود و درهای چند بطرف باغ داشت نگاه کردم دیدم در آخر اطاق گوشه دست راست حاج شیخ تکیه بدر نموده و بباغ نگاه میکند من سلام کردم و باعجله بالا رفتم وارد اطاق شدم ثانیاً سلام کردم جواب دادند و برخاسته تعارف کردند خدمتشان نشستم احوالپرسی کردم جواب فرمودند الحمدلله خیلی خوب است ایشان هم از شخص بنده و رفقا و حوزه علمیه احوال پرسی کردند جواب دادم الحمدلله خوبست از جواب من و اخبار سلامت و حسن حال مسئول عنهم بشاشت و مسرت در ایشان ظاهر میشد در این بین پیش خدمت وارد و در دست خود فنجانی بود که خیال میکردم چائی باشد نزد آقای حاج شیخ گذاشت فرمود این را برای من درست کرده اند بعد اشاره به پیش خدمت کرده فرمودند برای آقا هم بیاور رفت و یك استکان چائی آورد در تمام این جریانات تصور میکردم که ایشان زنده هستند و بباغ آمده اند عرض کردم تنها تشریف دارید اگر میل مبارك باشد من هم خدمت شما باشم فرمودند خیر شما کار دارید و بشما کار دارند و باید بروید و بعد هر دو دست بلند کردند فرمودند من تنها نیستم خیر تنها نیستم در آن میان ملتفت شدم که ایشان فوت نموده اند ثانیاً احوال پرسی کردم و ایشان هم احوالپرسی نمودند، بعد نظری بطرف باغ انداختم ایشان همچون فهمیدند که من بمنظره باغ مجذوب شده و از نزاهت و طراوت آن استعجاب میکنم مختصری نیم خیز کرده و هر دو دست را بلند و بطرف من اشاره



کرده و فرمودند (لدی الکریم حل ضیفا عبده) من فوق العاده تعجب کردم که چگونه از شعر و تاریخ گفتن من مسبوق شده اند از شدت تعجب از خواب بیدار شدم

و یکی دیگر از قصائد و ماده تاریخهای خالص و قربة الی الله که باصدق نیت گفته شده در فوت ایشان این ابیات است

عجب از سیرت بی ارزش دنیای دنی صلح ناکرده ز اول دل دانا با او
زهد و دنیا طلبی سازنیا یند بهم نشده یك قدمی سازش دنیا با او
بی مکارم نرسد فایده علم بکس گرچه علم و هنرش بوده چو دریا با او
گشت از حوزه علمیه روان سوی جنان آنکه شد ماحصل دانش و تقوی با او
نشنیدیم در این ملك چو او مردی راد همه اسباب شرف بوده مهیا با او
خود اگر داشت کسی دیده بینامی دید رسم و آیین تدین که هویدا با او
همه کس را نرسد رتبه همپائی وی «فیض روح القدسی بود به پیدا با او»
گفتم این چامه که داور بکشد روز پسین خط بطلان بخط جرم خطاها با او

## تاثیر فوت آیة الله حایری و حادثه پس از آن

(قال رسول الله صلی الله علیه و آله اذامات العالم ثلم فی الاسلام ثلمة لایسدها شیء وقال اذامات العالم بکت علیه السموات والارضون اربعین صباحاً ) در کتب اخبار و احادیث و تفاسیر عامه و خاصه درذیل آیه (ومابکت علیهم السماء وما کانوا منظرین) و بعضی آیات دیگر وارد شده که موت عالم و دانشمند مخصوصاً کسیکه مرجع و پیشواء بزرگ و آراسته بملکات فاضله اخلاقی و ملبس (بلباس التقوی ذلك خیر ) باشد تاثر عمیقی در جامعه و جهان هستی دارد بطوریکه آسمانها و زمینها و هوام و حشرات و وحوش و طیور و سباع برای فقدان او متاثر شده و گریه میکنند و حتی بمضمون خبر قبلی آسمانها و زمینها برای او تا چهل روز گریانند چنانکه برای انبیاء و پیمبران الهی تا چهل سال میگریند

رحلت و فوت مرحوم آیة الله حایری آن مجسمه حقیقت و معنویت و پیکره علم و فضیلت درچنان بحران و کوران عصر تاریکی که تمام دستها و قوای مرموزه اجنبیان و دشمنان دین و مملکت برعلیه قرآن و اسلام فعالیت میکرد و روزی نبود که بدعت تازه و منکر جدیدی تحمیل مردم ضعیف الایمان ایران نشود بزرگترین ضایعه قرون اخیر و عصر ما بوده زیرا که تمام علماء و دانشمندان بزرك و فعال و متعصب و متنفذ را یا تبعید و یا زندانی و یا مسموم و مقتول و یا خانه نشین نموده بودند و تنها مرد میدان مجاهده که بامبارزه منفی دشمنان را بعقب

وازتهاجم وحمله اساسی آنها جلوگیری میکرد معظم له بود آیة الله حائر با آن متانت و بردباری وتقیه ومحافظه کاری که مشروحایان شد دشمن را که همواره میگفت همه را از میان بردم اگر این یکی راهم می بردم از اسلام ودین آسوده شده واز حدود وقیود آئین ومذهب آزاد وراحت میشدیم بزانو در آورده ومجذوب خود گردانیده بود

درصبح ۱۷ ذی القعده ۱۳۵۵ ق که این خبر درقم ووسیله تلگراف وتلفون در تهران و سایر بلاد منتشر شد همه واز همه مردم باایمان متاثر شده و بلیات بزرگ دیگری برای خود پیش بینی کردند وهمه جامتاثر ونگران ترقم وبالاخص حوزه علمیه وروحانیین قم وایران بود زیرا دراواخر آنجناب ناظر آن همه فشار وسخت گیری ها بودند ودیدند چه کردند بادین واهل دین وعلم واهل علم امادرمقابل دشمنان دین وعلم وروحانیت بسیار خوشحال شده وبیکدیگر تبریك می گفتند مخصوص مأمورین دولت که بامر دولت دیکتاتور حربی دین خود تمام قوارا ازبرای از بین بردن دین وحوزه روحانیت مجهز کرده واول کاریکه نمودند این بود که نگذاشتند نصف روزهم برای آن فقید معظم فاتحه ومجلس یادبود وسوگواری گذارده شود وآمدند مردم وبخصوص علماء وطلاب رامتفرق کرده و مجلس فاتحه را در همان ساعت اول بهم زده وجمع کردند وهروقت باهل علم میرسیدند میگفتند چرا شمامعطل هستید بزرگتان که مرد واز میان رفت شما دیگر چه میخواهید بروید ازقم ومتحد شکل شوید ومتفرق گردید دوره آخوندی تمام شد وازاین قبیل جسارتها می کردند وحتی از بعضی از بزرگان حوزه شنیدم که میگفتند ما انتظار یکهفته راهم نداشتیم که درقم باشیم ومیگفتیم حتماً باماهمان کنند که (آتاترك ها) وشورویها باعلماء وطلاب ترکیه وروسیه نمودند یعنی بامار ابدریا ریخته ویانیمه شب دربیابا نها تیرباران کنند والبته بی خیال هم برای این مطلب نبودند بلکه صددرصد بناوتصمیمشان این بود منتهی بمضمون کریمه (یریدون لیطفؤا نور الله بافواهم والله متم نوره ولو کره الکافرون) وبگفته (خدا کشتی آنجاکه خواهد برد اگر ناخدا جامه برتن درد) نیز وعد (هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون) وصریح کریمه (انانحن نزلنا الذکر واناله لحافظون) خدای عزیز کید ومکروشر آنهارا بخود آنها بر گردانیده و حوزه علمیه را از آن خطرات بیابی حفظ نموده وباینجارسانید که امروز اولین مرکز علوم ودانش جهان شیعه باشد

واگر آنروز نگذاشتند فاتحه وعزاءعلنی ورسمی درقم وطهران وسایر شهرستانهای



ایران گرفته شود اولا مردم علاقه مندقم عموما تایکسال تمام عزادار آنمرحوم شده وغالباً درخانه های خود فاتحه گذارده وبنام آنجناب اقامه عزا وسوگواری نمودند وبکوری چشم دشمنان تاامسال که سال هجدهمی فوت آن بزرگوار است همه ساله درشب وروز هفدهم ذی القعده مجلس فاتحه باعظمتی تشکیل شده وحتی دروس راتعطیل نموده وبیاد آن فقید معظم ومؤسس مکرم درمجلس فاتحه شرکت وبزیارت مزار وقبر شریفش تبرك میجویند اعلی الله درجته واسکنه الله بحبوحة جنته

برای آنجناب کرامات ومکاشفات وخوابهای عجیب بسیاریست که غالباً لمامطرز اول ودوم ومتدینین کامل الایمان ودیگران دیده اند که اگر بخواهم آنهارا بنگارش آورم خود رساله مستقلی خواهد شد برای اختصار تااینجا ترجمه معظم له راخاتمه داده آثار وباقیات الصالحات ایشان را متذکر میشوم

بهترین آثار آیت الله حایری
یادگار فرزند فاضل و برومند او

قال رسول الله ص اذامات ابن آدم انقطع عمله الاعن ثلث وولد صالح یستغفرله این حدیث بچند طریق رسیده ودربحث آثار آیت الله حایری تمام آنرا یاد کرده ودراینجاموضع حاجت راآورده ایم مرحوم آیة الله مؤسس قدس الله نفسه الزکیه از آن اخلاص وروابط سری و مخفیانه ای که باخدای عزیز خود وموالیان خود داشت اسباب خیر و تذکره بخیر برای او فراوان است حوزه علمیه تاقیامت براو رحمت فرستد بیمارستان ومبارك آبادتا روز واپسین براو درود نثار کنند وآثار دیگر او تابحشر اورا بخیر وثنا یاد نماید واعظم ازهمه دو فرزند ارجمند او جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای آقامرتضی وحجة الاسلام آقای آقا مهدی حایری آیة الله زادگان حایری تاابد بر این پدر بزرگوار استغفار کنند

وحقیقة چنانچه متفق علیه کل است هردو این نهال برومند صالح وشایسته بهترین یادگار آنمرحوم اند امافرزند اکبر وارشد آقای آقامرتضی که درفضل وکمال وگفتار و کردار زهد وتقوی وتواضع وهضم نفس ثانی آن پدرعزیز ومعظم است ومصداق این بیت

بابه اقتدی عدی فی الکرم      فمن یشابه ابه فما ظلم

جامع کمال وفضیلت وواجد علم وفقاهت ودارای حلم ووجاهت وحائز اجتهاد وشخصیت است حسب رابانسب توام نموده پدری چون آیة الله حایری مؤسس حوزه دارد که تاقیامت این افتخار ویژه اواست وپدرزنی چون مرحوم آیة الله حجت که مبقی ومجدد حوزه است دارد که بالواسطه داماد پیغمبر و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیهما است وتاروز رستخیز این

شرافت را صاحب تحصیلات مقدماتش نزد اساتید فاضل و باتقوای حوزه و سطوحش نزد فضلاء تلامذه مرحوم آیة‌الله حایری و بیشتر دروس اجتهاد و خارجش نزد پدر دیگر خود (اب زوجك) حضرت آیة‌الله حجت حدود ۱۸ سال بوده تا نایل بمقام منیع اجتهاد و استغنای از رتبه وضیع تقلید و اکنون هم از مفاخر و فضلاء مرتبه اول و اساتید عظام مرتبه دوم حوزه علمیه قم محسوب است و اما فرزند اصغر و رشید آیة‌الله حایری جناب حجة‌الاسلام آقای آقا مهدیست که در میان بسیاری از آیة‌الله‌زادگان و مراجع اسلامی گوی سبقت را در آراستگی و پیراستگی و وجاهت مقام و مناعت طبع و لیاقت کمال ربوده است جامع علم و فضل و حاوی عقل و خرد و عالم علم الاجتماع و لایق و شایسته ریاست و زعامت و زمامداری جامعه است زیرا مورد قبول قاطبه مردم از دولت و ملت شاه و رعیت و عالم و تاجر است و اکنون در طهران دارای موقعیت شایانی میباشد تحصیلات ایشان در قم چون برادر بزرگوارش نزد فضلاء و دانشمندان حوزه علمیه و مباحثات خارج و اجتهادش در خدمت مرحوم سیدنا الاستاد آیة‌الله حجت که بسیار علاقه و محبت بایشان داشت تا نایل بدرجه اجتهاد گشته و مجاز گردیده است و ترجمه آن دو نور دیده اسلام را در جزء دوم کتاب در جای خود خواهم نگاشت

**تالیفات مرحوم آیت‌الله حایری**

مرحوم آیة‌الله حایری رضوان‌الله علیه با آن کثرت اشتغال و ریاست عظمائی که داشت نهایت علاقه بتالیف را داشت و از خود رساله و جزوات و کتابهای مفیده برای ابناء روحانی بیادگار گذاشت در فقه کتاب صلوة را در ۴۷۱ صفحه در اصول کتاب درر و غرر را که هر دو مطبوع طبع و طباع و مورد استفاده دانشجویان فقه و اصول است

**مدارس حوزه علمیة قم که در زمان ایشان دائر شد**

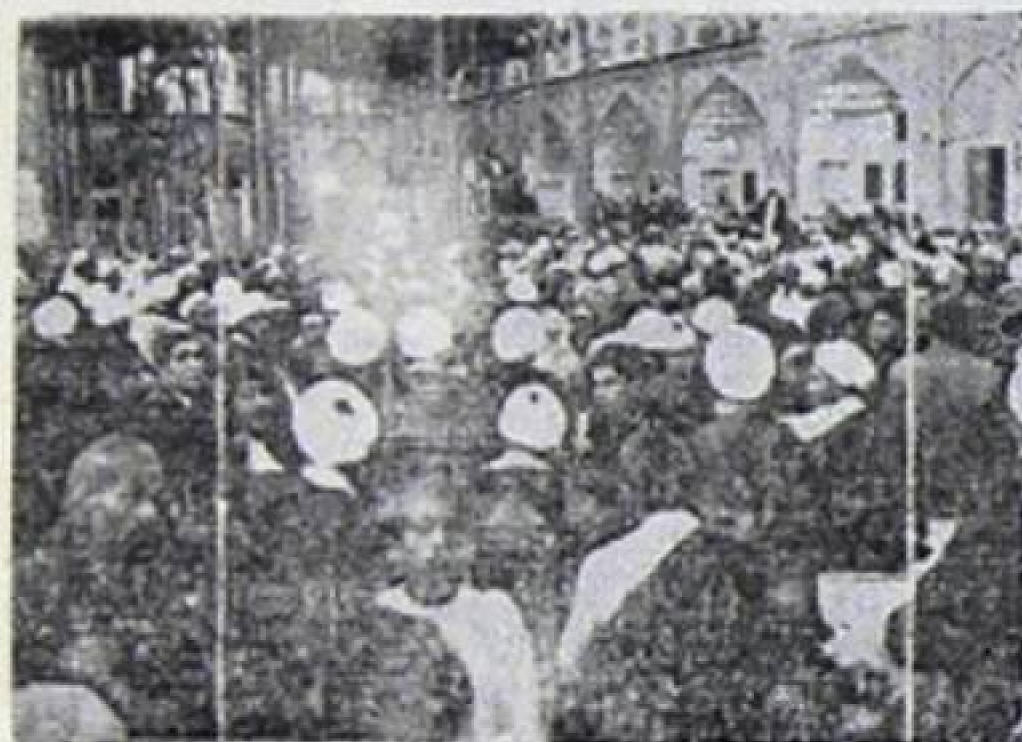
درسابق اشاره کردیم بمدارس قم که قبل از ورود آیة‌الله حائری خالی از سکنه و مهمترین آنها فیضیه و دارالشفا مسکن فقراء و دراویش و بی‌چارگان بود و پس از تشریف فرمائی ایشان و جدیت و همت آنجناب از غربت بیرون آمده و مسکن اهل علم و فضل و تقوی شد

اما مدرسه فیضیه که امروز دانشگاه روحانی قم و مجمع فضلاء و دانشمندان و منظره روح‌بخش و فرح‌افزائی دارد و مرکز حوزه علمیه قم است دائرترین و بزرگترین مدارس دینی ایران و بلکه جامعه تشیع است و موقع عصر بسیار جالب توجه و نظر و از تمامی مدارس قم و ایران و بلاد شیعه پرجمعیت‌تر و پرسر و صداتر است بانی اولیه حجرات تحتانی آن؛ مرحوم فتحعلی شاه قاجار و بعد در زمان آیة‌الله حایری حجرات فوقانی ساخته و روز



بروز بر عظمت آن افزوده و در زمان ایشان مرکز درس اصول ایشان و تا ماه ذی‌الحجه ۱۳۷۱ قبل از فوت آیة‌الله خونساری محل درس صبح و عصر ایشان و مدرس درس اصول حضرت آیة‌الله بروجردی و امروز هم اساتید حوزه چون حضرت حجة‌الاسلام شریعتمدار تبریزی و حجة‌الاسلام آقا شیخ محمد علی عراقی و حجة‌الاسلام آقای آشیخ عباسعلی شاهرودی و بعض دیگر تدریس می‌کنند و در موقع ظهر جناب حجة‌الاسلام آقای حاج سید احمد زنجانی با صدها نفر از طلاب و مؤمنین اقامه جماعت و شبها جناب آقای آشیخ محمد علی عراقی برای سکنه آن مدرسه امامت می‌نماید

و این مدرسه محل و مرکز بزرگترین و حساس‌ترین مجلسهای تبلیغاتی و فواتح و شعائر دینی می‌باشد و در آن صدها نفر از وعاظ و خطبای برجسته و نامی اسلام چون مرحوم حاج شیخ محمد سلطان و آقای حاج شیخ محمد همدانی واعظ و مرحوم حاج سید یحیی یزدی و طبسی واعظ و مرحوم حجة‌الاسلام اشراقی و خطیب شهیر آقای فلسفی و آقای انصاری و آقای برقعی و آقای تربتی داد سخن داده‌اند

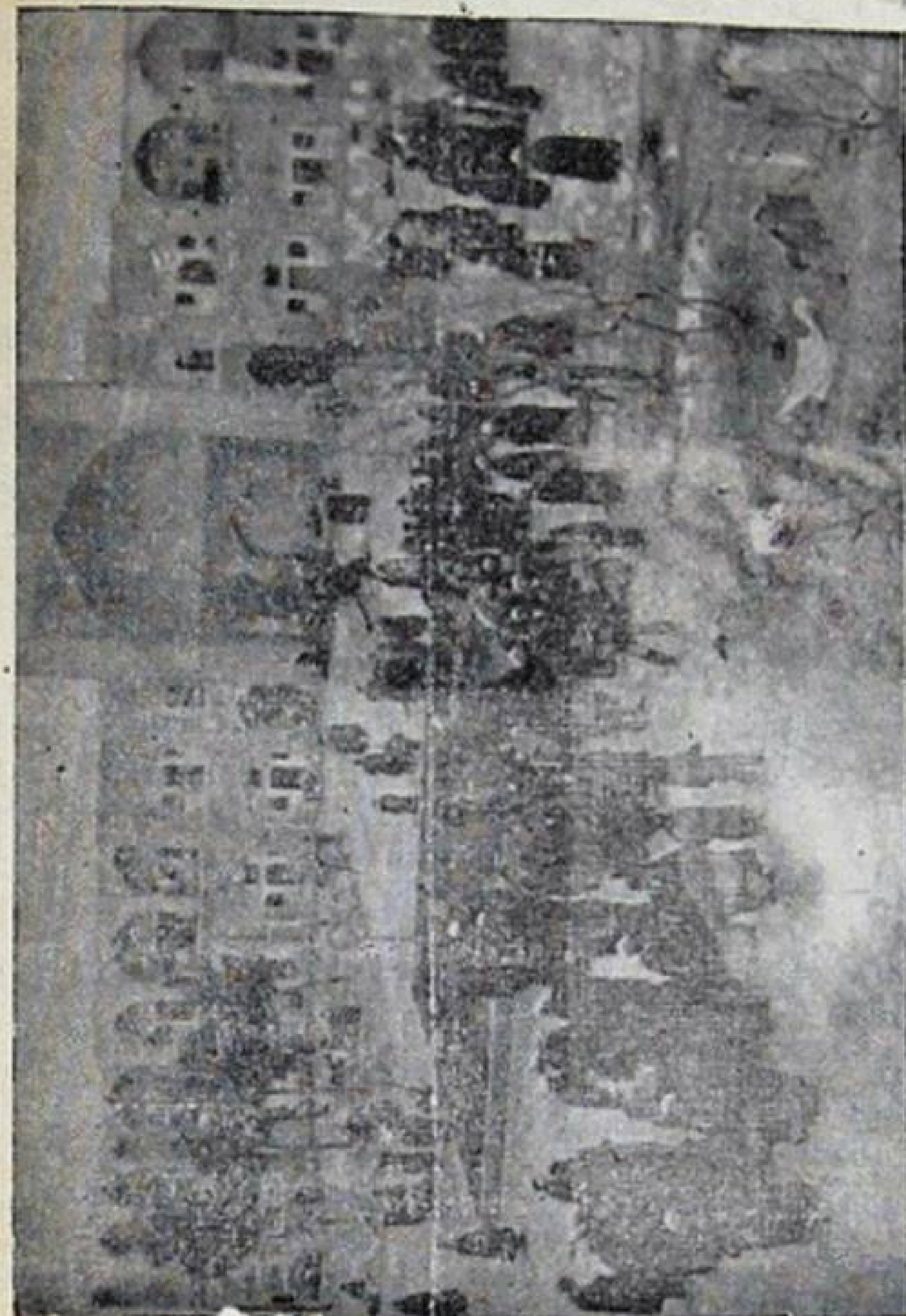


منظرة از اجتماع طلاب در یکی از مجالس فیضیه

و این مدرسه دارای صد و کسری حجره دارد که در هر حجره دو سه نفر طلبه مشغول تحصیل و بیتوته هستند و سکنه آن متجاوز از سیصد نفر طلبه است که از نقاط مختلف شد رحال کرده و در این دانشگاه شرکت نموده و با یك روح بسیار باز و عالم وجد و نشاط مبارزه با مادیات و شهوات می‌کنند

یکی از اطبای معروف و بزرك تهران بنام آقای لقمان الدوله ادهم وقتی از این مدرسه عبور کرد و وضع مدرسه و بشاشت و سرحالی طلاب و سکنه آنرا دید و گفت یکی از ادله توحید و وجود خدا همین مدرسه است زیرا با هوای نامرتب و وجود پشه‌های مالاریائی فراوان این جوانانی که سلولهای بدنشان مهیا برای پذیرفتن میکرب مالاریا و سایر میکربها است در این کانون و مرکز میکربهای مالاریائی و غیره بسلامت و نشاط زندگی می‌کنند این خود دلیلی است برای بودن خدا و حقانیت این مردم

ووقتی نظراین بنده است درفواتح مرحوم آیت‌الله اصفهانی در همین مدرسه مرحوم حجة‌الاسلام اشراقی واعظ بالای منبر برای تشویق وتسلی حضرات علماء ومراجع وآقایان طلاب میگفت که زمان مرحوم آیة‌الله حایری درخواب دیدم که حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام دراین مدرسه مشغول نهال کاری وغرس اشجاراست روشن است که مراد از



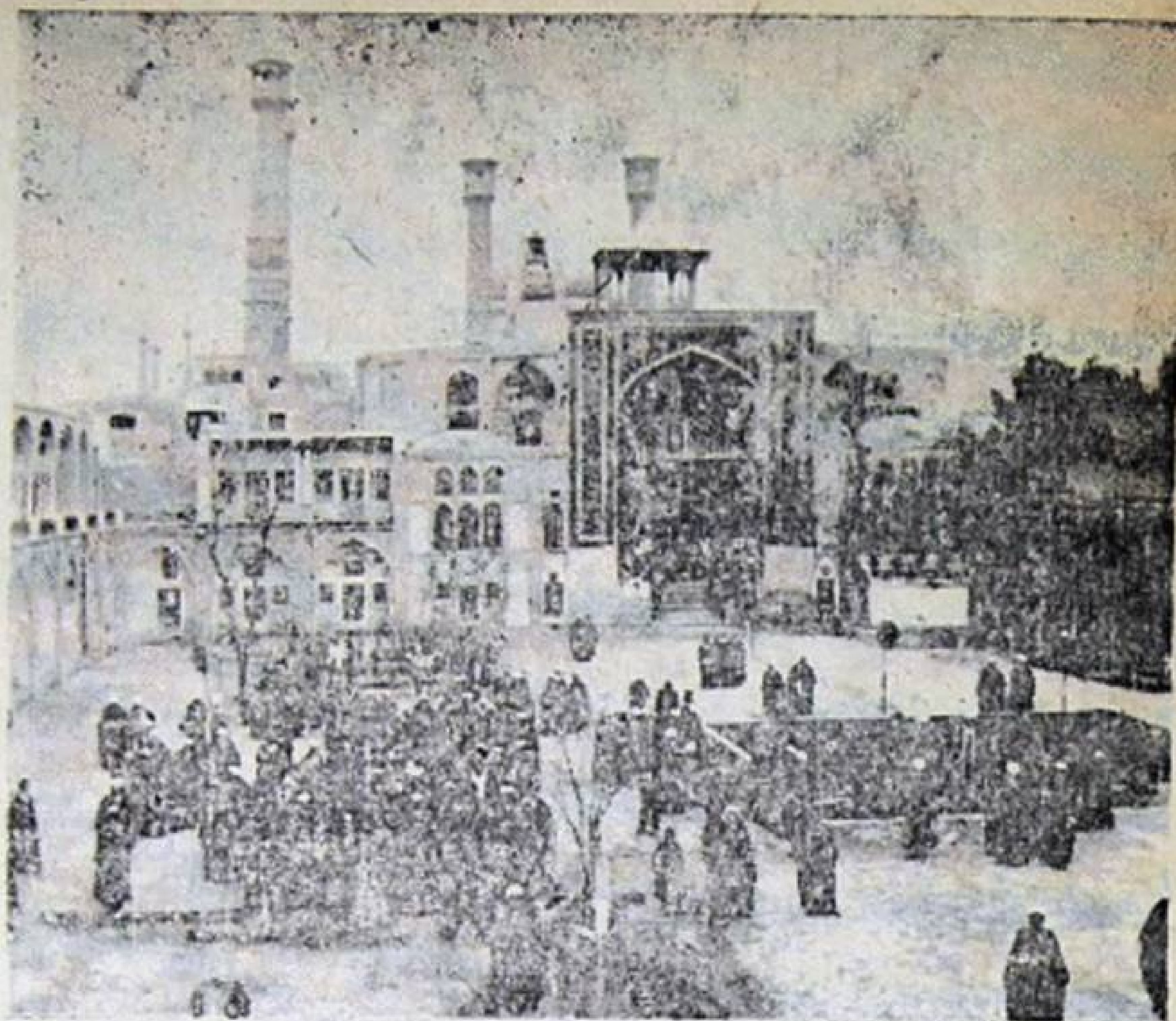
منظره قسمت شمالی مدرسه فیضیه بزرگترین مراکز روحانی ایران

نهال کاری وغرس اشجار همین نهال‌های برومنداسلام واشجار مثمره طلاب و محصلین این مدرسه است که ثمره وفایده آنها بعالم اسلام رسیده ومیرسید چنانچه فرموده‌اند (منهاتفیض العلم الی سایر البلاد)

کتابخانه حوزه علمیه که ازتاسیسات آیة‌الله حایریست دراین مدرسه قرار دارد و مورداستفاده وقرائت ومطالعه عموم طلاب قم است



منظره قسمت جنوبی دانشگاه فیضیه ودورنمای آستانه مقدسه



واما دارالشفا که درقدیم مستشفی ومریضخانه آستانه بوده ورراهر و زوارو معبر عمومی مردم بمدرسه فیضیه واز آنجا بآستانه مقدسه فاطمیه علیهاسلام درزمان آیة‌الله حایری درآن بیش ازحجرات تحتانی نبوده وبعدازایشان بهمت چندتن ازتجار خیراندیش طهران آقای نیکزاد توتونچیان وبعض دیگر طبقه فوقانی آن بااسلوب جدیدساخته و اکنون سوم مدرسه حوزه محسوبست وحدود پنجاه حجره داردو بالغ بر یکصدو بیست طلبه وسه سالست که بامر حضرت آیة‌الله بروجردی محدود و ازمعبریت عامه افتاده ومخصوص تحصیل طلاب وسکونت آنهاشده است ودراین زمانهم حجرات شرقی فوقانی وتحتانی نوبنی بااسلوب جدیدبآن اضافه گردیده ودیگر مدرسه مبارکه وعظیمه حجتیه است که امروزحجت برتمام مدارس وشرح بناوعظمت آنرادر ترجمه پر افتخار بانیش خواهم نوشت انشاءالله تعالی

دیگر مدرسه عبدالله‌خان درخیابان ارم مقابل میدان آستانه است که هنوز بهمان وضع قدیم وحجرات مرطوب محل سکونت حدود سی نفراز طلاب حوزه علمیه است

دیگر مدرسه حاج ملاصادق است درمیدان میر ودیگر مدرسه مرحوم آیة‌الله حاج سید

صادق روحانی قمی است و دیگر مدرسه رضویه در بازار و مدرسه جانی خان در مقابل مسجد جمعه قم در پائین شهر وتمام این مدارس مطروس ازطلاب وعلاوه هزاران نفر طلبه مجرد که درمدارس جای خالی نبوده درخانه‌های کرایهٔ ساکن میباشند

### ورود شخصیتهای مهم علمی وسیاسی واجتماعی جهان درقم وحوزه علمیه از اول تاسیس آن تافوت آیت الله حایری قدس الله نفسه الزکیه

درمقدمه کتاب وعده دادیم که دراین تاریخ اشاره بورود شخصیتهای برجسته دینی وعلمی وسیاسی واجتماعی جهان دردوران تاریخ حوزه نموده وبطور اجمال وفهرست ترجمه بعضی ازآنهارا توضیح دهیم اکنون دراینجا بوعده خود وفا نموده واطلاعات خودرا در این مورد تقدیم جامعه علم وادب وفضل وحسب می نمایم

شهرستان قم ازجهتی که مقام یکی ازمشاهد مشرفه اسلامی ومدفن حضرت فاطمه معصومه علیها سلام وحرم اهل بیت ومرکز علم ودانش بوده است ازصدها سال قبل بلکه ازهزاران سال پیش محل ایاب وذهاب (رفت وآمد) رجال ونوابغ اسلامی وسایر طبقات مردم بوده درزمان صفویه بواسطه اینکه سالها اقامتگاه ومسکن مرحوم صدر المتالهین آخوند ملاصدرا صاحب اسفار اربعه وشاگردان برجسته اوچون جناب حکیم متاله وفقیه کامل مرحوم محدث کاشانی ملامحسن فیض که دانشگاه ومدرسه فیضیه منسوب باوست باآخوند فیاض وصاحب شوارق وشرح مطالع ودیگران بوده محل رفت وآمد مردم بزرك بوده که اگر ضبط شده بود خود کتابی میشد

ازسنه ۱۳۴۰ هجری مبدء تاسیس حوزه تاکنون که ۳۳ سال ازعمر این مؤسسه گذشته است قم وحوزهٔ علمیه مردان بزرك ونوابغ سترکی را درعلم وتقوی وسیاست و اجتماع وغیره پذیرائی نموده که معاریف آنهارا ازاول تأسیس حوزه تافوت مرحوم آیةالله مؤسس دراین جا نگاشته وازبعدازفوت معظم له تاامروز را درجزء دوم این تاریخ خواهم آورد

۱ـ مرحوم آیةالله آقای حاج میرزا محمدرضای کرمانی درسال ۱۳۴۳ق بقم مشرف ومورد تجلیل آیةالله حایری وعموم دانشمندان واقع گردید

مرحوم آیةالله حاج میرزا محمدرضا فرزند مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج ابو جعفر فرزند مرحوم آیةالله حاج آقا احمد کرمانی است که ازتلامذه صاحب فصول وصاحب جواهر بوده وبا رئیس شیخیه شهر خود حاج محمد کریم خان قاجار معاصر وشاگرد یك استاد بوده‌اند



گویند یکروز هردو دردرس صاحب فصول پهلوی هم نشسته ومذاکره علمی میکردند حاج محمد کریم خان شیخی میگوید آیا اجتماع ضدین نیست اینکه میگویند در جهنم ملکی است که نصف بدن آن ازبرف ونصف دیگر ازآتش است مرحوم آیةالله میفرماید خان والا چرا جهنم میروید دراین عبا شما هم که یك حاشیه آن سیاه ودیگرش سفید است جمع اضداد شده اگر بنظر شما جمع ضدین این باشد (مؤلف گوید) بیسواد آنقدر تشخیص نمیداد که جمع ضدین درچه صورت است

خلاصه پس ازمراجعت آن بزرگوار بکرمان بنا امخالفت بافرقه شیخیه راگذارده واصل نزاع شیخی وبالاسری کرمان ازایشان شروع شده وکتاب بی نقطه وهم علمی دررد آن فرقه نوشته که جناب حجةالاسلام آقای حایری کرمانی میفرمودند من آن کتاب را دیده و افسوس میخورم که چرا استنساخ ننمودم وپس ازفوت ایشان نوبت بفرزند ایشان مرحوم حاج آقا ابو جعفر والد آیةالله کرمانی رسیده وتا آخرین نفس بارقیب شیطان خود حاج زین العابدین خان کرمانی شیخی مبارزه دینی نموده وپس ازاو ایشان آیةالله حاج میرزا محمدرضا بامشارالیه وتبعه اوجنگیده وحتی حکم بنجاست آنها نمودند

معظم له ازتلامذه برجسته مرحوم آخوند خراسانی وعلامه یزدی ومراجع بزرك دیگر نجف وازرجال برجسته وعلمی عصر خود واول شخص ومرجع وملجاء مردم کرمان بوده و چنانکه اشاره کردیم چون والد ماجد ومعظم خود بافرقه ضاله ومضله شیخیه کرمان مبارزات شدیدی نموده وازآنجماعت مخذول وگمراه هم صدماتی دیده وهمه را برای خدا تحمل نموده است

شرح احوال آنجناب وخدماتش مفصل وازعهده این تاریخ بیرون است درکرمان ازدنیا رفته وقبرش مزار مردم کرمانست برای اووقبرش کراماتی دربین مردم کرمان معروف است

۲ـ مرحوم آیةالله آقای آقارضای مسجدشاهی اصفهانی ازشخصیتهای برجسته ورجال علم اصفهان وتلامذه مبرز مرحوم میرزای بزرك شیرازی ومرحوم آیةالله آقاسید محمد فشارکی ومرحوم آخوند خراسانی وهم مباحثه ورفیق شفیق مرحوم آیةالله حایری بوده و کمال خصوصیت وصمیمیت رابا ایشان داشته وآنجناب هم بسیار احترام وتعظیم ازمعظم له مینموده دراوائل سال ۱۳۴۴ه وارد قم ومورد استقبال وتکریم آیةالله وحوزه علمیه گردیده و درمدرسه فیضیه شروع بتدریس وبمنبر افاضه وافاده بالا رفته وحدود یکسال فضلاء را از مبانی علمی وبیانات متقن خود مستفیض وهمواره مرحوم آیةالله حایری فضلاء تلامذه خود

راتوصیه ومنبعث برفتن درس ایشان میفرمود

این مرد بزرگوار واسطوانه علمی باکمال فقاهت وعلمیت که حلاج مبانی اصول وفقه بوده بسیارخلیق وخوش محضر ومطایب ومزاح بوده. ومعروف است که وقتی دردرس استاد خراسانی خود اشکال نموده واصرار می کند مرحوم آخوند خراسانی بایشان خطاب نموده ومی گوید ساکت آخوند خر. ایشان باصراحت لهجه مخصوص خود سری تکان داده ومی گوید (قیدش توضیحی است) که استاد وهمه رابخنده می آورد. درحوزه علمیه قم تاپس ازشهادت مرحوم آیةالله آقای حاج آقانورالله اصفهانی عم معظم خود تدریس نموده وپس ازآن باصفهان مراجعت ودرآنجا اشتغال بتدریس ومرجعیت نموده تاازدنیامی رود

۳ـ مرحوم آیةالله آقای حاج میرزامحمدصادق اصفهانی ازرجال علم وسیادت اصفهانست که بامرحوم حاج آقانورالله شهید وسایرعلماء اصفهان بقم آمده وتاچندماه تشکیل جلسه درس ومباحثه داده وفضلاء برجسته راازمحضرخود برخوردار نموده است

٤ـ مرحوم آیةالله آقای آشیخ محمدصادق شیرازی که از اسطوانه‌های علمی فارس و مراجع آن عصروآنسامان بوده درسال ۱۳٤۷ تقریباً بقم وارد شده وحوزه علمیه راازمقدم خود بهره مند نمودند

٥ ـ آقای میرزاعنایت‌الله اخباری‌زاده مرحوم آقای میرزامحمداخباری مقتول ساکن حوالی بصره که ازمراجع مهم عرب بوده درسال ۱۳٤٥ قمری بقم ورودنموده وپس ازمدتی بوطن خود برگشته است

٦ ـ مرحوم آیةالله آقای حاج میرزا محمد کفائی نجل مرحوم آیةالله آخوند ملا محمدکاظم خراسانی که سالها ریاست حوزه علمیه مشهد وخراسانرا عهده‌داربوده ودر انقلاب مشهد ومسجد گوهرشاد بامرپادشاه ظلم وقت ازراه یزد تبعید بتهران ودرآنجا بطورمرموز ازدنیارفته ودرمشهد سیدنا عبدالعظیم الحسنی درمقبره مرحوم ناصرالدین شاه شهید قاجار مدفون گردید

این مردشریف پس ازمراجعت ازمکه درسال ۱۳٤۷ هجری بقم وارد ومورداحترام مخصوص آیةالله حایری و عموم دانشمندان واقع ودرمدت توقفش درقم بین ایشان و مرحوم آیةالله خونساری مباحثاتی واقع شده که مورد گفتگوی بعض فضلاء میباشد

۷ ـ مرحوم آیةالله علی الاطلاق دراقطارهند آقای آقاسید نجم الحسن هندی موسس



(مدرسه الواعظین) هنددرسال ۱۳٤۹ قمری بقم وارد وپس ازدوروز توقف در مسافرخانه بنابدعوت آیةالله آقای آقانجفی مرعشی بمنزل آنجناب وارد ومورد تجلیل آیةالله حایری گردیده وباآنحضرت پیش نهاد تاسیس مدرسة الواعظین نموده وبعدازچندروزحرکت کردند

۸ـ مرحوم آیةالله آقای آمیرزا ابوالحسن انگجی تبریزی که اول شخص روحانی آذربایجان ومرجع تقلید آنسامان بوده بعنوان تبعید ازوطن خود بامردولت وقت بقم آمده و تامدتی هم اقامت نمودند

۹ـ مرحوم آیةالله الشیخ عبدالحسین البغدادی که ازتلامذه مرحوم آیةالله آمیرزا محمدتقی شیرازی ومرجع تقلید شیعه بغداد بوده درسال ۱۳٤۹ بقم ورودنموده است

۱۰ـ مرحوم آیةالله العظمی حاج سیدحسن جبل‌عاملی صاحب اعیان الشیعه ومولفات دیگر که ازمراجع عظام عصرما درشامات و سوریاولبنان بوده وصیت کمال وفضلش مستغنی ازتوصیف این حقیراست بقصدزیارت حضرت ثامن الحجج درسال ۱۳٥۳ هجری وارد ایران ودرتهران موردتجلیل دولت وملت وشاه ورعیت گردیده وبرای زیارت روضه فاطمیه وملاقات آیةالله حایری بقم آمده وموردتجلیل وتعظیم واستقبال همگی ومخصوص آیةالله حایری وحوزه علمیه گشته بحدیکه مرحوم آیةالله حایری تا موقع توقف ایشان محل نمازخودرا واگذار بآنجناب کرده ونهایت پذیرائی رااز این میهمان عزیز نموده است



مرحوم آیةالله جبل‌عاملی ازمردان بزرگ علم وتقوی زمان مابوده وبرای ایشان دونوبت تشرف بحضور حضرت ولی عصرارواحناالتراب مقدمه الفداء ورزقناالله رؤیته درمکه معظمه حاصل شده که این نگارنده بایک واسطه موثق یعنی جناب عمدة الاخیار آقای حاج میرزاعلی حیدری تهرانی از آنجناب درحال حیات وبعدازوفاتشان شنیدم غیرازچند نفرازعلماء وموثقین دیگر که حکایت کردند

وخلاصه حکایت آن که از جناب

حاجحیدری مذکورشنیدم از این قرار است

فرمود در تهران ازمرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاجشیخ اسحق رشتی فرزند مرحوم آیةالله حاج میرزا حبیب الله رشتی از آنجناب شنیده وبعددرسفریکه مشرف به مکه شده در مراجعت بشام آمده وخدمت ایشان مشرف شده کم وکیف آنرا پرسیدم فرمودند در زمان مرحوم شریف حسین آخرین حاکم شریف مکه وحجاز بمکه ومشرف شده ودر ایام موسم حج وعرفات ومنی متوجه بحضرت ولی عصر امام زمان حجة بن الحسن عجل الله له الفرج گردیده واینکه بنا برقاعده واستفاده ازاخبار واحادیث همه سال آنجناب بمکه مشرف و درمیان حاج ومعتمر اعمال ومناسك حج میگذارد حال شوق ملاقات حضرتش بر من دست داده واز خدا این توفیق رامسئلت نمودم وبسیار الحاح کردم ولکن ایام حج گذشت واین نعمت عظمی مراروزی نشد پس تصمیم مراجعت بعراق وشام رانموده که بیایم وبرای سال بعد باین منظور مشرف شوم سپس حساب آمدن وبرگشتن رانمودم دیدم صرف نمی کند که باشتر ویاکشتی آمده وباز برای عام قابل مشرف شوم پس بنارا برتوقف گذارده وتاسال بعد ماندم ودرسال بعد هم درایام حج موفق نشدم تاسال سوم الی پنج سال یا ۷ سال درمکه ماندم (تردید درمدت اقامتش ازنگارنده است) ودرخلال این مدت با مرحوم شریف حسین مراوده مخصوصی پیدانموده ودرگاه وبیگاه بدون حاجب ومانعی بمنزل او وارد واوراملاقات مینمودم تادرسال مزبور درایام حج استارشریفه خانه کعبه را گرفته و گریه بسیاری نمودم از اینکه چرا تا کنون دراین مدت همچو منیکه عالم وسید واز مخلصین دین وآنحضرتم موفق نشدم پس از گریه زیاد برای بی توفیقی حال تفرج وگردش درکوه های مکه بمن دست داده ازمسجدالحرام بیرون آمده واز کوهی بالا رفتم چون بفراز کوه رسیدم درآنطرف کوه مرتع سبز وخرمی که هرگز مثل آنرا ندیده بودم نگریسته وتعجب کردم که دربیابان ووادی غیر ذی زرع مکه این خضارت وچمن زار کجاست وچرا دراین چند سال اینجا نیامده واین مکان راندیده ام پس از فراز کوه بنشیب آمده ودر میان آن چمن زارخیمه وچادری را دیدم بطرف آن آمده که جویای آن سر زمین شوم دیدم جماعتی درمیان خیمه نشسته وشخص بزرگواری برای آنها صحبت میکند باینجای مطلب اورسیده که میفرمود اولادوذراری جده ماحضرت فاطمه زهرا علیها السلام درموقع مردن تلقین ایمان وولایت بآنها شده وبادین حقه ازدنیا میروند پس از اصغای این کلمه سبزی وطراوت آن زمین مرابخود مشغول متوجه شده وقتی برگشتم بخیمه بنگرم و



وآن اشخاص وآن بزرگوارا اثری از آن خیمه ومردم آن ندیده بطرف آن چمن زار متوجه شده از آن هم چیزی نیافتم خودرا درپای کوه دربیابان گرم وسوزان وخشك مکه یافتم برخاستم واز کوه بالا آمده واردمکه شده اوضاع مکه راطور دیگر دیدم مردم رادیدم باهم آهسته صحبت می کنند عسکرها رانگران دیدم پرسیدم گفتند (احتضر الشریف یاالشریف محتضر) بعجله بطرف منزل شریف آمده دیدم کسی را راه نمی دهند امامرا که می شناختند مانع نشدند وارد شدم شریف را درحال سکرات دیدم وقضات و علماء چهار مذهب را دراطراف او نشسته ونزدیك اوپسر بزرگش منهم نزدیك شریف نشستم ناگاه دیدم همان بزرگواری که درمیان آن خیمه آن عبارت را فرمود برای آنجماعت ازدر وارد شده وبالای سرشریف نشست وباو فرمود قل اشهدان لااله الاالله گفت و فرمود قل اشهدان محمد رسول الله (ص) وگفت وفرمود قل اشهدان علیاً ولی الله وخلیفة رسوله گفت وفرمود قل اشهد ان الحسن حجة الله گفت وفرمود قل اشهد ان الحسین تااینکه فرمود قل اشهدانك حجة بن الحسن حجة الله وگفت پس ازجا برخاسته وبیرون رفت من که تاآنساعت که گویا ازخود رفته بودم بخود آمده دیدم شریف درآخرین کلام اقرار مرده است دراین هنگام علماء چهارمذهب روبهم نموده وگفتند (ان الرجل لیهجر) شریف هذیان می گوید پس بسرشریف گفت بلی ازپدرم شنیدم که میگفت هریك ازپدران من که میخواستند بمیرند درموقع مردنشان همین هذیانها را گفته اند

پس خوشحال شدم که خدای متعال مرا بی نصیب نگذارد وباین کیفیت دوبار آنحضرت را ملاقات کردم مرحوم آیةالله حاج سیدمحسن جبل عاملی درسال ۱۳۷۱ ق درشام ازدنیا رفته اعلی الله مقامه وانار الله برهانه

۱۱- حضرت آیةالله فی الوری آقای حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء که ازمراجع عصر حاضر درنجف اشرف ومردان بزرك علم وکلام مناظره وصاحب قلم وبیان وتصنیفات وتألیفات بسیاراست درسال ۱۳۵۰ هجری وارد بقم وبمنزل آیةالله حائری نزول وازهر جهت مورد تجلیل وتبجیل آیةالله واقع ودرصحن مقدس منبر بسیار مهمی رفتند وپس از مدتی بنجف مراجعت نموده وتاکنون درقیدحیات وبتدریس ومرجعیت عرب وتألیف اشتغال دارد

۱۲- حضرت آیةالله العظمی آقای حاج سیدعبدالحسین شرف الدین عاملی صاحب فصول المهمه والمراجعات وتصانیف دیگر که اکنون بمرجعیت علی الاطلاق لبنان و



وسوربارادارد وازمفاخر شیعه وپیشوایان عظیم الشان امامیه است درسال ۱۳۵۳ هجری بقصد زیارت مشهد مقدس وارد ایران و بقم نزول اجلال فرموده ومورد تقدیر وتکریم آیة‌الله و قاطبه علماء گشته ودرمدت توقفش درقم آیة‌الله آقانجفی مرعشی محل نماز خودرا درصحن مقدس بایشان تفویض نموده وپس از مدتی بوطن خود لبنان مراجعت وتاکنون بزعامت شیعه جبل عامل ومبارزات بامتعصبین ازاهل بدع وتسنن اشتغال دارد ادام‌الله ظلاله‌علی رؤس المسلمین ومتع‌الله‌الاسلام بوجوده

**آیة‌الله حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی**

۱۳ ـ تاگور بودائی فیلسوف معروف هندی که مانند گاندی پیشوا و رهبر بزرگ هند موردتجلیل و توجه مردم هندوستان بوده در سال ۱۳۵٤ هجری بقم وارد ومرحوم آیة‌الله حایری یکمرتبه جناب آیة‌الله میرزا خلیل کمرهٔ ومرحوم حجة‌الاسلام اشراقی را باجماعتی بدیدن او فرستاده وبار دیگر حضرت آیة‌الله آقای آقاسید شهاب‌الدین نجفی مرعشی رابملاقات ایشان اعزام فرمودند

۱٤ ـ جناب مولوی لقا علی که ازمستخرجین وفارغ التحصیلان مدرسة الواعظین هند واز مبلغین معروف شیعه درافریقا است درسال ۱۳۵۳ق ﻫ بقم المحمیه مشرف ومورد احترام و تکریم آیة‌الله حایری واقع شده وبعداز نماز آنجناب در صحن عتیق منبر رفته و عموم مردم خصوص اهل علم رامستفیض فرمودند

۱۵ ـ جناب الشریف السید محمد بن زبارة الحسنی الزیدی الیمانی وزیر امام یحیی یعنی سلطان مقتول یمن وصاحب کتاب نیل الوطر ونشر العرف فیمن بعد الالف وکتاب الامالی درسال ۱۳۵۵ق ﻫ بامصاحب وندیم خود السید ابوطالب المعروف بالواعظ الیمانی وارد بقم شده واز آیة‌الله مرحوم ملاقات ومسائلی درانساب وغیره سئوال نموده که آنجناب امر باحضار خریت فن نسب وغیره حضرت آیة‌الله آقای آقاسید شهاب‌الدین نجفی مرعشی فرموده وجواب مسائل وزیر یمانی راحوالت بمعظم له نموده وایشان هم بطور اوفی واحسن که مورد قبول وتحسین وزیر مذکور شده پاسخ مسائل اورا داده ومقالاتی بین ایشان رد و



قبول گردیده وبسید استادما آقای آقانجفی ادام‌الله ظله اجازه روایتی جامعی ازطریقه خود دادند که اکنون در کتاب اجازات آنجناب موجود است

ازرجال علم ودانش ومردان بافضل وقلم اسلام بوده وازمفاخر عربستان و بخصوص بلاد یمن است



مرحوم آیت‌الله حایری با وزیر امام یحیی یمنی وحضرت آقای آقانجفی مرعشی مدظله

نفر اول از ... دوم وزیر امام یحیی سوم مرحوم آیت‌الله حایری که عکس ... قم سه نفر مقابل دوم و اعظم یمن سومی آقای آقانجفی

۱٦ مرحوم آیة‌الله العظمی آقای حاج میرزا سیدعلی مدرس لب خندقی یزدی که در سفر مشهد بقم مشرف ومورد تجلیل وتقدیم آیة‌الله حایری وحوزه علمیه گردیده است، معظم له از پیکرههای علم وفضیلت ومجسمههای تقوی ودیانت بوده ازشاگردان بزرگ و تلامذه مبرز بلکه اول مرحوم آیة‌الله آقاسید محمد فشارکی اصفهانی بوده از بعضی علماء موثق قم ازمرحوم آیة‌الله حایری شنیدم که درباره او میفرمودند اگر آقای حاج میرزا سید علی در

نجف مانده بود نوبت ریاست بمرحوم آخوند خراسانی و آیة الله یزدی صاحب عروة الوثقی نمیرسید زیرا که ایشان مقدم بودند بر دیگران از هرجهت

۱۷ ـ مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آیة الله مجاهد آقا سید حسن مدرس شهید معروف و وکیل مجلس شورای ملی که تا آخرین نفس در راه استقلال کشور و نوامیس دین مبارزه نموده و جان خود در این راه تقدیم جانان کرد

باعظمت و استقبال کم نظیر که عموم طبقات مخصوص علماء و روحانیین امروز قم وحوزه علمیه تا چند فرسخ از ایشان نموده بودند وارد قم گردیده و در تمام اوقات اهتمام بانجاح مقاصد وحوائج مردم داشت وحتی در بازدید از طلاب و محصلین دانشگاه فیضیه وحوزه علمیه ساعتی را که در ایوان مدرسه نشسته بودند ارباب حوائج نامه‌های حاجت بدست گرفته و در گردش از هرسو جمع و آنجا بهم باروی باز قضاء حوائج آنان مینمود تا پس از چندروز مراجعت بتهران و عاقبت بامر شاه جابر وظالم و دولت میشوم وقت تبعید بکاشمر امروز و ترشیز قدیم شده ودر آنجا بقتل صبر شهید و مدفون گردیده حشره الله مع النبیین والشهداء والصدیقین وحسن اولئك رفیقا

۸۱ ـ حضرت آیة الله العظمی السید محمد علی الشهیر بهبة الدین الشهرستانی که از نوابغ عصر حاضر و پیکره علم و سیاست و بیان و قلم و صاحب تصانیف کثیره میباشد و اکنون در کاظمین علیها السلام بتالیف و تصنیف اشتغال دارند و با اینکه دشمنان دین اسلام انگلیس‌ها از دوچشم و بینائی محروم‌ش نمودند که بگفته آنمرد بزرك مصری دوچشم علم وسیاست را کور کردند آنی از تصنیف و تالیف و تدریس غفلت ننموده و شب و روز خود در امصروف این معنی داشته و دارد کرارا در حیات مرحوم آیة الله حایری و پس از ایشان بقم مشرف و مورد تجلیل شده است

۱۹ ـ مرحوم آیه الله حاج میرزا عبد الباقی معروف بملاباشی سر سلسله خانواده و فامیل آیة اللهی شیرازی که اکنون فرزند بزرگش جناب آقای آقا سید محمد باقر عالم آیة اللهی از علماء شیراز و فرزند دیگرش جناب آقای حاج سید محمد کاظم آیة اللهی در قم و در ردیف فضلاء حوزه علمیه میباشند با احترام وارد قم شده و با تجلیل از آن هجرت نموده اند

۲۰ ـ مرحوم آیة الله حاج سید محمد رضای شربی کاشانی معروف به پشت مشهدی والد معظم آیة الله حاضر آقای آقا میرزا سید علی کاشانی استاد معاصرین قم که از رفقاء مرحوم آیة الله حایری در سامری و درس مرحوم آیة الله فشارکی اصفهانی باهم بوده اند



۲۱ مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد امام جمعه تهران که در اثر یك مبارزه در کشف حجاب محبوبیت خاصی در تهران و ایران پیدا نموده و مورد اجلال همه طبقات شده است (فرموده بود اگر کشته شوم عیالم را بی حجاب در مجلس جشن بی حجابی نمیآورم)

۲۲ مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج امام جمعه خوئی ساکن تهران که از شخصیتهای برجسته روحانیت تهران بوده است و صدها نفر امثال ایشان که برای اختصار از ذکر آنان خود داری میکنیم

واز شخصیتهای سیاسی ایران از قبیل سلاطین و رئیس الوزراءها و وزراء و وکلاء و رؤسای لشکری و کشوری در این مدت بسیار بقم آمده و از مرحوم آیة الله مؤسس و علماء عظام دیگر ملاقات نموده اند چون تفصیل آنها موجب اطناب و اطاله کلام خواهد بود فقط اکتفا بآمدن سلاطین میکنم

اول مرحوم احمدشاه سلطان معزول وجوان قاجار که بعزل و سقوط او سلطنت و دولت قاجاریه منقرض گردیده ـ و ایشان مکرر بقم آمدند یکبار در سال ۱۳۴۰ق که برای تبریك تاسیس حوزه علمیه قم و زیارت مرحوم آیة الله حایری بقم مشرف و ملاقات و دست بوسی از حضرت آیة اللهی حایری نمود و در همان مجلس مورد ارشاد و نهی از منکر وامر بمعروف و مواعظه حسنه مرحوم آیة الله حاج شیخ محمد تقی بافقی واقع گردید که شرح آنرا در رساله التقوی نگارش دادم

باردوم برای زیارت ودستی بوسی مراجع بزرك نجف چون مرحوم آیت الله اصفهانی و نائینی و شهرستانی وغیرهم مشرف شد

دوم شاه فقید رضاشاه (۱) پهلوی بکرات قم آمده دو مرتبه در زمان رئیس الوزرائی

---

(۱) چنانچه از بعضی اخبار استفاده می شود شاه مزبور یکی از علائم آخر الزمان وظهور حضرت امام عصر عجل الله له الفرج است زیرا تمام اوصاف مذکوره در آن اخبار در او جمع وکاملا منطبق با اوست از جمله دوخبر در کتاب غیبت طوسی قدس سره در ص ۲۸۴ و ۲۸۵ که مجلسی علیه الرحمه در جلد ۱۳ بحار الانوار ش در علائم ظهور (ازغط) آورده است این مؤلف فقیر برای بصیرت مومنین و دانشمندان هر دو را از غیبت میآورم

۱ ـ الفضل (مراد فضل بن شاذان است) عن ابی نجران عن محمد بن سنان عن ابی الجارود عن محمد بن بشر عن محمد بن الحنفیة قال قلت له قد طال هذا الامر حتی متی قال فحرك رأسه ثم قال انی یکون ذالك ولم یعض الزمان انی یکون ذالك ولم یجفوا الاخوان انی یکون ذالك

ووزارت جنگیش درموقع تشریف فرمائی آیات عظام نجف بوده ودر محضر آنهاپیش نهاد جمهوری را نموده وازبعضی از آن بزرگواران عصاخورده ومورد توبیخ وتهدید آنان واقع گردیده وچندین باردیگر که ازهمه مهم ترشده در تحویل ۱۳۰۱ شمسی سال ۱۳۴۶ ق بوده که برای توپ بستن وخراب کردن آستانه مقدسه فاطمیه علیها السلام وبهم زدن حوزه علمیه وروحانیت آمده ولی بمضمون کریمه (وفدیناه بذبح عظیم) خدای متعال مرحوم حجة الاسلام عالم مجاهد ربانی آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی رافدیه روضه مبار که حضرت معصومهٔ وحوزه مقدسه علمیه نموده وبگفته آنمرحوم وبعضی از حضرات دیگر سپر آن بلا شده وبتهران تبعید وزندانی وقم ومردمش ازشر آن زندیق مصون مانده است

**معظم شاگردان مرحوم آیة الله حائری واصحاب برجسته او**

بزرگترین آثار وثمرات حوزه علمیه ومکتب ومؤسسه مرحوم آیة الله حاج شیخ عبد الکریم حایری درامروز رجال علمی قم وغیر آنست که هر کدام دارای مقام فضل ودانش وکمال وتقوی وغالباً حائز اجتهاد مطلق ویامجتهد متجزی ومصنف ونویسنده نامی میباشند وتمام آنها از درس وبحث آن فقید معظم حیازت آنمقام شامخ را نموده اند آیة الله حایری درعصر ما از نوابغ وفحول علمی چنانیستکه ازحوزه او مجسمه های فضیلت واسطوانه های شرافت و مجتهدین جامع الشرائط وعلماء عالیقدر ومدرسین کرام واساتید عظام بیرون آمده است مانند وحید بهبهانی وشیخنا الانصاری وآیة الله الشیرازی وشیخنا الاستاد الخراسانی واستاد

---

ولم یظلم السلطان انی یکون ذالك (ولم یقم الزندیق من قزوین) فیهتك ستورها ویکفر صدورها ویغیر سورها ویذهب ببهجتها من فرمنه ادرکه ومن حاربه قتله ومن اعتزله افتقر ومن تابعه کفر حتی یقوم باکیان باك یبکی علی دینه وباك یبکی علی دنیاه

برخردمندان ودانایان روشن ومبرهن است که ازکلمه ولم یقم الزندیق من قزوین) تاآخر حدیث کما وکیفا وصف او واعمال اوست وازاین خبر واضح تر خبر دوم است که می نگارم

وروی عن النبی ص قال یخرج بقزوین رجل اسمه اسم نبی یسرع الناس الی طاعته المشرك والمؤمن یملاء الجبال خوفا) دراین خبر ازاسم اوهم که اسم یکی ازفرزندان پیغمبر اکرم اسلام است خبر داده است وبعضیکه اسم بنی را (اسم نبی) خوانده اند اشتباه محض کرده اند ودراین خبر قیام وخروج اورا چنانچه در تواریخ اخیر مسطور ومشروح است قزوین فرموده اند فافهم واحفظ



المعاصرین آقاضیاء الدین العراقی قدس الله اسرارهم که ازحوزه های آنها رادمردان بزرگ ودانشمندان سترگی بیرون آمده است واین بنده دراینجافهرست اسامی معظم آنانرا با محل سکونتشان نگاشته وترجمه احوال ومآثر وآثارشانرا درجزء دوم این تاریخ مینگارم

| شماره | اسم وشهرت | محل سکونت |
|---|---|---|
| ۱ | آقاحاج سیدمیرزا آقای ترابی | دامغان |
| ۲ | آقای آسیدابراهیم مقبره | تبریز |
| ۳ | » آشیخ ابراهیم ریاضی | نجف آباد |
| ٤ | » حاج سیدابوالحسن رفیعی | قزوین |
| ٥ | » سیدابوالحسن اسلامبولچی | تهران |
| ٦ | » حاج سیدابوالحسن روحانی | قم |
| ۷ | » حاج میرزاابوالفضل خراسانی | تهران |
| ۸ | » » » ابوالفضل مفسرقمی | قم |
| ۹ | » حاج سیدابوالقاسم فقیه رفسنجانی | شیراز |
| ۱۰ | » » شیخ ابوالقاسم اصفهانی | قم |
| ۱۱ | » حاج شیخ اسمعیل جاپلقی | تهران |
| ۱۲ | » » شیخ اسمعیل بهاری | تهران |
| ۱۳ | حاج سیداحمد خونساری | » |
| ۱٤ | » سیداحمد زنجانی | قم |
| ۱٥ | » سیداحمد لواسانی | تهران ومدینه |
| ۱٦ | » آقای حاج سیدجعفر شاهرودی | تهران |
| ۱۷ | » حاج آقاحسن فریدمحسنی | اراك |
| ۱۸ | آقای میرزاحسن یزدی | نجف |
| ۱۹ | حاج سیدحسن معینی | شاه عبدالعظیم |
| ۲۰ | آقاسیدحسن اصفهانی | تهران |
| ۲۱ | مرحوم حاج سیدحیدر طاهری | خرم آباد |
| ۲۲ | آقای حاج میرزا خلیل کمرهٔ | تهران |
| ۲۳ | آقای حاج آقارضای زنجانی | تهران |
| ۲٤ | » حاج آقاروح الله خمینی | قم |
| ۲٥ | » حاج آقاروح الله کمالوند | خرم آباد |
| ۲٦ | آقای آقاریحان الله نخعی | قم |
| ۲۷ | » حاج سیدسجاد علوی | گرگان |
| ۲۸ | » آسیدشهاب الدین مرعشی معروف به آقانجفی | قم |
| ۲۹ | » حاج میرزاشهاب همدانی | ملایر |
| ۳۰ | حاج سیدشمس الدین ابهری | تهران |
| ۳۱ | مرحوم حاج سیدصدرالدین صدر | قم |
| ۳۲ | » » آقاضیاءالدین خونساری | قم |
| ۳۳ | حاج شیخ عباسعلی شاهرودی | قم |
| ۳٤ | » آشیخ عباس تهرانی | قم |
| ۳٥ | آشیخ عباس انصاری همدانی | تهران |
| ۳٦ | حاج میرزاعبدالله چهل ستونی | تهران |
| ۳۷ | » » عبدالله سرابی | تبریز |
| ۳۸ | » آمیرزاعبدالله مجتهدی | تبریز |
| ۳۹ | حاج میرزاعبدالحسین صاحب الداری | قم |
| ٤۰ | » حاج میرزاعبدالعلی تهرانی | مشهد |
| ٤۱ | جناب آمیرزاسیدعلی کاشانی | کاشان |
| ٤۲ | آقای آخوندملاعلی همدانی | همدان |
| ٤۳ | حاج شیخ علی اصغر صالحی | کرمان |
| ٤٤ | حاج میرزاعلی آقای مهرابی | کرمان |
| ٤٥ | حاج میرزاسیدعلی برقعی | تهران |

| شماره | اسم و شهرت | محل سکونت |
|---|---|---|
| ٤٦ | مرحوم حاج شیخ فضاعلی | قزوین |
| ٤٧ | جناب فاضل لنکرانی | قم |
| ٤٨ | حاج میرزا فخرالدین جزایری | تهران |
| ٤٩ | آقا سید کاظم شریعتمداری | قم |
| ٥٠ | آقای آقا کاظم گلپایگانی | اراك |
| ٥١ | مرحوم آقای سید محمد حجت | قم |
| ٥٢ | آقا سید محمد داماد یزدی | قم |
| ٥٣ | آقای آشیخ محمد غروی | سنقر |
| ٥٤ | مرحوم سید محمد صدر العلماء | قم |
| ٥٥ | آقا میرزا محمد ثقفی | تهران |
| ٥٦ | مرحوم میرزا محمد ثابتی | همدان |
| ٥٨ | مرحوم حاج سید محمد تقی خونساری | قم |
| ٩٥ | » میرزا محمد تقی اشراقی | قم |
| ٦٠ | حاج شیخ محمد حسن گلپایگانی | تهران |
| ٦١ | حاج شیخ محمد حسین شریعتمدار | ساوه |
| ٦٢ | حاج سید محمد رضای گلپایگانی | قم |
| ٦٣ | حاج شیخ محمد رضای طبسی | نجف |
| ٦٤ | آقا شیخ محمد علی عراقی | قم |
| ٦٥ | حاج سید محمود روحانی | قم |
| ٦٦ | حاج میرزا مصطفی صادقی | قم |
| ٦٧ | آقا سید مصطفی خونساری | قم |
| ٦٨ | حاج سید محی الدین طالقانی | تهران |
| ٧٠ | حاج میرزا مهدی بروجردی | قم |
| ٧١ | مرحوم آقا سید مهدی کشفی | تهران |
| ٧٢ | حاج سید مهدی انگجی | تبریز |
| ٧٣ | آقا شیخ مهدی کوچه حرمی | قم |
| ٧٤ | آقای حاج سید هادی روحانی | رودسر |
| ٧٥ | آقا میرزا هاشم آملی | نجف |
| ٧٦ | حاج میرزا هدایت وحید | تهران |
| ٧٧ | آقا سید یحیی یزدی | نجف |
| ٧٨ | آقا سید یحیی بفروئی | بفروی یزد |
| ٧٩ | آقای آسید یحیی اسلامبولچی | تهران |

وصدها نفر دیگر امثال آقای آقا سید حسن سریزدی و آقا سید محمد حسن مدرسی و آقا حاج شیخ عباس مستقیم و آقا شیخ محمد چاپلقی و آقا شیخ محمد حسن هرسینی و حاج آقا مجتبی اراکی که ترجمه و آثار هریك از آنها را در جزء دوم انشاءالله توضیح خواهم داد

**وصی مرحوم آیة الله حایری وزعیم حوزه علمیه پس از ایشان**

مرحوم آیة الله حایری اصحاب و یاران و معاضدین و معاونین چندی داشتند که در زمان ایشان قسمت عمدهٔ از تدریس خارج و کارهای مهم دیگر را اداره میکردند و با آنها کمال وثوق و اطمینان را داشته مشورت و تشریك مساعی با آنها را مغتنم میشمردند و از میان آنها سه نفر بسیار علاقه و محبت و نظر داشت و آنها مرحومان آیة الله المعظم و سیدنا الاستاد آقای آقا سید محمد حجت کوه کمری که نسبت سببی هم با ایشان داشتند زیرا دختر عفیفه و مخدره ایشان در منزل آیة الله زاده حایری بود و مرحوم آیة الله المحقق حاج سید محمد تقی خونساری رضوان



الله علیهما و حضرت بندگان آیة الله العظمی حاج سید صدرالدین صدر موسوی طاب مثواه و در موقع وفات و چندین روز فاصله بفوتشان حضرت که آیة الله حجت و آیة الله صدر را بوصایت و رسیدگی در کارهای طلاب و حوزه تعین و تنصیص فرمود و آیة الله حجت اظهار کرد شخص ثالثی را هم از تجار متدین منضم و شریك کنند پس جناب عمدالتجار آقای حاج محمد حسین یزدی را که در کمك و اعانت بحوزه سهم بسزائی دارد اضافه فرمودند که مأمور وصول پول و وجوه مالی بوده باشد یکروز در مجلس خود نظر با آیة الله آقای حجة و آیة الله آقای صدر فرموده و گفتند من دیگر ضعیف و خسته شده ام یکی از آقایان بجای من نماز بخواند و بلافاصله فرمودند آقای حجت عوض من در جای نمازم اقامه جماعت کند پس ایشان امتثال نموده و تا اواخر یکه حالشان مقتضی بود تابستانها در صحن کوچك محل نماز آیة الله حایری و زمستانها در مسجد بالاسر در کنار قبر ایشان در بقعة العلماء نماز جماعت می خواندند و روح پرفتوح آیة الله مؤسس را شاد جزاه الله عن الاسلام خیراً

**زعیم حوزه علمیه پس از فوت آیة الله حایری**

توضیح داده شده که مرحوم آیة الله حایری رحمة علیه با اینکه یاران و اصحاب برجسته‌ای داشت که درمیان آنها چند نفر را انتخاب نموده و با آنها نظر داشت و آنها را شایسته مقام زعامت و زمامداری و ریاست حوزه اسلام و مسلمین میدانست ولکن در هنگام رحلتش جهت بعض ملاحظات و سیاستهای حکیمانه خود شخص معین و بخصوصی را برای این مطلب تعیین نفرمود جز همان موضوع وصایت که دو تن از حضرات و یکتن از تجار را قرار داد چنانچه بیان کردیم

اما این موضوع مسلم و مورد اتفاق است که نسبت بحضرت آیة الله حجت رضوان الله علیه بی اراده نبود و اگر ملاحظه بعضی از امور نبود حتما ایشانرا نصب میکرد بزمامداری بعد از خود و این مطلب از پارهٔ از قرائن ظاهر است یکی واگذاری مجلس درس و بحث خود و دیگر تخصیص محل نماز خود بآن فقید معظم و دیگر تسلیم دفتر شهریه طلاب و و بعض از قرائن دیگر

اما ارجاع احتیاطات خود بایشان و یا دیگران از حضرات حجج اسلام قم از موثقی نشنیدم جز اینکه صاحب ریحانة الادب در کتاب خود گوید مرحوم آیة الله حایری در زمان حیاتش احتیاطات خود را بحضرت آیة الله حجت ارجاع فرمودند و الله اعلم بلی از بعض ثقات شنیدم که در موقع سئوال و استفتاء از ایشان راجع باحتیاطاتشان و رجوع بحضرت آیة الله بروجردی زعیم الشیعه و رئیسها الیوم بی نظر نبوده بلکه ارجاع فرموده بودند و بسیار متمایل و شایق

بتوقف آن معظم له درقم بودند

حاصل پس از فوت مرحوم آیت الله حایری که همه یقین بانحلال حوزه و تفرقه و پراکنده شدن طلاب را داشتند و بگفته یکی از مراجع وحجج امروز که میگفتند ما انتظار روز بعد ودوم فوت آیة الله را هم درقم نداشتیم ومیگفتیم حتماً همین روز اول ماشینها را در مدرسه وصحن آورده وهمه را تبعید خواهند نمود زیرا بقدری سخت برما گرفتند که غیر از آنرا منتظر نبودیم حتی برای مرحوم حضرت آیة الله حایری که رئیس ومرجع علی الاطلاق بود هیچیکی از شهرستانهای ایران نگذاردند فاتحه گرفته شود ودرقم هم که مرکز ریاست وحوزه ایشان بود بیش از دوساعت درمسجد بالاسر نگذاردند مجلس گرفته شود فوراً بهم زده و آقایان وطلاب وغیره را باعنف وتشدد بیرون ومتفرق کردند

ولکن تایکسال تقریباً مجالس فاتحه خصوصی درمنازل ادامه داشت ودولتیها تصمیم وجدیتشان بهم زدن حوزه علمیه واین عده محدود ومعدود اهل علم بود حقاً هم کوتاهی نکردند آنچه راکه نکردند توانائی وقدرت آنرا نداشتند که بکنند والا مضایقه از مقدور خود ننمودند آنها خواستند مضمحل ونابود کنند اسلام وروحانیت را اما خدای عزیز وتوانای دانا نخواست وماشاء الله کان ومالم یشأ لم یکن ولاحول ولاقوة الا بالله العزیز الحکیم قال عزه اسمه یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم والله متم نوره ولو کره المشرکون حضرات آیات الله العظام مرحوم آیت الله حجت و مرحوم آیة الله خونساری و آیة الله صدر طاب ثراهم جلسه کردند وبایکدیگر تصمیم گرفتند که باهم تشریک مساعی کنند وحوزه علمیه راکماکان اداره نمایند وزحمات طاقت فرسای آیة الله حایری را کما ینبغی حفظ کنند

مرحوم آیت الله حجت رضوان الله علیه نان طلاب راچنانچه درزمان مرحوم حاج شیخ متداول و معمول بود بعهده گرفته ومتکفل گردید که بهر طلبه مجرد درماه هفت من نیم و بهر طلبه معیل بشماره عائله اش سری پنج من نان بدهد دو تا هیجده سال پس از فوت مرحوم حایری رسانیده وعلاوه تا ۸ سال متجاوز هم بولی تقسیم میکردند تا ورود حضرت آیة الله بروجردی دامت برکانه العالی و نیز حضرت آیة الله خونساری و آیة الله صدر هم بنوبت خود متکفل تقسیم شهریه شد که ترجمه احوالشان را توضیح خواهم داد انشاء الله

**توجه و نظریه مرحوم آیة الله حایری بمرحوم آیة الله حجت حتی بعد از وفاتش**

توضیح دادم که حضرت آیة الله حایری در میان حضرات حجج



نظر مخصوص بمرحوم آیة الله حجت داشت و از ایشان بسیار تجلیل مینمود که حتی بعضی یقین داشتند که اگر ایشان کسی را برای زعامت و زمامداری پس از خود بخواهد تعیین کند آیة الله حجت خواهد بود زیرا احترامات حاج شیخ بایشان و نسبت سببی ایشان باآیة الله حایری وشخصیت علمی وفقاهت وموقعیت عقلی ومتانت آیة الله حجت چنین ایجاب میکرد اما گفتیم که برای چند لحاظ مرحوم حایری تعیین شخص ایشانرا ننمود مگر برای وصایت ونه غیر ایشانرا ولی بدون نظرهم بایشان نبود اگر سئوال میکردند مضایقه ازاشاره ویاتصریح بایشان نمیفرمود حتی بعد از وفاتشان هم درخواب وعالم رویا بمرحوم حجت توصیه میفرمود

واین بنده نویسنده این ارقام وسطور یك قضیه حساس وعجیبی راکه خود ازتوصیه مرحوم حایری بمرحوم حجت دیده ام که بسیار عجیب ومورد اهمیت است شرح میدهم که خوانندگان عبرت گرفته وغبطه بر آنمرحوم خورند وروح پرفتوحش را ازاخلاص یاد وشاد فرمایند

دردوسال یاسه سال بعد از فوت مرحوم آقای حایری مؤسس حوزه مسافرتی اینجانب باطراف نراق (مسقط الرأس) فاضل نراقی واطراف آن نمودم و خاطر ندارم ۵۸ ویا ۱۳۵۹ هجری بود ولی مسلم دانم که پیش ازشهریور ۱۳۲۰ شمسی بود دریکفرسخ ونیمی نراق به قریه خوش آب وهوائی بنام سینقان که یکی از ۷ ده وقریه اردهال است که دراخبار آخرالزمان رفتن بآن توصیه شده است رفتم

درآنجا شنیدم که میگویند در (مشهد قالی) اردهال که مدفن و مشهد حضرت شاهزاده علی الباقر فرزند حضرت امام محمد باقر علیه السلام که امامزاده مجرب و بزرگوار وروز مشهوری دارد مردیست بناء بسیار متدین وپرهیزکار ودرخوبی مورد وفاق آن صفحات وآبادیهاست این شخص در سال گذشته شب ۱۹ ویا ۲۱ ماه رمضان مرده وچون اورا برای تجهیز وکفن ودفن برده اند برخاسته وزنده شده وعجایبی میگوید وپس اززنده شدن او تاچندین روز ازدهات دورونزدیك مردم بدیدن او میآمدند

ازشنیدن این حکایت بااینکه امثال آنرا شنیده ونظیر آن برای خودم اتفاق افتاده بود تعجب کردم که چگونه کسیکه مرده دومرتبه زنده شود چون دیدم غالب مردم آنده میگویند شایق بدیدن او شدم پس مرکبی تهیه کرده وباچند نفر تا دوفرسخی بمشهد اردهال رفتم وآن مؤمن راطلبیدم درحرم شاهزاده علی الباقر آمد دیدم بسیار مرد ساده وپاك است

پرسیدم این صحبتها که ازمردن تو وزنده شدنت میشنوم صحت دارد یاخیر گفت بلی درست است گفتم توضیح بده گفت من چندین سال بود درددل کهنه و مزمن داشتم که گاه گاهی سخت مرا ناراحت کرده واذیت مینمود تاسال گذشته که شدت کرد درماه رمضان وروز بروز زیادتر میشد تادرشب احیاء که اززبان وحرف زدن افتادم وحتی نفس کشیدن هم برایم مشکل شد وعیالم باچه هایم و همسایگان یقین کردند که من مرده ام ورفتند درمسجد مردمیکه برای احیاجمع شده بودند خبر کردند بیائید فلانی از دنیا رفت جنازه اورا بر داریدمردم تابوت گرفته و آوردند مرا بلند کنند که من برخاسته و نان و پنیر طلبیدم زیرا بااینکه چندروز بود غذا نخورده و نمیتوانستم بخورم احساس گرسنگی زیادی درخود کردم و باشتها و راحتی بدون درددل والم خوردم

گفتم چطور شد که درددلت خوب شد گفت بلی آنوقتیکه اززبان و نفس افتادم علائم مرگ درخود دیدم دردل خود گفتم ای وای امشب شب احیاء و شهادت امیرالمؤمنین است و گفتم یا علی میخواستم امشب که مخصوص تو و شب قتل تست بمسجد رفته و خدمت کنم که اینطور شدم تااین را ازخاطرم گذرانیدم دیدم کسی آمد گفت فلانی بیا برویم گفتم کجا گفت نزد آنکسیکه اورا خواندی گفتم کجاست گفت مسجد سهله بااو براه افتادم تمام عالم را ظلمانی و تیره و تار دیدم وفقط ازطرف قبله یك روشنائی دیدم که کم کم نزدیك میشد ازجلو و مقابل خود نور و روشنائی دیدم گفتم آن نور کجاست گفت مسجد سهله است بمسجد رسیده داخل مسجد شدم در وسط مسجد دیدم منبری نصب است و آقای بزرگواری راکه از کثرت نور نتوانستم صورتش را ببینم دوزانو نشسته و ذوالفقار را روی زانو گذارده پرسیدم کیست این این آقا گفت حضرت امیرالمؤمنین است عرض کردم آقاجان برات مرا بده اشاره بطرف راست منبر کرد آمدم دیدم مجمعی ازعلماء بزرك است که فقط درمیان آنها مرحوم آیة الله حایری حاج شیخ عبدالکریم یزدی را که درقم زیارت کرده و دستش را بوسه داده بودم شناختم و دیدم برای آن آقایان درس میفرمود و صحبت میکرد بایشان عرض کردم آقا برات مرا بده فرمود برو درقم برات را ازآقای آقاسید محمد حجت بگیر رو بحضرت آوردم دومرتبه برات خواستم فرمودند همانطور که حاج شیخ گفت برو درقم ازفلانی بگیر آنکس که با من بود فورا مرا بر گردانید در راه بچندنفر رفقا برخوردم که مرده بودند احوال پرسی کردم گفتند حال ما خوب است ازآنها گذشته ۲۴ گوسفند بسیار چاق را دیدم مشغول چرا هستند در چمن زار سبز و خرمی پرسیدم این گوسفندان ازکیست گفت ازتواست و تو ۲۵ گوسفند فرستادی لکن یکی



از آنها بما نرسید بعد مرا بمنزل آورد و فورا برخاستم و دیدم اثری ازدل درد چنانی نیست و بسیار گرسنه ام و مردم را دیدم تابوت آورده اند و عیالاتم گریان و نالانند

گفتم آن گوسفندان چه بود گفت بلی همه سال از ۲۵ سال پیش در روز عاشورا یك گوسفند کشته و آنرا بگوشت میکردم و بفقراء و بیچارگان در آنروز اطعام مینمودم یکی ازسنوات غفلت کردم گوسفند را کشتم و گوشتش را تقسیم بین توانگران از مالکین و اغنیاء نمودم و بمستحقش نرسانیدم

پرسیدم ازاو آقای حجت را میشناختی گفت نه بخدا تا آنشب که حاج شیخ فرمودند اسم اورا هم نشنیده بودم آقایان که بدیدن من آمدند پرسیدم آقای سید محمد حجت درقم کیست گفتند مجتهد و نایب آقای حاج شیخ عبدالکریم است درقم و جای ایشان نماز می خوانند و درس میگوید

پرسیدم قم رفتی وخدمتشان رسیدی یانه گفت بلی رفتم و دستش را هم بوسیدم وقضایا را عرض کردم وبرات خواستم رساله عملیه ازخودشان مرحمت کردند

### آیة الله حجت کیست و هویت او چیست

مولینا الامجد و سیدنا الممجد والحبر المعتمد العلامة الکبری آیة الله العظمی السید محمد بن العالم الکامل السید علی بن السید الاعلام السید علینقی بن السید محمد الحسینی الکوه کمری اصلا از قریه کوه کمر که یکی ازقراء تبریز است میباشد منشاء و تولدش تبریز مرکز استان آذربایجانست ازسادات وخانواده های اصیل و نجیب کوه کمر تبریز است که بگفته نقیب السادات و نسابه کبری عصر حاضر علامه فقیه حضرت آقای آقاسید شهاب الدین نجفی سادات کوه کمر بخصوص سادات حسینی آنکه آیة الله حجت ازآنهاست و از طرف مادر منسوب به آنها هستم بصحت نسب و شرافت حسب درغایت شهرت و درهرعصری مورد توجه عامه وخاصه مردم بوده اند



نسب عالی ایشان به سید اجل سید محمد مصری ملقب حجازی ازفرزندان علی اصغر فرزند امام سجاد علیه الصلوة والسلام موصول و تا آن بزرگوار ۲۵ واسطه است

آنجناب حاوی فروع واصول و جامع معقول و منقول و عالم عامل و فقیه کامل و محدث فاضل و حکیم ماهر و اصولی محقق و رجالی مدقق و عابد زاهد جلیل القدر عظیم الشان دارای کمالات نفسانیه عالیه و حائز مقامات معنویه سامیه که در مضمار مسابقه حاوی مدح معلی بوده و گوی سبقت از اکابر وقت بوده و از مراجع تقلید شیعه و رؤساء فرقه محقه اثناعشریه و مدیر و مدبر حوزه علمیه قم صانه الله عن الحدثان گردیده بود

در ماه شعبان ۱۳۱۰ هجری در شهر تبریز متولد و در مهد تربیت پدر وحجر عصمت وعفت مادر نشو ونما نموده تاوقت تحصیل واز آن استعداد سرشار و هوش وزکاوت وادراك وسرعت انتقال وفهم ودراکه فوق العاده بسرعت زیاد و مدت کوتاهی تحصیلات مقدماتی لازمه وادبیات معموله رامدتی درهمان شهر خوانده وپس از آن فقه اصول وریاضیات ومعقول وطب قدیم وتجرید ومقدار وافی از علوم جدیده فیزیك وشیمی وسایر فنون متنوعه را از اجلاء علماء و اکابر دانشمندان فضلاء آنشهر دیده واغلب تحصیلات فقهی واصولی سطوح او نزد والد معظمش بوده است

خود این بنده از آنجناب شنیدم که میفرمودند شرح کبیر موسوم بریاض سیدعلی صاحب ریاض رابتمامه نزد پدر خود در تبریز خواندم وجلدین شرح لمعه را بامطالعه تنها یعنی بدون اینکه نزد استاد خوانده باشم دو دوره در تبریز درس گفتم وپس از تکمیل سطوح بنجف اشرف عزیمت نمودم

**شخصیت پدر معظم آیة الله حجت**

والد ماجد آیة الله حجت رحمة الله علیه مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید الفقهاء العاملین السید علی آقای کوه کمری از اجلاء علماء ودانشمندان بزرك واز تلامذه مرحوم آیة الله حاج میرزا حبیب الله رشتی وفاضل ایروانی و فاضل شربیانی قدس الله اسرارهم بوده وپس از آنکه در نجف اشرف فارغ التحصیل شده وعازم مراجعت ایران گردید مورد تجلیل وتبجیل فوق العاده استاد خود فاضل شربیانی قدس سره واقع شد چنانچه باجمعی از طلاب و اکابر علماء نجف تاکوفه مشایعتش فرموده وباجمعی بیشمار باو اقتداء کرده وپشت سرش نماز خواندند واین رویه را بجز بارضوان مکان حاج میرزا رضا آقا امام جمعه تبریز طاب ثراه درباره کسی معمول نمودند

باری در تبریز مشغول همه گونه وظایف لازمه وخدمات دینیه بوده وبسیار مجلل و بزرگوار وپس در عظمت وشخصیت او که گذشته از مقامات شامخه وفضائل عظیمه فرزندی



چون آیة الله حجت حجة اعلیحضرت حجة بن الحسن حجة الله الکبری منسوب باوست

در ۲۹ محرم الحرام ۱۳۶۰ هجری در تبریز عازم گلزار جنان بوده و جنازه اشرا با تجلیل واحترام فراوان باآنکه در آن ایام نقل جنایز موقوف وغدقن وتشییع وتظاهرات دینی ممنوع بود از تبریز نقل وحمل بقم داده ودرقم تشییع باشکوهی از مسجد امام تا آستانه مقدسه گردیده وباوجودیکه چندین قبر درحجرات صحن بزرك و کوچك و ومسجد بالای سر تقدیم شد حضرت آیة الله حجت رحمة الله علیه نه پذیرفته وفرمودند برای پدرم قبر بکری میخواهم که تاکنون دست نخورده باشد یکی از خدام محترم آستانه اظهار کرد که من قبر بکر ودست نخورده برای خود گذاشته ام تقدیم میکنم پس آنرا اهداء کرد پس درهمان قبریکه اکنون درهشتی ومعبر مابین صحن بزرك و کوچك مورد توجه عموم وخصوص است مدفون گردیده وتایکهفته مجالس ترحیم درمدرسه فیضیه و مسجد بالاسر ومسجد امام ومساجد دیگر باحترام وتقدیر و تعظیم خود آنمرحوم و فرزند بزرگوارش آیة الله حجت دائر بود که خود مخلص غالباً شرکت میکردم طاب رمسه وحشره الله تعالی مع اجداده الطیبین الطاهرین عاش حمیدا و مات سعیدا

**عم معظم آیة الله حجت مرحوم علامه آیت الله حاج سید حسین کوه کمری**

یکی از اعاظم وبزرگان این خاندان جلیل سادات مرحوم علامه وحید و نابغه فرید آیة الله الملك المجید حاج سید حسین کوه کمری فرزند محمد بن الحسن است که با ۲۵ پشت بامیر المؤمنین علی علیه السلام میرسد از علی الاصغر بن الامام زین العابدین وسید الساجدین علی بن الحسین علیه الصلوة والسلام

وایشان برادر مرحوم سید الاعلام آسید علینقی پدر عالم کامل سید علی آقای کوه کمری پدر مرحوم آیة الله حجت است که خلاصه عموی پدر ایشان بوده باشد وراستی از جمله مفاخریکه آیة الله حجت دارد اینستکه عموی معظمی چون حاج سید حسین کوه کمری دارد که از نوابغ علماء متاخرین امامیه درقرن سیزدهم هجری است وبگفته «مجله المرشد» ج ٤ ص ۲٤ دراواخر قرن سیزدهم هجری چندتن از علماء اعلام و مجتهدین عظام طلوع کردند که عالم بنور هدایت ایشان روشن گردید ولی دو نفر مجد و بزرگواری وعمل عزیز ومساعی جمیله خود را حیازت کردند وایشان سیدنا المترجم آیة الله العظمی حاج سید حسین کوه کمره ای و رئیس الامة آیة الله میرزا محمد حسین شیرازی اعلی الله مقامهما بودند

درقریه‌ارونق تبریز متولد ودرعنایات تامه مادر گرامی اش پرورش یافته و آن مخدره صالحه‌در تربیت وتغذیه آن وجودمسعود کمال مراقبت وتمام مواظبت رامسکوب داشته و به‌نیکوتر وصف وخوشتر وجهی حصانت نمود حتی اینکه‌هرگز درحال جنابت اورا شیر داده بلکه بعدازغسل وتحصیل طهارت شیر میداد پس ازاثر آن طهارت واقعیه این فضایل نفسانیه وکمالات معنویه وپاکی ذات مقدس بظهور پیوست

درتبریز حضور نابغه‌عهد در آذربایجان مرحوم میرزا احمد مجتهد و نجل او علامه حاج میرزالطفعلی امام جمعه دوتلمیذوشاگردسیدصاحب ریاض ودر کربلامشرف خدمت اعلام هداة صاحب ضوابط و صاحب فصول وشریف العلماء مازندرانی ودرنجف اشرف در محضر شیخ علی بن جعفر آل کاشف الغطاء وشیخ محمدحسن صاحب جواهر وشیخناالانصاری تلمذنموده وبحث ومباحثات مرحوم علامه انصاری را برای تلامذه‌وشاگردان اوتقریر میفرمودوحدود ٤٠٠ نفر ازطلاب وفضلاء وعلماء نجف پای منبر تقریر ودرس اوحاضر میشدند مرحوم آیةالله حاج سیدحسین کوه کمری عموی عزیز آیةالله حجت درانیار وگذشت و تواضع وهضم نفس نادره دهر بوده و تاکنون کمتر نظیری برای اودیده وشنیده است شنیدم ازمرحوم آیةالله حاج شیخ مرتضی آشتیانی نجل آیةالله حاج میرزاحسن آشتیانی که قرین وهم بحث بامرحوم کوه کمری بوده که‌مرحوم حاج سید حسین کوه کمری درمیان آذربایجانیها وترکها ریاست وزعامت داشت و تمام آذربایجانیها و ترکهای ایران و بخصوص مرکزروحانیت نجف اشرف مطیع ومنقاداو بودند وریاست فارسها بامرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی بود وگاه گاهی میان بعضی ازمریدهای فارس ایشان وترکهای آنمعظم نزاع و اختلاف و مشاجره میشد تا اینکه با یشان خبر دادند که ملا مرتضی دزفولی (شیخناالانصاری) که آنروز بآن اسم شهرت داشت درس شروع کرده پس روزی متفکرانه بمسجدهندی مجلس درس شیخ انصاری آمده‌واز پشت ستون اصغاء بیان وتقریر بحث ودرس شیخ رانمود وحال آنکه شیخ روی زمین پای منبر نشسته و مکاسب خودرا تدریس میکرد پس مرحوم حاج سیدحسین کوه کمری ازشنیدن آن بمیان وتقریرمات ومبهوت‌مانده وبیخودانه‌ازجای برمیخیزدومیآید وشیخ انصاری رااز پای منبر بغل گرفته وبالای منبر میگذارد ومیگوید شیخنادراین بالادرس بفرما وخود پای منبر ایشان منشیند پس چون این خبر بدویست نفر ازتلامذه‌اوو آیةالله رشتی رسید باشاگردان فارس خودتمامی بردرس شیخ حاضر شده وریاست درس ومسلمین برای شیخ مسلم ومعین گردید



مجله‌المرشد گوید درزمان شیخ انصاری مشرف بریاست روحیه سیدناالمترجم وقرین وی علامه مجددشیرازی بودند وبعدازشیخ هردومتصدی حکومات شرعیه و متحمل رجوعات دینیه‌شدند وآنچه شایسته وسزاوارمقام ایشان بودازمناعت وجلالت حیازت کردند پس ازاصقاع عالم وبلادبعیده‌ایشانرااراده نمودند وهر گرسنه وتشنه از فاضل علم وجمیل اخلاق وبسطید ایشان مستفید ومستفیض گشتند تا آنکه سیدنا المترجم برحمت حق پیوست ومجددشیرازی بریاست دینیه ودنیویه مستقلاقیام فرمود

زهرالربی گویددرایام شیخ الطائفه انصاری صدیادویست فاضل ببحث آیةالله کوه کمری قدس الله‌سره حاضر میشد ولیکن آن بزرگوارتیمنا بدرس شیخ حاضر میگشت تاشیخ درگذشت پس بریاست دینیه‌متقلد و رساله‌های عملیه‌اش طبع و مؤمنین بروی مقلد شدند

وازموثقین تلامذه آن مرحوم شنیدم که‌پس ازوفات شیخ ششصدویاهفتصدفاضل بدرس اوحاضر میشد واولاد ذکوری ازوی نماند وبمرض فلج مبتلا گردید ولی با وجوداین تدریس رادوسال‌یاسه سال ترك نکرد ۱۲۹۹ باجدادطاهرینش ملحق شد (رضوان‌الله‌علیه)

احسن الودیعه ص ۱۵۸ گویدافضل المحققین واکمل المدققین آیةالله فی العالمین المتحمل بکل زین والمبرء من کل شین مولینا آقاسیدحسین تبریزی کوه کمری قدس الله‌سره الشریف ونورمضجعه المنیف ازاکابر علماء مجتهدین وافاضل وفقهاء محققین بود خداوندعلوم دین راباوداد تابعدازاندراس احیاء نمود واعلام یقین راتاپس ازانقطاع مرتفع فرمود دفاتر علماء بتقریراتش مزین ومدادفضلاء بتحریراتش مشرف گردیدبعد ازفوت محقق انصاری مرجع تقلیدبلکه دراواخرعمرش مقلدمشهور ومجتهدمعروف گشت رحمةالله‌علیه

مآثرو آثار گوید ص ۱٤۸ آقای سیدحسین کوه کمری علامه‌اقران ومحقق دوران بود درمیان تلامذه بزرك شیخ الطائفه مرتضی الانصاری عدیل حجة الاسلام میرزای شیرازی بودبعدازفوت مشارالیه مجلس درس اودرنجف اعتبار بسیار بهم رسانید و در اصول و فقه اسلوبی سلس ومشیی بااقتصادداشت بهمین جهت شاگردان وی ازسایر مجتهدین بیشتر است درسفراعلیحضرت همایونی ناصرالدین شاه بعتبات عالیات ائمه‌عراق علیهم السلام است بحضورمرحمت ظهورشاهانه‌رسیدوانواع تلطفات خاصه بدید

(وفات آن بزرگوار) وشمس نفس زکیه‌اش ظهر روزشنبه ۲۲ رجب ۱۲۹۹ هجریه‌غروب ودر نجف اشرف دربقعه‌خود که‌معروفست مدفون گردیدوسرقبرش قبه‌عالی بناکردند و ادباء عصر

من جمله علامة سیدمحمدسعیدحبوبی و فاضل بارع شیخ کاظم سبی وغیر هما بر وی رثا گفتند

وماکان قیس هلکه هلك واحد　　　ولکنه بنیان قوم تهد ما

وبفارسی برایش گفته اند

مقدار آفتاب ندانند مردمان　　　تانور او نگردد از چشمها جدا

آثار ومآثر مرحوم علامهٔ دهر آیة‌الله حاج سیدحسین ترك کوه کمری عموی پدر آیة‌الله حجت بسیار که تلمیذ وشاگردش علامه شیخ حسن مامقانی قدس سره ذکر نموده وفرموده که آنها بقدر یك ظرف بزرك مملوی که حملش مشکل باشد بود ولی بواسطه ضعف خدم وعدم روابط در ذیل صفحات تدوین آنها صعب وضایع گردید مگر آنچه را که از آنها موجود است ۱ـ رسالة فی الاستصحاب ۲ـ رسالة فی مقدمة الواجب ۳ـ الخلل فی الحج ناتمام ۴ـ الاجاره ۵ـ الارث ۶ـ القضاء ۷ـ الصلوة ۸ـ الزکوة الا اینکه این دو تا تدوین نشده

واز تقریر بحث آنعالم تحریر اوثق الوسائل حاشیه رسائل شیخ انصاری که طبع شده و علامه حاج میرزا موسی بن حاج میرزا جعفر بن میرزا احمد مجتهد تبریزی تالیف فرموده و کتاب منتهی الاصول الی علم الاصول تالیف مولی احمد شبستری که پنج مجلد از آنرا دیدم و کتاب علامه مولی علی نهاوندی وغیر اینها که این کتاب گنجایش ذکر آنهارا ندارد

از خصایص ومختصات مرحوم آیة‌الله حجت اینکه بیشتر کتب خطی وچاپی از تالیفات و تقریرات علامه کوه کمری عموی معظم خود راداشت واز آنها استفاده نموده و بتلامیذ و شاگردان خود افاضه و افاده مینمود وبعضاً در مباحثاتش اشاره بتحقیقات آن وحید دهر میفرمود مرحوم حاج سیدحسین کوه کمری گذشته ازمقام علمی وفقاهتی در زهد وتقوی وکرم نفس وحسن اخلاق وعلو طبع کم نظیر وازقوه حافظه وسداد او چیزهائی نقل شده که از خوارق عادتست رحمه الله علیه

**مهاجرت آیت‌الله حجت بنجف اشرف و اساتید و مشایخ عظام او**

مرحوم آیة‌الله حجت وعلامه ثانی کوه کمری پس از تکمیل مقدمات سطوح وفنون ادبیات و متون متداوله سنه ۱۳۳۰ پس از گذشتن ۲۰ سال از سن مبارکش بنجف اشرف که دار العلم شیعه ومرکز علمیه دینیه فرقه محقه می باشد مهاجرت فرموده ودر حوزه درس سید جلیل علامه دهر سیدمحمد کاظم یزدی که فقیه یگانه بوده تفقه نموده رجال وحدیث را از سید نبیل آقای سیدابو تراب خونساری یاد گرفته واصول ونیز فقه وحدیث ورجال



را از وسید عصر خود آقای حاج ملا فتح الله شریعت اصفهانی که از نوادر امامیه است فرا گرفته ودر حوزه علمیه شیخ مدقق شیخ علی قوچانی صاحب حاشیه کفایه وشیخ علی گنابادی وعلامه وقت آقای میرزا حسین نائینی و آیة‌الله سید جلیل سیدمحمد فیروز آبادی و وحید عصر آقای آقاضیاء الدین عراقی ودیگر اجلاء طراز اول عصر حاضر رنجها کشیده و گنجها برده وبمقامی بس عالی ارتقاء جسته ومغبوط یگانه وبیگانه گردید

وقتی بنده مؤلف ازحضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی اصغر آقای خوئی که از علماء موجه فعلی طهران وآذربایجانست درطهران از اساتید ومقام علمی مرحوم آیة‌الله حجت پرسیدم فرمودند اکثر مباحثات ایشان خدمت نابغه دهر آیة‌الله شریعت اصفهانی وآیة‌الله نائینی بوده ودر درس این دو بزرگوار گوی سبقت علم وفضل وتحقیق و دقت را از همگنان ربوده وبحوزه درس مرحوم آقاضیاء عراقی هم تفننا حاضر میشد فرمود از مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی معروف بکنبانی از ایشان پرسیدم فرموند آقای آقا سیدمحمد حجت گرچه بمباحثه من حاضر نشده لکن شخص فاضل وبرجسته خواهد بود

آیة‌الله حجت رحمه الله علیه اهل مطالعه وریاضت وزحمت کشیدن بود وقتی میفرمودند که من هر سه سال ویا چندسال یکمرتبه تمام کتب درسی معموله را ازمقدمات و سطوح ومتون درسی معموله رابدقت مطالعه میکنم یعنی از اول جامع المقدمات الی آخر کفایه و غیرها روی این زحمات مزاج شریفش ضعیف شده ودر نجف اشرف مریض وحسب الاحضار والد معظم خود عازم تبریز ودر اوقات اختلال امور نجف در آن بلده اقامت فرموده وبعد ازوفات استاد ین معظمین خود علامه طباطبائی یزدی وشریعت اصفهانی که شش ماه بیشتر زعامت وریاست نیافت و ازدنیا رفت باز بنجف اشرف مراجعت فرموده وسالها حاضر حوزه اساتید دیگر خود شده ودر خلال این احوال بتدریس و تصنیف اشتغال داشته تا آنکه از حضور مجلس درس وحوزه اساتید وقت مستغنی و درمسجد شیخ مرتضی انصاری ومقبره میرزای شیرازی با کمال استقلال تدریس وجمعی و افر از فضلاء ومبرزین واکابر حاضر حوزه آن یگانه علامه ثانی (کوه کمری) بوده و مجلس درس ایشان ودر عداد مجالس استفاده عامیه بشمار میرفته سپس در اثر هوا وآب نجف سخت مریض شده وبه یرقان وورم کبد و(برانشیت) کسالت سینه مبتلا ودر نجف وکاظمین وبغداد بلوازم معالجه ومداوا پرداخته تا آنکه تخفیف کلی حاصل و باز بحکم ضرورت بقصد مراجعت مسافرت ایرانرا تصمیم ودر سال ۱۳۴۹ هجری وارد بلده طیبه قم صانها الله

عن فتن آخر الدهر والتلاطم بوده اقامت گزیده ومحل توجه مرحوم آیة‌الله حایری واکابر فضلاء افاضل ومشتغلین گردیده و بتدریس سطح وخارج فقه واصول استدلالی اشتغال داشتند تا آنکه رئیس الملة والدین آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بدرود جهان گفته وصاحب ترجمه را بنماز خواندن در مسجد حضرت معصومه علیها السلام تعیین و بوصایت ونیابت او در انجام کلیه امور مذهبی چند ماه پیش از وفات خود تنصیص فرمود چنانچه تقریر شد

**مقام علمی و فقاهت وحوزه تدریس مرحوم آیت الله حجت**

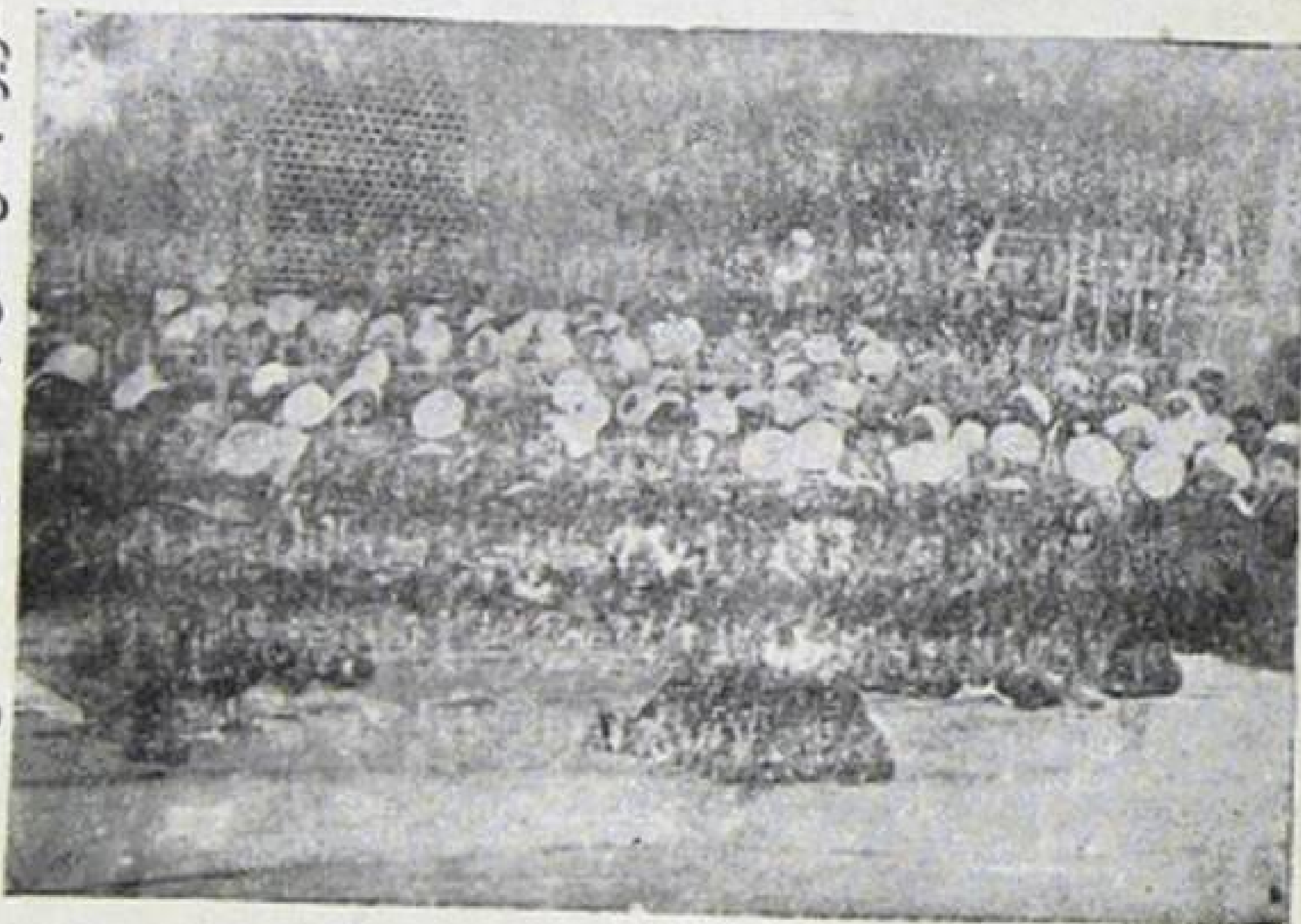
حضرت آیة‌الله حجت قدس الله سره الزکی در مقام علمیت وشموخ فقاهت از نوابغ متاخرین بشمار میرود زیرا ازحیث رجال ودرایه رجالی عصر و از جهت حدیث وروایه محدث دهر و از لحاظ فقه واصول قلیل المثال و کم نظیر بوده هیچوقت از رجال وحدیث سئوالی از ایشان نشد که جوابش را حاضر نداشته باشد وهیچگاه مسئله فقهی واصولی وفتوائی یا استفتائی پرسیده نشد که بی درنگ جواب مرضی وحکم الله واقعی ویا ظاهری را نگوید در حافظه حافظ وقت بود اگر بیست سال پیش کسی را یکبار دیده بود پس از آن مدت مدید فوراً میشناخت ومی فرمود فلانی هستی ومیفرمود اگر ۲۰ سال پیش خبری را در بحار الانوار مجلسی دیده باشم پس از بیست سال اگر عین روایت محفوظم نباشد مضمون آن را در خاطر دارم ومی دانم در کدام صفحه مجلد بحار دیده ام در سرعت انتقال نادره زمان واز این حیث خارق عادة بود مجلس درس وحوزه بحث ومباحثه اش در زمان آیة‌الله حایری اولین حوزه درس خارج قم بود پس از ایشان واکابر فضلاء ازمحضر پر فیضش استفاده مینمودند

از اول ورودش در شهر قم وحوزه علمیه بناء بر تدریس وافاده وافاضه گذارد روز بروز رونق درس وحوزه اش بیشتر و داوطلبان علم وفضل وفقاهت دامن دامن از خرمن علم و مبانی متقنه اش استفاده میکردند وبقدری شاخسار علم فقه واصولش بلند بود که هر طلبه مبتدی توانای ادراک و پرواز بسوی آن را نداشت یا باید سالها سر تا پا گوش وهوش شده و برای فهمیدن زانو بزمین زده واصغاء واستماع اصطلاحات متین ومتقن علمی ایشان را نموده و تحصیل قوه ونیروی ادراک درخود کند تا بفهمد ویا از اول باید پایه سطوح و معلومات مقدماتیش در اوج رفعت بوده باشد تا بتواند از آن منبع علم وفضل استفاضه نماید ویا سالها و مدتها دوره س خارج دیگران را دیده باشد تا قابل پرواز در میدان آن یگانه فحل زمان و نابغه دوران ولایق سیر در فضاء آن بحر مواج و قلزم زخار گردد



وقتی برفراز منبر می نشست گویا ادریس بمقام تدریس آمده و یا لقمان بر مسند تادیب وتربیت نشسته ویا علامه حلی وشیخنا المفید زبان بافاده و افاضه گشوده ویا چون وحید بهبهانی وشیخنا الانصاری وارد میدان تحقیق گشته بطرزی اداء مطالب علمی و مبانی شخصی خود می نمود که جای اشکال نمی ماند وبطوری داد سخن می داد که گویا علاوه از فروع فقهی ومبانی اصولی حکمت از بیانش جاریست کمتر کسی از محضرش بی بهره نمی ماند از شاگردان وتلامیذیکه نیرومند ومستعد درس و بحث ایشان بودند (رضوان الله علیه) اگر بر کسی هم اشتباه شده و در اثر عدم توجه والتفات اشکال می کرد بامتانت جواب او را می داد واو را قانع ومفهم مینمود الا کسیکه مکابره نموده ومزاحم ومصدع اوقات دیگران و تعطیل واطاله بحث میشد او را تنبیه پدرانه نموده و بکلمه اینکه برو مقدمات بخوان ویا مطالعه کن وامثال این کلمات او را ساکت میفرمود والحق والانصاف هیچ جای اشکال نمی گذاشت و هر کس اشکال داشت اشکالش مولود اشتباه ویا عدم ادراک او بود و وقتی تامل می کرد حرف خود را پس گرفته ومنفعل می شد بحدی آن فقیه کامل وعالم ربانی مسلط در اقوال و مبانی فقهاء ومؤسسین مبانی بود که کمتر نظیری برای او در متاخرین دیده می شد

شم الفقاهه وشم الحدیثی او در نظر اهل اقران ومعاصرینش منحصر بخود او بوده ودر این فضیلت هم گوی سبقت از میدان ربوده بود



تصویر مجلس درس و بحث آیة‌الله العظمی آقای حجت رضوان الله علیه

درفوت مرحوم آیة‌الله اصفهانی خود این نگارنده برای ادراک مرتبه فقاهت واقعی وفقیه جامع الشرایط حدیث کشی را که در رجال خود از حضرت صادق علیه السلام نقل نموده برای

بسیاری از مراجع وحجج اسلام قم خواندم وخواستار کشف پرده از روی حقیقت و معنای آن حدیث گردیدم جز مرحوم آیة الله حجت دیگری حل آن معما را ننمود از آنجا ادراك مرتبه فقاهت و محدثی (بفتح) ایشان را نمودم که فقهاء امامیه رضوان الله تعالی علیهم از آن تعبیر بشم الحدیث و باشم الفقاهة میکنند

**مرحوم آیت الله حجت از محدثین علماء متاخرین بوده**

حضرت صادق علیه السلام در روایتیکه مرحوم کشی در اول رجال خود از آنجناب نقل میکند میفرماید (اعرفوا منازل شیعتنا بقدر مایحسنون من روایاتهم عنا فانا لانعد الفقیه منهم فقیها حتی یکون محدثا قیل له یابن رسول الله او یکون المؤمن محدث قال بلی یکون مفهما والمفهم محدث.) یعنی بشناسید مراتب ودرجات شیعیان و پیروان حقیقی ما را باندازه اینکه روایات را از ما خوب تحویل گرفته وخوب نقل و معنا میکنند پس بدرستیکه ما فقیه از ایشان را فقیه نمیدانم مگر اینکه محدث باشد (بفتح) گفته شد بآن بزرگوار ایفرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا مؤمن هم محدث میشود فرمود بلی مفهم میشود و مفهم محدث است

از علماء ما امامیه رضوان الله تعالی علینا وعلیهم بسیار اندك بوده اند که بمقام محدثیت رسیده باشند که در مقامات ایمان مقامی بس رفیع ودرجهٔ بسیار بلند است زیرا قرین ولایت است و باصطلاح اهل حدیث و کلام محدث (بفتح) کسی باشد که دریچه غیب براو گشوده و گوش دلش اصغاء الهام غیبی نماید و یا صدای فرشتگان قدس را بشنود چنانچه حضرات ائمه علیهم السلام تماما محدث بوده اند محمد بن حسن صفار شیخ واستاد صدوق الطائفة در کتاب بصائر الدرجات بابی را عنوان نموده که (ان الائمة علیهم السلام هم المحدثون) واحادیث بسیاری از ایشان نقل نموده است در این موضوع

البته علماء و مجتهدین چون بر وساده آنها تکیه زده و بر مسند ایشان مینشینند باید از این معنی بی بهره نباشند زیرا نایب ایشان و مبین حکم الهی واحکام قرآن وسنن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند واگر باین پایه نرسیده باشند بسا میشود از آیات متشابه وروایات مستصعبه درست استفاده نکرده حکم بر خلاف ما انزل الله وما قاله الرسول ص والائمة بدهند ومردم عوام و جاهل مقلد را اغراء بجهل واضلال نمایند ویا ابداع بدعتی کنند

از علماء و دانشمندانیکه محدث بوده ودارای شم الفقاهة والحدیث بوده اند یکی شیخنا المفید محمد بن محمد بن نعمان اکبری بغدادیست که بسیار مورد عنایت خاصه و



مخصوص حضرت امام زمان ارواحنا له الفداء بوده وآن بزرگوار درفقد او مرثیه خوانده وگریسته وروی قبرش نوشته است

لاصوت الناعی لفقدك انما — یوم علی آل الرسول عظیم
و ان غیبت فی جدث الثری — و العدل و التوحید فیك مقیم

ودیگر سید بن طاوس حلی صاحب اقبال ومهج الدعوات و کشف المحجه و تألیفات دیگر بوده که صدای اعلیحضرت ولی عصر صاحب الزمان عجل الله له الفرج را در سرداب مقدس شنیده (اللهم اغفر لشیعتنا فانهم مناخلقوا من فاضل طینتنا وعجنوا بماء ولایتنا یفرحون لفرحنا ویحزنون لحزننا) ودر علماء قرن وسط جناب مقدس اردبیلی رضوان الله علیه بوده که غالبا مشکلات خود را از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزند عزیزش حضرت صاحب علیه الصلوة والسلام سؤال میکرد وپس از اوجناب سید مهدی بحرالعلوم که بکرات و مرات درك صحبت ولی عصر (عج) را نموده وپس از او شیخنا المرتضی الانصاری که باداشتن آن اوج علمی و کتاب اجتهادی واستدلالی مکاسب درفقه وفرائد در اصول خودداری از فتوی دادن مینمود وهرچه باو اصرار میکردند میفرمود من خود را مجتهد نمیدانم تا اذن واجازه تصدیق از مولایم حضرت صاحب الامر ارواحنا له الفداء برسد تا اتفاقا روزی در منزلش ویا مجلس درس نشسته واصحابی چون علامه رشتی و کوه کمری ومیرزای شیرازی وآشتیانی ودیگران حاضر ند سیدی باوقار از در وارد وسلام نموده ومیفرماید (شیخنا ماتقول فی عدة امراة مسخت زوجها) چه میفرمائی درعده زنیکه شوهرش مسخ شده واز زی انسانی بیرون رفته باشد جناب شیخ تاملی فرموده ومیگوید تامل در جواهر نموده چنین مسئلهٔ نیافتم و در حدائق خوض نمودم ندیدم ودرفلان وفلان کتاب فقهی بر نخوردم (از لحاظیکه چون در این امت مرحومه برای شرافت وفضیلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله مسخ و وسخ وسایر بلاهائیکه در امت های سابقه میآمد نباید تا فقهاء متعرض فرع آن بشوند) پس آن سید میفرماید شیخنا ما رایك او ما نظرك) رای ونظر شما چیست شیخ انصاری می گوید سیدنا (هذا الفرع علی وجهین تارة یمسخ زوج تلك المراة حیوانا وتارة یمسخ جمادا او ماشبه ذلك فان مسخ علی صورة الحیوان کالکلب والخنزیر وغیر ذالك من اقسام الحیوان فعدتها عدة الطلاق وهی ثلثة اشهر ونصف او ثلثة قروء وان مسخ علی صورة الجماد کالحجر والمدر وغیره من اشباهه فعدتها عدة الوفاة وهی اربعة اشهر وعشر الان المیت کالجماد ) تا این بیان وتوضیح را جناب شیخ دادند آن بزرگوار میفرمایند شیخنا انت المجتهد

انت المجتهد تاسه مرتبه‌و حرکت کرده ومیروندشیخ پس ازرفتن ایشان متوجه‌شده و
باصحاب میفرمایددریابیدسیدرا پس بسرعت ازپی اومیروندلکن اورا نمی یابندشیخ ملتفت
میشود که‌حضرت ولی عصر(عج) بوده اندوتصدیق اجتهاداورافرموده‌وتصریح کرده‌اند

پس ازمرحوم شیخ انصاری ازجمله کسانیکه محدث‌ومویدبوده‌است مرحوم آیة‌الله
الفقید وسیدنا الاستادآقای حجت است که‌درهای غیبی بروی گشوده وابواب نامتناهی
رحمت برحضرتش مفتوح گردیده وگوش دلش برای اصغاءهواتف والهامات رحمانی باز
وازاین لحاظ بودکه‌در تمام مدت مرجعیت وریاست وزمامداریش ذرهٔ برخلاف رضای
خدای خودومولیناحضرت صاحب الامر(عج)منوب عنه‌عزیزخودقدم ننهاده‌وکوچکترقدمی
که‌مورد رضای موالیان واجدادخودنباشدبرنداشت وهیچگاه‌درامورمادی معطل نگشت

**تقوی و متانت آیة‌الله حجت قدس سره**

حضرت آیة‌الله‌فقید آقای حجت در این فضیلت
هم ازدیگران پیشی گرفت ودرتقوی و پرهیز
کاری واجتناب ازشبهات یکه‌تازاین میدان بود و درتقوای قلب‌و شرح صدر کسی
بگردش نمیرسید ودرمتانت ووقاراشبه الناس باجداد گرامیش بودازتظاهر گریزان و
ازخود نمائی مبراومنزه ازتملق‌ونزدیك شدن باسیاستمداران ووزراءوامراء وسفراء و
وکلاء متوحش‌وپریشان درتمام‌مدت ریاست‌وزمامداری باآن‌همه‌نفوذواقتدارومحبوب
شاه‌و دربار ووزیر ووکیل وخاص‌وعام بودن‌شاه راندید وحاضر بملاقات‌شاه‌نگشت
وعذر خواه گردیدوهیچگاه آرزوی دیدارنخست‌وزیران‌ورجال دیگردولت وسیاست
رانتمود وکوچکتر وکمترانتظار توقعی رادراموردنیوی ومادی‌ازایشان برای‌خود و
یادوستان‌خود نداشت‌ونکرد ودر این‌جهت درعصرمامنحصر بخودبودحقیقة‌و انصافاً
که نتوان ازحق گذشت مصداق این‌حدیث قدسی بود (العلماء امناءالله‌مالم یخالطوا
السلطان)بعدی متانت‌را حفظ کردولباس وقاررابوشید که‌مخالفین رابمدح‌وستایش
خود گویا نمود که‌وقتی قوام‌السلطنه‌درزمان‌اقتداروریاست‌وزرائیش درهیئت وزیران
درباره‌عظمت روح‌وشخصیت وموقعیت‌ومتانت‌ووقار آن‌فقید معظم صحبت کرده‌و گفت
خوبست تمام‌روحانیین وعلماء ماازآیة‌الله حجت‌درس‌متانت وتقوی‌رابیاموزنداین مرد
ازموقعیکه بزعامت‌مسلمین وحوزه علمیه‌قم‌رسیده باکمال‌وجهه‌وبزرگی‌مقام علمی و
عملی کوچکترین درخواست وتقاضائی راازدولتهای‌وقت ودولت‌من ننموده با اینکه
همواره مستعد فرمانها واوامر سیدانه ایشان‌بوده وهستیم



درافضل اعمال که برای اهل سیروسلوك صمت‌و سکوتست وحید زمان بود تا چیزی
سؤال نمیکردندصحبت نمیکردمگر بضرورت آنهم قناعت واکتفاءبمختصرتر آن‌مینموددر
مجالس درس بزرگان حضوربهم‌میرسانیدولکن مجسمه‌وقارومتانت بودباکمال صمت و
سکوت اصغاءواستماع‌مینمود واگرحرفی واشکالی داشت درموقع خلوة اظهار نموده و
استادخودرامقنع میکرد

حضرت حجة‌الاسلام حاج سیداحمدزنجانی که‌یکی ازمعاضدین ایشان بودمیفرمودند
یکروزدرمباحثه آیة‌الله‌حایری ایشانرا دیدم باکمال‌متانت‌وسنگینی نشسته که گویاکوهی
ازوقاراست اظهارارادت نموده‌و گفتم چه‌وقت تشریف آورده‌ایدفرمودنددوماه‌است گفتم
دو ماه است در قم تشریف داریدفرمودندبلی بسیارتعجب نمودم‌از اینکه چگونه این
مردبزرگوار راپس از دوماه‌زیارت کرده‌ام

هروقت یك‌رجل سیاسی ویاشاه بقم‌میآمدبرای‌فرارازملاقات‌ودیدارآنان یاتمارض‌می
نمودوازاندرون‌خانه‌بیرون‌نمی آمدوباین‌بهانه کسی رانمی پذیرفت ازایشان و یافورا
حرکت‌نموده‌وبمسجدجمکران‌مسجدصاحب‌الامرروحی له‌الفداء میرفت

ازهواوهوس خالی بود وسرتاپاقولاوفعلا مخالف باهوا وتظاهروخود نمائی وریا
کاری بود که‌وقتی یکی ازرجال برجسته‌سیروسلوك که‌دارای‌مقام‌وفضیلت درایمان‌است بقم
آمدوتمام‌مراجع رازیارت نمودبرای‌تقلید کردن‌خودورفقاءودوستان‌خودتابایشان رسید
دلباخته‌شده وسرتسلیم‌سپارد وبناءتقلیدرا ازایشان گذارد وخود این مؤلف ازآن ثقه
جلیل پرسیدم گفت تمام آقایانرادیدم‌ولی بی‌هواتراز آقای‌حجت نیافتم

درحوادث بسیارمتالم‌ومتاثرمیشدوازایشان‌سریع‌التاثرترنبوددر قم وهمین خود بر
کسالتهای‌ایشان میافزودولی اگر کاری‌میکردبطوری‌انجام‌میداد که کسی جزخداو
اجدادخود مطلع‌نشوند مگریك‌یادونفر که وارد آن‌حادثه‌بوده‌اند

فاضل‌دانشمند آقای‌حاج‌شیخ‌حاج آقای مشایخی که از فضلاء تلامذه ایشان است
حکایت کردبرای‌این‌بنده که‌وقتی درچندسال‌قبل درمحل‌شهرنو وابرقوی قم چند بهائی
پیداشده‌وسروصدائی راه‌انداختند که‌منجربزدوخوردوآتش زدن خانه وغیر اینها از
آشوب هاگردید‌ومن‌چون درآن‌کوچه‌ومحل بودم‌بسیارنگران‌بودم خدمت مرحوم
آیة‌الله‌حجت رسیدم‌تامرادیدند فرمودند فلانی‌تو که‌درآن حادثه دست نداشتی گفتم
خیرفرمودندراه‌ازبین‌بردن آنها منحصربآشوب وفتنه کردن نیست به بین‌این‌چند نفربهائی

خانه کی مینشینند بر و صاحب خانه را به بین و بگو خانه ات را از آنها پس گرفته و بمن
اجاره بده ولو بمبلغ زیادتری و بدیگران از مسلمین اجاره بده گرچه بکمتر هم باشد مابه
التفاوت آنرا خودم قبول دارم و میدهم ولی کسی جز شما نفهمد این موضوع ها را با این کیفیت ها
امر معروف و نهی از منکر نموده و فیصل خصومات و نزاع ها میداد و کسی ملتفت نبود

همواره برفقا و دوستان خود سفارش میکرد که برای من تظاهر نکنید پار باکان ننمائید
اجازه نمیداد در جرائد و روزنامه ها عکسی و یا تعریف و توصیفی از او شود میفرمود راضی
نیستم حتی در منابر نام من برای تبلیغات برده شود مرحوم میرزا محمد تقی اشراقی خطیب
نامی و واعظ مجتهد و فحل زمان خود میگفت خودم را خسته کردم و نتوانستم آقای حجت
را حاضر کنم که اجازه بدهد برای او تبلیغی در منبر بکنم با اینکه فضل و کمال و تقوی و سایر
فضایل و ملکات او را خوب میدانستم رخصت هیچگونه تظاهر را نمی داد خود این
بنده باتفاق یکی از محصلین و علاقه مندان ایشان پس از فوت مرحوم آیت الله اصفهانی
خدمتشان مشرف شدیم فرمودند فلانی من راضی نیستم کسی در منبر و یا غیر منبر برای من
تبلیغ و تظاهر کند و بیاناتی فرمودند و در آخر فرمودند من ریاست و شهرت را طالب نیستم
من میخواهم نزد خدا ایم روسفید باشم ریاستیکه ۱۲ شبانه روز سکرات موت داشته باشد
بچه کار آید (اعاذنا الله منها اللهم سهل علینا سکرات الموت و هول القیامة)

معرض تر از ایشان از دنیا و شهرت و ریاست در این زمان ندیدم اخلاصش بقدری کامل بود که
نزدیکترین مردم بایشان ادراک خلوص و معنویت او را نمینمود در روابط و توسلش با اجدادش
و مخصوص با اعلیحضرت ولی عصر عجل الله له الفرج بسیار و از قبل ایشان تأئید میشد زیرا
با اینکه اطرافی که در کارهای ایشان شرکت کند چندان نداشت جز دو نفر محرر تمام
کارهایش منظم و مرتب و جواب مراسلات و استفتاآت باسرع وقت داده میشد و بقدری
نظم و ترتیب داشت که هیچکس از دستگاه او و اصحاب و اطرافیانش گله و شکایت
نداشت و هیچگاه کارها را بکسی واگذار نمیکرد بلکه خود شخصاً و رأساً انجام میداد
حتی نامه ها را با دقت قرائت و فوراً مبادرت بجواب آن مینمود و آن دو محرر که مینوشتند
خود باز با توجه خوانده و اگر محتاج باصلاح بود اصلاح میفرمود و مزین بمهر و امضاء
خود میکرد و از دور و نزدیک مخالف و موافق اعتراف و اذعان بنظم دستگاه او داشتند و
میگفتند در مراجع اخیر کمتر کسی در نجف اشرف و در ایران وضع مرتب و منظم او
را دارد



**معنویت آیت الله حجت اعلی الله مقامه**

علامه کوه کمری رضوان الله علیه از حیث معنویت
و باطن داری و صفاء قلب و زکاوت نفس و پاکی روح
در متاخرین کم نظیر بلکه بی عدیل و قرین بود امتیازش با دیگران از اهل معنی و باطن این بود
که چنانچه اشاره کردم بسیار کتوم و باطن دار بود که اقرب اشخاص بایشان و حتی داخلی ایشان
هم کمتر توجه باین فضیلت و خصیصه ایشان پیدا میکردند

پس از مرحوم آیة الله العالم الربانی مرحوم آقا شیخ محمد بهاری همدانی که از شاگردان
ملاحسینقلی همدانی که قطب العارفین و السالکین عصر خود و متاخرین بود کسی را
بمعنویت و سلوک او نیافتم با این پایه کتمان فقط سالک راه و عارف شاه و طارق درگاه می
شناخت و میدانست آیة الله حجت کیست و چه کاره است خود این مولف قضایائی از آن
سید معظم دارم که بزرگترین شاهد و برهان معنویت و صفاء اوست

پس از فوت مرحوم آیة الله قمی یکی از ارباب سلوک و عرفان که حدود صد هزار مرید و
مخلص و پیرو دارد و مورد توجه و وثوق مراجع نجف و کربلای معلی مخصوص مورد علاقه
مرحومین علامتین آیة الله اصفهانی و آیة الله قمی بود حدود چهل شبانه روز در مسجد کوفه
معتکف میشود و توسل بامیر المومنین علیه السلام میجوید که در میان این عده مراجع
نجف و ایران باصطلاح آنها هر شریعت و یا پیر شریعت و باصطلاح ما مرجع تقلیدیکه
مرضی خدا و حضرات معصومین علیهم السلام باشد باو ارائه دهند پس از این مدت شبی در عالم
مکاشفه یعنی میان نوم و یقظه سیدی را می بیند باوقار و نور و جمال که بر سجاده ای ایستاده
برای نماز ولکن عده از ابناء نوع اطراف او را گرفته و میخواهند مصلی و یا وساده را از زیر
پای او بکشند میشنود که باو میگویند اینست مرجع تقلید تو و مسلمین پس متنبه میشود
و در نجف و کربلا جستجو میکند او را نمی یابد پرسان پرسان بایران آمده و قم مشرف
میشود و منازل حضرات مراجع رفته تا بخانه ایشان میرود وقتی اجازه گرفته و باندرون و
داخلی ایشان مشرف میگردد همان سید را که طلب میکرده با همان صورت و سیرت می
بیند که نشسته و در رک خود بشخصه تزریق آمپول میکند پس دست ارادت و اخلاص داده
و سر اطاعت و انقیاد سپرده و چند رساله میگیرد آقا شرط میکند که مرا معرفی نکنید و
برفقایت بگو که راضی بتظاهر و تعریف نیستم قبول این شرط را کرده برمیگردد

خود این نویسنده چندین نفر از اتباع و مریدهای او را در قم و طهران و شهر ری دیدم و پرسیدم
از که تقلید میکنید گفتند مأذون نیستم مرجع تقلید و پیر شریعت خود را معرفی کنیم پس

ازاصرار گفتند بلی ازایشان تقلیدداریم ولی خودراضی بتظاهر نیستند

یکی ازفضلاء شاگردان حوزه ایشان آقای سید علی طالقانی در این باره مذاکراتی کردندپس ازسه روز گذشتن ازضایعه اسفناك فوت ایشان دریکی از مجالس ترحیم و گفتند من شواهدی دارم ازمعنویت این فقیدمعظم وبرای بنده شفاهاًحکایت و کتباًمرقوم داشتند که بنده متن نامه ایشانرادرج میکنم

بسمه تعالی وله العز والکبریاء این حقیر بی بضاعت علی الحسینی فرزند مرحوم سید اسحق طالقانی ساکن قزوین که نه سالست بحوزه علمیه قم مشرف هستم و سال ورودم بمباحثه درس غواص بحار تحقیق وشمس فلك فقاهت آنکه قلم وبیان امثال بنده از بیان فضائل ومکارمش ناچاراست باظهارعجز - الفقید السعید حضرت آیة الله آقای حجت کوه کمری اعلی الله مقامه نیزحاضر میشدم فقهاواصولا تاآنکه مباحث الفاظرااتمام و بمبحث قطع رسیده برای عدم مساعدت مزاج ترك بحث فرمودند ولکن فقه ایشان ادامه داشت تاآنکه صلوة تمام وواردمباحثه بیع شدند واحکام ردتمام نشده دعوت حق رااجابت و عالم شیعه و بالخصوص حوزه علمیه قم رااسفناك و داغدیده نمودند این بود ملخص آنچه راجع بایام بحث ایشان که درمنتهای اختصار قلمی شد و اما راجع بمعنویت ایشان آنچه برای حقیر واقع شده خوابهای چنداست که بنحو اختصار عرض میشود

خواب اول قبل از ده سال ۱۳۶۲ از حالتحریر یعنی ۱۳۷۲ قمری حقیر بعنوان زیارت بقم مشرف ودرصحن اتابکی چند مباحثه ایشان حاضر ونهایت علاقه را ببیان شیوا وملیح وتحقیقات ایشان پیداکردم پس از مراجعت بمحل مسکونی که دهی است ازقراءقزوین بنام شاکین روزی دریکی ازمجالس بعض آقایان آن حدود بودیم حضرت حجة الاسلام آقای آقاشیخ علی اکبر فرمود آقایان گوش بدهند تامن طلاقی است بگویم حقیردرمقام اعتراض بر آمدم که خودداری کنید فرمودمن فلانرا عادل میدانم گفتم قطعاً عادل نیست قریب پنج روزازاین قضیه گذشت یکشب درعالم خواب دیدم بنده در ایوان بلورحضرت معصومه سلام الله علیها هستم که الساعه آقای حجت برای مباحثه خواهند تشریف آورد یکمرتبه دیدم شخصی وارد وبمنبر رفت ولکن غیر آن شخصی است که من محضرایشان راادراك کرده ام گفتم این آقای حجت نیست گفتند اشتباه کردی همانست نظر کردم دیدم درمجلس غیر ازمن ویك شیخی کسی وجود ندارد توجه کردم بمنبر عرض کردم آقاهنوز که آقایان نیامده اند من مسئله دارم جواب آنرا بفرمائید وآن اینست اگر ما



درده عادل پیدانکردیم چه کنیم راجع بطلاق فرمودند رجوع بقزوین کنید عرض کردم اگردرقزوین هم عادل پیدانشد چه باید کرد فرمود رجوع کنید بنجف عرض کردم فرض محال محال نیست اگردر نجف هم خدانکرده عادل پیدانشد چه باید کرد فرمودند موضوع طلاق الغاء می شود آنشیخ که دریسار منبر بود گفت آنوقت باأدله نفی حرج چه باید کرد فوراً ازروی غضب فرمودندخفه شوجای ادله حرج نیست من بیدارشدم بساعت نگاه کردم دیدم ازشب سه ساعت بفجر باقی است خیلی متأثر بودم که مطلب ناتمام ماند دوباره خوابیدم درخواب دیدم من باهمان شخصی که می گویند آقای حجت است دریك اتومبیلی قرار گرفته ایم واتومبیل بطرف کوهی بزرك حرکت می کند من عرض کردم آقامسئله من ناتمام ماند فرمودشبهه بیجاست دلیل مطلب ازاین کوه محکمترست باز بیدارشدم باز بساعت نگاه کردم دیدم دوساعت خورده بصبح داریم خوابیدم بازدر عالم خواب دیدم همان اتومبیل حاضراست ومن باآن شخص جلیل توی اتومبیل قرار گرفته ام واتومبیل بطرف آب صافی حرکت وآفتاب هم دروسط السماء وشعاع آن در آب افتاده اشراق می کند عرض کردم آقاخواهش می کنم جواب مسئله راواضح تر کنید فرمودند که دلیل مطلب از کوه محکمتر واز آفتاب روشن تر وازاین آب صاف تراست عرض کردم من اینهارا که اشارات است درست درك نمی کنم فرمودند آیااین را ادراك می کنی (عندذوی عدل منکم) پس بیدارشدم دیدم تقریبایکساعت بیشتر بفجر نمانده صبح که شد آقای آشیخ علی اکبر نامبرده ملاقات کرده رؤیای خودرانقل کرده و گفتم خواب مزبور مربوط باجراءطلاق شما بود

خواب دوم پس ازمراجعت ازقم پس ازتعطیلی بهارهمان آقای شیخ علی اکبر آمدپیش این حقیرقرارمباحثه کفایه گذاشت ازجلداول مشغول شدیم پس ازچندروز بنده و ایشانرا دردهی ازدهات هم جوار مهمان کردنددرحالیکه کتاب همراه مانبود ایشان مصرشدند که که نبایدمباحثه ترك شود بنده هم برحسب تقاضای ایشان قبول ودر مباحثه از حفظ واقع شددرخواب قیلوله درخانه آقاشیخ محمدعلی سلمه الله ازاهل ورکرود ودانکه که ربع فرسخی ازمحل مسکونی است درخواب دیدم که حضرت آیة الله فقیددرسر درو بروی اطاق تشریف دارد من مثل اینکه پیروازخودرابایشان رسانیده بعجله دست ایشانرابوسیدم عرض کردم حضرت آیة الله شماکجا اینجاکجا فرمودندجهتش معلوم میشود دوتا شعراز شمامی پرسم به بینم می دانیددوشعرخواندند که من ابداًنشنیده بودم وپس از بیداری هم یادم نبود

عرض کردم نمیدانم فرمودند باوجود این حال چگونه ازحفظ مباحثه کفایه میکنی علاوه بر اینکه مطالب ازحفظ برخلاف گفته میشود واین کار سبب عجب نیز در نفس تو شده ومن هر دو را نمی پسندم بعد امباحثه را ازروی کتاب بکن وخیلی ازخودت راضی مباش حالا فهمیدی که این را مرا برای معالجه تو آمده بودم عرض کردم تشکر میکنم وتوبه کردم ازهردو و شروع کردم بگریه درهمان حال بیدار شدم وخواب خودرا نقل و چند روز تعجب بر طرف نمی شد باین بیان میگفتم که این شخص جلیل القدر در توی این کوهستان نیز ما را بحال خودمان واگذار نمیکند

خواب سیم درسال سوم ازتشرف اینجانب بود درقم که درتکیه ملامحمود منزل داشتم هوا فوق العاده گرم وعازم بحرکت بودم ولکن برای مخارج حرکت درفکر بودم که شاید فرشی بفروشم وحرکت کنم وبخواب قیلوله رفتم درعالم خواب دیدم دستی آمد دررا باز کرد و سر و گردن آیة الله فقید اعلی الله مقامه داخل اطاق وبقیه بدن بیرون صدا زدند فلانی عرض کردم بلی آقا فرمودند بیا ازما خدا حافظی کن عرض کردم چشم فرمودند عزت نفس هم میزان دارد عرض کردم نفهمیدم دست بجیب بغل کرده بیرون آوردند در حالیکه یك پنجاه تومانی دردست داشتند فرمودند بیا این پول را برای خرجی راه بشما بدهم من فوراً بیدار شدم خواب خودرا برای والده واهل خانه وخادمه نقل کردم گفتم بروم خدمت ایشان رفتم دیدم دربیرونی تشریف دارند دستشان را بوسیده خدا حافظی کردم وقتیکه حرکت کردم ازاطاق خارج شوم درقلبم خطور کرد که خواب مشتمل برزیاده و نقیصه میشود شاید مطلب همان بود که من موقع رفتن ازایشان زیارت کنم فوراً دیدم صدا زد فلانی برو آن اطاق رفتم اطاق دیگر که خالی بود دیدم آقا میرآقا ازطرف ایشان آمد یك پنجاه تومانی در آورد عیناً مثل همان پول بود که من درخواب داده بودند بحیرت فرو رفتم و ساکت شدم واین خوابها را برای بعضی رفقا چند سال پیش عرض ولکن ازگفتن بخود ایشان خود داری کردم ولکن امروز برخود فریضه میدانم ابراز معنویت ایشانرا بنمایم اعلی الله درجاته و السلام علی من اتبع الهدی (علی الحسینی القزوینی ابن سید اسحق الطالقانی





الحاصل ازاین مکاشفات ورؤیاها و قضایای دیگر که شاهد ومؤید معنویت مرحوم آیة الله وسیدنا الاستاد آقای حجت است بسیار وما برای اختصار قناعت بهمین مذکورین نموده و باز درداستان رحلت ایشان و مکاشفات واشارات خودشان بموتشان بچند روز قبل ازموت توضیح دیگر خواهم داد

**صبر و تحمل و برد باری آیت الله حجت رحمت الله علیه**

قال رسول الله ص کاد الحلیم ان یکون نبیا مرحوم آیة الله حجت طاب مثواه در غالب خصال حمیده و اخلاق پسندیده محموده درجه اعلاء را پیموده و بآخرین مرتبه آن خصلت و فضیلت رسیده بود واز جمله آنها خصلت صبر بود که آن بزرگوار عالی مقدار علم خود را مزین بحلم وصبر نموده ودراین صفت حمیده وسجیه محموده ازهمه اقران وامثال و ابناء نوع پیشی گرفته وتمام اقتدا به نیاکان واجداد گرام خود بخصوص بامام ممتحن ابی محمد الحسن المجتبی علیه الصلوة والسلام نموده بود اشخاصیکه باایشان نزدیك بودند وتماس مستقیم یاغیر مستقیم داشتند میدانند تاچه حد واندازه آن فقید معظم آراسته بلباس صبر وپیراسته بزیور تحمل وبردباری بود زیرا حوادث پس ازفوت حضرت آیة الله حایری وقضایای مهمه واقعه درقم وحوزه علمیه کمتر اززمان ایشان نبود بلکه بیشتر ومهمتر بود وازبعض لحاظ درتمام آن وقایع وحادثه ها وفشارها واعتراضات بقدری آن روح بزرك ثبات قدم بخرج داد وایستادگی کرد که اگر کوه های صبرهم بود متزلزل میشد بسیاری از رجال و اقران ایشان طاقت نیاورده شانه خالی کردند جز آن عنصر صبر ومجسمه وقار وپیکره متانت و هیکل توحید وتقوا وتوکل که خود را نباخته وازمیان نرفت اشخاص وارد میدانند تا چه اندازه اوراشفاهاً وکتباً حضوراً وغیاباً اذیت کرده وحرفهائیکه دامن اولیاء خدا از آن مبرا و پاك وخودشان لایق آن بودند، می زدندو اگر خود این گرد آورنده این قضایا بخواهم آنهارا باجملات ناروایشانرا تقریر کنم ازمقصد برکنار رفته وخود آن بزرگوار هم راضی نباشد چنانچه درعالم حیوتش راضی نبود مخالفینش شناخته اید بلکه هرکه بایشان اسائه ادب وجسارت میورزید بیشتر مورد لطف وعنایت اومیگردید

آیه (والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین) رامصداق حقیقی بود و کریمه (واصبر علی مایقولون) راعاملی واقعی (ولاتکن کصاحب الحوت اذنادی وهو مکظوم) راشعار (وان تعفوا اقرب للتقوی) رادثار خود قرار داده بود واین روبه وسجیه مخالفین را بزانوی ارادت آورده که عقل مات وخرد مبهوت گردید خود بنده یکی ازآنهارا که میگفت من

اگر قدرت بیابم خود و پسرش را خواهم کشت پس از مدتی دیدم متنبه شده و توبه نموده و
واستغفار میکرد و میگفت اگر رخصتم دهید دم الاغ او را بوسه میدهم و نعلین اورا بچشم
می گذارم

در تمام حملات و فشارها و اهانتهائی که از ناحیه (الجاهلون لاهل العلم اعداء) میدید
خم بابرو نمی آورد ازاو وسیع القلب تر و باشرح صدر تر ندیدم در بلاها صابر و در عطاها
شاکرد در امور دنیوی و مادی خونسرد و بی اعتناء و در امور دینی و اخروی متعصب و غیور
و لکن داعی بر تظاهر نداشت اگر نیروی اصلاح داشت در خفاء اصلاح و اگر نداشت خود
راخورده و متاثر میشد

وقتی مرحوم حاج شیخ باتقی رضوان علیه که علاقه و ارادت تامی بایشان داشت خواست
تحمیل رویه و وظیفه خود را بنماید با اینکه مثل ایشان و مرحوم آیةالله حایری و پس از
ایشان مرحوم آیةالله حجت مثل حضرت موسی و حضرت خضر علی نبینا و آله و علیهما السلام
بودو هر کدام وظیفه بخصوصی داشتند

گفت چرا شما ساکت و صابر نشسته و قیام و نهضت نمیکنی و با این بیدینان مبارزه نمی
نمائی و هی فرمودند تا آخر گفتند مگر شما فرزند امام حسین علیه السلام نیستید که قیام
نمودو بادشمنان دین جنگید مرحوم آقای حجت که تاحال تمام ساکت و صامت بود
ولاو نعمی نمیفرمود در این موقع یک جواب مختصر مفید که مرحوم حاج شیخ را ساکت و
قانع نمود دادفرمود بطور تبسمانه و روی بازخیر آقای حاج شیخ من فرزند امام حسن مجتبی
هستم که ده سال هرچه معاویه و اتباعش نمودند صبر کرد و سخنی نگفت و حرکتی نکرد تا آن
حد که در مقابل او به پدر عزیزش چون امیر المؤمنین علیه السلام بالای منبر ها سب و ناسزا گفتند

از صبر و تحمل ایشان داستانهای محیر العقول و خارق عادت بسیار که باز برای اختصار از
شرح آن خودداری نمودم

**مرجعیت آن آیة الله معظم و مقلدین ایشان**

قال الشیخ جلیل ابی الحسن علی بن محمد السیمری
(السفیر الرابع) قال مولینا الحجة بن الحسن
العسکری علیهما الصلوة و السلام (و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدینه مخالف لهواه
مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه) مرحوم آیةالله حجت که آن چهار صفت را کاملا متصف و
موصوف بود از زمانیکه در قم تشریف آوردند و وسیلة النجاة مرحوم آیةالله علامه اول کوه
کمری حاج سید حسین ترک عموی را معظم خود حاشیه نمودند و فضلاء حوزه ادراک مقام



اجتهاد و فقاهت ایشانرا نمودند و بگفته صاحب ریحانة الادب مرحوم آیةالله حایری ارجاع
احتیاطات بایشان نمودند کم کم دارای مقلد شده تا فوت مرحوم حاج شیخ پس از ایشان جم
غفیری و جمع کثیری از مقلدین حاج شیخ بایشان گرویده و روز بروز در تزاید و تضاعف
گذارد تا مرحوم آیةالله اصفهانی و پس از ایشان آیةالله قمی فوت نمودند پس در آن هنگام
با تمام اعراض و امساک ایشان از ریاست و تظاهرات خود بخود بالطبع و الطبیعه دسته دسته
از ترک و فارس و کرد و بسیاری از عرب و هند و افغان از ایشان تقلید نموده و ربقه پیروی و
تبعیت از فتاوی و نظریه های ایشان را در مسائل و احکام بگردن گرفتند بحدیکه در
میان مراجع در بین ترکها و آذربایجانیها مطلق و علی الاطلاق بود و در بسیاری از شهرستانهای
طهران و اصفهان و همدان و خراسان و غیر ذلک مقلدین بیشماری داشت و روی هم رفته
پس از حضرت آیةالله بروجردی حفظه الله تعالی اولین مرجع عالم تشیع بود و ملیونها نفوس
شیعه از ایشان تقلید میکردند بخصوص خواص از مؤمنین و متدینین و اهل عرفان و سلوک
در هر کجا که بودند نوعاً و غالباً مقلد ایشان بودند و عدد آنها بالغ بر چندصد هزار میشد
یکدسته از آنها همانهائی بودند که تابع حاج مطهر علیشاه رئیس و قطب طایفه خاکسار
ازسلسله فقراء و اهل عرفان باشند که در چند صفحه قبل در معنویت ایشان شرح توسل و
واعتکاف حاجی را در مسجد کوفه و رسیدن خدمت ایشان و تسلیم شدن او را دادم

رساله های ایشان از وسیلة النجاة و حواشی بر عروة الوثقی و وسیله مرحوم اصفهانی
وغیر آن که مکرر بچاپ رسیده و تمام گشته در سرتاسر کشور معمول به و متداول بود

**حوادث و قضایای مهمه واقعه در قم پس از فوت مرحوم حایری تا رحلت آیة الله حجت**

ازسنه ۱۳۵۵ که مرحوم آیت الله حایری دار
فانی را بدرود گفت تاسنه ۱۳۷۲ که حضرت
آیةالله حجت رحلت کرد حوزه علمیه قم شاهد
حوادث دیگری بوده که از بعض لحاظ کمتر از حوادث زمان مرحوم حایری نبوده
(بلکه از بعض جهات مهم تر بوده است) در تمام آن قضایا و حوادث حضرات مراجع
و آیات عظام مخصوص زعماء حوزه علمیه و بالاخص حضرت حجت آیةالله
اعلی الله مقامه باکمال متانت و ثبات قدم ایستاده گی نموده و بمبارزه منفی که صبر و سکوت
باشد از حوزه اسلام و روحانیت قم و ایران دفاع نموده تا ورود حضرت آیةالله بروجردی
و تسلیم دادن بایشان که عنقریب آنرا شرح خواهم داد انشاءالله تعالی

**حادثه اول پس از فوت مرحوم حایری رحمة الله علیه**

اولین حادثه ایکه پس از فوت مرحوم حایری حوزه علمیه قم بخود دید فشار و تعقیب و سخت گیری دولت ظلم وقت بطلاب بود و از زمان مرحوم حایری بیشتر اذیت می کردند برای اینکه تمام حوزه های روحانیت طهران و مشهد و اصفهان و تبریز و جاهای دیگر را منحل کرده بودند تنها حوزه ایکه با مبارزه منفی ایستادگی میکرد حوزه علمیه قم بود که میخواست آثار حجت خود را حفظ و وعده خود را ایفاء کرده و پیش گوئی اولیاء خدا علیهم السلام را بصدق آورد از آن دفاع مینمود و آن را نگهداری میکرد

و دولت وقت تنها همش مصروف بر انداختن این حوزه بود و لذا از هیچ تعقیب و فشاری خودداری نمیکرد به بهانه مختصری زندان و تبعید و بزور سر نیزه متحد الشکل مینمود خود این نگارنده را ۲۴ شبانه روز در قم بجرم طلبه گی و لباس روحانیت و بهانه ناروای دیگری زندانی و در میان قطاع الطریق ها و چاقو کشان و سایر الواط و جنایتکاران توقیف تا مرحوم آیة الله حجت نور الله مرقده الشریف حجة الاسلام حاج آقا حسین اثناعشری را بطهران و شهری فرستاده و بوسیله مرحوم آیة الله باقی وسائل استخلاصم را فراهم فرمود

و پس از آزاد شدن هم باز از تعقیب و اذیت مأمورین دولت راحت نداشتیم تا چندین روز همه روزه از مدرسه و شهر به بیابان فرار کرده و پناه بشاه ابراهیم و شاه جمال و جمکران و ٤ امامزاده وغیره میاوردیم و در تمام این قضایا آیة الله حجت رویه اش رویه مرحوم حایری بود و حقاً اگر بقاء حوزه علمیه قم را مرهون خدمات و ثبات قدم و متانت های آقای حجت بدانیم مبالغه نکرده باشیم زیرا مسلم است بگفته و عقیده محققین از حکماء و متکلمین هر چیز همان طور که برای ایجادش محتاج بعلت موجده است برای ابقاءاش نیازمند بعلت مبقیه میباشد علت موجده حوزه علمیه قم علی الظاهر مرحوم حایری و علت مبقیه آن مرحوم حجت بوده چنانچه بر هیچ منصف خبیر و بصیری پوشیده و مخفی نیست محرمین آقای صدر و خونساری هم دخیل بودند

صریحاً مأمورین میگفتند دیگر شما چه میخواهید حاج شیخ عبدالکریم که رئیس و کار گردان شما بود که مرد و از میان رفت شما چرا از بین نمی روید و متفرق نمیشوید بدبختها خدا را فراموش کرده بودند که اگر حاج شیخ مرده لکن خدای حاج شیخ نمرده و نمی میرد بقرآن اعتقاد نداشتند تا کریمه و یبقی وجه ربك ذو الجلال و الاکرام را بخوانند و بدانند با خدا نتوانند مبارزه کنند خدای عزیز و توانا صبر می کند ولی وقتی بخواهد انتقام بکشد و بزند طوری در تهران می زند که صدایش از جزیره موریس افریقا بلند شود (وهو اشد المعاقبین فی موضع



النکال و النقمه

**حادثه دوم یا فوت مرحوم حاج شیخ محمد علی قمی و امتحان طلاب**

یکی از طرق دولت برای برانداختن حوزه علمیه بساط امتحان طلاب و محصلین حوزه علمیه بود و این امتحان گرچه صورتاً بسیار الوان و زیبا بنظر می آمد و لکن زیر پرده هدف دولت و فرهنگ که از مرکز دو سه ممتحن میفرستاد و حضرات را خواه و ناخواه امتحان میکرد داغ و لطلاب و تسلط بر حوزه و از ریشه کندن حوزه علمیه قم بود و روی همین لحاظ بسیاری از فضلاء و محصلین خوش استعداد را با دادن تصدیق و ورقه مدرسی از حوزه بیرون و بپست های پست دولتی که هر شغل پست آزادی حتی کناسی از آن بهتر و نزد خدا محبوب تر است دادند و ثلث محصلین را با این امتحان متفرق نمودند البته این خود یك امتحان خدائی هم بود تا خوب از بد و مؤمن از منافق شناخته شود و این همه آنات و ساعات و شهور و سنوات برای همه هست لیمیز الله الخبیث من الطیب

خوش بود تا محك تجربه آید بمیان    تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

ولی عده هم ثبات قدم ورزیدند از زندانها و شهر بانیها رفتن و تعقیب شدن و توهین شنیدن و کتك خوردن نهراسیدند و گول امتحان و ورقه مدرسه و اشغال مناصب و پست های شیطانی را نخوردند و چون کوه محکم با تمام آن بادهای مخالف مبارزه کردند تا خصم را بزانوی ذلت و عبرت در آوردند خدا امواتشان را رحمت و احیاشان را توفیق و نصرت دهد آمین یارب العالمین

یکی از آن امتحان ها امتحان ۱۳۵۸ بود از طلاب محترم که مبدل بعزاء و مصیبت گردیده و برای چندروز در آنسال بتعویق و تاخیر انجامید و برای سالهای بعد بکلی منحل شد

صبح روز پنجشنبه طلاب مهیا برای امتحان بودند و آن شب را تا بصبح نخوابیده و در کتابخانه فیضیه و حجرات مدرسه بمطالعه گذرانیده و خود این بنده با یکی از رفقا از اول شب مشغول بگرفتن ختم صلوات ۱٤ هزار مرتبه بودیم و ممتحنین حاضر و مجلس امتحان تشکیل که ناگاه خبر آوردند حضرت آیة الله حاج شیخ محمد علی قمی فوت نموده از رئیس فرهنگ اجازه گرفته شد که چندروزی امتحان برای مراسم عزاء و تجلیل آن فقید معظم تعطیل شود

پس تمام شهر و حوزه علمیه تعطیل و تشییع جنازه مهمی از آن مرد جلیل کردند و مجالس فاتحه

روزاول ازطرف حضرت آیة‌الله حجت وبعدازطرف حضرت آیة‌الله صدروروز سوم ازطرف آیة‌الله خونساری وبعد طبقات دیگر گرفتند

شخصیت آنمردبزرگوار درمیان اهل علم وفضل معروف و مشهورواز علماء برجسته قم بشمار میرودوتحصیلاتش در نجف اشرف درمحضرمرحوم علمین آخوندخراسانی وسید یزدی ودر کربلا ازخواص اصحاب آیة‌الله میرزامحمدتقی شیرازی بوده وبسیارمورد وثوق و اطمینان آن عالی‌قدر و ازکسانی بودکه مرحوم میرزا ارجاع احتیاطات بایشان فرموده بودند



آیة‌الله آقای آقاشیخ‌محمدعلی حایری قمی

تولدش در سال ۱۲۹۹ ق‌واقع شده وبس ازرشد و طی مقدمات مسافرت بتهران نموده و خدمت مرحوم آیة‌الله آشتیانی تلمذوبس از از آن درسال ۱۳۱۸ق بنجف مهاجرت وازمحضر آیات‌عظام آنجااستفاده نموده ودرسال ۱۳۲۵ ق بسامری رفته وبس از جنك بین‌المللی اول بکاظمین آمده واز طرف مرحوم آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی احضار بکربلا وبس ازچند مدت توقف درسال۱۳۴۹ق عزیمت‌مشهد مقدس نموده ودر مراجعت قم را مسکن‌خود قرار داده و مجاورت بقعه فاطمیه علیهاسلام رااختیار وبتربیت‌وتعلیم عده‌ازفضلاء ومحصلین‌مشغول گردید وفضلاءحوزه‌را عقیده‌این‌بود که‌بس‌ازفوت‌مرحوم آیة‌الله‌حایری زعامت حوزه علمیه‌قم بااوخواهدبود زیراازحیث‌مقام‌علمیت وتقوی‌وزهد وورع‌ومخالفت‌باهوای‌نفس‌واطاعت مولای‌خودوصیانت‌نفس‌ومحافظت‌دین کامل‌وسزاوار آنمقام‌بودلکن‌بس ازفوت‌مرحوم حایری‌بیش‌ازسه‌سال‌زنده‌نماند ودرآن‌مدت‌هم‌مبتلا بکسالت‌قلبی که منجر باستسقاء



بودتادردوشنبه۲۲ ربیع‌الثانی۱۳۵۸ ازدنیارحلت نموده‌ودربقعه‌حایری‌مدفون گردید

ازآثارایشان(۱) کتابیست‌بنام‌مختارات دردوره‌اصول‌بسبك جدید۲حاشیه‌بر کفایه جلدین۳ردبروهابیه که‌بطبع‌رسیده ٤ دیگر کتابهائی‌درفقه‌ومتفرقات ودیگر مسجدنو درخیابان شیخان مقابل‌درب قبرستان‌شیخان ویاباغ ملی که‌معروف بمسجد حاج‌شیخ محمدعلی ویامسجدنومیباشدقبرش‌درقبة‌العلماءقسمت‌بالاسر مرحوم آیة‌الله‌حایری است

**حادثه سوم یا فوت حکیم ربانی آیت الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی و قضایای ۳۰ شهریور**

سومین حوادث‌قم‌وحوزه علمیه بس ازفوت مرحوم آیة‌الله‌حایری‌فقدان‌اولین‌میزبان ایشان مرحوم آیة‌الله حاج شیخ مهدی حکیم ربانی قمی‌است که‌معروف به‌بائین‌شهریست این‌مردبزرگوار ازاکابر و شیوخ‌علماءقم بشمار میرودو گذشته ازمقام‌فقاهت وعلمیت اصول‌وحدیث مقام‌فلسفه‌وحکمت ایشان درمیان دانشمندان‌متاخرقم‌ممتاز وازهمین‌لحاظ‌معروف‌بحکیم میباشد در ۱۲۸۰ دربلده‌طیبه قم‌متولدوتحصیلات خودرا درقم وطهران ونجف نزداساتیدعظام بکمال‌رسانیده باومقام اجتهادوموقعیت‌علمی فراوان‌درسنه۱۳۲۲ بشهر دینی ومقدس‌خودبلده‌طیبه‌قم‌مراجعت ورسماً درقم موردتوجه عموم ومجری احکام وحدودو قصاص و قضاءو غیره گردیده وشرابخواروزانی‌راحدو دیگران‌از مرتکبین‌مناهی‌راتنبیه‌مینمود

مرحوم آیة‌الله حایری‌درورودش ازاراك‌بمنزل‌ایشان نزول فرمود خلاصه‌این بزرگوار نورانی که این نگارنده دوسه مرتبه‌توفیق‌شرفیابی‌محضرش رادرك‌نمودم بتمام‌معنااز‌مصادیق (عالم‌الذی‌یذکرکم‌الله‌رؤیته) بوددرقدس وتقوی‌زهدوورع علم وعمل صفاووفا کم نظیربود معاصرین ایشان کراماتی برای او نقل‌میکنند



**آیة‌الله حاشیخ‌مهدی قمی**

یکی‌ازآنهادست‌بابرکت‌وشفاءایشان‌بود که غالباً بهر مریض‌وصاحب‌دردی میرسیدشفامیافت مردم‌بائین‌شهرقم نوعاًعقرب گزیده‌ومار گزیده راخدمت‌ایشان‌می‌بردند انگشتر ویادست‌خودرابموضع‌نیش‌ودرد گذارده‌فوراًسم‌بیرون آمده‌وآنشخص‌مبتلاازمرك‌نجات پیدا میکرد

سفری اصفهان تشریف‌برده بودند ودرمراجعت‌وقتی بگاراژمی‌آیند برای‌سوارشدن

ماشین شوفر ایشانرا می بیند واجازه سوار شدن را نمیدهد و میگوید این آخوند را سوار نمی کنم میترسم ماشینم پنچر شود هرچه اصرار میکنند این مرد عالم ربانی و حکیم الهی وفقیه و مجتهد جامع است آن راننده میگوید هر که باشد آخوند است سوار نمی کنم تا عاقبت بشفاعت مدیر گاراژ ودیگران باکمال بی میلی و بی اعتنائی واهانت و جسارت ایشانرا سوار میکند تا در مورچه خورت اصفهان اتفاقاً ماشین پنچر می شود

وماشین های آنروز چون نوعاً کهنه بود وسالهای متمادی درخارجه اروپا و آمریکا کار کرده بود وطایر هایش فرسوده و پوسیده شده بود باآن راهای خراب ایران زیاد پنچر ومعیوب میشد مخصوصاً اجانب وبیگانگان ودشمنان وضد روحانیین وروحانیت اسلام این نحو ماشین های شکسته را تحمیل ایران کرده بودند باالقاء این کلمات برای نابود کردن اهل علم و روحانیین ومردم (عوام کالانعام) وهمج رعاع فکر نمیکردند این تبلیغها ازحنجره کی بیرون می آید و وادر تحت تاثیر تبلیغات شوم دشمنان اسلام واقع شده واین جملاترا تکرار میکردند

درمورچه خورت همینکه ماشین پنچر شد شوفر بناه هتاکی راگدارد که نگفتم آخوند سوار نمیکنم ماشین پنچر می شود هی گفتند این فلانست این مجتهد است دیدید عاقبت پنچر شد من از اینجا به بعد اورا سوار نمیکنم درهمین بیابان خواهم گذارد مردم دیگر که عوام بودند بااو هم عقیده گردیدند تمامی مسافرین راپیاده نمودند که پنچری ماشین رابگیرند آقای حاج شیخ مهدی بکناری نشسته بابعضی ازخواص و مریدهای خود و مسافرین دیگر هم متفرق شدند شاگرد ماشین مشغول گرفتن پنچری واصلاح بودند وشوفر برای قضاء حاجت بطرفی رفته بود که ناگاه فریاد زد بیائید ومرا دریابید که ماری مرا در این تاریکی شب گزید دور اورا گرفتند وهی فریاد کرده واز این پهلو بآن پهلو می غلطید و ناله میکرد بدن او ورم کرده و مشرف بموت شد همه مسافرین پریشان شدند که در این ظلمت شب میان این بیابان پرخطر ازمارو گزندگان دیگر و دزدان وراهزنان و مردن شوفر چه کنند

همه فهمیدند که این بلیه شوفر دراثر اهانتها وجسارتهای او بمقام مقدس آن عالم جلیل القدر است پس او رابمحضر ایشان آوردند در حالیکه آثار مردنش ظاهر بود و عرض کردند اورا به بخشای وصرف نظر فرما فرمودند او را بخشیدم جلوی من گذارید دست مبارك خودرا بربدن و موضع درد و نیش مار گذارد فوراً ازجای حرکت وحالش خوب



شد و روی دست و پای ایشان افتاده و بوسه داد و معذرت خواهی ها نموده ازمریدهای قرص وخواص ایشان شده وتاقم نهایت احترام وتجلیل رامرعی داشت و دانست تمام آن حرفها تبلیغات مسموم بیگانگانست درباره علماء وروحانیین

مرحوم حاج شیخ مهدی بسیار متعصب وغیور بود وهمین باعث کسالت سکته ناقصه ایشان شد چون رفیقش مرحوم حجة الاسلام بافقی که درشنیدن قضایای مسجد گوهر شاد مبتلا بسکته ناقصه گردید تا از دنیا رفت

ایام تابستانرا برای هواخوری وییلاق بمحلات تشریف می بردند سال ۱۳۶۰ هجری بود که درمحلات ازدنیا رفت وجنازه اش را باتجلیل واحترام شایان تاقم تشییع نموده ودر بقعة العلماء قسمت پائین پای آیة الله حایری دفن کردند و چون ایشان در تأسیس حوزه علمیه قم وهم کاری با مرحوم حایری بی سهم نبودند مختصر ترجمه اورا نگارش دادم رحمة الله علیه

واز قضایائیکه درهمین سال اتفاق افتاد و نفع آن برای اسلام و مخصوص حوزه علمیه قم کمتر از نفع آفتاب بر ذرات نبود قضیه شهریور ۲۰ و شعبان ۶۰ هجری بود که متفقین کثیف ونجس آمدند و ایران وحوزه اسلامیت و علم را ازوجود منحوس و پلید عنصر کثافت و نجاستی تطهیر کردند و همان کسیکه تمام همتش از میان بردن قرآن واسلام و آثار دیانت و روحانیت بود خائفاً وجلا فرار را بر قرار اختیار ورهسپار وادی برهوت و بیابان نیستی موریس گردید

وحوزه علمیه قم پس ازده ها سال فشار وتعقیب از چنگال مأمورین پست او خلاص و بساط امتحان ویادام فریب واغواء بهم خورد ومؤمنین از هر گوشه و کنار بیرون آمده وسر بآستان قم گذاردند و کم کم حوزه ازخمول وخمود بیرون آمده ومحصلین رو بتزاید گذاردند واز پانصد نفر به پنج هزار نفر امروز رسیدند

قضایای آنسال بسیار و کتابهائی گذشته ازجراید ومجلات درباره شهریور ۲۰ نوشته شده هر کس طالب است بآن ها رجوع کند

یکی ازمراجع بزرك قم که اکنون حوزه علمیه باوزینده است میفرمود وقتی که از حرم بیرون آمدم درخیابان ارم بعد از نماز ظهر وعصر بود دیدم یاروراً که سر گردان و متحیر و بیچاره، آواره در ماشین نشسته ورو باصفهان میرود بطوری ازحرکات وستم های او عصبانی بودم که اگر پیاده می شد کله اورا میکندم و تمام مردم آنطور بودند

الحاصل دولت ظلم وستم او که مولود باد بود چون باد رفت ولی بدعتها و جنایتهای او نرفت هنوز سرهای برهنه زنان ولباسهای خارجی مردان ووالی هزارها بدعت او را بلعن و نفرین یاد میکند چنانچه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میفرماید (من سن سنة سیئة فله وزر من عمل بها)

**حادثه آب در قم و از میان رفتن مشروب خانه‌ها**

یکی از حوادث دیگر قم که نفعش برای اسلام و حوزه علمیه و بلده طیبه قم بسیار بوده حادثه آب بود که در ۱۳۶۱ واقع شد شهر مقدس و مذهبی قم بلحاظ اینکه از قدیم مسکن صلحا و اهل ایمان وتقوا بود کمتر در آن منکر دیده میشد زیرا حرم اهل بیت ومدفن علیاحضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بود مجاورین آن تمام شیعه و اهل عبادت و پرهیز کاری بودند تا اوائل آن زندیق قزوینی که منکرات معروف ومعروف ها منکر گردید و بدعتها ظاهر و دار الایمان های ایران دار الفسق والفجور گردید آستان ملك پاسبان اعلیحضرت ثامن الحجج علیه الصلوة والسلام هدف توپ و مسلسل وروضه مقدسه فاطمیه قم مورد حمله وهتك آن جنایتکار گردید شرب وخمر ومسکرات در همه جا علنی ودر شهر دینی و علمی و مقدس قم هم رسمی و حتی در خیابان حضرتی در مجاورت آستانه مقدسه مشروب فروشی باز او اشاعه فحشاء میشد

مردم غیور و متعصب مسلمان از این موضوع بسیار متأثر ولی چارهٔ نداشتند جز سکوت تا مرحوم حاج شیخ محمد تقی بافقی همان مرد مجاهدیکه تا قم بود کسی جرئت بریش تراشی نداشت فرضاً از جنایتهای دیگر چون شرب مسکرات بنا بوعده خودش پس از فرار آن عنود بقم آمده واز دائر بودن این اماکن فساد بسیار متاثر و نگران حضرات حجج اسلام و مراجع آنروز را احضار و با آنها صحبت فرمود اگر نمی توانید مبارزه کنید با این منکر قبیح که در پیش چشم عمه شما حضرت معصومه علیها سلام رائج است با وجوهاتیکه نزد شما میآید جلوگیری کنید بخرید آنها را و در میان چاه بریزید که کسی نخورد زیرا خودتان میدانید که یکی از مصارف وجوهات بریه جلوگیری از منکرات و فحشاء است ولو باین طریق باشد

وبعد فرمود شما بدرد زعامت مسلمین نمی خورید شما تنها باید نماز جماعتی بخوانید ودرسی بگوئید انشاء الله بیاری خدا خودم آنها را از میان بر میدارم گفتیم بچه طریق فرمود بعضی از جوانان وداش های پائین شهر را تحریك می کنم که شما رعیت حضرت



معصومه علیها سلام هستید چه جواب پدر وجدش را خواهید داد اگر به پرسند چگونه با بودن فاطمه مامشروبات صرف شده وعلناً جنایت وفحشاء میشود اگر گفتند چه کنیم می گویم عرق وشراب و کلیه مسکرات در اسلام مالیة ندارد و جود وارمنی هم نباید تجاوز از احکام اسلام در کشور اسلامی کنند بریزید و این دکانهای مشروب فروشی را آتش زده واز بین ببرید

این جملات را با بسیاری از مردم فرمودند و روز شنبه بود که حرکت بحضرت عبدالعظیم علیه السلام کردند فردا یکشنبه آن میان قمی ها ومحلاتیها در سر آب نیم ور دلیجان و محلات نزاع و چون بنا بود شش روز آب بطرف قم و پنج روز در آن اراضی صرف شود چند نفری از ارباب های اراضی چون صدر الاشراف محلاتی وسرهنك نیم وری بعکس نمودند وبلکه آب را بکلی بروی قم بستند از این جهت باغات ومزارع قم خشکیده فریاد مردم بلند بالاخره کار بالا کشید تا همه رعیتهای قم اعتصاب و با مردم دیگر همدست بنماز جماعتهای آقایان حمله بردند و حتی سجاده‌ها از زیر پای آقایان کشیدند مرحوم آیة الله حجت با مرحوم آیة الله خونساری وحضرت آیة الله صدر و آقای فیض ودیگران مجتمع تا فکری برای مردم بینوا کنند راستی آسمان قم در آنروز ناظر انقلاب مهمی بود

یکی از حضرات وعاظ معروف درمیان آنمردم بیچاره فریاد زد مردم چرا جماعتها را بهم می زنید باید شما در این مواقع بخدا و نماز متوسل شوید واگر بخواهید انقلاب کنید که نتیجه بگیرید پس بریزید شرابخانها را بهم زنید که در این شهر دینی شما بر علیه قرآن ومقدسات مذهبی اشاعه منکرات ندهند بمجرد این کلمه که از سینه سوزان آیة الله غیوری چون حاج شیخ محمد تقی بافقی القاء شده بود بگوش آنمردم از خود گذشته رسید غیر تهایشان بجوش آمده ودر آن میان فریادشان بلند شد فردا هیچکس حق باز کردن دکان خود را ندارد واگر کسی دکانش را باز کرد غارت خواهد شد آنشب را بتشنج بی حادثه گذرانیده برای صبح کم کم مردم جمع شده ودکانها هم را باز نکردند ودرسها هم تعطیل و درصحن مجتمع وچون زیاد شدند با تکبیر و صلوات شعارهای دیگر بطرف خیابان های حضرتی وشهر نو براه افتادند ودر خیابان حضرتی حلب نفت وبنزین بدکان مشروب فروشی ریخته و آتش زدند واز آنجا بطرف شهر نو عمده فروشی مسکرات را نیز با نفت وبنزین آتش زده وهزارها تومان ارمنی صاحب دکان را بکلی سوزانیدند و از آنجا بخانه چند فاحشه بدبخت ریخته اسباب آنهارا هم بآتش دادند

دولت چون اوضاع را وخیم دید برای تفرقه مردم دستور شلیك داد اتفاقاً چند تیر هوائی که درسر پل قدیم رها شد اصابت به پا و بدن بعض مأمورین خود از امنیه نموده بعضی مقتول و بعضی مجروح تا دستور خودداری دادند و مردم خود بخود متفرق شدند و چند نفر از طلاب محترم هم با بعضی از مردم دیگر دستگیر و پس ز چندروز با اقدامات حضرت آیة‌الله حجت و آیة الله صدر آزاد و آب بنفع قمی‌ها فیصل شد

**ورود حضرت آیة الله قمی بقم و تجلیل عظیم از ایشان** یکی دیگر از روزهای مهم قم و حوزه علمیه ورود حضرت آیة‌الله حاج آقا حسین قمی است بقم و این از لحاظ شعائری بسیار مورد اهمیت بود زیرا آن بزرگوار در اثر مبارزه ایکه در سنه ۱۳۱۳ شمسی با آن دولت ظلم وقت نموده بود و از مشهد بطهران و حضرت عبدالعظیم (ع) آمده و ملاقات خواسته و شاه قیدی روی نشان نداده امر بتبعید آن بزرگوار نموده بود آن سید جلیل مظلومانه بکربلا نفی شده و از آن سال تا ده سال بحالت تبعید در آن عتبات عالیات باقی مانده بود در سال ۱۳۶۳ که عازم زیارت مشهد مقدس گردید ایران و ایرانی تکانی بخود داده و این مقدم شریف را مبارك دانستند لذا در تمام شهرهای مسیر و سر راه چون قصر شیرین و کرمانشاهان و همدان و ملایر و اراك استقبال کردند و از همه مهمتر استقبال حوزه علمیه و مردم قم بود که از تمام شهرستانها بیشتر و مهمتر گردید

زیرا روحانیین قم شخصیت آیة‌الله قمی آن عنصر تقوی وزهد و رجل علمی و مجسمه مجاهده و فداکار را بخوبی می‌شناختند صرافان گوهرشناس و انسان‌شناسی چون آیة‌الله حجت و آیة‌الله صدر و آیة‌الله خونساری و فیض در آن بود و شناسای مقامات آن سید معظم بودند

و دیگر چون آیة‌الله قمی از اهل قم بودند و بنی اعمام و بنی اخوالش در آنجا ساکن و داماد بزرگواری چون آیة‌الله صدر رضوان الله علیه در آنجا داشت و روابط معنوی زیادی با مرحوم آیة‌الله حجت که در این وادی بود داشت از همه جا بیشتر تجلیل شد

آیة‌الله حاج آقا حسین قمی و پنج برادر دیگرش از سادات طباطبائی قم و خانواده جلیل آن شهرستانند پس از دیدن مقدمات در قم و طهران بنجف اشرف عزیمت نموده و در حوزه درس مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم سید یزدی حاضر تا بمقامات ارجمند و اجتهاد عام و تقوی فائق و در همان دوره از مرحوم آیة‌الله سید مرتضی کشمیری درس تهذیب آموخته و می‌فرمود تا پیش از دیدن آن بزرگوار منکر آدم خوب و انسان کامل در این زمان بودم





مرحوم آیة االله اعظمی آقای حاج آقاحسین قمی قدس سره

ایشانرا که دیدم دانستم که خوب هم پیدا میشود و علم حدیث و درآیه را از آیة‌الله حاج میرزا حسین نوری و بعد در کربلا بخدمت آیة‌الله آقای میرزا محمد تقی شیرازی شتافته و تا چندین سال از خواص اصحاب ایشان بودند و آن جناب ایشانرا برای مرجعیت و اهلیت تقلید بعد از خود معین فرمودند

مرحوم قمی بمشهد مشرف شده و مجاورت آن امام مظلوم و غریب را اختیار و سالهای دراز ریاست و زعامت حوزه مشهد را متکفل و مورد توجه عموم مسلمین دنیا و مرجع تقلید ثلثی از مردم شیعه دنیا بودند تا موضوع کشف حجاب و کلاه پهلوی پیش آمد از مشهد حرکت بحضرت عبدالعظیم نمود برای ملاقات شاه و صحبت در این باره که شاید او را منتهی و متنبه کند از این اقدامات آن دیکتاتور وقت ملاقات نداد که بلکه دستور هم داد تا دور باغ سراج منزلگاه ایشانرا در شهر ری محاصره و مانع از دید و بازدید مردم و علماء هم شوند و حدود یك هفته در آنجا متوقف بودند و کرامات چندی از ایشان دیده شده که اینجا را مورد نقل آن نباشد

پس از آن مدت ایشانرا تحت الحفظ بکربلا تبعید نمودند و در آنجا توقف و بیشتر مورد

توجه مسلمین جهان گردید ودرزهدوورع وقدس وتقوی ازتمام مراجع معاصرش اکمل وازاوتعبیر باورع واتقی وازهدمینمودندحوزه درسش درصحن شریف حسینی دائرو فضلاء کربلاازمحضرش استفاده می نمودنددرسال ۱۳۶۳ که عازم بتشرف اقدس شدندوپس از سالها تبعید ایران وخراسان رابمقدم خود متبرك ساختند خوداین نگارنده چندماه مانده بحرکت وتصمیم ایشان خواب تشرف ایشانرا بمشهد دیدم ودر بالای سرحضرت ابوالفضل العباس علیه السلام برای ایشان نقل کردم خوشحال شدند و دعاکردند که آرزوی من این است وازخداخواهانم وسایل آنرافراهم کندوبا وامیدوارم

پس درآنسال حرکت کردندوباتجلیل تمام تااراك تشریف آوردندودرملایرحضرت آیةالله بروجردی مدظله العالی ازبروجردبملاقات ودیدارایشان آمدندواین دو پیر مرد نورانی همدیگرر ادرآغوش گرفتندوخرسندیها نمودندوچون باراك واردشدندقم وحوزه علمیه خودرا مجهز برای استقبال بی سابقه نمودندوتجلیلی انصافاکردند که درتاریخ اسلام کم سابقه است حضرت آیةالله حجت رضوان الله علیه در۱٤فرسخی قم قریه جهرودوسائل نهار رافراهم ودرآن قریه دورازشهروسایل حدودپانصد نفررابافتخارایشان باحضور ایشان ضیافت نموده ومتجاوزازچندین هزارتومان صرف این مهمانی وتجلیل نمودندوخودهم در خدمت ایشان حرکت وبقم آمدند ودرقم نهایت تجلیل واحترام رابجاآوردند گاوها و گوسفندهاقربانی واشعاروقصایددرمدحش خواندند تا از آنجاهم حرکت و بحضرت عبدالعظیم(ع)تشریف آوردندوخود بنده درآنجاناظر شورواحساسات وشوق و اشتیاق فراوان مردم مرکز وپایتخت بودم که صدهاهزار باستقبال آمده وپیاده میدویدند تادر باغ ملك شهرری نزول اجلال وتاچندین روزعموم طبقات ازدربار و دولت وقت و علماء مرکز همه روزدسته دسته بدست بوسیش مشرف وتبریك میگفتند تاازشهرری حرکت بارض اقدس نموده ودرتمام شهرستانهای سرراه تجلیل وتکریم شده تاورود بمشهد که خراسانیهااگر قربان فرزندرا اسلام تجویز کرده بودهزاران فرزند قربانی مقدمش می کردندچندی درآن وطن اتخاذی قدیم برای زیارت اعلیحضرت ثامن الحجج علیه السلام توقف وپس ازآن مراجعت بطهران ودرخانه آقای ابوالفضل مصباح التولیه قم ورودومشغول مبارزه باکشف حجاب وسایرمنکرات گردیدند وایستادگی کردند تازنان رااز تحت فشارسرنیزه هاوتعدی مأمورین آزاد ومختار گذاردند واین برگشت حجاب و چادر مرهون خدمات و مجاهدت آن مرد بزرگوار است جزاه الله عن الاسلام و المسلمین



خیر الجزاء

پس ازآن مراجعت بعتبات عالیات وکربلاءمعلی نمودند تاآیةالله اصفهانی مرحوم شدندوزعامت شیعه جهان برایشان استوار آمد پس ازکربلا بنجف اشرف منتقل وبسرپرستی حوزه اسلام وروحانیت نجف وعاصمه تشیع مشغول گردیدندلکن هزاران افسوس که چندان طول نکشیده وادامه نیافت وپس ازسه ماه بعدازفوت مرحوم اصفهانی در کاظمین ازدنیارفت جنازه اش راباتجلیل شایان حمل بنجف ودرمقبره مرحوم شریعت اصفهانی در صحن مطهردفن گردیدیکی ازثقات میگفت من خودحاضردفن ایشان بودم که پس ازگذاردن جنازه ایشان رادرمیان قبر دیدم آقازاده بزرك ایشان چندین شیشه کوچك مملواز آب را درمیان قبرایشان گذاردپرسیدم چیست اینها گفت این شیشه هاپرازاشك چشم ایشان است که درنیمه شب ازخوف خداریخته ودرآنهاجمع ووصیت فرموده که آنهارابا ایشان دفن کنندودراین عمل اقتداءباجدادواسلاف گرامی خودمخصوص مادرعزیزش فاطمه زهراعلیها سلام نمودندرضوان الله تعالی علیه

آثارایشان عبارت است از۲۲فرزند ذکوروانات که غالب فرزندان ذکورش اهل اهل فضل ودانش وچون حجةالاسلام آقای حاج آقاحسن قمی که اشبه الناس بپدر عزیز خود میباشد در مشهد رضوی ساکن وازطراز اول علماء آنسامان ومورد توجه عمومی ونمازجماعتش درجامعه گوهرشادجالب وقابل توجه و بتدریس و تربیت محصلین مشهد مشغول وبرادرگرامی اودومین فرزند فاضل وجامع جمال و کمال مرحوم قمی حجةالاسلام حاج آقامهدی قمی است که در کربلابرمسندپدرمعظم خودنشسته ونمازجماعتش درحرم صبح هاوظهرهاودرصحن شریف درمغرب هاآبرومنداست ونیزدرتهران حجةالاسلام آقای حاج آقاباقرقمی الی دیگرفرزندان برجسته وباموفقیت ایشان درنجف وطهران وغیرذلك که مهم ترین آثارایشان وهرپدریست که دارای چنین فرزندانی باشدایدهم الله تعالی لمرضاته

وفاتش در۱٦ربیع المولود۱۳٦٦دامادبزرگش که جهان شیعه بوجوداوافتخار دارد حضرت آیةالله صدراست که دربقاءونظم حوزه علمیةقم سهم بسزائی دارد و درجای خود انشاالله توضیح خواهم داد

**ورود آیةالله العظمی آقای بروجری مدظله العالی**

دوم روز سر ورقم وحوزه علمیه پس ازفوت مرحوم آیت الله حایری روز ورود آیةالله فی العالمین رئیس الملة والدین آقای حاج آقاحسین طباطبائی بروجردی متع الاسلام

والمسلمین بوجوده بودکه درمحرم سال ۱۳۴۷ واقع شدوما چون تفصیل آنرا دراول جزء دوم این تاریخ که در ترجمه احوال و آثار ایشان وسایر علماء اعلام و اساتید عظام وفضلاء کرام وفارغ التحصیلان و آثارحوزه مقدسه علمیه قم است نوشته ایم در اینجا ازذکر آن خودداری نموده وطالبین راحواله بآنجامینمائیم

**ورود حجة الاسلام و آیة الله کاشانی** درسنه ۱۳٦٤ بود که قم وحوزه علمیه تکانی خورده **پس ازخلاصی از تبعید بقم** وپس ازاستقبال وتجلیل ازمرحوم آیة الله قمی و آیة الله بروجردی خودرامهیابرای استقبال وتجلیل ازجناب حجة الاسلام والمسلمین آیة الله حاج سید بو القاسم کاشانی ابن آیة الله حاج سید مصطفی کاشانی که ازعلماء بزرك حوزه علمیه نجف بودمهیاشد

این مردشریف درسال ۱۳۳۰ هجری قمری متولدشده ودرسن ۱٦ سالگی در خدمت پدر بزرگوار خود که از مراجع تقلید شیعه اثناعشریه و از مجاهدین اسلام بوده بقصدحج بیت الله الحرام بعتبات عالیات ومکه معظمه مشرف وپس ازانجام تشریفات حج مجددا باعتاب مقدسه مراجعت فرموده ودرنجف اشرف که مرکز علم و ادب ودیانت مسلمین شیعیانست اقامت گزیده وعلوم مختلفه دینی رادرمحضر والدمعظم خود وحضرت آیة الله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و آیة الله آقای حاج میرزاحسین حاج میرزا خلیل وسایرفحول علماء تلمذفرموده ودرسن ۲۵ سالگی بدرجه اجتهادرسیده ومورد توجه و اعتماد عموم علماء اعلام وهیئت روحانیین ووجوه مردم وقاطبه مسلمین گردیده و درسال ۱۳۳۱ هجری درجنك بین المللی اول موقعی که انگلیسیها بانیروی هنگفتی بقصد تسلط بر عراق ومناطق شرقی حمله ور گردیدند درخدمت والد معظم خودوجمعی دیگر از علماء اعلام بانیروی ملی بمیدان جنك شتافته وجلوی نیروی جرارمهاجم را گرفته ودرمدت ده ماه دریك نقطه بااستقامت وپافشاری فوق تصور درمقابل این همه تجهیزات نوین اروپائی مقاومت نموده ونگذاردند قدمی فراتر نهندتاآنکه انگلیسیها روزی باتجهیزات زمینی ودریائی وهوائی وباتمام نیروی خودحمله ور گردیده شکست سختی برایشان وارد آمد که دراثر صدمات جنك ومصائب شکست خورده جسم والد ایشان حاج سید مصطفی نحیف وپس ازچندی بدرود حیات گفتند

آقای حاج سیدابو القاسم کاشانی بعدازفوت پدرخود درمیان عموم مسلمین وایلات عرب (شیعه وسنی) دارای نفوذوقدرت فوق العاده بوده که باین جهت وعظمت و احترامیکه حتی درمیان مذاهب مختلفه ازقبیل یهودونصاری داشت و مورد قبول عموم ادیان مختلف



بودندانگلیسهاپس ازفتح بغداد ودرگذشت پدرایشان متعرض ایشان نگردیدند و پس از چندی سکوت چون انگلیسهابرای انعقاد قرارداد وثوق الدوله نیروی زیادی بالغ برچهل هزادرنفرر درایران نگاه داشته بودندو باعث تکدر ورنجش تمام وطن پرستان ایرانی بخصوص حضرت ایشان شده بود لذا ایشان باتمام نیروی ایلاتی وتمام طوائف عراق عرب ازشیعه وسنی باکمك حضرت آیة الله آقامیرزامحمدتقی شیرازی اعلی الله مقامه برعلیه حکومت دولت انگلستان درعراق قیام نموده وپس ازچندین ماه جنگهای خونین منجر بحصول استقلال عراق وخروج نیروی انگلیسی ازایران بکمك نیروی خوددرعراق ونابودشدن نیروی خود درعراق ونابودشدن نیروو سران مهم آن گردیدوچون انگلیسها تصمیم بگرفتاری ایشان داشتند لذا ازپشت کوه بایران آمدودرسال ۱۳۳۹ هجری درطهران ظاهر گردیده و مورد تجلیل واحترام مسلمین ومردم پایتخت واولیاءامور وقت واقع گردیدند



حضرت آیت الله کاشانی

ودراثر اقدام دولت (سپهدار) انگلیسها که کم کم نفوذخودرا از دست داده بودند از گرفتاری وتعرض بایشان درمیان جامعه شیعه خود داری کردند

وپس ازتشکیل دولت عراق هریك از اولیاء امورعراقی وعلماءاعلام وشیوخ عرب و غیرهم که اقدام برای مراجعت ایشان بعراق عرب و اعتبات عالیات نمودند به نتیجه نرسیده و دولت انگلیس مخالفت نموده که ناچاردر ایران تاکنون متوقف گردیدند

تادرسنه ۱۳٦۳ همان ایامیکه مرحوم آیة الله قمی در تهران برعلیه کشف حجاب و منکرات دیگر مبارزه میکردند بابودن متفقین طهران انگلیسهادر تعقیب ایشان برآمده و باتهام اینکه ایشان ستون پنجم آلمانرادرایران تشکیل داده اند درامامزاده قاسم شیمران تهران ایشانرا دستگیر وباراك اعزام وپس ازچندین ماه زندان مجردو فشار فوق العاده از آنجابکرمانشاه وچندین ماه هم در آنجادر تحت فشارو بعدازرفتن آنهاازایران آزاد و از کرمانشاه باتجلیل واحترام بهمدان واراك واز آنجاعازم قم گردیدندوچون خبرحرکت ایشان بمراجع عظام حوزه علمیه قم و مردم این شهرستان رسیدهمگی مهیای استقبال و پذیرائی

شده‌و تاچندین فرسخ مراسم پیشوازیرا فراهم کردند حضرت آیت‌الله بروجردی یك اتوبوس ازفضلاء وعلماء قم رابسه فرسخی وحضرت آیت‌الله مرحوم آقای حجت هم یك اتوبوس ازفضلاء اصحاب خود را تاچندفرسخی ونیز حضرت آیت‌الله صدر و مرحوم آیت الله خونساری ماشین‌ها ازاصحاب خود پرکرده و باستقبال فرستادند واز جمله حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین نسابه خبیرو علامه بصیر آقای آقانجفی مرعشی تا پنج فرسخی استقبال نمودند وتمام حوزه علمیه که خود بنده هم بودم تا یکفرسخی (حضرت شاه جمال ) باغالب مردم قم ازتجار واعیان واشراف استقبال نمودند ودر نیم فرسخی قم هم مرحوم آیت‌الله فیض وآیت‌الله کبیر مجلس تشریفاتی تشکیل وبا تجلیل وتکریم زیادی بقم وارد ودر منزل تولیت آقای مصباح التولیه وارد گردیدند وپس ازچندروز بعد ازدیدو باز دیدها وملاقاتهای مراجع دسته دسته ازعلماء ووعاظ وخطباء وتجار مردم درجه یك طهران بقم آمده وایشانرا با احترامات شایانی شبانه وارد بتهران نموده وبمنزل معروفش درپامنار رسانیدند

تادرسال ۱۳۶۵ هجری ماه شعبان که ایشان بقصد زیارت آستان قدس رضوی مشرف می‌شدند درسبزوار ازطرف دولت وقت (قوام السلطنه) بواسطه سوء ظن و توهم دستگیر وبرای دوم مرتبه تبعیدا ببهجت آباد قزوین گردیدند وچون این خبر در تهران منتشر مردم علاقه‌مند تهران ومسجد سلطانی اجتماع واظهار تنفراز عمل قوام نمودند و یکی ازشعرای عصرحاضر بنام میرزاعلی اکبر خوشدل بمنبر رفته و بااین دو بیت ابراز انزجار وتنفر ازدولت قوام نمود

حجة الاسلام کاشانی راد — شد بزندان قوام بدنهاد
شیعیان را ازین عمل آمد یاد — ازحدیث مسلم وابن زیاد

پس دولت توسط مامورین مردم را متفرق وآقای خوشدل رادستگیر وبجرم این دوبیت چندروزی حبس نمود مردم دیگر جرأت احساسات نداشتند تاپس ازیکسال وچندماه دیگر که ایشان ازتبعید بقزوین آزادو بتهران مراجعت کردند وباز مشغول مبارزات با دولت‌های جائر گردیدند تادر شب ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۷ ربیع الثانی ۱۳۶۸ که تصادف باسوء قصد نسبت بشاه شده بود ازطرف دولت ساعد در نیمه شب مزبور درخانه خود دستگیر وشبانه تبعید بخرم آباد وقلعه فلك الافلاك گردیدند و بعداز چند روز از آنجا تبعید بلبنان و سوریه گشتند



قم درهمان ایام روزهای خطیر برامی پیمود زیرا مرکز تحصن وتهاجم مردم علاقه‌مند تهران وفدائیان اسلام برای پشتیبانی ازایشان درمنزل حضرت آیة‌الله بروجردی شده بود تاخلاصه هژیر وزیر دربارشاه بدست یك سید جوانمردی که یك پارچه غیرت وتعصب و حرارت بود بنام شهید مرحوم میرسیدحسین امامی اولین تقدیمی جمعیت فدائیان قاتل کسروی ملعون مقتول کشته وبفعالیت وفداکاریهای همین جمعیت آقای کاشانی انتخاب برای وکالت مجلس وپیدا کردن مصونیت پارلمانی ازتبعید لبنان آزاد وبا استقبالی که ازطرف یکصد هزار نفر مردم طهران صورت گرفته بود ونوعاً آنرا اول استقبال عام تشیع و اسلام ازیکنفر روحانی میدانند وارد تهران شدند وپس ازسه روز برای دیدن حضرات آیات‌الله العظام قم عزیمت بقم نموده و در منزل مرحوم آیة‌الله خونساری ازتمام زعماء ومراجع قم وعلماء دیدن نمودند

آیة‌الله کاشانی دردنیای امروز اولین روحانی سیاسی مسلمین شناخته شده است وعموم کشورهای امروز نسبت بایشان تعظیم وتواضع کرده واورا بعظمت یاد میکنند

**تشرف مرحوم آیت‌الله حجت رضوان‌الله علیه بزیارت اعلیحضرت ثامن الائمه علیه الصلوات والسلام ومسافرتهای ایشان بشهرری**

مرحوم آیة‌الله آقای آقاسید محمد حجت دامت آثاره ازسال ۱۳۴۹ که بقم تشریف آوردند پنج مرتبه برای معالجه کسالت سینه وقلب وفشار خون وسوءهضم خود مسافرت بتهران نموده ودرشهرری اقامت کردند سفر اول درسال ۱۳۵۹ هجری بود که در باغ اندرونی ملك منزل کردند ودرحدود دوماهیکه درآنجا توقف داشتند این بنده ملازم ایشان بودم وآثاربرا ازآن حجت الهی مشاهده کردم

وسفر دوم درسال ۱۳۶۵ هجری دراوائل رجب بود که تشریف آوردند درحضرت عبدالعظیم ودرمنزلیکه این نگارنده برای ایشان تهیه کرده بودم نزول اجلال کردند وحدود یکماه و نیم توقف ودرروز نیمه شعبان سنه مذکور عزیمت آستان قدس رضوی نموده و این بنده را برای تبلیغات دینی ماه رمضان اعزام بگرگان فرمودند ودرموقع حرکت هرچه از طبقات علماء وزعماء دولت وتجار تهران وخراسان مراجعه کردند که اجاز تشریفات و استقبال و سایر تعظیمات واحترامات رابگیرند چون یك پارچه تقوی ویك عالم معنویت بودند واصولا باتظاهرات مخالفت کلی داشتند اجازه نفرمودند وحتی اشاراتی داشتند که ازآن استشمام پیش آمدهائی میشد چنانچه درهمان ایام که آن معظم له بی سروصدا وتظاهرات شهرهای

مسیر راه را طی کردند و شبانه وارد مشهد شدند آقای کاشانی در سبزوار دستگیر و تعقیب گردیدند و معلوم شد که ایشان باشم الفقاهتیکه داشتند حدث آن پیش آمد را می زدند

خلاصه بدون تظاهرات وارد مشهد شده و مورد تجلیل عموم مردم مشهد گردیده و قاطبه اهالی خراسان را با این رویه خداپسندانه بخود علاقه‌مند نمودند و نهایت جود و بذل و بخشش وعطا را که سجیه کریمه ایشان بود مبذول داشتند واز هزار تومان الی ۱۵ تومان در میان عموم علماء و فضلاء و طلاب مشهد از مبتدی الی من بلغ مرتبة الاجتهاد و الریاسة تقسیم کردند و همین احسان و کرم مردم را بیشتر بایشان متوجه نمود

ولی کسالت ایشان و موافق نبودن آب و هوای مشهد نگذاشت حظ بیشتری ایشان از زیارت امام هشتم به برد ناچار در اثر شدت کسالت حرکت و مراجعت بقم نمودند در ماه رمضان و پس از چندین روز بمحل ییلاقی هرساله خود قریه میم قم عزیمت نمودند

وسفر سوم در سال ۱۳۶۷ بود که باز برای معالجه بحضرت عبدالعظیم تشریف آورده ودر منزل مرحوم حاج ارباب محمدعلی که از اخیار شهرری بود و قبلا تهیه شده بود سکونت کردند و در این سفر حدود پنج ماه متجاوز در حضرت عبدالعظیم (ع) توقف نمودند و از برکات این سفر ایشان این مؤلف توفیق تشرف بمکه معظمه و عتبات عالیات را یافتم

درسفر چهارم در سفر ماه رمضان ۱۳۷۰ هجری بود که بشهرری تشریف آوردند با معیت فرزند برومند خود حجة الاسلام آیة الله زاده حجت آقای آقا سید محسن که از فضلاء بر جسته نجف اشرف محسوب میشوند و عنقریب ورود ایشان را بقم خواهم نگاشت

وسفر پنجم در اواخر ذی الحجه ۱۳۷۱ هجری بود که برای چند روزی به بیمارستان فیروزآبادی شهرری و منزل شخصی حاج سید رضای فیروزآبادی وارد و پس از چند روز آزمایش و دستور مراجعت بقم فرمودند و در تمام این پنج سفر نهایت تجلیل و تکریم از طرف شاه و رؤسای دولتهای وقت و وزراء و وکلاء و علماء و عموم مردم دیگر شدند در سفر سوم بود که خود حاضر بودم در روز دوم آقای حکیم الملك نخست وزیر آن زمان بزیارتشان مشرف و بی اندازه تعظیم و تواضع نمود و نیز در همان سفر و سفرهای بعد و قبل در همان روز اول که یکروز قبل رادیو خبر تشریف فرمائی ایشان را میداد و جرائد مالی و دولتی هم مینوشت اولین کسیکه بملاقاتشان مشرف میشد وزیر دربار شاه بود که از طرف شاه آمده و تبریک



ورود گفته و اظهار اطاعت و امتثال اوامر او را مینمود و در سفر دوم آقای شکوه الملك وزیر دربار باتفاق مصباح التولیه و جمعی از درباریان و وزراء و وکلاء دیگر و سفر سوم آقای محمود جم وپس از آن نخست وزیر حکیم الملك و سفر چهارم آقای حسین علا وزیر دربار و دوساله اخیر و نخست وزیر یکماهه سابق پس از رزم آرا، ولی خدا شاهد است که در تمام این ملاقاتهای این دسته مردم سیاسی و مادی و دولتی کمتر بشر و خرسندی از سیمای مرحوم آیة الله حجت دیده نمیشد بلکه بسیار ناراحت و متاثر بود و اگر برای پاره‌ای از جهات نبود مانند قم رو بایشان نشان نمیداد زیرا که مرد سالك الهی و عالم عارف ربانی بود (کان فی الناس ولم یکن معهم) از حریم مادیین و دنیاپرستان دور و بر کنار بود و از ریاست معرض و از شهرت گریزان و زبان حال و قالش گویا بکریمه (تلك الدار الاخرة نجعلها للذین لایریدون علوا فی الارض ولا فسادا والعاقبة للمتقین بود

**ضایعه بزرگ جهان تشیع و عالم روحانیت و حوزه علمیه نجف و قم المحمیه یا فوت زعیم الشیعه آیة الله المرحوم السید ابوالحسن الاصفهانی**

در نهم ماه ذی الحجه ۱۳۶۵ هجری بود (همان سالیکه آیت الله حجت مشهد مقدس مشرف شدند) که دنیای اسلامی تکان عجیبی خورده و لطمه بزرگی بر عالم تشیع وروحانیت شیعه از فقدان رئیس الشیعه و زعیمها و قطب الشریعه ورحائها آیة الله العظمی السید ابوالحسن الاصفهانی وارد آمد و آنسال سال عجیبی برای مسلمین جهان وشیعیان عالم گذشت بواسطه از دست دادن رجال بزرگ علم و فضیلت و مردان پاك تقوی و شرافت و مشهور شد بعامة العلماء در همانسال بود که چندین نفر از نوابغ علمی و تقوا و مجاهدت از دست شیعه رفت که برای حوزه روحانیت شیعه بخصوص نجف و قم گران تمام شده بود در ۱۰ ماه جمادی الاولی آنسال عنصر توحید و توکل و پیکره زهد و تقوائی چون حجة الاسلام مرحوم حاج شیخ محمدتقی بافقی که احوالش ضرب المثل میان مردم بود از دنیا رفت و یا مسموم شد چنانچه قبلا گذشت در شب ۱۳ ماه رجب همانسال بود که سید جوان وفاضل ناکام چون مرحوم سید مهدی پیشوائی یزدی ابن حجة الاسلام و المسلمین شیخ الفقهاء والزاهدین الحاج سید علی اکبر یزدی وصهر آیة الله فی العالمین مرحوم حاج میرزا محمد فیض قمی که از ثمرات رسیده حوزه علمیه قم و غنچه‌های بازشده گلستان علم و فضیلت بود در مراجعتش از نجف اشرف در شط بهمن شیر آبادان غرق شده و چون حوتی از دریای فضل و سیادت بود باصل خویش یعنی دریای بی پایان رفت و حوزه قم و نجف

ومجمع فضلاء جوان واقران خویش رادر نجف وقم وغیرهما داغدار وتاابد متاثر نموده این سید ناکام واجد تمام محسنات علم وفضل وتقوی وشرافت حسب و نسب وادب و سیادت و ملکات فاضله اخلاقی بود که خدا شاهد است هر وقت اورا بیاد میآورم با آن همه فضائل که خلق مجسم بود بی اختیار متاثر شده و آه از نهادم بیرون آید وتمنای آن کنم که کاش من فدیه اومیشدم وچون آن نوگلی ازدست نمیرفت

ومثل من صدها جوان وپیرچنین آرزو کنند حوزه علمیه قم وبلکه تمام شهرستان قم مصیبت زده شدند وبرای اوتا چندین روز عزا گرفتند وشعراء نجف وقم و تهران و خراسان ازعلماء ودانشمندان برای ضایعه او قصاید حزین وجانگدازی سرودند و ماده تاریخ هائی ازقبیل

آه کهاز گردش چرخ کبود      مهدی ماغیبت کبری نمود

گفتند ترجمه مختصری ازاحوال اوراباچند قصیده در ضایعه اسف ناك اودررساله کوچکی بنام مهدی غریق برادر فاضل داغدار او آقای آقا سیدحسین پیشوائی گرد آورده وتقدیم دلهای دوستان او که مقبره اوست (وفی قلوب من والاه قبره) نموده است

ودر همان سال خراسان وحوزه علمیه مشهد دو تن ازرجال علم وفضیلت خودرا چون مرحوم آیة‌الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی نجل مرحوم آیة‌الله العظمی حاج میرزا حسن آشتیانی که سالها ریاست حوزه مشهد را داشته ومرجعیت خراسان بااو بود وچندین سال تبعید دولت ظلم گذشته گردید و مرحوم آیة‌الله آقامیرزا مهدی اصفهانی را ازدست داد دردوهفته

مرحوم میرزا مهدی اصفهانی مربی کامل اخلاقی درمیان اهل علم و تقوای مشهد وآخوند ملاحسینقلی زمان خودش بود سالك وعارف وفقیه وحکیم الهی بود هر کس درس وبحث اورادیده میداند سبك اخلاقی اورا این ناچیز که حدود شش ماه بیشتر موفق بادراك مباحثه حج ومحضر ایشان نشدم هنوز پس ازده سال صدای روح بخش اوراکه میگوید ( الحج فی اللغة القصد وفی الاصطلاح اوفی اصطلاحنا قصد العاشق نحو بیت معشوقه) درگوشم طنین انداز است فضلاء امروز مشهد چون حجة‌الاسلام حاج شیخ هاشم قزوینی و حجة الاسلام حاج شیخ محمود حلبی وآقای آقامیرزا جواد تهرانی و وحاج شیخ حسین وحید و صدها نفر فاضل برجسته دیگر افتخار تلمیذی ایشان را میکنند

ازهمه حوادث وضایعه های آنسال مهم تر رحلت آیة‌الله اصفهانی بود که تاریخ اسلام کمتر نشان میدهد انقلاب وتاثیر رادرفقدان آیة‌اللهی چون ایشان



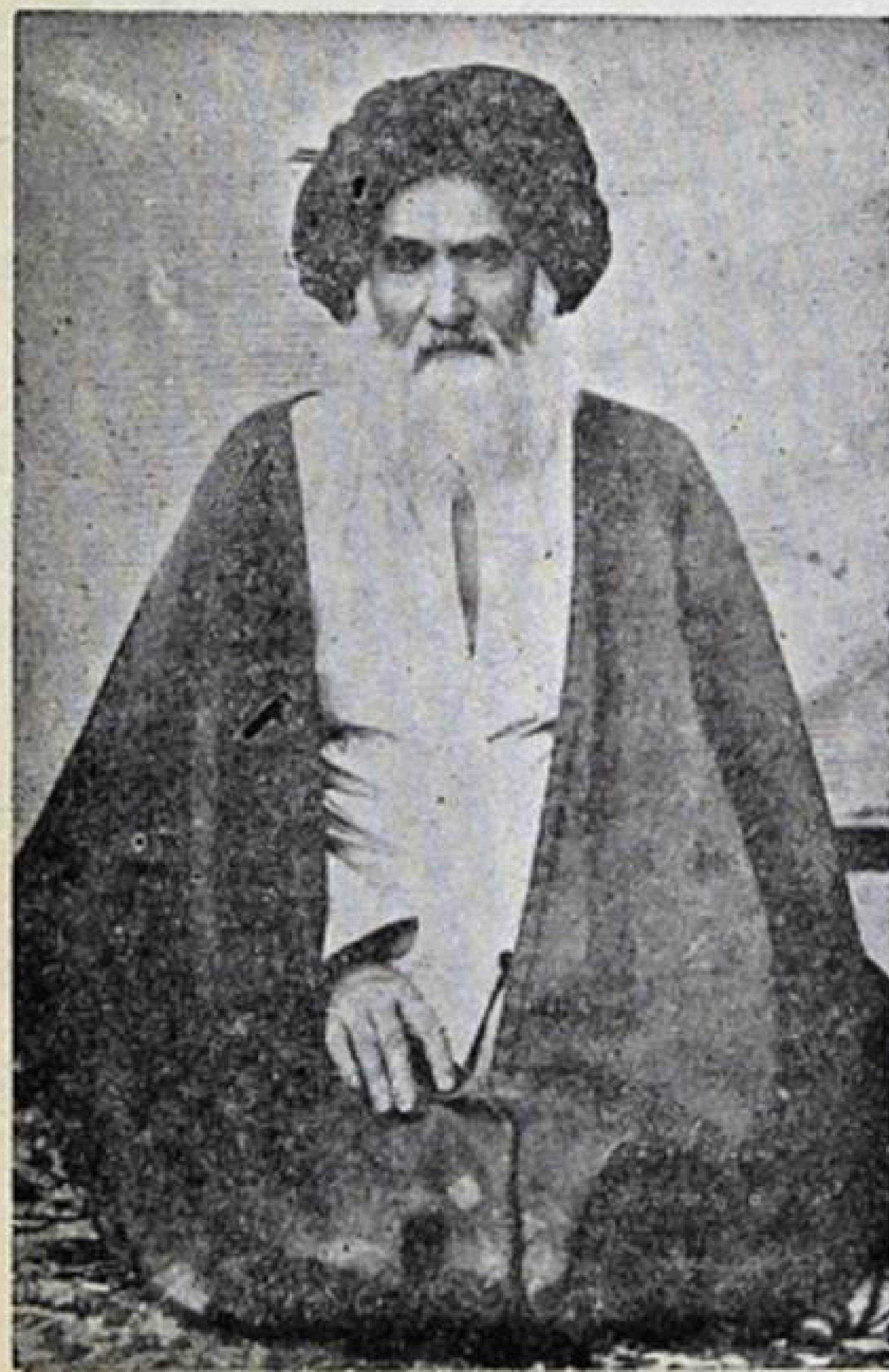
مرحوم آیة‌الله اصفهانی شرح احوال وریاستش در کتابهای بسیار چون علماء معاصر و ریحانة‌الادب واحسن الودیعه وکتابهای مستقل دیگر مشروحاً تالیف وطبع واین مختصر را گنجایش آن نیست فقط بطور اجمال وفهرست چون مربوط بحوزه علمیه قم است اشاره میشود درسن ۸۸ سالگی پس از ۳۰ سال ریاست وزعامت مسلمین جهان ازدنیا رفت بمجرد انتشار وضایعه او تمام کشورهای اسلامی بخصوص ممالك شیعه نشین عراق وایران ولبنان وافغان وپاکستان پرچمهای عزا نیم افراشت واعلان تعطیل وعزا دادند ودرهمه ارکان تشیع وقفه وسکته عجیبی که نشان ازدست دادن روح خود بود پیدا شد

شب قبل ازواقعه منامات عجیبی که حاکی برفقدان او بود دیده شد وخود این فقیر رؤیای غریبی دیدم که ازنقل آن خودداری میکنم درروز آن ضایعه پیش ازاینکه در ایران وقم بخصوص منتشر شود درمجلسیکه رفقای طهرانیم برای پیش بینی جشن مرسوم عید غدیر جمع شده بودند گفتم امسال عیدتان عزا خواهد بود بعضی پرسیدند برای چه اشارتاً گفتم برای رحلت وفقدان آیة‌الله اصفهانی وبعد ازدوساعت ازبیرون آمدن ازآن مجلس رادیو وتلگرافات وارده از عراق عرب اطلاع آن ضایعه بزرك راداد ودرتمام کشور ایجاد احساسات وتهییج انداخت درقم وطهران ازهمه جای ایران بیشتر سروصدا بود

مردم قم را دیدم عموماً ومحصلین وطلاب حوزه علمیه را خصوصاً چون گله بی صاحب وگرك زده بی اختیار ازصحن بمدرسه فیضیه وازآنجا بخیابان و مسجد امام ودر کوچه‌ها حیران وسرگردان میگردند تاپس ازچند ساعتی بیخودانه سیل جمعیت بطرف منزل حضرت آیة‌الله بروجردی روان وفریاد یادهر اف لك من خلیل کم لك بالاشراق والاصیل می زنند مرحوم آیة‌الله خونساری را دیدم که باحالتی بس آشفته وپریشان باجماعتی ازفضلاء بطرف منزل آیة‌الله بروجردی میآیند باایشان آمدم وارد منزل شدیم وآیة‌الله العظمی تشریف آوردند باسیمای برافروخته ازحزن واندوه نشستند صدای مرحوم خونساری بگریه وناله بلند شد که آیة‌اللها سرشما سلامت باشد وهمه حضار بدون اختیار صداها را بگریه بلند کردند ازآنجا بمنزل حضرت آیت‌الله آقای حجت اعلی الله مقامه آمدم ایشان را دیدم بارنك پریده وحالی بس خطیر روی زانوی خود افتاده وگویا احساس چیزی نمیکند (ازعظمت وناگواری این ضایعه) پس ازمدتی سر برداشته وفقط فرمودند ازتهران خبر بگیرید شاید انشاءالله صحت نداشته باشد

تاثیر فقدان مرحوم اصفهانی حتی درملل مختلفه یهود ونصاری وغیر ذالك هم بسیار

بوددر تمام شهرستانهاومراکزیکه سکونت داشتندچون بغداد وطهران وتبریز وآبادان و اصفهان وخراسان چندین روزدر کنیسه‌ها وکلیساهای خودعزا گرفته ودرمجالس مسلمین هم حاضر می‌شدند وتمام این انقلابات مربوط بباطن مرحوم اصفهانی بود ویکی از کوچکترین اثر آن پس از رحلتش شکست خوردن ومنقرض شدن واز بین رفتن فرقه دموکرات وحزب منحله وپلیده ومنحرف توده بود که درمدت چندماهی صدها هزار نفرمرد وزن وبچه بی گناه این کشور اسلامی رادر آذربایجان ونواحی دیگر کشته و هزاران ناموس‌ها هتك وملیونها اموال مردم را بتاراج وغارت بردند مرحوم اصفهانی رضوان الله علیه ازمؤیدین فقهاء عالم تشیع بود که ازغیب باو کمك شده وتائید میشدند واعلیحضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء باو نظر مخصوص داشت واز آن بزرگوار بوسیله ثقة الاسلام حاج شیخ محمد کوفی شوشتری که متجاوز از چهل سفر بمکه مشرف شده توقیعی برای مرحوم سید آمد که اصل آن درخانه مرحوم سید موجود است



مرحوم آیة الله علی الاطلاق فی زمانه السید ابوالحسن الاصفهانی قدس سره

ویکی ازادله صحت توقیع شریف رسیده گی مرحوم سید بود بتمام امورات و مراجعات ملیونها شیعیان جهان که غالب آنها را خود بنفسه رسیده گی میکرد ( و لولا تایید من الله تعالی و من صاحب الامر عجل الله له الفرج لما یمکن له ان یفعل ذلك)

درروزهای اول فوت مرحوم سید قم محل ایاب وذهاب وتماشای عجیبی بود مردم از اطراف ایران بقم



می آمدند برای کسب مقلد وتقلید واینکه به بینند کدام یکی ازحضرات مراجع بیشتر مورد توجه اندو هردسته و اطرافی برای مرادخود فعالیت زیادی می کردند و هریك از آقایان کثر الله امثالهم رابا تشریفات وتجلیلات بمجالس فاتحه مدرسه فیضیه که تا ۱۵ روزادامه داشت میآوردند و همه چشم‌ها نگران این تظاهرات بود

فقط وفقط تنها وتنها شخصیکه جلوی تمام تظاهرات رابرای خود گرفت وبا کمال ساده گی وبی آلایشی ازخانه بمدرسه آمد مرحوم آیت الله الربانی آقای حجت بود که والله اورادیدم تنهابدون یکنفر ازاصحاب واطرافیان خودجز سیدرضا نوکرش که عباء زمستانی ایشانرا داشت وارد مدرسه شد وهمه ناظرین رامتعجب نمود

حکایت کرد برای ما آقای آقا شیخ محمد آقای احمدی بروجردی که از طلاب فاضل حوزه است در آنروزمن برای تماشای این تظاهرات بمنزل آیة الله حجت رفتم دیدم حیات بیرونی پر ازفضلاء اصحاب اراکی و آذربایجانی ایشانست وهمه منتظرند که ایشان ازاندرون بیرون آمده وباتشریفات وتظاهرات اورا بمجلس فاتحه آورند ایستادم به بینم چه میشود قریب ساعت ۹ ونیم بود که بیرون آمده ونظری بجمعیت کرده فرمودند آقایان چه فرمایشی دارند گفتند هیچ عرضی نداریم منتظریم در خدمت شما فاتحه برویم فرمودند شما بروید من خود میایم بعضی گفتند درخدمت شما می رویم فرمودند خیرشما بروید من خود خواهم آمد چند نفر رفته وغالب فضلاء ایستادند باز فرمودند شماهم بروید وبدیوار تکیه کرده فرمودند اگر نروید من نخواهم آمد وقسم خوردند که راضی نیستم بایستید ویادنبال من بیائید همه که رفتند خود بانوکرش بیرون آمده بمدرسه آمد

### ضایعه فقدان حجت الاسلام علامه خطیب آقای آمیرزا محمدتقی اشراقی نیز از حوادث قم و حوزه علمیه است

یکی دیگر ازحوادث قم که در ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ هجری واقع شد وقم راعزادار وحوزه علمیه قم را بی زبان وبیان نمود رحلت مرحوم خلد آشیان جنت ورضوان مکان حجة الاسلام مروج الاحکام نابغه زمان درخطابه وبیان ونادره دوران درفن ابتکارات وسخنوری آقای آقا میرزا محمدتقی اشراقی نجل حجة الاسلام و المسلمین غوث الفقهاء والمجتهدین مرحوم آمیرزا محمدارباب قمی است

این مردبزرگوار درسال ۱۳۱۳ هجری قمری درقم متولدشده ودرمهد تربیت پدری

چون مرحوم علامه میرزا محمد ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد معظم خود و سایر اساتید و آیات عظام قم چون مرحوم آقا شیخ ابو القاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلك شاگردان میرز مرحوم آیة الله حایری در آمده و عمده تحصیلات فقه و اصول خود را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته ترین تلامذه آن مرحوم بشمار میرفته است

مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقاً در هر علم وفنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حائز آن مقام منیع بوده و از همان زمان مرحوم حایری تدریس سطوح فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی بس رسا و ملیح میکرده است

و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در قرون اخیره کم عدیل بوده و علم خود را بزیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود بقدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را ادا میکرد و داد سخن میداد و از روی معضلات پرده برمیداشت که عقول مات و خردها حیران میماند

از آن بزرك مرد تعبیر بخدای سخن میکردند نیروی بیان ایشان تا این اندازه بود که چندین شب در اطراف (ولا یجوز الابتداء بالنکرة و نیز والاسم منه معرب و مبنی) صحبت میکرد و از این دو بیت نحوی استفاده و افاده مطالب



جناب حجة الاسلام و خطیب فحل مرحوم اشراقی طاب ثراه

اجتماعی و سیاسی و اخلاقی مینمود که همه را مبهوت می ساخت از خاطرها نمیرود که ده ها شب در اطراف انقلاب که از مطهر است تحقیق مطالب و انتقاد از دستگاه سیاسی و سیاست مداران وطن فروش میکرد

تقریرات منبری ایشان مایه افتخار دارندگان آنست حوزه علمیه قم پس از فقدان و از دست دادن این مرد گویا از زبان خاموش شد

تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین



در حدیث و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت الله حائری و تعلیقات ایشان بر کتب فقهیه و اصولیه و حکمت و فلسفه بسیار در سال ۱۳۶۸ که از طهران دعوتش کردند برای افاده دادن بمردم پایتخت در مدرسه صدر جلو خان مسجد سلطانی و مسجد اردبیلی ها تا ۲٤ روز هم مرتباً انجام این وظیفه گران اداده تا در روز ۲٤ ماه رمضان پس از تبلیغات بلیغه ایکه هزاران نفر مردم پایتخت از اول ماه تا آن روز از بیانات شیوایش از علماء و فضلاء و طبقات دیگر استفاده میکردند مبتلا بسکته قلبی شده و همانشب قلب و روح خود را در راه احساسات دینی و حرارتهای مذهبی و مبارزات خدا پسندانه خود با منکرات و جنایتها و ستمگریهای ستمگران و خائنین بدین و مملکت پس از ۵۰ سال زحمت و فداکاری باخته و برای همیشه خاموش گردید این مصیبت ناگوار غیر مترقبه برای مردم طهران و مردم قم و بلکه همه ایران بسیار گران تمام شد با تجلیل و شوکت فراوان جنازه را تا قم تشییع و بآرامگاه ابدیش در بالای سر مرحوم آیة الله حایری بخاك سپردند

از باقیات الصالحات عزیز ایشانست فرزند فاضل و دانشمند ایشان جناب آقای آقا شهاب اشراقی که از افاضل جوانان حوزه و موصوف بفضل و متانت و صهر معظم جناب آیة الله خمینی میباشد مرحوم اشراقی دارای طبع روان و ذوق فراوان بودند و از رشحات ذوق و فکر ایشان قطعه ذیل است

از زندگی خویش پشیمانم … زیراك بمردگان همی مانم
رازیست در درون این گیتی … کش من بسی خرنده و خواهانم
لیکن بگور جهل همی اندر … بگرفته مار و مور گریبانم
جهلی که زایدم همگی حیرت … در سر خلقت است ز رحمانم
رحمان این همه غم و درد و رنج … داده است از چه سهم فراوانم
بیدانشی من نه ز دانش هاست … کز این دانش ها چو سلیمانم
صرف و مجسطی و نحو فقه … عرفان و فلسفه همه می دانم
گاهی لطیف و پاك فرشته وار … گاهی پلید و پست چو حیوانم
گاهی چو تار سست بود عهدم … گاهی چو کوه سخت به پیمانم
گاهی باوج ذروه لاهوتم … گاهی بمهوی عالم امکانم

**و نیز از حوادث قم و حوزه علمیه فقدان مرحوم آیة اله فیض قمی است که برای اسلام و مسلمین گران بوده است**

مرحوم آیة‌الله حاج میرزا محمد فیض قمی یکی از اعاظم علماء طراز اول و دارای شاخصیت تامه و مقبولیت عامه و مرجعیت کامله بوده‌اند

تولد ایشان در سنه ۱۲۹۳ هجری بوده در قم مقدمات و سطوح را تحصیل نموده و برای تکمیل فقه و اصول و حکمت و عرفان بطهران مهاجرت فرموده و در نزد آیة‌الله حاج میرزا حسن آشتیانی صاحب حاشیه کبیر بر رسائل تحصیل فقه و اصول و نزد آقای میرزا محمود قمی و آقا شیخ علی رشتی تحصیل حکمت و عرفان نموده و در سال ۱۳۱۷ بنجف اشرف عزیمت و در محضر درس آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیة‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی حاضر میشدند

و پس از استفاده کامل از محضر این دو بزرگوار برای سیر دقایق افکار و تحقیقات رشیقه حضرت آیة‌الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی بسامری حجرت فرمودند و علاوه از اینکه در شمار اعاظم تلامذه آن بزرگوار آمدند یکی از مدرسین نامی آنجا محسوب شده فوق العاده مورد عنایت و عقیده و طرف توجه مرحوم شیرازی گشتند که همان زمان در احتیاطات مطلق بعضی از مقلدین خود را بایشان ارجاع میفرمودند

چنانچه بعد از مراجعت بقم هر کس از اهالی قم و ساوه و اطراف آن که از آیة‌الله شیرازی سئوال مینمودند که احتیاطات مطلق شما را بکدام یك از علماء رجوع کنیم ایشان را در قم تعین میکردند در سال ۱۳۳۳ هجری بقم مراجعت نموده و از رؤساء روحانی آن شهر محسوب گردیده‌اند

و برای تربیت طلاب علوم دینیه آنزمان (البته پیش از ورود مرحوم آیة‌الله حایری) کمر همت بسته مدرسه فیضیه که بسیاری از حجرات آن انبار علاف و بقال و کسبه شده بود از دست آنجماعت انتزاع نموده مسکن طلاب علوم دینیه کرده و خود در آنمدرسه تدریس میفرمودند

وقبل از ورود مرحوم حایری در مسجد بالاسر حضرت معصومه جماعت داشت ایشانکه با توضیح سابق تشریف آوردند محل نماز خود را با ایشان واگذار و تا چندشب هم بایشان اقتداء مینمود و بعد خود در مسجد امام مستقلا اقامه جماعت نموده و در همانجا هم تدریس می کرد وانصافاً ایشانهم بی سهم در تاسیس حوزه علمیه قم نباشند



پس از فوت مرحوم حایری همت بیشتری برای حفظ جمعی از طلاب و محصلین گماشته و بآنها شهریه خصوصی می‌داد در سال ۱۳۶۷ که سال حج العلماء بود با چند نفر از فرزندان و خواص خود بمکه مشرف شده که در منا و مکه زیارتشان کردم و از محضر فیضشان درك فیض نمودم



مرحوم آیة‌الله حاج میرزا محمد فیض قدس سره

در ۲۵ ماه جمادی الاولی سال ۱۳۷۰ در هنگام نماز از دنیا رفت و قم و حوزه علمیه و مسلمین را بفقدان خود داغدار نموده و چنانچه در حیوتش برای عموم مردم فیض معنوی بود در وفاتش هم برای دولتیان و کشور ایران عموماً و برای این بنده هیچ نیارزنده خصوصاً فیض ظاهری شد گرچه در زمان او درك فیض مادی نکردم اما در وفاتش از این جهت محروم نگشتم در روز اولیکه آیة‌الله کاشانی فاتحه گرفت برای ایشان در مسجد مدرسه مروی تهران شرکت نمودم طاقه لباسیکه یکصد و بیست تومان قیمت آن بود برای لباس عید م رسید از کسیکه با او سابقه آشنائی و دوستی نداشتم و حتی اسم مرا هم نمی‌دانست پرسید اسمت چیست گفتم فلان حواله آن طاقه لباس را خود بخود داد و گفت خصوصی است همان آن دانستم که از فیض و برکات مرحوم فیض است گفتم خدا رحمت کند تو را که اگر در حیواتت از تو فیض مادی ندیدم در روز اول وفاتت جبران کردی و روز دوم وفات او که چهارشنبه بود از طرف دولت و شاه مجلس ترحیمی در مسجد سلطانی طهران بود و این بنده مؤلف در آنروز ساعت ۹ صبح برای شرکت در آن فاتحه وارد مسجد گردیده دیدم بسیار گرفته و از در و دیوار و فضای آن استشمام حادثه بزرگی میشد در آن حال یکی از رفقای کسبه تهران نزد من آمده و گفت فلانی چرا متحیر

ایستاده گفتم برای مجلس فاتحه آمده‌ام ولی از این فضا بوی خون استشمام میکنم او تعجب مانده و رفت و من بمجلس ترحیم رفتم تا پس از ساعتی خطیب شهیر جناب آقای فلسفی آمد و بمنبر رفت و مشغول سخنرانی شد و در اطراف سرمایه مادی و معنوی هر کشوری صحبت می کرد تا رسید باین جملات که سرمایه معنوی هر کشور رجال علم و فضیلت و مردان برجسته آن کشور است و خواست تطبیق بامرحوم آیت‌الله فیض کند که از سرمایه های معنوی این کشور بوده که ناگهان صدای تیر فضای مسجد را پر نمود و مأمورین از هر طرف دویدند و مجلس بهم خورده و خطیب معظم روی بمن کرده و گفت که دو تیر بود گفتم خیر بلکه سه تیر شلیك شد ناچار از منبر بزیر آمده و هریك از حضار بگوشه‌ای گریختند

این بنده مولف بی اختیار بطرف صف پاسبانان و مامورین که چون سدی محکم ایستاده و مردم را متفرق کرده و بعضی را می گرفتند رفتم و از میان آنها بدون تعرضی عبور و دیدم شخصی برزمین افتاده و تیر از پشت سرش وارد و از پیشانیش بیرون آمده جلو آمده نظر کرده دیدم همان حاجیعلی رزم آراء است که دیروز بااقتدار و نیروی قوی مشت محکمی برمیز مجلس شورا زده و می گفت اقلیت با من مخالفت نکنید اکثریت با من راه بیائید من از هژیر قلدرترم ایرانی نتواند لوله‌هنك و آفتابه بسازد چه گونه میتواند نفت را ملی و با دولت بزرگ انگلستان بجنگد اگر شما مخالفت کنید مجلس را بسر اقلیت و وکلاء و مسجد را بسر کاشانی و فلانرا بسر فلان خرا . می کنم خواستم جلوتر بروم و سر پائی باو بزنم و بگویم برخیز مردان بااقتدار چنین نیفتند

وچون نخست وزیر باابهت و شوکتی مانند رزم آراء در آمدن بمجلس ترحیم آیة‌الله کشته شد آیة‌الله فیض که تنها در ایران شناخته شده بود در تمام دنیا شناخته گردید مرحوم فیض را با تشییع مهمی با باریدن باران رحمت و فیض حق تعالی از منزلش حرکت داده و غالب مردم قم در آن شرکت نموده و باستانه آوردند و حضرت آیة‌الله العظماء بروجردی نماز خوانده و در ایوان مطلای صحن کهنه در مقابل دختر موسی بن جعفر علیه السلام حضرت معصومه سلام الله علیها دفن نمودند

**ورود آیت‌الله‌زاده آقای آسید محسن حجت از نجف اشرف بقم المجید**

حضرت آیة‌الله حجت رضوان الله علیه دارای ٤ پسر و چند دختر اند که سه نفر آنها هریك در خانه یکی از فضلاء میباشند و از پسران دو تن دانشمند اند یکی حجة الاسلام آسید حسن آقا که اکنون در قم سرپرستی خانواده و عیالات والد خود را میکنند و دیگر حجة الاسلام آسید محسن



آیت‌الله‌زاده حجت که اکنون در نجف اشرف در سلك فضلاء و مدرسین آنسامان و از حیث متانت و اخلاق ثانی پدر بزرگوار خودند مانند برادر ارجمند مذکورش

در ماه شعبان ۱۳۷۰ هجری بود که پس از چندین سال توقف در نجف برای تکمیل تحصیلات علمی بواسطه مبتلا شدن بکسالت سینه و سوء هاضمه بامر والد معظم خود حضرت آیة‌الله حجت دامت آثاره عازم ایران و زیارت پدر عزیز خود گردید چون خبر حرکت این یوسف علم و کمال به یعقوب فقهاهت رسید اظهار انبساط فرمود فضلاء حوزه ایشان که این معنارا مشاهده کردند بابسیاری از محصلین حوزه و جمع کثیری از مردم شرافتمند قم تا چند فرسخی استقبال نموده و در یکفرسخی قم حضرت شاه جمال برای استراحت و خیر مقدم گفتن انجمن کرده و آیت‌الله‌زاده حجت را باتجلیل و تکریم وارد قم نموده و پس از زیارت آستانه مقدسه بمنزل شخصی حضرت آیة‌الله حجت رسانیدند و این پدر بزرگوار از دیدن این فرزند برومند پس از سالها مفارقت خوشحالیها نمودند و تا چندین روز حضرات آیات‌الله العظام قم آقای بروجردی و مرحوم آقای خونساری و حضرت آیة‌الله صدر و دیگر مراجع و علماء و عموم طبقات دیگر از ایشان دیدن نموده و به حضرت آیة‌الله حجت تبریك و بایشان خیر مقدم میگفتند

و بعضی از فضلاء حوزه آیة‌الله حجت و سایر حوزه‌ها قصایدی در تبریك ورود و مدح این پدر و پسر بزرگوار سروده اند و ما یکی از آنهارا که جناب آقای آمیرزا ابوطالب فاضلی خوئی گفته تقدیم اهل ادب و صاحبان ذوق مینمائیم

مژده ده ای دل که آمد حجة ثانی بقم — ز آسمان فضل آمد قوة جانی بقم
شهر قم پر نور شد از مقدم خیرش عیان — ز آنچه نازل شد عیان یك نعمت ثانی بقم
یك درخشان آفتابی سرزد از مشرق زمین — پرتو افکن شد بسان نور بارانی بقم
حجة بن الحجه آمد بر دیار و شهر علم — بهر شان بر پا بشد یك جشن شایانی بقم
اهل ایمان جملگی شاداب و خندان گشته اند — ز آنچه دلشاد است چون یك همچو جانانی بقم
آیت‌الله نخل امیدت بباغت آرمید — میوه قلب شریفت بین که چون جانی بقم
حجتی حجیت تو قابل انکار نیست — آیتی ای آیت‌الله شمع ایوانی بقم

مرده باد آنکس که ویرادیده حق بین نیست

آیتی از سوی حق چون شمس نورانی بقم

افتخار آل طاها داعی دین مبین … منبع فیض و کرم چون نور تابانی بقم

حجتی از حجة ثانی عشر خیر الوراء … محور فضل جهانی قطب امکانی بقم

آیة‌الله‌زاده حجت آقای آقا سید محسن آقا تا شب اول ماه رمضان همانسال را در قم مانده و شب اول ماه در خدمت والد معظم خود حضرت آیة‌الله العظمای حجت برای معالجه بشهرری آمدند و این سفر چهارم آیة‌الله المعظم بود بطهران چنانچه اشاره کردم و تا سه ماه تقریباً بمعالجه پرداخته و با تحصیل بهبودی مختصری باجازه والد معظم بنجف اشرف مراجعت نموده و تاکنون در آن باب مدینه علم و حکمت مشغول بتدریس و تکمیل بحر بی پایان علم و فضلند وفقه‌الله تعالی

ضایعه رحلت پدر بزرگوار شان را بایشان و سایر خانواده حجت تا قیامت تسلیت می گویم (محمد رازی)

**ضایعه فقدان و رحلت آیة‌اله العظمی آقای حاج سید محمد تقی خونساری رضوان اله علیه و شخصیت او**

حوزه علمیه قم پس از رحلت آیة‌الله المؤسس الحایری بهمت سه مرد بزرگ و برجسته در علم و فضیلت و تقوی چون حضرت آیة‌الله العظمی آقای حجت و آیت‌الله صدر و مرحوم آیت‌الله خونساری رضوان‌الله علیه اداره میشد و هریك از سه بزرگوار بموقعیت و وجاهت خود در درمیان جامعه کمك بحوزه و طلاب و محصلین محترم مینمودند و از میان ایشان آیة‌الله حجت که مرجعیت زیادتر و مقلد بیشتر داشت نان قم را متکفل شده چنانچه درسابق توضیح دادیم و پس از ایشان تا مدتی هم آیت‌الله صدر تامین قسمتی را میفرمودند ولکن یگانه قرین مرحوم آیة‌الله حجت مجسمه تقوی و فضیلت و عنصر وقار و شرافت و پیکره علم و مجاهدت مرحوم آیة‌الله خونساری که اگر بگویم سزاوار است کتابی قطور درباره شخصیت و عظمت و فداکاری ایشان نوشته شود مبالغه ننموده‌ام و هر کس بخواهد شمه‌ئی از احوالات و حسب و نسب آن آیة‌الله المعظم را بداند مراجعه نماید بمجموعه حکمت شماره دوازدهم ۱ شنبه ۱۳ مهر ماه ۱۳۳۱ و محرم ۱۳۷۲ نماید که بقلم حجة‌الاسلام آقای حاج آقا مجتبی عراقی نوشته شده و تمام مجله درباره آن فقید عظیم القدر است





مرحوم آیة‌الله حاج سید محمد تقی خونساری قدس سره

و این بنده مولف دیدم که اگر بخواهم آن مجله را در این کتاب درج کنم گذشته از مکرر شدن از مقصد دور خواهم ماند فقط برای اداء حق آن بزرگوار فهرستی را که در ترجمه ایشان حضرت حجة‌الاسلام و المسلمین آقای آقا شیخ محمد علی عراقی ابوالزوجه ایشان نوشته است با بعضی اضافات لازمه می نگارم و از روح پر فتوحش استمداد خواهانم

(سلسله نسب معظم له بگفته دوائر المعارف و رسالة عدم النظیر

آیة‌الله العلامه الحاج سید محمد تقی الخونساری بن الامام العلامة الاواه السید اسدالله بن العلامة الاوحد السید محمد بن المحقق السید حسین بن العلامة الافضل السید ابوالقاسم بن الامام الاکبر العلامة الاجل الحاج سید حسین بن مولا العلامة الحاج میرزا ابوالقاسم (جعفر) بن السید حسین ابن السید قاسم بن السید محب‌الله بن السید قاسم بن السید مهدی بن السید زین العابدین بن السید ابراهیم بن السید کریم الدین بن السید رکن الدین بن السید زین العابدین ابن السید صالح (العالم الجلیل الشهیر بالقصیر) ابن السید محمد بن السید محمود بن السید حسین بن السید حسن بن السید احمد بن السید ابراهیم بن السیدا لمجاهد السید عیسی بن السید حسن بن السید یحیی بن السید ابراهیم بن السید حسن بن السید عبدالله بن الامام الهمام موسی بن جعفر علیهما السلام

ساروا وقد بعدت عنا منازلهم … هذا المنازل والآثار والطلل

مخبرات بان القوم قد رحلوا … فالان لا عوض عنهم ولا بدل

فسرت شرقا و غربا فی تطلبهم … وکلما جئت ربعا قیل لی رحلوا

در میان این سلسله جلیله ستاره گان درخشانی در آسمان علم ودانش و چراغهای فروزانی درطریق هدایت وخداپرستی و گلهای زینت بخشی درمجالس زهد وتقوی یافت شده که هریك از آنان بنوبه خود علم اسلام و پرچم دین رابدوش کشیده وهزاران نفررا از گمراهی جهل ونادانی بشاهراه مستقیم دیانت هدایت ونامهای نیك ویادگارهای زیبائی ازخودبجای گذاشته اند وجامعه علم وروحانیت رامرهون زحمات ومشقتهای طاقت فرسای خویش ساخته اند یکی از آن برجسته رجال آنان دانشمند متقی آقاسید ابوالقاسم فرزند آیت الله الحاج سیدحسین است که درسال ۱۱۶۱ درقصبه خوانسار متولدشده ودراعلادرجه زهدوتقوی وعلم ودانش بوده وبعلت شدت احتیاط دردین واجتناب از پیروی هواو دنیا سراسرزنده گی ازاقامت وریاست وحکم وفتوی کناره گیری نموده وبتمام قوا کوشش درانجام مهمات وقضاء حوائج اخوان میفرمود دارای نفسی عجیب ودعائی مجرب که درزمره کراماتش شمرده میشد چنانچه مشهوراست که بمجردخواندن یانوشتن دعاء بیماران شفا میافتاتند

دراواسط ماه مبارك رمضان درسال ۱۲۴۰ درقصبه خونسار برحمت حق واصل شده است (روضات الجنات ص ۱۲۶ (الکنی والالقاب ج ۱ ص ۱۳۵)

دیگر ازاعاظم این خانواده آیت الله العلام الحاج سیدحسین است که ازاکابر محققین اعلام وعظام علماء اسلام دارای اخلاق نیکو ودر علیا درجه زهد وتقوی و دین در زمان خودبوده زاویه خونساررا بجهة خوداختیار و کمتراز آن قصبه بیرون آمده ازمسافرت خودداری میفرمود وازاین رونامش بربسیاری ازعلماء ودانشمندان مخفی و پوشیده گشته دربعدازظهر روزیکشنبه هشتم رجب سال ۱۱۹۱ درقصبه نامبرده رحلت ودرجوار منزلش دفن وقبرش زیارتگاه است

ودیگر ابوالقاسم جعفربن الحسین است که درماه صفر روزاربعین سال ۱۰۹۰ دراصفهان متولد مقدمات وسطح رادرنزدعلماء ودانشمندان اصفهان تحصیل ودر قسمت دروس نهائی خدمت علامه مجلسی تلمذنموده است ولذاازایشان درکتب ومصنفاتش تعبیر می نماید (شیخی الاعظم واستادی الافخم)

دارای تالیفات وتصنیفات چندیست درکلام وفقه وادعیه وغیرذلك ویکی ازشاهکارهای ادبی ایشان منظومه عربی میمی که خالی ازهمزه والف است ازسه هزاربیت متجاوز که در حکم وآداب شرعیه نوشته است



درحدود سال ۱۱۳۰ بواسطه فتنه افغان از اصفهان حرکت بموجب تقاضای اهالی خونساررامحل اقامت خود گرفته ودرآنجاقیام واقدام باموارت شرعیه نمودو در سیزدهم شهرذیقعدة الحرام سال ۱۱۵۷ درقریه قودجان که ازقراء خونسار است رحلت وبرحمت حق واصل ودرهمان قریه مدفون وقبرش مزارهرخاص وعام است ودررحلتش اشعاری سرودند که ازآنجمله است

میرابوالقاسم اعلم زجهان رحلت کرد — از میان نسخه آداب مسامانی رفت
سال تاریخ وفاتش ز خرد پرسیدم — گفت دانای ادب عالم ربانی رفت

ودرشرح حال بقیه بزرگان علم ونوابغ زمانه ونتایج دهر که در این سلسله بوده اند بتراجم رجال ومشجرات آل الرسول مراجعه شود زیرا که این نامه راآن گنجایش نیست و از مقصدبازخواهم ماند

مضافااینکه خاندان آیة الله خونساری ازبیوتات علم ودانش وخانواده فضل وفقه و ادب است که دانائی در آن بوراثت بیکدیگر رسیده و همیشه دراین خانه رجال بر جسته درفنون علم ودانش بوده که نام آنهازینت بخش فهرست هاوتراجم واجازات است که برای همان جهات ازذکرآنهاخودداری وبترجمه ثمره طیبه آن دودمان پاك حضرت المستطاب آیة الله حاج سیدمحمدتقی موسوی خونساری میپردازم ولادت باسعادتش سنه ۱۳۰۵ دربلده خونسار واقع وپس ازبلوغ بحدرشدوکمال بتحصیل ادبیات وبعض سطوح مشغول سپس سنه ۱۳۲۲ بارض اقدس عتبات عالیات مهاجرت وپس ازتکمیل سطوح سه سال بدرس مرحوم آیة الله خراسانی ومدتی هم بدرس مرحوم آیة الله سیدطباطبائی یزدی قدس سرهما حاضر وپس ازفوت استادخراسانی بدرس مرحوم شریعت اصفهانی و میرزای نائینی وآقاضیاءعراقی ومعقول حاج شیخ علی قوچانی قدست اسرارهم حاضر و درسنه ۱۳۳۳ ببلاد هندمسافرت وپس از ۴ سال اقامت بایران مراجعت و بوطن خود خونسار رهسپار گردید وبعدازمکث قلیلی ببلده سلطان آباد عراق متوجه شددرحینی که حضرت آیة الله حایری اعلی الله مقامه درآن بلده باقامه حوزه علمیه پرداختند حضرتش بتجلیل در آن مدرس شریف حاضر وخودنیز مستقلا بتدریس وبحث میپرداخته تادرسنه ۱۳۴۰ که حضرت آیة الله حایری برحسب خواهش اهالی قم وطهران ببلده طیبه قم منتقل گشته باقامه حوزه علمیه پرداخت حضرت آیة الله خونساری راهم برای تزیین حوزه مبارکه همراه خود بقم انتقال داد وحضرتش بطرزسابق درمجلس درس آنمرحوم حاضرمیگردید وخود هم مستقلا

بتربیت عده کثیری از افاضل مشتغلین می پرداخت تا آنکه در سنه ۱۳۵۵ که آیة‌الله حایری بجوار رحمت ایزدی پیوست عدهٔ از افاضل اهل علم حوزه اطراف وجود شریفش را گرفته ریاست حضرتش را بر خودشان بجان و دل متقبل گردیدند و عده تلامیذش بیش از پیش گشت والحق والانصاف آن رادمرد علم و تقوی در ابقاء حوزه علمیه سهم بسزائی دارند و نیز در تاسیس آن که کمك و رفیق باوفائی برای مرحوم آیة‌الله حایری بوده اند و آن بزرگوار در طول ٦٧ سال زندگانیش قدمهای حساسی برای حوزه اسلام و علم برداشته که از صفحه تاریخ محو نخواهد شد یکی مبارزه و فداکاریش در جنك بین المللی اول بر علیه دولت استعمارچی و ظلم و جنایت انگلستان که مدتها در سنگرها ایستادگی کرده و با تیر خوردن بپای مبارکش از میدان نرفته تا اسیر و دستگیر آن جنایتکاران شده و مدت ٤ سال در دریا و شهرهای هندوستان تحت انواع شکنجه و آزار و زیر قیدها و زنجیرها بسر برده تا بخواست خدا و توجه مولایش اعلیحضرت ولی عصر عجل الله له الفرج آزاد و بمسقط الراس خود مراجعت نمود و پس از توقف چندی مهاجرت بارالك و از آنجا در خدمت مرحوم حایری بقم رحل اقامت فرمود دیگر اقامه نماز جمعه اش که پس از سالها از رسمیت افتادن در سنه ١٣٦٠ هجری که نظر شریفش باحتیاط لازم در فعل آن مؤید گردید قیام باقامه آن نموده و در مسجد جامعه امام قم با هزاران متدین و عالم و مجتهد از مجاور و زائر بجامیاورد و خود در دو خطبه قبل از نماز مردم را باموعظه حسنه پند و اندرز داده و بتقوی و پرهیزکاری که خود مجسمه آن بود دعوت مینمود و گویا که میبینم ایشان را روی منبر ایستاده و از سویدای قلب میگوید ( یا ایها الذین امنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا و انتم مسلمون)

**نماز استسقاء مرحوم آیت الله خونساری در سال ۱۳۶۳ هجری**

و دیگر از کارهای حساس ایشان که ابداً فراموش نمیشود صلوة استسقاء و نماز باران ایشان است که تمام تشنه گان را از جمادات و نباتات و حیوانات و بخصوص انسانهای بامعرفت را سیراب و حتی بیگانگانرا به تعجب و حیرت انداخت

و نماز استسقاء ایشان حقیقتاً یکی از آثار بزرك اوست که برای عموم مسلمین موجب افتخار و مباحات گردید نماز استسقائی بود که آن شخص بزرك بجای آورد و ملل جهان خواهی نخواهی در برابر عظمت اسلام سر تعظیم و تکریم فرود آورده دنیائی متوجه عالم روحانیت و شخصیت آن پیشوای مقدس شیعه گردید در سال ١٣٦٣ هجری قمری که رحمت حق تعالی از شهر قم و حومه آن قطع شده و از آغاز بهار تا اوایل خرداد ماه بهیچ وجه بارانی



از آسمان رحمت نازل نشده بود دشت و هامون خشك و مزارع در اثر بی آبی پژمرده و آخرین مراحل حیاتی خودرا میپیمود منظره غم انگیز و وحشت آوری در سراسر این منطقه ایجاد و خرمن امید مردمی را بر باد میداد



نماز باران آیة‌الله خونساری عطا بزراه

در یك چنین موقع خطرناك و ساعات وحشتناکی که امید افراد رفته رفته بنا امیدی مبدل می گردید و بیم قحطی و غلا این سامان را تیره میساخت نسیم صبح رحمت و اشعه الهیه وزیدن گرفته یگانه مرد ایمان و خداپرستی که در کانون معرفت اسرار حقیقت آموخته و آن گوهر گرانبهائیکه در گنجینه تقوی و فضیلت برای چنین موقعی اندوخته شده بود باعزمی متین و ایمانی راسخ دامان همت بر کمر زده تصمیم گرفت بوسیله نماز استسقاء و دعاء طلب باران از منبع رحمت الهیه نموده روی عجز و نیاز بدرگاه خداوند رحیم بی نیاز آورد اراده خودرا بعموم طبقات اعلام و در روز جمعه یکساعت از طلوع عازم گردید که بارعایت دستور مقدس اسلام مشغول نماز گردد مردمیکه بر اثر سستی ایمان بخداوند خوش گمان بودند بزعم فاسد خود از راه خیرخواهی بحضرتش معروض داشتند ممکن است این نماز بلااثر مانده و مقام شامخ شما در نظر جمعیت کاسته شود ولی آن رادمرد با آن حسن ظنیکه بخدای خود داشت که هیچکس را جز خدای خود نمیدید و جز سخن حق نمیشنید بدین سخنان وقعی نگذارده میفرمود من بدستوری که از شارع اسلام رسیده عمل نموده وظیفه خودرا انجام میدهم و بیمی از گفته این و آن ندارم آنچه صلاح باشد واقع خواهد شد

این بود که طبق مقررات دینیه خود و یکعده از مردان ایمانی باداشتن روزه چنانچه دستور رسیده رداء مبارك را از راست بچپ و بالعکس انداخته باپای برهنه مانند عموی بزرگوارش اعلیحضرت ثامن الائمه علی بن موسی بن الرضا علیهما السلام که در مرو خراسان برای استسقاء بیابان رفت استغفار گویان و تضرع کنان رهسپار سمت خارج خاك فرج گردید و بامید فتح و فرج رو به بیابان نهادند این حادثه مصادف باموقعی بود که قسمتی از قوای متفقین متمرکز در ایران شده و یکعده از لشگر و سربازان انگلیسی و آمریکائی درحدود خاك فرج (که درضلع شمال غربی نیم کیلومتری شهر قم قرار گرفته وراه آن کنار پل قدیم رودخانه است) جای داشتند

قبلا چند نفر معاندین قرآن ازفرقه ضاله ومضله بهائیه بآنها خبرداده بودند که عده زیادی ازاهالی درنظر دارند باین حدود آمده وچاه آبی را که مورد استفاده شما است پر نموده وحمله سختی بشما نموده وشمارا ازبین ببرند وممکن است خطر بزرگی متوجه شما بشود آنها که این خبر راشنیدند وازجریان قضایا هیچ اطلاعی نداشتند ونیز هیاهوی مردم تایید افکارشانرا مینمود کاملا مجهز برای دفاع گردیده حتی رگبارهارا بسوی جمعیت قرار دادند تاهنگام هجوم مردم دفاع نمایند مرحوم آیة‌الله فقید که تنها متوجه خدا بود هدف مخصوص داشت بانهایت رشادت ومتانت بوضع خود ادامه داده باحضور متجاوز از بیست هزار نفر تقریباً درحال تضرع وخشوع بذات مقدس ربوبی نماز استسقا را بجای آورده وباخطبه ودعاء پایان یافت دلها طپیده ورنگها درپریدن بود هرکس باخود زمزمه ونوائی داشت که آیا این دعا بهدف اجابت خواهد رسید یانه متخصصین اروپائی که در لشگر متفقین بودند اوضاع جوی را بدقت مورد بررسی قرارداده ابداً امارت نزول باران را مشاهده ننمودند

پس روز دیگر را مرحوم آیة‌الله فقید اعلی الله مقامه الشریف باجمعی ازخواص اهل علم باخضوع وخشوع بیشتری بیرون رفته وبحکم من لج باباً ولج اصرار واستغاثه را زیادتر نموده وباچشمی گریان ودل بریان که خدایا بنده گان تو اگر مخالفت ومعصیت تو را می نمایند تو آنها را بغضب خود وقطع رحمت مواخذه مفرما بر آنها رحم کن زیرا تو ارحم الراحمینی ازاین قبیل ادعیه ماثوره وغیر ماثوره خوانده ودرسجده تضرع زیادی نموده وتقاضای باران رحمت نمودند وپس از آن سر برداشته آثار رحمت حق تعالی را ظاهر دیدند

چونکه حق خواهد که غفاری کند　　　میل بنده جانب زاری کند



که ابرهای متراکم آسمان قم راپوشانیده بطرف منزلها روان شدند هنوز نرسیده بودند که شروع بباران بی نظیر نموده وشهر وحومه راسیراب بطوریکه سیل دررودخانه قم افتاده روحی تازه درسراسر باغات ومزارع وبیابان طف دیده دمیده وزمین که براثر بی آبی خشك وآتشین شده بود خلد برین گردید ومصداق این آیه مبارکه هویدا گردید (واستغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا) ظهور این کرامت بزرك ودعاء سریع الاجابه درجهان اثر عجیبی بخشیده بطوریکه ژنرالها وفرماندهان لشگر متفقین نیز تسلیم مقام دینی شدند وازآن بزرگوار خواستار گردیدند برای رفع غائله جنك جهانی دعا فرمایند واز مقامات رسمی لندن وآمریکا وقوع این حادثه شگفت انگیز بوسیله رادیو درتمام دنیا پخش گردید حقانیت دین اسلام واثر حوزه علمیه قم عملا بر جهانیان آشکار گشت وبرآن مردم مادی وعناصر ناپاکی که بدیانت اسلام وحوزه علمیه قم بنظر منفی وحقارت می گریستند ثابت شد که مردان پاك وبافضیلتی درعالم هستند که بلاواسطه باعالم غیب پیوسته ومیتوانند بانیروی ایمان جهانی را تکان دهند وطبیعت را باذن خداوند جهان درزیر فرمان آرند درود فراوان بروان پاکت بادای رادمرد باحقیقت وایمانیکه اسلام را زنده ساخته قوت اسلام را بمردم جهان نمایش دادی

پس ازانجام نماز ونزول رحمت بی پایان حقتعالی ناطقین وگوینده گان سخن سرائی هائی در مدح وستایش مرحوم آیة‌الله وشعراء اشعاری دراین قسمت سرودند که برای اختصار ازدرج آن خودداری میشود

مرحوم آیة‌الله خونساری دارای مقام جمع الجمعی بوده‌اند با آن تقوا وزهد وقدس وعبادت درصحنه اجتماع وسیاست نیز پیشرو قافله ومیداندار آن صحنه بوده وبزرگترین شاهد این دعوا دخالت ایشان درامورات سیاسی ازقبیل ملی شدن صنعت نفت وموضوع انتخابات که فتوای ایشان درمسئله نفت درباختر امروز شمره ٤٥٤ درج ومنتشر گردید ونیز دربعض جرائد ملی دیگر ودرموضوع وکالت وانتخابات هم درپاسخ عده از بازرگانان طهران که سئوال کرده بودند جواب ذیل را دادند

بسمه تعالی

احساسات متدینین وتوجه بجهاتیکه درسئوال ذکر شده مایه بسی امیدواری وموجب تقدیر وتمجید است دراین موقع حساس که دیانت واستقلال مملکت را خطراتی تهدید میکند برای اداء وظیفه شرعی لازم است مسلمین باکمال جدیت درامر انتخابات

شرکت کرده و کلامی را که متدین و علاقه‌مند باستقلال مملکت و واقف بمصالح عالیه کشور باشند انتخاب نمایند وچنانچه درانر مسامحه وسستی دراین امر مهم لطمه بدیانت و استقلال مملکت وارد شود علاوه برذلت ونکبت دنیوی درپیشگاه خداوند حکیم مسئول خواهند بود سه‌شنبه ۱۱ شهر ربیع المولود ۱۳۷۱ سیدمحمدتقی الموسوی الخونساری

محل خاتم شریف

البته این فتوی و نظریه تأثیر عمیق بسزائی درروحیه افکار متدینین واهل ایمان کرد و اشخاصی را که از اول عمرش کمتر رائی هم نداده بودند بمیدان کشانیده و داخل در امر انتخابات نمود

**مقام علم و تقوی و زهد مرحوم آیةلله خونساری**

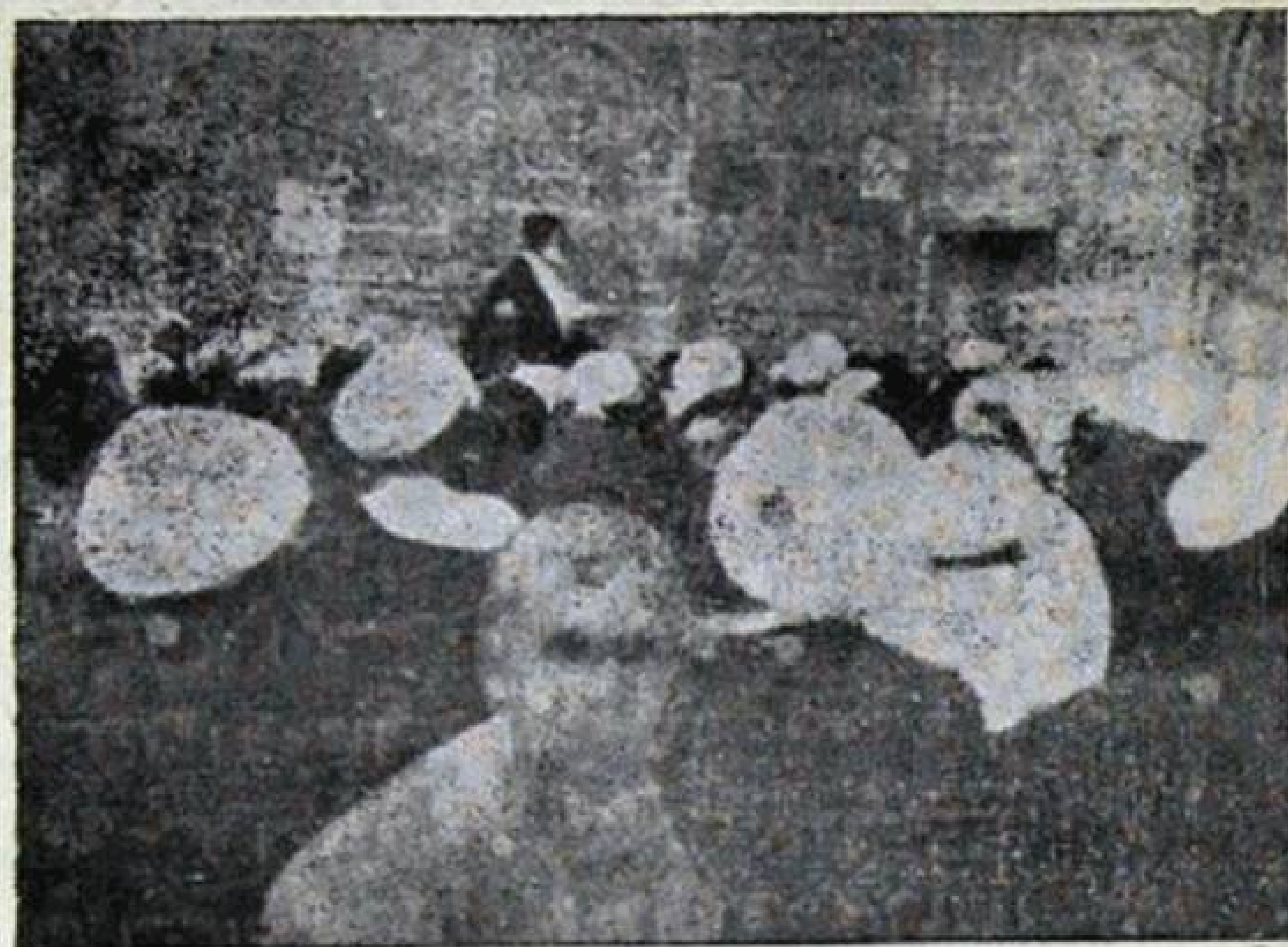
این رادمرد بزرك که اسطوانه علم وفضل بود هر چند بواسطه اشتغال باهم ازقلم مبارکش تاکنون در قالب تصنیف توصیف نیافته لیکن تقریرات بعضی ابحاث شریفه‌اش بقلم عده‌ای ازفضلاء تلامیذش تحریر یافته که شایسته است برای نشان دادن مراتب علمی وتحقیقی آن پیکره علم وفضیلت که حاوی معقول ومنقول وعلامهٔ فقه واصول بوده بزیور طبع در آمده ومورد استفاده اهل فضل ودانش گردد که حقاً وقتی برفراز منبر مینشست برای تدریس گویا استادش مرحوم آقاضیاء عراقی واستاداو مرحوم آخوند خراسانی بمسند تحقیق نشسته بقدری دقیق وموشکاف بود و عبارات را در قالب الفاظ علمی بیان میفرمود که هرکس را نیروی فهم آن نبود مگر کسانیکه سالها زحمت وریاضت کشیده وقوه فهم واستنباط پیدا نموده بودند

آثار ایشان از تلامذه فاضل و برجسته وزبردست که ازدریای علم وتحقیقات فقهی واصولی ومعقولی ایشان حایز مقام منیع اجتهادشده بسیار بعضی چون حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای آقاشیخ محمدعلی عراقی وحجة الاسلام آقای حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آقای آقاشیخ راضی تبریزی وامثال ایشان درقم سمت مدرسی سطح وخارج حوزه را دارند ویا دراطراف ایران وشهرستانها سمت امامت وریاست وغیرذلك را دارا هستند وافتخار تلمذ وشاگردی آن آیةالله العظمی را مینمایند

درتقوی وزهد یگانه عصر ووحید دهر بوده نمازجماعتش اولین نمازدر قم از حیث کمیت وکیفیت مجمع فضلاء ودانشمندان برجسته وباتقوی واحتیاط کارقم وسایر بلدان و نیز اخیار طبقات دیگر واین خود کاشف تقوی وزهد آن بزرگوار بودزیرا که تارك هوا و تارك زینة وتارك دنیا بود که درکمال بی آلایشی حرکت میکرد درقضاء حوائج اخوان و



مؤمنین بی نهایت کوشا بود درصبر وتحمل هم کم نظیر بود اخلاق او چون نیاکان واجدادش نیکو وعظیم بود درخاطر دارم که یك شب نهم ربیعی که شب سرور آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین وشیعیان ودوستان ایشانست از نماز جماعتش درمدرسه فیضیه فارغ وبطرف منزل می رفت دروسط مدرسه رسید طلبه جاهلی جسورانه جلو آمد و گفت حضرت آیةالله عرضی دارم ایستادند وفرمودند بگو آن بی ادب برای مزاح کردن وخندانیدن بی مهابا آیه سجده واجبه را قرائت کرد آیةالله همانجا بسجده افتاد وتامیخواست سر بردارد باردیگر میخواند مدتی آن مجسمه اخلاق حسنه را درسجده معطل کرد تابعضی از آقایان طلاب آن جسور را نگاهداشته تاایشان تشریف بردند وبعضی خواستند اورا اذیت کنند وتنبیه نمایند اجازه



مجلس درس مرحوم آیةالله خونساری طلاب زاد

نداد نداین بود شمه و نمونه از اخلاق کریمه ایشان

انصافاً این چندبیت شایسته مقام آنحضرت است که ازدل وزبان براخلاص وارادت آقای نبوی قمی سروده شده

مخزن علم و کمالی مصدر زهد و ورع — زهره افلاك زهدی بهتر از هر اختری
یاور دین را تو یاری خصم اورا دشمنی — بی نوایان را نوائی بی کسانرا یاوری
قهرمان عرصه میدان علم و دانشی — علم وتقوی راسراسر کشور پهناوری
ازمحمد وز تقی شد نام نامیت تمام — زین دو نور حق عیان گردیده اینك انوری
ای مجاهد کز سر صدق صفا کردی قیام — الحق الحق در زمانه مظهر یا قاهری

بایدا ینسان معدن علم و هنر آید برون    ازدبستانی که او آموخت علم و سروری

مایه فخرو مباهاتی تو بر اسلامیان    دشمنان دین و آئین را فروزان آذری

بر سر اسلامیان جاوید بادا سایه ات    بخت خصمت تیره گون گرددجهان کافری

عقل عاجز گرددازوصف توای یکتاپرست    یکه خواه و یکه جوی و یك نوای یك سری

**شاگردان برجسته و معظم تلامذه مرحوم خونساری**

آیةالله العظمای خونساری از روزیکه باتفاق آیةالله المؤسس از اراك بقم مهاجرت نمودند بنابر تدریس سطوح نهائی فرائدومکاسب شیخنا الانصاری و کفایه خراسانی را گذارده و تااواخر عمر مرحوم حایری قدس سره چندین دوره کتب مزبوره و کتب معقول را تدریس نموده و هم تقریر درس معظم له رابرای جمعی ازتلامذه وشاگردان آنجناب میفرمودند تاچند سال مانده بفوت ایشان رسماً ومستقلا شروع به تدریس خارج کفایة الاصول و کتب فقهیه نموده و تا آخر عمر خودچند دوره تدریس خارج فقه و اصول فرموده و فضلاء را از مبانی علمی و تحقیقات خودبر خوردار نموده اند

وپس ازفوت مرحوم آیةالله حایری غالب و بلکه جل تلامذه ایشان (لولا الکل) بمحضر وحوزه تدریس آنجناب ومرحوم آیةالله حجت شتافته ودرك فیض نموده اندو اغلب فضلاء ومدرسین کنونی حوزه علمیه قم ودانشمندان وعلماء خارج قم که درشهرستانهای ایران مشغول خدمات دینی هستنداز فارغ التحصیلان ومستخرجین حوزه آن دو جناب میباشند وچون فهرست اسامی مشاهیر آنان رادرضمن ترجمه آیةالله حجت نگاشته ام در اینجا تلامذه مخصوص ایشانرا مینگارم که تنها ویا بیشترمباحثات واستفادات آنها از آنجناب بوده است و آنها بقرار ذیل است

۱ـ آقای آقامیرزا ابو القاسم دانش آشتیانی قم    ۲ـ آقای آقاشیخ ابو المکارم رشتی قم

۳ـ آقاسیداحمدخسروشاهی تبریز    ٤ـ آقای آقاسیداحمدخرم آبادی خرم آباد

۵ـ آقاسید جلال شهیدی محلاتی محلات    ٦ ـ آقاسیدحسین رسولی شمیران

۷ـ آقای آقامیرزا رضی تبریزی قم    ۸ـ آقای آقاسیدشفیع واحدی لاهیجی رشت

۹ـ آقای حاج شیخ عبدالجواداصفهانی قم    ۱۰ـ آقای شیخ عبدالرحمن فرنقی

۱۱ـ آقای میرزاعبدالرحیم مدرس تبریزی قم    ۱۲ـ آقای حاج آقاعطاءالله اصفهانی قم

۱۳ آقای حاج سیدمحمدباقرطباطبائی سلطانی قم    ۱٤ـ آقای حاج شیخ غلامرضافقیهی قم

۱۵ـ آقای آقاشیخ محمد علی عراقی قم    ۱٦ـ آقا شیخ محمدولی هرسینی نهاوند



۱۷ ـ آقای آقاشیخ محمدصدوقی یزد    ۱۸ـ آقاسیدمصطفی خونساری قم

۱۹ـ آقای آقاشیخ مهدی صادقی قم    ۲۰ـ آقاسید هادی روحانی رودسر

وجماعتی دیگر ومشترکین دروس مرحوم آیت الله حجت و آیت الله صدر قدس سرهما ازتلامذه ایشان ازصدها متجاوز ودرضمن فهرست تلامذه مرحوم آقای حجت طاب ثراه خواهد آمد

**مسافرت آیةالله خونساری بمکه معظمه**

سفرمکه آیةالله خونساری رضوان الله علیه هم قابل توجه است کسانیکه درسنة العلماء ویاحجة العلماء ۱۳٦۹ سال اول پس از۷ سال تعطیل شدن ازایران مشرف بودند وچون این بنده هیچ نبارز نداز دورو نزدیك نگران حرکات وسکنات آن هیکل توحیدبودندمی دانند که باکثرت فقهاء بزرك و آیات عظام ومراجع تقلید کرام که ازهرشهروقصبهٔ ازایران یك یا چندنفرروحانی بود(وکمترسالی مکه این گونه حاج بخوددیده است) از طایفه حقه اثناعشریه رجالی ازمراجع وپیشوایان شیعه چون مرحوم آیةالله خونساری و آیةالله فیض و آیةالله کبیر و آیةالله سبزواری وحجتی الاسلام بهبانی وطهرانی وامثال ایشان در مکه بودند اماهیچ کدام باندازه مرحوم آیةالله خونساری اثر نداشتند و مورد توجه عموم مسلمین وحجاج بیت الله نبودند

درهرحال بااینکه رعایت تقیه را برای حفظ جان ومال وحرمت شیعه هامینمود دست ازتبلیغ وامر بمعروف ونهی ازمنکر برنمیداشت بوجاهت ونفوذ ایشان رفع اختلاف ماه ورؤیت هلال شدزیر احجاج شیعه باتوجه وارادتیکه بایشان داشتند و نزد ایشان هلال ثابت شدهمه مردم بتبع وپیروی ایشان ازشك وشبهه بیرون آمدند ومناسك حج را بدون تکرار انجام دادند شب عید غدیر ایشانرادیدم بایك حالی که هر متوجه ملتفتی را منقلب مینمود پس ازطواف ونماز دورمسجدالحرام باآن وسعت و بزرگی می گردد و تاقریب صبح کارش در آن مکان مقدس وشریف همین بود و گویا که ازدل ابیات جدش رامیسرود و میگفت

یامن یجیب دعاء المضطر فی الظلم    یا کاشف الضر والبلوی مع السقم

قد نام و فدك حول البیت قاطبة    و انت وحدك یاقیوم لم تنم

ادعوك رب دعاء قد امرت به    فارحم بکائی بحق البیت والحرم

ان کان عفوك لایرجوه ذو سرف    فمن یجود علی العاصین بالنعم

بااینکه صحنه مسجدالحرام مطروس بوداز مردمیکه تمامی چون بهائم خوابیده واز برکات آن لیله مسعوده وشب مبارك عيدغدير و آنمکان مقدس غافل گشته بودند

گفتگوی آن آیةرحمانی بامصریان ومباحثات ایشان بابعض ازقضاة مکه ومدینه هم شایسته توجه است مجله مجموعه حکمت حوزه علمیه قم شماره دوازدهمش تفصیل آنهارا داده شایسته مطالعه است رجوع فرمائید

حضرت آیةالله خونساری پس از خاتمه اعمال حج وزیارات حضرت رسول صل الله علیه و آله وائمه بقیع علیهم السلام بعتبات عالیات مشرف شده وتااواخر ماه صفررا باعظمت زیاددرمیان مراجع و علماء اعلام نجف و کربلاوسایر اعتاب مقدسه مانده ودر آن ایام مراجعت بقم ودر روز اول ماه ربیع المولود بااستقبال شایان کم سابقهٔ ازطرف عموم طبقات قم وارد شهر گردیدو شعراء که زبان گویای مردمند درمدحش اشعاری سرودند که برای نمونه این چند بیت جناب حاج محمدعلی انصاری را تقدیم خوانندگان میدارم

درهزار وسیصد اندر شصت وهشتم چون قمر     ماه تابان مرا اندر وطن آمد مقر
مردمان در بام اندر چرخ جویای هلال     ناگهان شد در زمین بدر فروزان جلوه گر
درزمستان بود و در دیماه درشهر ربیع     گز سفر خورشید دین آمد چو شمس باختر
کیست دانی آنکه هر موکب وی مشك بیز     خامه ام گردید وریزد از پی کلکم شکر
آنکه باشد مفتی شرع از حلال وز حرام     آنکه از فضل و هنر در دهر میباشد ثمر
آیت‌الله زمانه آن تقی متقی     سبط احمد نجل حیدر هم حسین اورا پدر
خواند اندر خانه‌اش ایزد بمهمانی ورا     مشعر دانش مقام فیض و میقات و سفر
حل ایمان سرور ایقان ومرات کمال     میزبانش گشت ووزلیك كردش مفتخر
ار پی ترویج مذهب با گروه مصریان     کرد باب بحث راواو بازاز هر رهگذر
با بیانات رشیق دلکش خود قلب خصم     کوچواهن بودوسنك ازموم آمدنرم تر
چشم دارد ازتوانصاری چود عبل از رضا     درقیامت گردیش شافع رهائی از شرر

اما صدحیف وهزاران افسوس که آن بزرگوار چون نیاکان گرامش از روز نخست مبتلا بکسالت و بلایا بودو هر روز یك بلیه روح و بدنش را آرزده میساخت در همان گرفتاریهای درجنك بین المللی بااجانب مبتلا بکسالت قلب و سوء ها ضمه و بعض دیگر بود گاهی دراثر معالجات بهتر میشد ولی اگر تصادف بایك امر ناگواری مینمود عود کرده و شدت میافت



مبارزات آن بزرگوار برعلیه کشف حجاب مشهور و دراین موضوع قدم بقدم ودوش بدوش بامرحوم آیةالله قمی شرکت داشت واین آزادی امر حجاب پس از آن شدتها و سرنیزه هااین صورت آمدن مرهون خدمات و مجاهدات ایشانست با مرحوم قمی چنانچه در سابق اشاره شد

چندین مرتبه برای معالجه آن کسالت ها بحضرت عبدالعظیم ع و بیمارستان فیروز آبادی وطهران به بیمارستان پانصد تخت خوابی مسافرت نمود ولی قلع ماده نشد تاپس از انقضاء ماه رمضان ۱۳۷۱ هجری که از آقایان علماء وروحانیین وبازرگانان محترم همدان تلگرافی ازایشان دعوت شد که تابستان رادر آنجا بسر برند ایشان پس از مشورت بااطباء دعوت آقایان را اجابت وروز ۲۲ شوال ازقم بطرف طهران وهمدان حرکت فرمودند شب را منزل آقای فیروز آبادی درشهر ری توقف وروز را با کمال تجلیل و نهایت احترامات وارد شهر دینی همدان گشتند

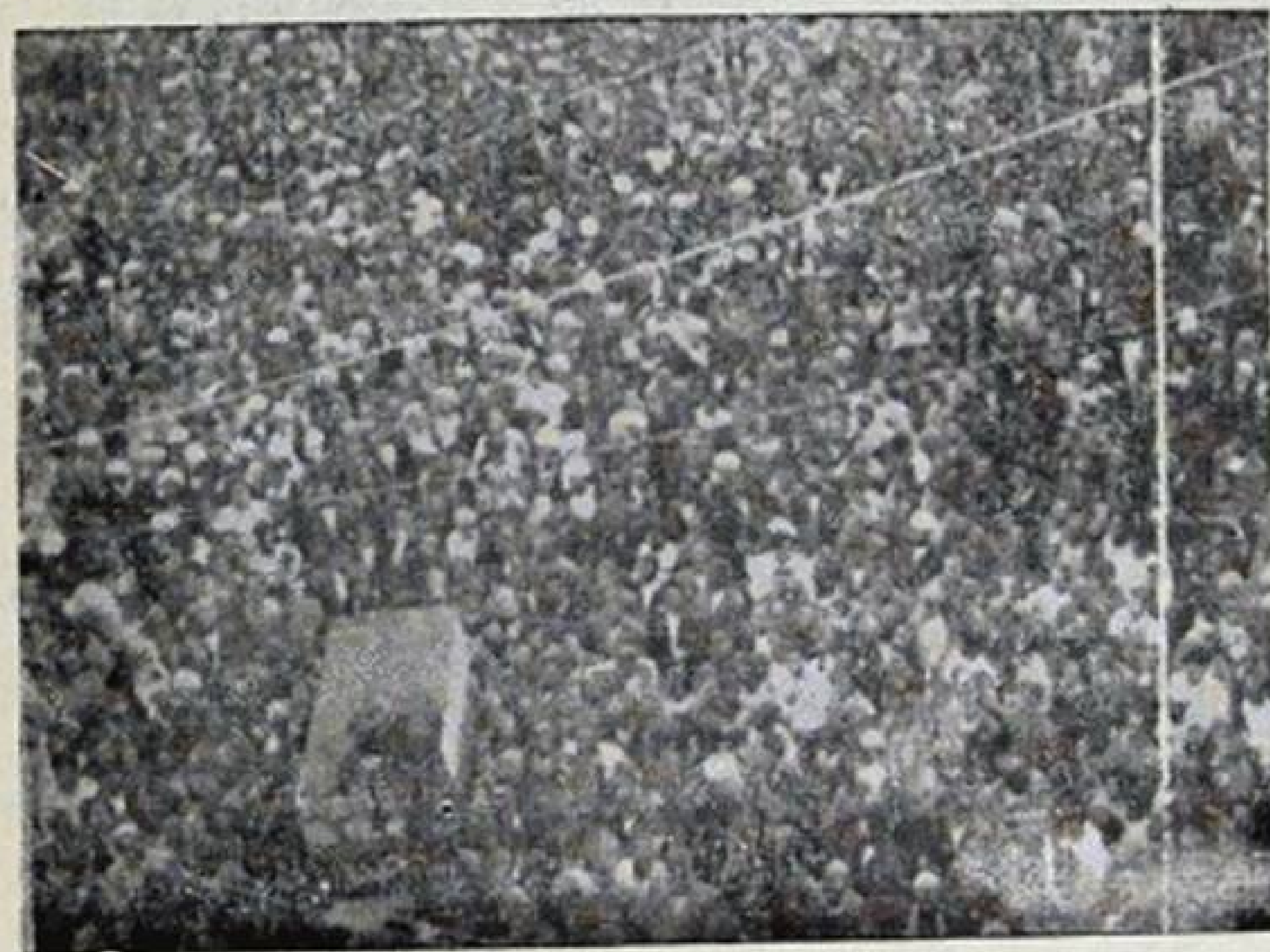


مرحوم آیةالله خونساری و آیةالله کاشانی در بیمارستان

وبنابر دعوت علماء واخیار ومتنفذین همدان برای نماز جماعت مغرب وعشاء اقبول کرده ودر مسجد جامعه همدان اقامه جماعت مهمی نمودند تایکی ازروز ها که با تقلیل لباس درمسجد حاضر شدند دربین راه بتصرف هوا مبتلا گردیده باداشتن آن کسالتهای سابقی وعدم مساعدت شهر همدان بافشار خون و کسالتهای ایشان جنابش دچار حمله قلبی گردید وباحضور شش نفر از اطباء حاذق و آمدن اطباء مخصوص ازتهران بامر حضرت

آیة‌الله بروجردی دامت برکاته مختصر تخفیفی حاصل وبلکه بهبودی موقتی که باعث مسرت وخورسندی همگان گردید پیداشدولی این بطول نیانجامید قریب ۲۰ دقیقه بظهر بود که فریاد شیون وصدای ناله دلخراش وجگرسوزی از اندرون برخاست ودر اثر صداهای وحشت انگیز و جانسوزدر کمال سرعت و نهایت عجله کمسیون از پزشکان همدان تشکیل وپس از امتحانات پزشکی خبر ناگوار و حزن آوروغم انگیز رحلت ایشانرا دادند

ابتداءعرض تسلیت محضرمقدس آیت‌الله العظمی بروجردی بوسیله تلفن عرض شدو پس از آن بطهران وسیله خطیب شهیر آقای فلسفی واعظ بمقامات رسمی واداره انتشارات وتبلیغات درسرتاسر کشور وجنازه رابعدازتغسیل وتجهیز بـایکجهان تاثر و گریه‌و ناله که زن ومرد وکوچك وبزرك همدان داشتند و دروبوم آنشهر ستانرا باخود هم آهنك کرده تشییع وبعداز ۳ ساعت در کنارجاده طهران ازهمان راهیکه یکماه ونیم قبل باعزت وجلال وارد شدواستقبال گردید باشوکت وعظمت مشایعت گردید ودر آنجا در آمبولانس گذارده وبطرف طهران روانه نمودند



تشییع جنازه مرحوم آیة‌الله خونساری طاب ثراه

ودر طهران هم تجلیل وتشییع شایانی گردیده وباهزارها نفرمردم طهران بطرف قم وآیة‌الله بروجردی که درشب وفاتش خواب جنازه نابغه ومؤسس تشییع مرحوم سید مرتضی علم‌الهدی رادیده بودکه بقم می‌آورند وازاول صبح انتظارپیش آمد بزرگی



داشت تارسیدن آن خبر که حوزه علمیه ومردم قم را اعزام باستقبال جنازه آن عنصر فضیلت نموده وهزاران نفر تاشهرری ازقم باستقبال جنازه آمده، وباشکوه عجیبی که نمونه عاشورای عزا بود بقم وارد ودرمسجد بالای‌سر درقبة‌العلماء پیش‌روی مرحوم آیة‌الله المؤسس الحایری هم چنانچه متجاوز از ۲۰ سال مواجه وملازم باایشان بودمدفون گردید طاب الله ثراه وجعل الجنة مکانه ومأواه

این بنده مؤلف که نهایت اخلاص وارادت وسرسپرده گی رابخاك مقدمش داشتم وآنوجود معظم هم نهایت عنایت ولطف واحسان وکرمی را که سجیه کریمانه و دیدن مرضیانه ایشان واجداد گرامش بود بااین فقیر مستوعب التقصیر داشتندومرامفتخر باجازه روایتی ازمشایخ عظام خودمنضما بتصدی درامورحسبیه فرموده بودند درموقع ضایعه عالم گدازرحلت ایشان درمشهدمقدس مشرف بودم وقتی مستحضرشدم حقیقتا عالم درنظرم تارشده بیخودانه ازاین طرف وآن طرف رفته وزائرین از فضلاء وعلماء قم را ملاقات نموده ونیزعلماء وفضلاء مشهدرا واستخبارازصحت وسقم آن خبر نموده تا یقین صحت آن برایم حاصل شده بتکاپوافتادم که چرامشهد تعطیل نمیکنندوچرا اقامه عزانمی نمایند دیدم میخواهند مسامحه درتجلیل ازاین نابغه علم وفضیلت وتقوی کنند درمنزل یکی از علماء منبررفته وشمهٔ ازفضائل و شخصیت معظم له راکه برای خواص مجهول نبودند تذکروحتی متمسك شدم بکلمات اعلیحضرت سیدالشهداء علیه السلام در ساعات آخرش درروزعاشوراء وگفتم (ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعادفکونوا احرارا فی دنیاکم) اگر ازاین مرد جلیل القدر وعظیم الشانیکه مقبول کل فی الکل بودند که اگر به متجدد میگفتند ازمراجع که راقبول داری بلادرنك میگفت آیة‌الله خونساری رازیرا که روشن فکراست واگربه مقدس ومتقدم می گفتند کدام رامی پسندی بلاتامل می گفت آیة‌الله خونساریرا زیراعنصر تقوی وقدس است واگربسیاسی ووارددرشئون اجتماعی میگفتند از مجتهدین کدام مورد قبول تست می گفت آیة‌الله خونساری که مردی سیاسی واجتماعی است واگر به اهل علم وفضل هم می گفتند کدام یکی از معاصرین دانشمندان پسند تواست می گفت آیة‌الله خونساری که مردی محقق ومدقق است

پس اگر برای این مردتجلیل برای دین وعظمت مقام روحانی او که ازمراجع بزرك عالم تشیع بوده نکنید ونیز برای ترس ازمعاد وروز واپسین هم که عدم تقدیر وتعظیم از مرك یك عالم وپیشوائیکه برای او آسمان وزمین تاچهل روز گریه می کنند وازموت او

ثلمهٔ دراسلام پدید آید که هیچ چیز آنرا سدنکند خوددرقیامت مواخذه دارد تجلیل نکنید پس برای دنیای خودتان که همین روز (یعنی مردن) برای شماهم خواهدبود تجلیل کنیدتاازشماتجلیل کنند بالاخره اولین مجلس ترحیم باعظمت درجامعه گوهرشاد ازطرف آیةالله زاده قمی حضرت حجةالاسلام حاج آقاحسن اعلان شد باچند مجلس دیگر از بعض طبقات ولی آنهاعقده دل مرا نگشود خوددرمدارس اعلان وعموم رادعوت به مدرسه نواب و پس ازدوساعت فاتحه وتلاوت قرآن بی ریابابرچم سیاه اهل علم ومردم دیگررا اززائرومجاور که آمده بودندحرکت داده وجهت تعظیم ازرحلت آن بزرگوار درخیابان بطرف بازار ومسجدگوهرشادبراه واین دوبیت راانشاد وعموماً باحالی حزین میگفتیم

قوموا نعزی الحجة یا هیئت العلم — للآیةالخونساری جرثومةالحلم

مات فقیه الامه یا صاحب الامر — هتفا بارض الغربة یا هیئت العلم

پس باآنجماعت معتنی ببازار آمده ومردم رامخاطب ودربازار ازعظمت آنعالم ربانی یکربعی سخن گفته وبجامعه گوهرشاد وارد شده ویکی ازمنبرهای خراسان منبر رفته ودر اطراف شخصیت آنفقید معظم سخنان شایسته وحقایقی بمورد ابراد نمود

وتمام این تعظیم ازضایعه فقدان آن بزرگوار گذشته ازمقامات ایشان برای آن تعظیماتی بودکه ایشان بواسطه داشتن تقوای قلب ازشعایردینی می نمودچنانچه درهروفات وعیدی ازوفیات واعیاد حضرات ائمه واهل بیت پیغمبر علیهم السلام که پیش میآمد وبایشان مراجعه شده واستدعاء کمك می شد مضایقه ازاعانت ننموده وجاناً ومالاً قدماً ولساناً مبادرت بکمك می نمود دروفات علیاحضرت عقیلةالعرب ه بنی الزهرا عصمت صغری زینب کبری علیها سلام که درشب نیمه رجب سنه ۶۲ هجرت واقع شده ومتجاوزاز ۱۵ مدرك ازکتب سنی وشیعه برای آن بدست آمده وتاچندسال قبل درایران اصلا انتشار نداشت وبلکه مجهول بودتااین بند مؤلف باشاره وتایید حضرات ائمه علیهم السلام قیام بنشر آن نمودم وازحضرات مراجع حوزه استمداد خواستم وهریك بنوبت خود کمك نمودند مرحوم آیةالله خونساری ازکسانی بود که قدما وشخصا استقبال این سنت حسنه رانموده وازشهادت و وفات عمه عزیز خود تجلیل وتعظیم می نمود درشب نیمه رجب ۱۳۶۸ هجری که درمدرسه فیضیه مجلس عظیمی داشتم و مرحوم حجةالاسلام اشراقی مستفیض فرمودند معظم له روی بعض توهمات وسعایت هادر آن مجلس شرکت نکردندتاموقع نمازمغرب وعشا که تشریف آوردند ازحضرتش گلایه کردم که چرا تشریف نیاوردید فرمودند مرا اشتباه کردند



الان حاضر بجبران آن هستم گفتم بچه نحو جبران خواهید فرمودفرمودند بعدازنماز عشا باکسالت وعلاوه کاریکه دارم می نشینم وشمابمنبر رفته ویکساعتی دراطراف آن مخدره صحبت کنید ومرثیه بخوانید منهم گریه می کنم عرض کردم چون شب وفات است اگر اجازه بفرمائید پس ازنماز بانوحه ومرثیه درخدمت شما ازمدرسه باجمعیت مؤمنین بخیابان رفته وبآستانه مشرف شویم وتسلیت بحضرت معصومه علیهاسلام بدهیم برای تعظیم شعائر دینی بهترباشد فرمودندبسیار بموقع ونیکوست پس بعد از نماز نوحه گرفته و با انقلاب و شیون عظیمی از مدرسه درعقب حضرت ایشان حرکت و بخیابان و آستانه مشرف شدیم وچون درقم انتشار یافت که حضرت آیةالله خونساری با جمعیت طلاب و مؤمنین حرکت وبآستانه مشرف شده اندروزنیمه رجب یعنی فردای آنشب بپاس احترام عمل دیشب آن بزرگوار وتجلیل ازوفات بی بی علیا مخدره حضرت زینب کبری سلام الله علیها بازارقم ودکاکین تعطیل و تاکنون رسمیت یافته وانشاءالله تاابدازاین سنة حسنه روح پر فتوح آنجناب شاد ومأجور ومثاب خواهد بود

دررحلت آن بزرگوار علماء وفضلاء نجف وقم وطهران و کاشان و نقاط دیگر اشعاری سروده اند که چندقصیده آن درمجموعه حکمت درج فقط دراینجابرای نمونه قصیده مرثیه حضرت حجةالاسلام آقای آقاشیخ عباس طهرانی راکه درعالم رؤیاایشان رادیده وسروده تقدیم دوستان محترم میدارم

آه وافغان کز کشاکشهای این چرخ کهن — گشت اینعالم پر ازرنج وغم ودردو محن
هریکی نوششده محفوف صدنیش والم — هرخوش آن باهزاران ناخوش آمدمقترن
چهره چون آب اوکی قابل آرایش است — دامن خاکش نباشد جای آرام و وطن
مارپرزهراست کی بتوان ازاویکمهره برد — خارپرتیغ است درد یوسف گل پیرهن
آرزوهایش بخاك شد مریدش نا مراد — هیچکس از وی وفاداری ندید اندر زمن
گرچه عین لطف آمد این نظام بی نظام — اینچنین تقدیر فرمود آن خدای ذوالمنن
تاکه باشددل نبندد کس بدین دنیای دون — با دل فارغ کند فکر مآل خویشتن
بهر این دنیا نگشتی خلق تا اسباب کار — هرجهت بهرت مهیا گردد ایمرد کهن
اینجهان گرجای راحت بود مردان خدای — اینچنین کی اندر آن بودند دررنج و محن
مصطفی و مرتضی سبطین و زهرای بتول — پنج تن بانه تن دیگر امام مؤتمن
ز انبیاء وزاولیا از آدم و نوح و خلیل — عیسی وموسی شده دلخون زدیو و اهرمن

بعداز آنها افضل وفاالافضل از اخیار ناس — هر که بدنیکوتر او دلخسته شد اندر زمن
هریك از نواب و آیات وحجج در دور خویش — در زمان غیبت کبرای شاه ممتحن
از کف یاران جاهل دشمنان پر نفاق — خون جگر گردید تا پیچیده شد اندر کفن
خاصه اندر دوره حاضر که شد عصر نفاق — منکرش معروف و معروفش نه غیراز مکروفن
غیرفکر او سیاست نیست درخورد و کبار — جملگی در فکر جمع مال و نفع خویشتن
هر کجا صحبت زعدل و صلح ودین و اتحاد — لیك در معنی نباشد مقصدی جز ماومن
زین سبب مردان حق مایوس از اصلاح امر — ساکت و صامت بکنج انزوا کرده وطن
قلب آنها چون نمك در آب و روح می نشاط — جسم بی جان گشته و کاهیده گردیده بدن
چون فقید تازه مرحوم آنکه ازدست زمان — خون دلها خورد تا شد خسته جان و خسته تن
آیت عظمای خونساری که اندر فوت او — گشت خونساری زچشم مسلمین ازمرد و زن
یکجهان علم و شهامت رفت اندر زیر خاك — عامل حلم و تواضع شد برون از انجمن
آنکه آمد ازدعایش ابر رحمت سوی خلق — وانکه ازنطق وبیانش شد عدو کوته سخن
رحمت بی منتهی بادش بروح پرفتوح — بستگانش را دهد حق عزت و صبر حسن

ونیز مناسب دیدم چند بیت عربی را که جناب فاضل ادیب آقای آشیخ محمد کرمی حویزی درماتم آن فقید معظم سروده اند تقدیم دارم

لهفی علی رجل الحقیقة والتقی — الایة العظمی محمد التقی
بطل اقام عماد دین المصطفی — لجهاده و تعلیمه المتدفق
القت له الدنیا مقالید الوری — فهو الزعیم بمغرب و بمشرق
خونسار مولده وفی النجف استقی — من فیض حیدرة السعادة و الرق
کمعاهد الکفار حتی حل من — کید العدی بمحیط اسر ضیق
مازال منتصبا توم جماعة — و یشید فی الجمعات احسن منطق
شحت بوابلها السماء فما انثنی — من ورده و صلوته حتی سقی
ارخه ماظلات بنوحك امه ۱۳۷۱ — لهوی التقی الا لانك متقی

وجناب حجة الاسلام حاج سیدهادی روحانی رودسری درمرثیه ایشان گوید

بهر بهار گل از گل شگفته مالا مال — گل شریعت ایمان شده است محو الحال
گلی فروشده در گل که تا به یوم قیام — گلاب اوست که هردم ز دیده گان سیال
برفت آیت عظمای عصر خو نساری — فقیه آل محمد(ص) همان ستوده خصال



جهاد کرد واسارت برفت وحبس نشست — که تا ستون دیانت بیابد استقلال
بحفظ حوزه و در تربیت نموده قیام — در آن زمان که شدی بدر حوزه همچو هلال
نماز جمعه بپا کرد نفس قدسی او — به تشنگان حقیقت چشاند آب زلال
همان بس است کرامت نماز بارانش — که فیض حق سریان کرد روی دشت وجبال
هزار وسیصد وهفتاد یك پس از هجرت — بروز هفتم ذی الحجه با شکوه و جلال
برفت آن نقی متقی و زاهد دهر — به نزد جد گرامش کشیده رخت وصال
نمود ختم بگفتار خویش روحانی — که بیش ازاین زتاسف نداشت حال مقال

ازآثار ظاهره و باقیات الصالحات آیة الله المرحوم خونساری رضوان علیه فرزندان برومند و صالح ایشان مخصوصاً جناب حجة الاسلام آقای حاج آقاباقر آیة الله زاده خونساریست که ازفضلاء حوزه واز افاضل اقران خویش دارای تقوی و متانت ووقار وسکونت است درسال ۱۳۳۸ ازهجرت در بلده اراك بدنیا آمده و پس ازتحصلات جدید ومقدمات نزد اساتید حوزه سطوح را ازجناب حجة الاسلام والمسلمین آقای آشیخ محمدعلی عراقی ووالد معظم خود خوانده وپس از تکمیل سطوح حاضر درس خارج والد ماجد خود و چندین سال از آنجناب استفاده نموده وپس از رحلت ایشان ازمحضر درسی آقای عراقی و حضرت آیة الله بروجردی استفاده کرده واکنون بنجف اشرف مهاجرت نموده است

ودیگر برادر محترم ایشان جناب محامد آداب ثقة الاسلام آقای حاج سیدمحمد علی آیة الله زاده خونساری است که درشایستگی وصلاح قرین برادر مکرم خود میباشد درسال ۱۳۳۹ ازهجرت در بلده اراك بدنیا آمده وپس ازطی معلومات جدیده مقدمات و سطوح را نزد والد معظم خود واساتید دیگر حوزه دیده ومدتی ازدرس وبحث پدر بزرگوار خود استفاده نموده است دارای طلاقت لسان وصنعت محاورت وخطابه است وفقهما الله تعالی وایانا وجعلهما الله خلیفته من بعده ومتع الله المسلمین بوجودهما

**اعلان اذان یا بانگ خطر یا مؤثرترین حوادث حوزه علمیه قم بعد از آیة الله المؤسس الحائری یعنی رحلت آیت الله حجت رضوان الله تعالی علیه**

حوزه علمیه قم ودانشگاه روحانی تشیع ازاول تاسیس آن درسال ۱۳۴۰ هجری تااینسال حاضر ۱۳۷۲ که ۳۳سال ازعمرش میگذرد ناظر حوادث موثر ووقایع عالمسوزی بوده لکن هیچکدام ازاین حوادث وضایعات پس ار حادثه رحلت مرحوم آیة الله حایری موثرتر ازدو حادثه ناگوار فقدان آیة الله خونساری وبزرگترین حوادث حوزه پس ازشهریور ۲۰

از ضایعه آیة الله العظمی حجت نبوده



آیت الله حجت قدس سره

حضرت آیة الله حجت با آن متانت و صبر و بردباری و اخلاق نیکو و یکدندگی از روز نخست در این اواخر محبوبیت عجیبی عند الکل پیدا کرده بود همه و همه شیفته و مجذوب این رویه حسنه و سجیه کریمه او شده بودند زیرا در مدت ۲۳ سال توقفش در قم همه نحو امتحان خودرا داده و در آن امتحانات حائز مقام اولیت شده بود حتی دشمنان منصف هم تسلیم رفتار او بودند شاه و رعیت اورا میخواست متجدد و سیاسی که میگفت سیاست از روحانیت جداست (البته بمعنای خودش که عبارت از شیطنت و تقلب و تزویر و زور و قلدری باشد نه سیاستی که بمعنای تدابیر امور مردم باشد) با آیة الله حجت معتقد بود زیرا ایشان را روحانی محض میدانست و میبود متدین و متقی هم علاقه مند ایشان بود زیرا هضم نفس و احتیاط و محافظه کاری که ایشان داشت از لوازم هر دیندار و پرهیز کار بست و سالك و عارف هم از ایشان تقلید میکرد زیرا مرجع تقلید سالك و مجتهد عارف ربانی در این عصر میدانست آن فقید معظم را چنانچه چنین بودند روز دوشنبه سوم جمادی الاولی بود موقع ظهر که مردم قم از زائر و مجاور مرد و زن بزرك و کوچك عالم و جاهل بخصوص طلاب و محصلین حوزه قم مهیای فریضه و نماز جماعت بودند عده از مردم متدین و علماء و فضلاء در حرم مطهر و مسجد بالاسر و جماعت کثیری در مدرسه فیضیه و مردم بسیاری در مسجد امام و سایر مساجد خیابان و باقی مردم در دکان ها و خیابان های قم مشغول کسب و کارهای شخصی خود با قلبی فارغ و دلی راحت و آرام بودند که بلند گوی آستانه مقدسه شروع باذان نمود مردم از گوشه و کنار چون همه روز برای نماز جماعت در مدرسه فیضیه و مسجد بالای سر مطهر آماده و صفها را تشکیل و بعضی مشغول خواندن نوافل که اذان تمام و میخواستند اقامه گفته و شروع بفریضه نمایند که ناقوس خطر و زنك بلاو بانك مصیبت صدا نمود که متوجه باشید توجه کنید توجه کنید اهالی محترم قم توجه کنید از قرار خبر واصل الساعة حضرت آیة الله العظمی آقای حجت رحلت نموده تا این اعلان ناگوار و غیر مترقبه داده شده بی اختیار ناله و



آه و انا لله و انا الیه راجعون از دل قم و مردم قم بلند بعض جماعتها بهم خورده و مردم بی اختیار از فریضه الهی غافل شده و بطرف منزل آن فقید معظم رهسپار گردیدند خود این بنده مؤلف از کسانی بودم که در منزل مهیای فریضه ظهر شده بودم تا این صدای عالم گداز را شنیدم از خود بیخود شده از منزل بیرون آمده و بیهوشانه روانه دار العلم و بیت السیاده ایشان گردیدم در راه مرد و زن را دیدم با اطفال خردسال هر یك چون من واله و حیران می دویدند و وا حجتاه می گفتند رؤیای دیشب دوشنبه خاطرم آمد که از صبح پریشان آن بوده و منتظر پیش آمد ناگواری بودم

آقای حاج میرزا عبد الله سبوحی واعظ طهرانی را دیده بودم در رؤیا که در میان جمع کثیری بمنبر رفته و سخنان مهیج و محرکی دارند تا اینکه بمردم گفت چرا ساکت نشسته و آرامیده مگر نمیدانید امشب چه شبی است امشب شب عاشورا و شب شهادت مسلم بن عقیل نایب خاص حضرت امام حسین علیه السلام است برخیزید و عزاداری کنیم از منبر بزیر آمده و مردم را حرکت داده با پرچم سیاه و براه افتادند و گویا می گفتند

مات فقیه الامه مات الامه
مات ولی الحجة مات الحجة

از شنیدن آن سر و صدا و دیدن آن منظره های دیگر گون تاویل و تعبیر رؤیای صادق خود را گرفتم و بمنزل حضرت المعظم وارد شدم دیدم جماعتی از فضلاء و محصلین مدرسه حجتیه و دیگران بی محابا وارد اندرون و اطاق مخصوص آیة الله می شوند منهم چون دیگران داخل شدم منظره عجیبی مشاهده کردم دیدم آیة الله فی الانام ابو الارامل و الایتام غوث الفقهاء و الاسلام حجة حجة الملك العلام و من یسمی باسم سید الانام مستلقیا روی بقبله خوابیده و نور سیمایش که بگفته ثقة الاسلام حاج آقا مهدی حایری طهرانی که حاظر بود هیچ میتی را انور و روشن تر از آیة الله حجت ندیدم

در و دیوار و فضای اطاق را منور و معطر نموده فریاد و شیون و احجتای طلاب و محصلین از یکطرف ناله و افغان آیة الله زادگان از یکطرف آه و گریه مخدرات آیة الله از طرف دیگر منظره دلخراشی را مواجه شدم دیدم طاقت بانوان محترم طاق شده و در این لحظه اول که هنوز توشهٔ از دیدن آقای بزرگوار خود نگرفته اند و ممکن است بیخودانه در میان نامحرمان آیند بزحمت بکمك بعضی از برادران طلاب و فضلاء را بیرون و حضرت آیة الله را با متعلقینش گذارده و به بیرونی آمدم صحن بیرون را مطروس و مملو از جمعیت دیدم که غالباً بسر و سینه می زدند و ناله و گریه میکردند خواب شب قبل را گفتم و مرثیه خوانده و دیگران هم خواندند

وبالتماس وتقاضامنزل راخلوت وحضار را بمدرسه حجیته دعوت نموده ومهیا تغسیل وتهجیز آیة‌الله المعظم گردیدم کفن اورا حاضر دیدم که غالباً بخط مبارك خود وبعض از ثقات ومعتمدین مکتوب بحدیث شریف سلسلة الذهب وشهادتین وآیات الهیه و ادعیه مانوره است از آنجا که این مرد بزرگوار الهی تمام کارش در زنده‌گانی مرتب و منظم بود در وفاتش هم مرتب وخود کارهای بعد از مردنش را هم منظم کرده بود

در کفنش بستهٔ بازشد مقداری چوب مخصوص وخاك دیدم پرسیدم چیست گفتند این چوب از صندوق ضریح مقدس حضرت رسول صلی الله علیه و آله است واین خاك گرد ضریح اعلیحضرت ثامن الائمه علیه السلام وبعض از ائمهٔ معصومین عتبات عالیاتست که خود برای امروزش تهیه نموده درمیان دو کفن پاکیزه که یکی بردیمانی و دیگری متقال بود کفن کردند پس از غسل دادن بعض از فضلاء وثقات اهل علم وخود بنده هم مفتخر شدم بگذاردن هدیه شریفهٔ ایکه از استاد وشیخ جلیل القدرم جناب حجة الاسلام حاج شیخ اسدالله قائمی که از اولیاء واوتاد عصر حاضر و برادر مرحوم آیة‌الله بافقی حاج شیخ محمدتقی که توصیه کرده بودند ندهم مگر بخواص از شیعیان آل محمد علیهم السلام واین حقیر از آن بزرگوار مصداق تری ندیدم پس درمیان دست راست مبارکش گذارم تامرا که از کوچکترین شاگردان مکتبش بودم نزد اجدادش شفاعت کند انشاءالله تعالی

پس از تکفین بدن را حرکت ودر عماری گذاشتیم ومردم قم ازعالم وجاهل مقلد ومقلد و عالی ودانی گریه کنان وواحجتاه گویان از مدرسه حجتیه بزرگترین آثار باقیه و باقیات الصالحات آن فقید معظم تشییع نمودند

مردم عوام میگفتند رفت ز دار فنا حجت یزدان ما آیة عظمی حق رهبر وجانان ما
فضلاء واهل علم میگفتند) اصبح الاسلام یبکی اسفا لفقیه کان للدین حماء
باین کیفیت تانزدیك صحن آوردند که زعیم الشیعه آیة‌الله المطلق حضرت آقای بروجردی دامت تاییداته از جنازه استقبال و باحالی حزین تشییع فرمودند وجنازه را در تمام خیابان ارم تابازار برده واز آنجا بخیابان آستانه تاصحن آوردند ودر نزدیك صحن موزه پای ایوان گذارده و آیة‌الله المعظم علامه طباطبائی بروجردی نماز خواندند وتمام مردمیکه در صحن بودند ومتجاوز از ۱۵ هزار نفر بود اقتداء کردند و پس از آن حرکت داده و بمدرسه حجتیه آوردند ودرطول این تشییع ومدت کسی را ندیدم گریان و نالان ویا متاثر و



محزون نباشد مثل اینکه همه پدرمرده وعزیز مرده هستند درجوار مسجد مدرسه حجتیه حسب الوصیه خودشان درمقبره ایکه خودمهیا کرده بود بخاك سپرده شدند

**(پیش بینی و پیش گوئی مرحوم آیة‌الله حجت ازمرك خود)**

از بیانات وتحقیقات سابق روشن شد که آیة‌الله العظمی آقای حجت ازعلماء بیدار وسالك الی الله واز مصادیق حقیقی (اتقوامن فراسة المؤمن فانه ینظر بنورالله) بود ازچند سال پیش مرك خودرا که برای هرذی نفسی بحکم (کل نفس ذائقة الموت) پیش بینی میکرد ولذا روز بروز کارهایش را مرتب ومنظم ترمینمود تایك سال قبل که کاملا اشاره کرد بواسطه خوابی که دیده بود وانشاءالله بیان خواهیم کرد

تاچندروز مانده بموتش که محسوس شد برای همه خانواده و اطرافیان ایشان ولذا فرستاد ازپی حضرت حجة الاسلام والمسلمین نایب وقرین ووصی خود آقای حاج سید احمد زنجانی وپس از حاضرشدن ایشان با بعضی ازفضلاء دیگر فرمودند مهراسم مرا بشکنید آقایان گفتند برای چه فرمودند برای اینکه کسی بعدازمن ازاین مهرسوء استفاده نکند عرض کردند حالاچرا فرمودند ازاین کسالت خوب نخواهم شد و اصرار فرمودند وحاضرین تفال به نیك نگرفته وانکار کردند تاایشان قرآن خواسته وتفال بقرآن زدند واستخاره برای این کار کردند وهمه منتظر بودند که آیه بدآید ووعده بهبودی حال ایشانرا دهد دیدند تاآقا قرآنرا گشود وباول صفحه آن نگاه فرمود تبسم کرده وباوجد ونشاط وانبساط فراوان گفت (له دعوة الحق) و قرآنرا بدست حاضرین داددیدند اول سطر کریمه له (دعوة الحق) بود

پس ایشانرا قانع نمودند که اجازه بفرمائید که مهردر ظرفی لاك ومهر گرفته شود وبنحو امانات نزد آقای زنجانی بماند اجازه فرمودند وقیچی خواستند تابند آنرا از کردن به برند حاضرین متاثر ازاین عمل ولی خود باروح باز بندرا بریده ومکرر میفرمود له دعوة الحق له دعوة الحق

آیت الله حجت آفرین وصد آفرین بر روانت مرحبا وهزاران مرحبا بر دل روشنت که ازچند روز مانده بمرگت دعوت حق را لبیك گفتی وخودرا برای میهمانی حق واجدادت آماده نمودی

ونیز وکیل خود درطهران عمدة التجار آقای حاج غلامحسین اتفاق راخواسته درحضور آقای زنجانی وبعض دیگر موجودی خود از وجوهات راحواله نمود که بطلاب تبریز وبه نجف ومبلغ دوهزارتومان برای طبع کتاب الغدیر آیة‌الله امینی بدهند وفرمود

این ماه اگر زنده باشم کمك بیشتری بطلاب ومحصلین خواهم نمود ومقسم نان طلاب جناب ثقة الاسلام وعماد الاعلام آقای آسید عبدالوهاب یزدی را که حدود ۱۶ سال مقسم شهریه و نان ایشان بود طلبید ودستور تقسیم نان را دادند وپس از آن فرمودند خدایا الحمدلله که نزد تو رو سفیدم ومکرر میفرمود (خدایا اوزوم آغدی)

ونیز از اول روز دوشنبه وحتی روز قبل از آن از ظهر می پرسیدند مثل کسیکه در نزدیك ظهر کار مهمی داشته باشند حاضرین تصور میکردند برای نماز سراغ ظهر را میکنند تا روز دوشنبه سوم ماه جمادی پرسیدند از یکی دامادهایشان چه روزیست امروز اواز پریشانی خاطر اشتباه کرد گفت یکشنبه دوم ماه است از روی تعجب فرمودند (بی) که در ترکی مورد تعجب استعمال میشود پس دیگری از بستگان ونزدیکانش گفت خیر امروز روز دوشنبه سوم ماه است ایشان رحمة الله علیه چون حساب خودرا روشن و مطابق دید خوشحال شده وسررا بتصدیق حرکت وباز از ظهر پرسیدند چه وقت است وچه قدر تا ظهر مانده وبفرزند برومند خود جناب حجة الاسلام آقای آسید حسن حجت دستور دادند برای من عدیله بخوان ایشان امتثال نموده شروع بعدیله کردند و خود ایشان هم خوانده واعتقادات را مکرر نموده تا (استودعك دینی) که رسیده مکرراً فرمودند خدایا دینم را بتو سپرده ام وپس از عدیله تربت سیدالشهداء علیه السلام طلبیده وقدری میل کردند وفرمودند (آخر زادی من الدنیا التربة اوتربة الحسین) جناب حجة الاسلام آیت الله زاده حایری آقای آقا مرتضی میفرمودند حاضر بودم خدمت ایشان ودیدم وشنیدم که فرمودند در را باز کنید جدم علی علیه السلام بعیادت من میآید و کراراً از آیة الله زاده حایری شنیدم که غبطه میخورد وحسرت می برد برای چنین مردن (آیة الله العظمی حجت) ومیگفت هنوز چنین مردنی ندیدم وبگفته واعظ شهیر آقای حاج انصاری قمی در مجالس فاتحه اینگونه مردنها واقعاً سر قفلی دارد

**تجلیل روحانیین وارواح مقدس علماء بزرك از مرحوم آیت الله حجت قدس سره**

حکایت کرد برای این نگارنده جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا سیدحسن برقعی رضوی قمی از جناب حجة الاسلام حاج شیخ محمود یاسری تهرانی که گفت در یکی از کتب ختمی را از مرحوم شیخ بهائی دیدم که فرموده اند هر کس این ختم را بگیرد اگر حاجتش روا نشد بمن وبپدرم شیخ حسین ابن عبدالصمد لعن کند پس آن ختم را گرفته ودر انتظار حاجت نشستم واثری ندیدم



وجرئت جسارت بر شیخ را هم نداشتم تا که کم کم این موضوع از خاطرم رفت تا روز دوشنبه سوم ماه جمادی الاولی ۱۳۷۲ ق ﻫ بمحضر آقای جنانی همدانی که دارای علوم غریبه واحضار ارواح وفنون عجیبه دیگر است رفتم نزدیك ظهر بود دیدم آقای جنانی در کنار میز مخصوص خود نشته و جماعتی از اعیان و اشراف تهران که برای مسائل مهمه ومشکله خود مراجعه نموده اند نشسته ومنتظر پاسخ سئوالات خود میباشند من در کناری نشسته متفکر بودم که دیدم آقای جنانی گفت آقای یاسری جناب شیخ بهائی است می فرماید به آقای یاسری بگو (ختامه یوم الاحد) فوراً منتقل شدم که ختم را اشتباه گرفته ام باید از روز جمعه شروع وبه یکشنبه هفته بعد که ده روز شود ختم کنم من اشتباه کرده از روز یکشنبه شروع ودر جمعه که ۵ روز باشد ختم نموده ام از این جهت حاجتم روا نشده بود وپس از لحظه دیگر گفت می فرماید از حال به بعد در امروز به سئوالات شما پاسخ نخواهیم داد ومجال آنرا نداریم زیرا یکی از علماء بزرك قم از دنیا رفته وما باید باستقبال وپذیرائی ایشان برویم آقای یاسری گفت ما نگران شده وگفتیم سئوال کن که کیست آنعلم پرسید فرمودند ایشان آقای آقا سیدمحمد حجت همان کسیستکه خدمت حضرت ولی عصر عجل الله له الفرج مشرف شده بودند پس با تاثر وتاسف فراوان از منزل آقای جنانی بیرون آمده دیدم اول ظهر است وهیچ خبری از فوت ایشان نبود تا حدود دو ساعت بعد از ظهر که رادیو تهران این خبر ناگهانی را منتشر نمود والله اعلم

اول کسیکه برایش مرثیه سرود این فقیر بی بضاعت بود که قصیده ذیل را سرود وتقدیم علاقمندانش کردم

ای فلك از کجرویهای توفریاد و فغان — کاوری هر روز از نو یك غمی را در میان
می بری یکروز پیغمبر رسول ذوالمنن — مرتضی را روز دیگر می بری از این جهان
درجمادی میشود فارغ ز جورت ای فلك — بنت خیر المرسلین آن مهتر جنس زمان
مجتبی را میکنی مسموم از زهر جفا — شاه مظلومان حسین مقتول از ظلم خسان
عابدین باباقر و صادق امام راسخین — کاظم وهشتم رضا آن پادشاه شیعیان
نورچشمانش تقی باهادی آنشاه زمن — عسگری یعنی حسن آن مقتدای انس وجان
گشته هر یك مبتلا از ظلم تو ای چرخ دون — عاقبت مقتول زهر قوم بی نام و نشان
مسلمین هر روز دارند یك مصیبت لایزال — بهر خوبان زمن از پیشوایان زمان
خلق شهر قم همه گردیده یکسر در عزا — از برای آیة الله نایب صاحب زمان

آیة حق تعالی عنصر تقوی و زهد　　مظهر قدس وصفا وهم ضیاء دیده گان
آه از جور تفلك كز دست ماشد ناگهان　　آنکه هم نام نبی بد خاتم پیغمبران
شهر تش گردید (حجت) زانکه ازمولای عصر ع　　حجتی بداز برای خلق عالم در جهان
حجتی در علم وحلم حجتی در فضل وجود　　حجتی درخلق وخلق حجتی اندر بیان
خلق او خلق محمد خوی او خوی علی　　حلم او حلم حسن اندر بلاهای زمان
حشمتش چو نمصطفی وهمتش چون مرتضی　　سطوتش چون مجتبی همچون حسین بدمر بان
الکمال الکل بداو مصداق قول جعفری　　در تقدیکه هم درصبر وتقدیر عنان
سید وعالم بدهم کامل از خوف وورع　　مجتهد هم مرجع تقلید آذربایجان
منحصر از بهر آنجانی بحق هشت وچهار　　بدمعاذ مردم ایران تمامی در عیان
منتسب با سید سجاد بد آن بیقرین　　مفتخر بدزین نسب اندر زمین و آسمان
بسکه باشاه شهید انداشت ازدل ارتباط　　خورد از خاك مزارش در دم تسلیم جان
گفت باشد (آخر زادی من الدنیا تراب)　　تربت قبر حسین سلطان مردان جنان
رفت و آناری ز خود بگذاشت آنمرد بزرك　　از رجال وفقه جامع وز حدیث وز نشان
مکتب آل محمد (حجیته) یادگار　　شد از آن حامی قران رهنمای گمرهان
لیك افسوس فراوان از برای آنکه آن　　ناشده تکمیل او گردیده سوی جاودان
دعوت حق را اجابت کرد آنعالی نسب　　سوم شهر جمادی موقع بانك اذان
درجوار خانه حق (حجتیه) مرقدش　　درمیان علم ورحمت آرمید اندر جنان
یا ولی الله یابن العسکری عز علیك　　فقدهذا المرء صبر ایاامام الانس وجان
خواه ازحق تعالی اجر بهر مسلمین　　سیما براهل او ای حجة آخر زمان
هم برای آیت الله بروجردی که هست　　مرجع مردم تمامی یکسر از پیر وجوان
رازی از بهر ثنایش گفت این منظومه را　　دارد از تو یك نظر ای صاحب کون ومکان
طول عمر حجة یزدان بروجردی وصدر　　عزت و تایید ایشان ذلت بیگانگان

**تاثیر این ضایعه عظیمه درطهران و آذربایجان و سراسر کشور ایران**

درساعت اول رحلت آیة الله العظمای حجت که تلفوناً از قم بطهران مخابره شد ساعت دو بعد از ظهر همانروز توسط اداره تبلیغات رادیو درسراسر کشور منتشر شد بانك افغان وخروش ازهمه مردم بلند و پس ازفوت مرحوم آیة الله اصفهانی که در این اواخر منحصر بخود بود درتاثیر رحلت این بزرك مرد تاثیر عجیبی درقلوب همه مردم نمود و بخصوص



دو استان مرکز (طهران) و آذربایجان (تبریز) ازهمه جابیشتر وعجیب تر تاثیر افسوس و اسف نمود مردم تبریز بی اختیار ازخانه‌ها بیرون دویده وخاك وخاشاك بسر می ریختند ودسته دسته بطرف مساجد وبازار باپرچم‌های سیاه ونوحه‌وند به میرفتند و میگویند آنقدر که این فقدان مرجع تقلید ما آذربایجانیها حضر المستطاب آقای حجت درما و همه این استان تاثیر نمود فوت آیة الله علی الاطلاق اصفهانی هم باآن موقعیت وشخصیت ننمود وتاکنون چنین انقلابی دیده نشده برای رحلت عالمی چون آیة الله اصفهانی تاروز اربعین آن بزرگوار همه روز وهمه شب سه مجلس وچهار مجلس مهم برپامیشد وهمه مملو ازجمعیت وشاهد این ادعا کاروان تبریز است که در چهلم بقم آمد که خواهم نگاشت انشاءالله

پس از آن طهران عجیب انقلابی بخود دید که کمتر خاطرها یاد آورد روز سه شنبه صبح که ازطرف علماء طهران درمسجد جامعه ترحیم بود آقای فلسفی خطیب میگفت وقتی باآن مجلس وارد شدم مواجه بامنظره رقت بار عجیبی گردیدم دیدم این چند هزار نفر مردمیکه از عالم وتاجر وغیره وبخصوص ترك‌ها حاضرند همه چون پدر مرده صدا را بناله وگریه وضجه باند نموده‌اند که ازسنك هم طاقت ربوده مدت یکربع بالای منبر بی اختیار باآنمرحوم هم آهنك شدم تاتوانستم کم کم مردم را آرام و ساعتی ازفضایل این مرد بزرك سخن بگویم

فردای چهارشنبه ازطرف دربار و شاه در مسجد سلطانی اعلان فاتحه شد وعصر همانروز ازطرف دولت نخست وزیر جناب دکتر مصدق واینکه هم شاه وهم نخست وزیر وهم مجلس فاتحه وترحیم بگیرد مخصوص برای حضرت آیة الله حجت بوده از مراجع تقلید وهر دو مجلس هم بموقع خود بااهمیت وروز پنجشنبه که اولین مجلس ترحیم که ازحیث کم و کیف برای یك پیشوای دینی منعقد شد ازطرف رئیس مجلس شورا ملی حضرت آیة الله کاشانی بود که تاریخ مثل آنرا یاد ندارد

آقای فلسفی واعظ میفرمود درعمرم چنین مجلس باعظمت وپرجمعیتی ندیده بودم وکرارا میگفت عجیب مجلسی بود غریب مجلسی بود مجالس دیگر و کلاء آذربایجان و آذربایجانیهای مقیم طهران درمسجد ترکها وغیره بسیار وهمه شایان توجه و کم سابقه بود

اما قم مرکز این ضایعه هم بسیار عجیب بود روز سه شنبه ازصبح تاروز چهار شنبه ظهر ازطرف حضرت آیة الله العظمی بروجردی اعلان عزا وترحیم شد درمدرسه فیضیه آقای حاج میرزا عبدالحسین بروجردی (صاحب الداری) میگفتند مدرسه فیضیه چنین جمعیتی

بخود ندیده بود که درعزاحجت رضوان‌الله‌علیه‌دیدمخصوص روزچهارشنبه‌سوم آن‌مرحوم دو نماینده ازطرف شاه‌ودولت درروز۳ شنبه‌ازطهران اعزام بقم‌شد برای‌شرکت درعزا وعرض‌تسلیت سوای تلگرافات‌تسلیت دربارونخست وزیراما نماینده‌شاه جناب آقای حشمت‌الدوله والاتبار که‌بمحضر آیةالله‌بروجردی و آیةالله‌صدر مشرف شده‌و سلام وتسلیت شاه‌را ابلاغ‌واینکه درتمام اوامروفرامین آیةالله‌حاضر وم‌طیع ومنقادیم ونیزدرمنزل مرحوم آیةالله حجت‌دامت آناده برای‌تسلیت آیةالله‌زادگان آماده که‌خود مؤلف حاضر بودم واما‌نماینده دولت نخست‌وزیر جناب آقای‌امینی شهردارطهران که تاروز پنجشنبه درقم‌توقف ودرمجالس‌حضرت آیةالله‌بروجردی و آیةالله صدر شرکت نموده ودرمنازلشان تسلیت مخصوص‌دولت راباکمال تاثرابلاغ‌نمود

واز این‌شهرستانهای مذکوره گذشته شهرستان زنجان‌وقزوین‌وهمدان‌هم‌بی احساسات نبوده درشهرستان قزوین همه‌مردم‌ازدولتی‌بازاری‌عالم‌وجاهل وضیع‌وشریف‌درمسجد جامعه اجتماع وازآنجا مجتمعا بطرف تلگرافخانه‌حرکت کرده وتلگراف‌جمعی‌برای تسلیت بحوزه علمیه‌قم وحضرت‌آیةالله‌بروجردی‌وخانواده‌آیةالله‌المرحوم آقای‌حجت وبطهران بآیةالله کاشانی ومقامات‌دیگر مخابره‌نمودند وباسخن رانی های فرماندار شهرستان قزوین وعرض‌تسلیت ایشان بمقام‌روحانیت وعلماء قزوین و عموم مسلمین مجلس آنروزختم وازتلگرافخانه بیرون آمده‌ومتفرق‌شدندو برای‌روزدیگر ازطرف فرماندار اعلان مجلس ترحیم‌شد ودرآنمجلس عموم‌مردم‌شرکت داشتندو اصناف با برچمهای عزامی آمدند وازطرف‌فرهنگیان‌قزوین مقاله‌خوانده‌شد که‌درج آن‌در این کتاب بی‌تناسب نیست

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

قال‌الله تعالی فی‌محکم کتابه الکریم ومبرم‌خطابه‌العظیم هل‌یستوی الذین‌یعلمون والذین لایعلمون آنقدر که در کتاب‌آسمانی ماقرآن‌مجید درمقام‌علم‌واهمیت علماء و دانشمندان پیروحق وحقیقت سخن‌رفته وتذکرداده شده درهیچ‌موضوع‌دیگر اینهمه بحث نشده‌است گاهی‌علماء راخدای‌تعالی‌تشبیه‌بنور وجاهلانراتشبیه بظلمت‌میکندو وگاهی آنهارا زنده وغیر آنانرامرده می‌نامد ومسلم است‌هیچ‌مقامی ازمقام‌علم‌وهیچ نعمتی ازنعمت علم‌بالاتر نیست‌علماء‌ودانایان‌راه‌توحیدقافله‌سالارانی هستند که‌به‌پیروی ازانبیاء وپیمبران کاروان‌بشریت رابشاهراه‌هدایت‌سوق‌میدهنداینان‌درحکم‌چراغهای



درخشنده‌ای هستند که‌راه تاریك رابنورخود روشن‌میکنند و گمشده‌گانراازوادی حیرت نجات‌می‌بخشند علماءدین وپیشوایان مذهب‌حقه جعفری در حکم مرزبانانی هستند که‌بانیروی علم‌وسلاح تقوی وایمان‌ونشر حقایق‌و مجاهدت درراه‌ترویج علوم حقه کشورهای پیروان محمدی(ص) راازنفوذعقاید خراب وفاسد نگاه می‌دارند و ثغور مغزهای نوباوه‌گان و مردان وزنان پیروان دین راازدستبرد و نفوذ اباطیل حفظ میکنند

تعلیمات عالیه‌اسلام که‌پیروی از آن‌مردان وزنان‌برومند چون‌کوههای محکم‌و بنیان‌مرصوص در راه‌دفاع ازعقیده وایمان‌تربیت‌میکند‌بهمت‌این رجال عالیقدرورفیع منزلت نشر پیدامی‌کند وم‌کتب‌جعفری‌که انسانهای برتر از فرشته بجامعه بشریت تحویل میدهد به‌نیروی‌مجاهدت حکومات‌علماء دین حکومت بردلها وپایه سلطنت اینان‌برقلوب‌ومغزهای‌منوروروشن مسلمانان‌استوار است باتوجه‌باین موضوعات باید اندیشید که فوت یکی از بزرگان عالم انسانیت ضایعه بزرگی برای جامعه اسلام وبشریت محسوب‌میگردد همانطور که‌رسول اکرم (ص)فرمود(اذا مات العالم ثلم‌فی‌الاسلام ثلمة لایسدهاشیئی) هنگامیکه عالمی‌فوت کندشکافی‌درحصار‌بلند بنیان اسلام ایجادشود که‌هیچ چیزآنرا پرنتواندکرد

بافوت‌مرحوم آیةالله‌حجت که یکی‌ازمراجع‌بزرك‌تقلیدبودند بزرگترین‌صدمه به‌پیکر اسلام‌واردشدحضرت آیةالله‌حجت حجتی‌ازخدابربنده‌گان‌بودکه‌بامشاهده روش‌سراپا قدس‌وتقوی‌ایشان‌مردم‌راه‌سعادت‌وطریق‌رهروی‌بسوی‌خداپرستی رامیاموختند‌حقاًباید گفت درفوت‌این‌رجل‌توانای‌دردین‌رخنه‌بزرگی‌بدیدآمدکه هیچ‌چیزجای‌آنراپرنکند

اینّ نه منم غرق اشك و آه به تنها — عالم اسلام در عزاست سرا سر

نیست غلوگر بگویمی که‌جهان‌مرد — عالم دینی بعالم است برابر

گرچه آنوجودشریف ازمیان‌جامعه‌مارخت‌بربست وعالم‌اسلامی‌را غرق در عزا ساخت‌ولی‌ماجودرا باذکر آناروخصوصیات‌صفات‌ونام‌نکوی‌جاوید اوتسلیت میدهیم

مرده‌دلان مرده‌اند ورنه نمیرد — عالم‌دینی بمرك قالب وپیکر

درخاتمه باکمال‌تاثر ازطرف‌عموم محصلین‌دبیرستانها ودبستانهای‌قزوین‌این مصیبت رابهمه‌برچمداران علم‌دین‌وتوحید وحضرات آیات‌عظام‌خصوصاً شخص حضرت آیةالله آقای‌حاج آقاحسین بروجردی مرجع تقلید شیعیان و عموم علماء اعلام و مسلمین و

بازمانده گان ایشان مخصوصاً حضرت حجة‌الاسلام آقای شیخ عبدالحسین امام جمعه شهیدی وحضرت ثقة‌الاسلام آقای شیخ عبدالله شهیدی تسلیت عرض کرده امیدواریم که باتوجه مقامات روحانی بتوانیم مطابق استعدادخود از نور بخش خورشید فروزان اسلام وتعلیمات قرآن مجید استفاده شایان بریم والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

وامانجف اشرف که مرکز علم نهصدساله تشیع است ومسکن فعلی آیت‌الله‌زاده حجت حضرت حجة‌الاسلام آقای آسیدمحسن حجت بمجردتلکراف واصل از طرف بنده گان آیةالله العظمی بروجردی برای آیةالله حکیم وخوئی وشیرازی وانتشار خبر محنت اثر این ضایعه بزرك فضلاء وعلماء نجف درمنزل آیةالله‌زاده حجت جمع وتسلیت گفته و ونیزدر کربلای معلا که مرکز حجة‌اسلام آیت‌الله سیدهادی میلانی وآیةالله آقامیرزامهدی شیرازی وحجة‌الاسلام آقاسیدحسین والد معظم خانواده محترمه آن فقیدمعظم است تاچندروز مجالس ترحیم و فاتحه در مساجد و صحنین ادامه داشت و عموما اظهار تاثروتاسف مینمودند

وتاده روزمتوالیاًروزی نبود درقم که صداهاتلگراف تسلیت ازسراسر کشورایران وحتی خارج ایران از کشورهای اسلامی ازطرف مقامات مختلفه برای آیةالله بروجردی وآیةالله صدروآیةالله نجفی مرعشی وآیةالله شریعتمداری و آیةالله‌زاده گان حجت و حایری و دیگران ازعلماء وآقایان نشود

**اشعار و قصائد مراثیکه در فقدان و رحلت مرحوم آیة اله حجت گفته شده**

درفقدان وضایعه اسف ناك آیةالله العظمی علاقه قرن چهارده هجری مرحوم آقای حجت رضوان علیه قصائدومراثی بسیار فضلاءو دانشمندان حوزه علمیه قم وعلماءو خطباء و شعراء نجف وطهران وتبریز بەزبانهای مختلفه عربی وفارسی وترکی سروده‌اند که‌حدود ۲۰ قصیده آن دراختیاراین بنده گذارده‌شده که‌درمیان آنها احسن وابلغ راانتخاب ودر این کتاب تقدیم خوانندگان نمایم واز آن منتخب‌های عربی قضیه ذیل آقای معین القرباء خراسانی است که میگویددراین مصیبت عظمی وفاجعهٔ کبری

اصابت علی الا اسلام مصیبة    لاعظم آیات علی الله قد وفد
کیلة اضحی باذلا کان نفسه    فقرب قربانا الی الواحد الاحد
و قد نلم الاسلام من ذاك نلمة    بشئی من الاشیاء الی الحشر لاتسد
اباەحسن قم وانظر الجمع قدشتت    ففی دزءك الرایات بالحزن قدصعد



لقدعشت مبذو لاجهد نفسك فی    نظام امور الدین یاخیر معتمد
و ربیت شبانا من الثغب حافظین    لشرع الهدی قد کنت لکل مستند
واصبحت للاسلام درعا و مغفرا    وقدکنت للایتام عونا و مستمد
واسست بنیانا عزیزا مشیدا    من العلم والتقوی الی الوصف مانفد
غربت عن الدنیا ایا شمس بهجة    لقیت سرورا اذا اوبت الی الاحد
فیا ارض قم سقاك الله رحمته    تشرفت با لاقصار حقا الی الابد
و کان بطوس البیهقی محقق    ابان اه التاریخ من ذالك العدد
ابامحسن العلامه السید السند    لقد لزم الفردوس فی غشسحد

جناب حجة‌الاسلام وفخرالاعلام حکیم سالك وعارف ربانی حاج سیدمحمدحسین طباطبائی قاضی تبریزی درفاجعه عالم‌سوزفقدان حضرت المستطاب آیةالله العظمی آقای حجت فرماید

دریغا که مهر هدایت برفت    دریغا جهان فضیلت برفت
شه علم وتقوی وهمت برفت    فسوس آیت‌الله حجت برفت

بسر خاك این تیره ایام را
که بشکست ارکان اسلام را

سپهر فضایل نگونسار شد    جهان هنر همچوشب تارشد
دل و دیده علم خونبار شد    بلی رستخیزی پدیدار شد

که اورخت ازین دام بیرون کشید
فرو خرگه خود بهامون کشید

مهین طایر آسمانی سرشت    که پریدازاین تیره گون دام زشت
زندنغمه درگلستان بهشت    پیامی بآنان که افسرده هشت

پیامی که همچون سرود سروش
کندجلوه هرلحظه در گوش هوش

که یاران نمی‌باید این روزگار    بگردید پابند کردار وکار
مگیرد ازکار و کوشش قرار    منالید از رنج تن زینهار

بویرانه در کنج بیمار نیست
گلی اندر این باغ بی خار نیست

ندارید جز کیش اسلام کیش | درین ره منالید از نوش و نیش
بکوشید و بنهید پائی به پیش | مترسید از قطره خون خویش

که زیباتر از خون به پیکار نیست
خود از لاله خوشتر به گلزار نیست

بزرگان که رادند و آزاده اند | بحق مهر ورزیده دل داده اند
بخون خود آغشته افتاده اند | بدین آرمان راه بگشاده اند

بشمشیر هر بند بگسسته اند
بنیروی دانش دژی بسته اند

مبادا که گردون کند رام تان | مبادا که کوته کند گام تان
مبادا شود تیره فرجام تان | مبادا که ننگین شود نام تان

شود چهره دل دشمن پر ز کین
بگیرد دژ و بشکند کاخ دین

حقیقت جز آئین اسلام نیست | به از نام نیکوی وی نام نیست
بچیزی فضیلت جز او رام نیست | جهان جز بوی هرگز آرام نیست

مهین کاخ اسلام آباد باد
همیشه بر و بومش آزاد باد

وفاضل محترم آقای محمدحسین بهجتی اردکانی یزدی بمناسبت فقدان اسف انگیزش گوید

تا گشته خاك بستر آن ماه تابناك | از آسمان شده است فزونتر مقام خاك
ایچرخ کن تو رحم بدلهای چاك چاك | از چیست کرده ای بدل خاك مهرپاك

دلهای ما چو لاله نمودی تو داغدار

نزدیك آن بود که براید گل از زمین | لیکن بخاك برده گل ما فرو چنین
ای پیشوای محترم جمع مسلمین | بودی میان حلقه ما همچنان نگین

یا درمیان سبزه گل سرخ عطربار

ای رکن شرع پایه دین محکم ازتوبود | ای چشمه حیات جهان خرم ازتوبود
اشجار باغ دین خوش وسرخوش هم ازتوبود | سر سبزی وحیات همه عالم ازتوبود

رفتی و گشت خشك وغم افزا شکوفه زار

ای ژاله ایکه نقش زدی بر گل وجود | ای لاله ایکه باغ جهان خرم ازتوبود



ای سوسنی که روی تو نور چمن فزود | ای زنبقی که چهره تو غم زدل زدود

مارا بترك گفتی وخفتی تو درمزار

بر خیز دوستان پی دیدارت آمدند | از شهرها بدیدن رخسارت آمدند
پروانه ها بمحفل غمبارت آمدند | بین بلبلان زار بگلزارت آمدند

با اشك چشم وخون دل وناله های زار

کی خاك جای اختر شب زنده داربود | کی جایگاه ماه فلك در مزار بود
کی چهره شکوفه قرین باغبار بود | جای فرشته کی بدل خاك تار بود

بنگر که تاچه کرده ای ایدست روزگار

خورشید تابناك کند رخ نهان بشام | لیکن ز کوه باز بر آید بگاه بام
آوخ غروب کرد پس خاك تیره خام | خورشید تابناك دلارای ما مدام

دیگر امید نیست که سازد رخ آشکار

درخاك بحر بخشش و کوه وقار رفت | چرخ جلال وفر بدل خاك تار رفت
از دست گوهر شرف وافتخار رفت | آب حیات از دل این جویبار رفت

افسوس رفت زینت وزیور زلاله زار

ایخاك اینکه در تو فرو خفته جان ماست | فرمانروای کشور قلب وروان ماست
تابنده ماه چارده آسمان ماست | یاکنده سرو رو بوستان ماست

چون دسته گلش تو همیشه عزیز دار

یارب نمای رحمت خودرا براو نثار | روح بلند و پاك شریفش تاشاد دار
بر بازماندگان معظم بده قرار | محفوظ دارشان زبلاهای روزگار

آیات خویش را زحوادث نگاه دار

ای آیت خدای بروجردی از خدا | خواهیم که صبر واجر شمارا کند عطا
تنها نشد فشرده دل فرخ شما | باشد جهان شیعه عزادار زین عزا

باشد ولی عصر دراین سوك سوگوار

جناب ثقة الاسلام وفاضل علام آقای نصرالهی خراسانی دراین حادثه شورانگیز وتعریف علم وعالم گوید

ای چرخ جفا گستر وی ظالم دون پرور | یك لحظ مدارا کن ازظلم وستم بگذر
این ظلم وستم تاکی این جور وجفا تاچند | ما منتظریم آخر باعدل شوی همسر

تاریخ گواه من کز ظلم تواش پرشد | هر صفحه وهر کاغذ وهر جزء وهر دفتر
هر دیده بسهم خود دیده است ز تو ظلمی | در ظلم وجفای تو عمر همه شد یکسر
نه جاهل دون فهمی نه عالم دانشمند | نه فرق نهی ابلیس با حضرت پیغمبر
دامن اجلت یکسر کرده است درواز بن | هم شاخ خس وخاشاك هم تازه گل ازهر
در نزد تو فرقی نیست بین گروسنگی | نشناخته ای گویا حنظل توز قندتر
آخر نه مگر عالم روحست بجمعیت | آخر نه مگر شمع است درظلمت بحر وبر
او نیست مگر منجی ازهر خطر ووحشت | آخر نه مگر عالم شد وارث پیغمبر
این نیست مگر قرآن ناطق بجلال او | کز جاهل دون باشد صدها درجه برتر
یك عالم عامل شد بهتر ز هزار عابد | چون ارض بود عابد عالم بسما اختر
کر تکیه کند عالم بر مسند خود ساعت | به ز آنکه کند عابد یکسال عمل یکسر
آدم ز چه شد مسجود جز علم جهت دار | پس خاك چه شد عالم ازهر ملکی بهتر
اینست که در مرگش اسلام شود محزون | تاریك شود دنیا با فقد مه انور
وز درد فراق او هر دیده شود گریان | آثار غم واندوه پیدا است بهر محضر
ای دهر جفا کردی با دانش و علم آخر | از ظلم ربودی تو از تارك ما افسر
یك رکن شکستی تو از حوزه قم افسوس | دیدی که چها کردی با خسته دلان آخر
ایچرخ جفا کم کن وی دهر ستم بگذار | دست ازسر ما بر گیر گشتیم همه مضطر
(حجت) تو زما بردی اسلام تو آزردی | بس کن دگر آخر بس ای چرخ ستم گر
درظلم تو این کافیست کز ما ببری حجة | حجة چه بود لازم برظلم توزین بهتر
از آتش هجرانش سوزیم همه یکسر | ترسم که کند آتش جانها همه خاکستر
یارب تو نما صبری از لطف بما اعطا | شاید برهیم آخر از سوزش این اخگر
هم اجر ومصیبت ده آنسان که سزاوار است | در باره اعقابش بیش است بکن اکثر
جبران نشود این غم تا از کرم و لطفت | افزون کنی وزاید عمر حجج دیگر
مخصوص حلیف علم علامه دورانش | آنکس که وجود او شد بهر جهان مفخر
بلکه شده فخر علم با اینکه بدون شك | علم است بهر شخصی اسباب جلال و فر
نایب بامام عصر مولی بجوان و پیر | عالم بحدود شرع انسان ملك منظر
آن یاور بی یاران عون همه محتاجان | برجمله جهان حجت بر ترك وعجم سرور
هم نام شه مظلوم شهره به بروجردی | از نسل امام دین سبط وگهر اکبر



اینست که چون جدش با حلم ووقار آمد | مانند سمی خود بر دین خدا یاور
چون حلم وشجاعترا کرده است بهم توام | گردیده بدون شك بر هر دو گهر مظهر
امید ز حق داریم پاینده کند برما | این نعمت عظمی را تاچرخ بود اخضر
اسلام کند تایید با حفظ وجود وی | نصری بدهد توفیق از محضر این رهبر

وجناب حجة الاسلام آقای میرزا علی هاشمی سبحانی عراقی که از شاگردان ۱۶ ساله حوزه و مکتب آیة الله العظمی العلامة الفقیه وسید اساتید نا الحجت الکوه کمری بوده در مصیبت مولمه رحلت آن بزرگوار باچشمی گریان وقلبی خونین قصیده مبسوطه ایکه ۵۶ بیت است گوید

ایچرخ کهن چقدر دونی | از جمله ستمگران فزونی
دیرینه عدوی خوبرویان | هر کشته خوبرا تو خونی

تا اینکه گوید

باید گذرد چه روزگاران | باید سپری شود سنونی
تا آیتی از خدای بردوش | بگرفته لوای رهنمونی
دلها شده خون ز حق پرستان | جانها شده خسته در قرونی
تا یافته آیتی چه طوسی | یا رفته حکایتی ز تونی
یا سید مرتضی فقیهی | یا شیخ مفید ذو شئونی
علامه حلی و کلینی | تحریر شهید فی الجنونی
علامه مجلسی محقق | یا شیخ بهاء ذوالفنونی
آیات حق و شموس عرفان | در فلك قلوب یسبحونی
هر یك بجهان جان فروزی | بنموده ادا بحق دیونی
تا حجت دین گرفت آخر | بر کرسی رهبری سکونی
سرت بکماله القلوب | قرت بجماله العیونی
بانت ببیانه الحقایق | ابدت بلسانه البطونی
زانت بفصوصه الحواشی | لاحت بنصوصه المتونی

**الی ان یقول**

ای آیة حق فقیه مطلق | من هجرك هاجت الشجونی
ذابت لفراقك الا حبه | ذلت لغیابك البنونی

من فقدك سالت الدموع　　من اعيننا مدی المنونی
اخبرت بان آخر الزاد　　من تربته فزودونی
نوشیده ز آب تربت دوست　　آنگاه سروده و اصلونی
آری تو وصل شاه خوبان　　باری‌من و بخت واژه‌گونی
هان‌آن تو و حظ دعوت الحق　　و ای این من و روی‌نیلگونی
رفتی و بغم نشاندی عالم　　گفتی بجهانیان دعونی
خفتی تو و طرف دیده بستی　　گفتی بکفن فز ملونی
آنکه بلحد نهاده سر را　　گفتی بتراب دثرونی
ما بی تو بخود نشسته یکسر　　بی ما تو بزیر خاك چونی
کردی تو بخاك تیره منزل　　نی نی غلطم بدل درونی
گرگ اجل ای عزیز مصرم　　بسپرد گرت بخاك هونی
آثار تو در قلوب پیدا　　و آن مدرسه آیة برونی
زان مدرسه‌بوی همت دوست　　یابم لولا ان تفندونی
جاوید بود رفیع و معمور　　آن‌طاق که‌چون تواش بطونی

تا آخرین قصیده‌اش که برای اختصار از آوردن تمام آن خود داری نمودم جزاه‌الله‌خیرا عنه‌وعن اجداده‌ونیز جناب آقای حاج ابو القاسم نوری توسرکانی در توسرکان در ماده تاریخ این ضایعه بزرك گوید

ربوده در دو جهان پرچم سعادت را　　گرفت بر تن خود جامه شرافت را
سمی‌ختم رسل هم به اوصیاء خاتم　　بگو (محمد حجت) بجو کرامت را
وطن‌ز کوه کمر مسکنش بقم لیکن　　خداش کردش‌عطا خلعت فقاهت را
بدی بحوزه قم بعد حایری محور　　زمام کار گرفت و گشود همت را
چوشدورود بروجردیش بصحنه قم　　بحضرتش بسپردند آنریاست را
نمینمود که منهم فقیه این عصرم　　نداد رأی مخالف به بین عدالت را
ز ساق عرش چو بشنید آیه رجعت　　که حکم آمده زینت کنند جنت را
زبان گشود به لبیك‌و رفت از دنیا　　نمود خدمت جدش قبول عزت را
نوشت خامه نوری پی وفات (زهی　　جدار مدرسه گوید مقام حجت را
(۱۳۷۲)قمری‌هجری



ونیز فاضل محترم آقای آقامیرزاعلی آقای نوربخش گیلانی لاهیجانی چند قصیده در این ضایعه سروده که‌یکی از آنرا انتخاب و تقدیم دوستان‌و علاقه‌مندان آنمرحوم نمودم گوید

ای‌فصل‌خزان‌در‌تو‌خزان‌شد‌گل‌بستان　　شددر‌تو‌نهان آیةحق حجت رحمان
شد خاك سیه مدفن گنجینه عرفان　　هر ذره‌نماید ز غمش چاك گریبان
گل کرددراین خاك سیه خانه و منزل
ارکان دیانت ز فراغش متزلزل

از فقد تو شد ثلمه بدیوار دیانت　　کردیم لباس غم و اندوه بقامت
این‌واقعه‌ازچیست‌مگر گشته قیامت　　دلها ز چه پرواز کند بردرو بامت
گوینده‌حق‌ازچه‌لب از نطق به بستی
از مرك تو بر شیعه پرو بال شکستی

ای مدرسه بنمای مباهات بدنیا　　از آنکه شدی مدفن ذریه زهرا
افزوده شده بر تو عنایات ز یکتا　　این‌فخر‌تورابس که‌شرف‌در‌تو کندجا
ای خاك سیه نیك بدان حرمت مهمان
فرزند علی حجت حق آیة یزدان

ای مدرسه درخاك نهان شد بدر تو　　افشانده فلك گرد یتیمی بسر تو
ما چون تو یتیمیم نشستیم بر تو　　شدروزتو چون شام سیه در نظر تو
هر دیده ترا مینگرد اشك فشانست
این‌نکته‌عیانست‌چه حاجت به بیانست

روزیست که‌ساقط‌شده‌خورشیدز آفاق　　روزیست که‌طومار‌دیانت‌شده اوراق
ایچرخ ز نفرین یتیمان بشوی عاق　　ازکینه‌ربودی گل معشوق زعشاق
از ظلم نمودی دل این خلق پریشان
و از جور توشد خانه‌این‌سلسله‌ویران

یارب تو بتعجیل رسان دادرس ما　　روح تن ما رفت برون از قفس ما
از غصه مضیق شده راه نفس ما　　سمعش‌برسان زودخدایا جرس ما
از موج حوادث دل ما لجه خونست
زخم دل ما از حدو اندازه فزونست

ای آیة خلاق سرت باد سلامت / دیدار تو با حجت قم روز قیامت
از جانب ما ساز باین دهر ملامت / خواهیم زخلاق جهان طول دوامت

زیرا که لوا وعلم دین بکف تست
حفظ علم و بیرق دین در کنف تست

ونیز جماعتی دیگر از فضلاء ومحصلین حوزه چون جناب آقای آمیرزا جعفر اشراقی تبریزی و آقای میرزا ابوطالب فاضل خوئی و آشیخ محمد نجفی مزلقانی و آقاشیخ عبدالرحمن محمدی هیدجی و آقا رحمت‌الله حسینی و آقا سیدیونس عرفانی ومیرزا عبدالرحیم ناصح قمشهٔو آشیخ عبدالصمد مقدم دانائی تبریزی ومیرزا حسین بهبهانی تبریزی و آقای علی موسائی و آقای حاج محمدعلی انصاری قمی وغیرهم قصائدو اشعاری درمدح ومرثیه آیة‌الله الفقید (حجت) رضوان‌الله تعالی علیه ازعربی وترکی وفارسی سروده‌اند که برای اختصار و بعض جهات ازدرج آن خودداری نمودم جزاهم‌الله عنه وعن الاسلام والمسلمین خیرا

**اربعین مرحوم آیة الله آقای حجت و کاروان تبریز**

مرحوم آیة‌الله حجت بواسطه آن معنویت و اخلاق حمیده وملکات فاضله وصفاء باطن از مراجع تقلید ومجتهدینی بود که دردل مردم مسلمان عموما وقلوب مقلدین سالك وعارف وآذربایجانیها وبسیاری از مردم ترك وفارس طهران خصوصاً جایداشت ولذا دررحلت او اولین باری بود که تبریز ونوع شهرستانهای آذربایجان اینگونه انقلاب رادر فقدان مرجع تقلیدی بخوددید

ازروزدوشنبه سوم جمادی‌الاولی که این خبر محنت‌اثر درتبریز منتشرشد فضای آنمحیط‌را گرداندوه وغبارمصیبت فراگرفت همه‌روز وهمه‌شب درنقاط مختلف شهر مجالس ترحیم وعزاء بزرگی مانند مجالس طهران وقم منعقد وتنها بخواندن و قرائت قرآن وفاتحه برگذار نمیشد بلکه شعراءمراثی وقصائدی درآن ضایعه سروده‌وتقدیم ماتم‌زده گان مینمودند واهالی ذکرومنبرهم حضاررا بخواندن مصائب اهل‌بیت عصمت علیهم السلام ومخصوص خامس آل‌عبا اعلیحضرت سیدالشهداءعلیه‌السلام مردمی راکه گریه گلوگیرشان شده بوداز عقده بیرون آورده و میگریانیدند

تاحدود ۲۰ روز از آن‌ضایعه گذشت مردم تبریز برای خالی کردن عقدهای درونی برای اربعین آیة‌الله مجهزشدند و اعلان این‌مطلب‌را منتشرکه هرکس اشتیاق بزیارت قبر آیة‌الله حجت وتسلیت آیة‌الله المعظم بروجردی وحوزه‌علمیه قم وبازمانده گان



فقید معظم داردخودرا معرفی حدود پانصدنفر از رجال علم ومنبرو بازرگان برجسته تبریز نام‌نویسی نموده وملازمت علیه علویه مخدره مصیبت‌زده خواهرمعظمه وهمشیره مکرمه آیة‌الله حجت راقبول ودرروز ۳۶ رحلت آن پیشواءعظیم‌الشان این کاروان اندوه وحزن بایکجهان اشك وناله مردم تبریز بدرقه گردیده وازتبریز بسوی قم و آرامگاه ابدی وکربلاء درگذشت ومزار آقای حجت طاب‌ثراه حرکت ودرشهرهای سرراه میانه وزنجان وقزوین باگریه واندوه مردم استقبال شده تا قزوین که زن ومرد وکوچك وبزرك وقتی شنیدند که این کاروان ماتم بی‌شباهت بکاروان شام نیست زیراچون آنکاروان خواهر عزیز وداغدیده را همراه داردباشیون وفریاد بیرون ریخته وبااشك دیده گان خیابانهارا آب‌پاشیده وباناله وفغان خوش‌آمد گفته وپذیرائی شایانی نمودند وعدهٔ هم بااین کاروان مصاحب گشته وبطهران حرکت کردند

مردم طهران بخصوص آذربایجانیهای مقیم طهران ازچندروزپیش مهیای این کاروان بودنددولت هم دستور تجلیل‌واحترام داده‌بود باعزت وجلالی وارد طهران ونیز چون قزوین استقبال باگریه وناله مردم‌شده وروزضایعه‌راتجدیدنمودند ودرمسجد ترکها که چندروزچادرزده‌بودند پذیرائی نموده وبرای روز دیگر که‌شب اربعین آیة‌الله باشد هزاران‌نفر مردم‌ترك وفارس وعالم وتاجرطهران لباس‌عزاپوشیده وبااین قافله وکاروان باشعارهای‌عزا وپرچمهای سیاه‌وشیون‌وشین بسمت‌قم حرکت کردند

عدد اتوبوسها که‌درجاوی آنها پرچم سیاه نصب ودارای شماره و نمره و همه پرازمردم‌طهران وآذربایجان بودنداز ۱۲۰ اتوبوس که بانظم و ترتیب مخصوص حرکت میکردندمتجاوزو بااین قصیده که‌درطهران وتبریز چاپ‌شده بودهدف خودرا ازاین قیام معرفی‌نموده وچون آن قصیده بزرك است مطلع آنرانقل وازنگاشتن تمام‌آن معذرت میخواهم

ماکه‌یك‌قافله باشوروتوا آمده‌ایم / بهر شخصیت حجت بعزا آمده‌ایم

تاآخرقصیده که‌مربوط بمرثیه برحضرت سیدالشهداء ع وآمدن کاروان‌شام بکربلا است وبرای‌رعایت اختصار خودداری‌نمودیم ازایراد آن و خلاصه این کاروان که متجاوز ازسه‌هزارنفر بودازغالب‌طبقات آذربایجان‌وطهران بقم‌وارد وازطرف حوزه علمیه و بازمانده گان مرحوم آیة‌الله حجت ومردم‌قم باسیل‌اشك وبانگ‌ناله‌وخروش فراوان استقبال وتجلیل‌شدند وازمسجدامام بطرف آستانه ومزارمرحوم آیة‌الله حجت روان گردیدند

شهرستان‌قم‌درروزپنجشنبه نزدیك‌غروب شب‌جمعه۱۲جمادی‌الثانی ۱۳۷۲ ناظرعاشورا وغوغاءعجیب بیسابقهٔ بودکه‌در روزعاشوراء ومحرمی‌هم کمتر نظیرومانندآنرادیده بود قم‌شده‌بود درآنروزکربلا وشاهدورود قافله‌اندوه وکاروان مصیبت‌تبریز وتهران که درهمراهی یك‌بانوی‌مجلله علویه(خواهرداغدار آیة‌الله‌حجت)چون(کاروان‌شام) که از صدهافرسنك برای‌زیارت‌عزیزخود آمده‌بودند گویاتمام‌ذرات فضاءقم و در ودیوار با مردم قم ووداردین هم آهنك شده بودند تابسر مزار که بی‌شباهت بآمدن موکبهای عربی‌درحرم سیدالشهداء علیه‌السلام نبود درآنشب وصبح‌جمعه اربعین آیة‌الله حجت که‌آن‌دسته‌جات عزادار باکاروان‌تبریز ازطهران آمده‌بودند دراطراف مرقد شریف وقبرمنور آیة‌الله‌آنقدر بسروسینه‌زدند تاجماعت بسیاری از هوش‌رفتند وبدنهای آنها راازمقبره بیرون‌میاوردند عیناً اربعین کربلاوعزاداری انصار وموکبهای عرب‌در حرم مطهر تاعصرروزجمعه۱۲یعنی عصراربعین آیة‌الله که‌مجلس‌باتشریف فرمائی‌قائد عظیم الشان وزعیم بزرك‌شیعه وحوزه‌علمیه حضرت آیة‌الله‌بروجردی ختم گردید

درشب‌وصبح آن‌جناب‌واعظ‌شهیر آقای‌فلسفی ازطهران آمده‌وافاده نمودندوعصر آقای‌حاج انصاری‌واعظ‌قمی مردم‌ماتم‌زده‌رامستفیض فرمودند

قصائدومراثی‌چندی‌نیز دراربعین‌معظم‌له‌سروده شده‌است که‌ازآنهاقصیده‌مخمسه جناب‌فاضل‌دانشمند آقای آقامیرزاعباس‌مصباح‌زاده صهرمکرم‌ایشان‌رامینگارم

غم زمانه دلم را فرو گرفته چنان — که‌لال گشته‌مرازین سپس زبان بیان
بخوان حدیث غمم‌تاشوی‌شرر افشان — زخون‌نوشته‌باین‌قطره‌های‌اشك‌روان
که رفت آیت حق شمس‌دانش‌وایمان

چو آیت‌الله حجت فقیه دل آگاه — ببست دیده باریك بین زما ناگاه
چوشمع‌سوخت که‌بدهد‌باهل‌علم‌رفاه — هر آنچه کرد همه خالصاً لوجه‌الله
هر آنچه‌خواست‌همه‌بود مرضی یزدان

چواسوة حسنه‌یافت امر حق بکتاب — بجد خویش تاسی نمود در هر باب
بروزفوت و بعمرو باسم‌و در آداب — بخواند آیه طوبی له و حسن مآب
بسوی خلد خرامید از جهان جهان

بیاددعوت‌حق‌گه ز ظهر کرد سئوال — گهی‌بجد گرامش نمود عرض حال
گهی‌بگفت‌علی‌جان‌رسید روز وصال — گهی‌بجده خود فاطمه(ع)نمود اقبال



گهی بدرگه جان جهان امام زمان

بگفت‌هرچه‌بمن‌دوست میدهد نیکوست — که‌جدوشافع‌مقصودومقصد من اوست
بعشق‌خون‌خداپر نموده‌ام‌رگ‌وپوست — بده که‌آخرزادمن‌است‌تربت دوست
بدید روی حسین(ع) وبداد نقد جان

برفت حافظ دین نایب ولی خدا — فقیه و مرجع شیعه زعیم مذهب ما
کسیکه‌بودپدربرهمه خصوص علماء — چوخوربعلم‌وعمل‌نوربخش ارض‌وسما
غروب کرد و بماندش فروزه فرزان

سلام ما بتو ای آیت‌الله حجت — چه‌زوددرفتی‌وماندازبرای‌ما حسرت
شدی‌ززحمت‌وتنگی‌این قفس راحت — ز سجن دهر پریدی بگلشن جنت
کجا پسر چو تو آید ز مادر دوران

چوبرق‌نور فشاندی و رفتی ازانظار — چوشمع‌سوختی‌وروشن‌ازتوشد شب‌تار
چوشمس‌رفتی‌وکردی‌جهان‌پرازانوار — چوبدرکسب‌زتوکرده‌نورعلم احرار
چو گنج گشتهٔ آخر بزیر خاك نهان

الا توای پدر روح روح تو خرسند — که‌یادگار نهادی زروح وتن فرزند
کنون افاضل و اولاد تو بغم غرقند — درون‌مدرسه‌و مسجدت همه جمعند
برآرسرزلحد درس‌و بحث کن عنوان

شب چهله تو امشب است یا ابتاه — مقلدین تو از شهرها بناله و آه
بخاك‌بوسی قبرت رسیده اند از راه — یقین که‌هستی ازین‌شوروداردین آگاه
ز جای خیز و تفقد بکن ز مهمانان

برای دیدنت ای پیشوای اهل تمیز — رسیده‌است کنون‌کاروانی از تبریز
زجای‌خیزو ببین شور روز رستاخیز — بسوگواری‌تومانمی است زلزله‌خیز
چراز مارخ پر نور کردهٔ پنهان

پدرزداغ‌تومصباح‌رادلی است کباب — شودجمال تو بیند گربجز در خواب
فلك‌بفوت تو دارد دریغ کنت تراب — توبحردانش‌وبینش‌چه‌شدچنین‌بشتاب
درون‌خاك گرفتی‌چهل‌شب‌است مکان

کسیکه‌گشت‌در ایام بی پدر چکند — قضا زده بدلش نیشتر دگر چکند
جزاینکه‌خون‌دل‌افشاندازبصرچکند — زداغ‌هجرتومصباح‌خون‌جگرچکند

برای من بخدا این غمی است بی پایان

**مزار آیة الله حجت در کجاست** در شهرستان قم سه محل برای مدفن ومقبره علماء بزرك ومراجع تقلید عظام تعیین شده اول آستانه مقدسه درقرب جوار مرقد علیا حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ومخصوص مسجد بالای سر وبقعة العلماء آیة الله حایری والخونساری وحدود ۱۵ نفر مجتهد وعالم برجسته دیگر دوم مقبره شیخان که مزار صدها راوی حدیث ومحدث بزرك وعالم جلیل چون زکریا بن آدم وعلی بن ابراهیم و میرزا ابو القاسم قمی است سوم قبرستان حاج شیخ که نوع جنازه های غریب را در آنجا میبرند و مدفن هزاران عابد متقی وعالم بزرگوار است



قبر مرحوم آیة الله حجت قدس سره

هر کس ازدور شنید آیة الله حجت ازدنیا رفته روی همین تقسیم تصور میکرد که قبر آن فقید معظم درمرتبه اول در بقعة العلماء و جوار آیة الله مؤسس حایری ویا درمحیط آستانه وپس از آن قبرستان شریف شیخان است واحتمال محل چهارم ومدرسه حجتیه و جنب مسجد حجتیه را نمیدهد لکن از آنجاکه این عالم ربانی وفقیه سالك صمدانی بواسطه شم الفقاهتیکه داشت غالب کارهایش بدستور الهامات غیبی میشد مقبره اش هم در میان آثار باقیه و باقیات الصالحاتش ازمقابر دیگر فرد وممتاز آمده وبواسطه همان الهام غیبی (رویای صادقه ) معین گردید

حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج سید احمد زنجانی وصی آنمرحوم برای این بنده نویسنده کتباً نوشته وشفاهاً فرمودند که مرحوم آقای حجت پیش از یکسال بفوتش بامن درخصوص جای مقبره اش مشاوره فرمود حقیر مدرسه را صلاح دیدم ولی آنمرحوم خود درحال تردید بود تااینکه پارسال یعنی سال ۱۳۷۱ سوم شعبان که یوم



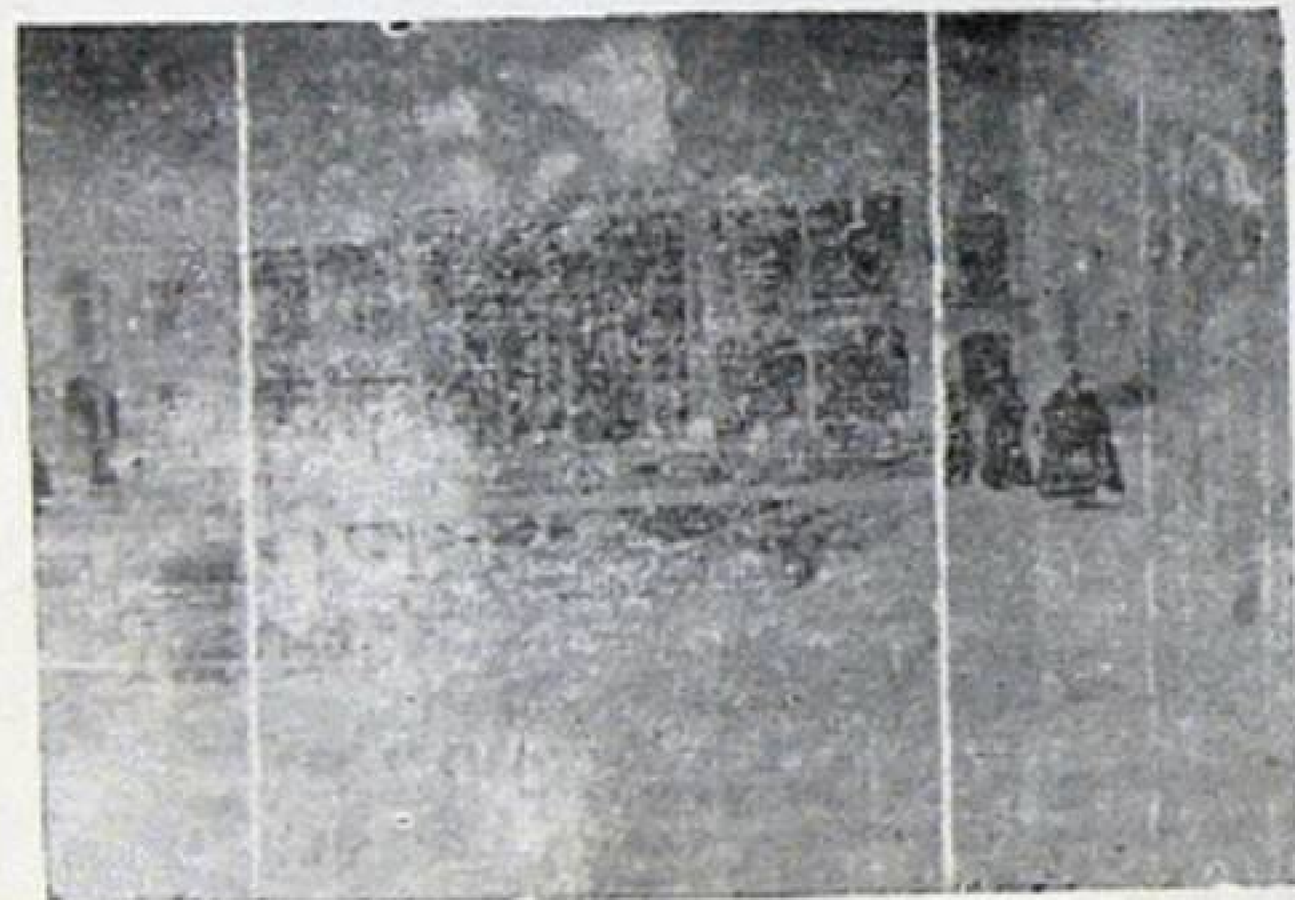
ولادت حضرت سید الشهداء (ع) بود ببنده فرمود بمن امشب درخواب گفتند قبر خودرا پهلوی مسجد درست کن (و هنوز در حجتیه مسجد نبود ) صبح که ازخواب بیدار شدم آقای حاج حسین اتفاق آمده صحبت بناء مسجد را بمیان کشید من فهمیدم که این مرحمتی سید الشهداء (ع) است شب ولادت سعادت آنحضرت من این خواب را دیدم وصبح ولادت حضرتش بانی برای مسجد پیدا شد و بانی نیز زوار سید الشهداء (ع) است واو مرحوم حاج احمد اتفاق برادر آقای حاج حسین اتفاق است که درحین مراجعت از کربلا خود وعیال و فرزند منحصر بفردش باطیاره و مسافرین دیگرش در نزدیك فرودگاه طهران آتش گرفته وهمگی سوختند وقربان راه سید الشهداء علیه السلام شدند



آیة الله بروجردی در کنار قبر آیة الله حجت

**آثار مرحوم آیة الله حجت درقم وحوزه علمیه**

( قال علی علیه السلام قیمة المرء همته وفی حدیث عبد العظیم الحسنی عن جواد الائمه عن آبائه عنه قیمة المرء ما یحسنه) ارزش و قیمت و نفوذ مرحوم آیة الله حجت درمیان زعماء گذشته وکنونی حوزه علمیه قم از آثار بزرك او مدرسه و مسجد بزرك حجتیه فعلی ومدرسه کوچك حجتیه که بوصیت و نظریه ایشان عنقریب انشاءالله بنا میشود واین



منظره مسجد حجتیه و مقبره آیة الله حجت قدس سره

خودبزرگترین شاهدهمت عالیه وهمم متعالیه آنمردبزرگوار است که باآنهمه کسالت و ابتلاآت و گرفتاریهای گوناگون واداره نان و شهریه هزاران طلبه معیل ومجرد قم وحوزه های دیگر تبریز و نجف وغیرهماچنین آثاری ازخود باقی گذارد که از اول تاسیس حوزه تاکنون هیچکدام اززعماء مؤسس وغیره نگذاشتند که تاقم قم است وحوزه علمیه اش پایدار مدرسه بزرگ و کوچك ومسجد حجتیه بنام آن بزرگوار درود فرستد بروحش رحمت حقیقتاً اگر چشم خرد ودیده دل بازباشد دیده می شود که درودیوار قم وفضاء حوزه علمیه آنرا آثار حجت احاطه نموده چنانچه فاضل محترم آقای آقامیرزا علی نور بخش گیلانی گوید

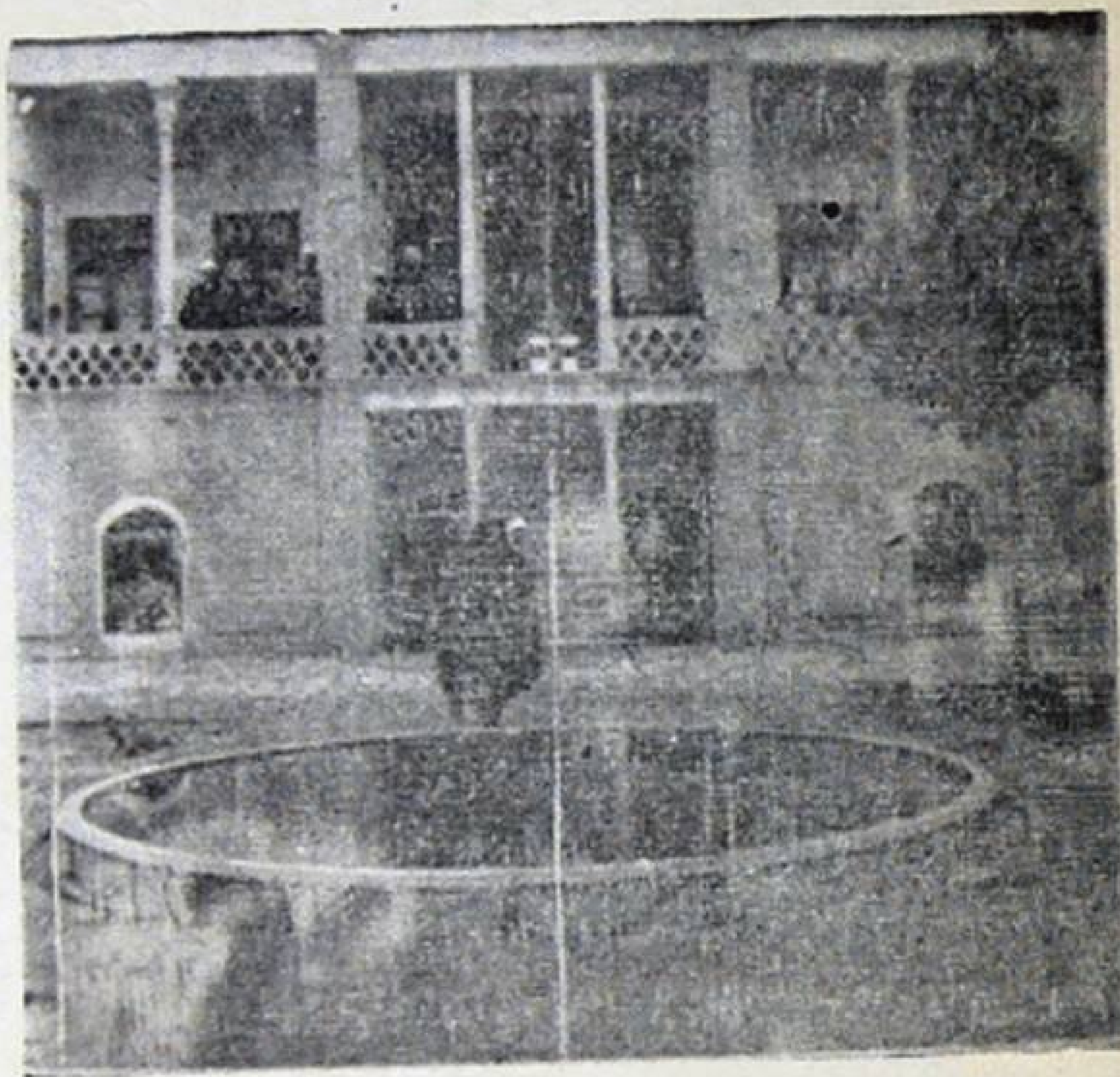
بیادر ارض پاك قم نگر آثار حجت را — به بین ازبام و در وازخشك و تر آثار حجت را
درخت علم گرشدغرس اندرقم زلطف حق — نمی بینی بجز ازشاخ وبر آثار حجت را
زدستش مدرسه تاسیس شدبر پایه تقوی — خدا کردش برای دین سپر آثار حجت را
چواوبوده است راضی بررضای کردکارخود — خدا پرکرد اندر بحر و بر آثار حجت را
اگر بادیده ظاهر نظر کردی بآثارش — به بین باچشم دل بار دگر آثار حجت را
زیمنش پایه تعلیم در قم یافت استقرار — لذا کرده خدایش مستقر آثار حجت را
اگرمرغ دیانت سوخت بالش از افول وی — نموده حق برایش بال و پر آثار حجت را
زحجت کعبه دانش عیان کرد کردگار وی — نمودش قبله جن وبشر آثار حجت را
بچشم سر میسر میشود دیدن بنایشرا — کجا ادراك بتوان زین بصر آثار حجت را
چه او گشته مؤسس کاخ تقوا را خدا کردش — فزون از نور خورشید وقمر آثار حجت را
بعمرش کرد احکام خدا را منتشر در خلق — خدا کرده مبان و منتشر آثار حجت را
تلئلوء میزند زین مدرسه انوار یزدانی — لذا داند خدا لعل و گهر آثار حجت را
خداوند قدیم لم یزل در سایه لطفش — کند محفوظ با (لولا نفر) آثار حجت را
دربغا گشت طاوس دیانت بی پرو بی بال — بریزی اشك گرسازی نظر آثار حجت را
ازاو مانده گلی هم بلبلی در گلشن دانش — زلطف حق بود حافظ پسر آثار حجت را
توهم ای نوربخشا مثل بلبل از فراغ گل — نماورد زبان شب تا سحر آثار حجت را

این مدرسه بزرك که ازحیث کم و کیف درردیف بزرگترین مدارس ایران و سایر کشورهای شیعه بشمار میرود دارای یکصدوبیست وشش حجره فوقانی و تحتانی تازه ساز کامل بااسلوب جدید مطابق حفظ الصحة غیر ازحجرات اختصاصی بمقبره میباشد

قسمت شرقی مدرسه بسیار جالب توجه است ازلحاظ اینکه مسجد زیبای حجتیه و مقبره



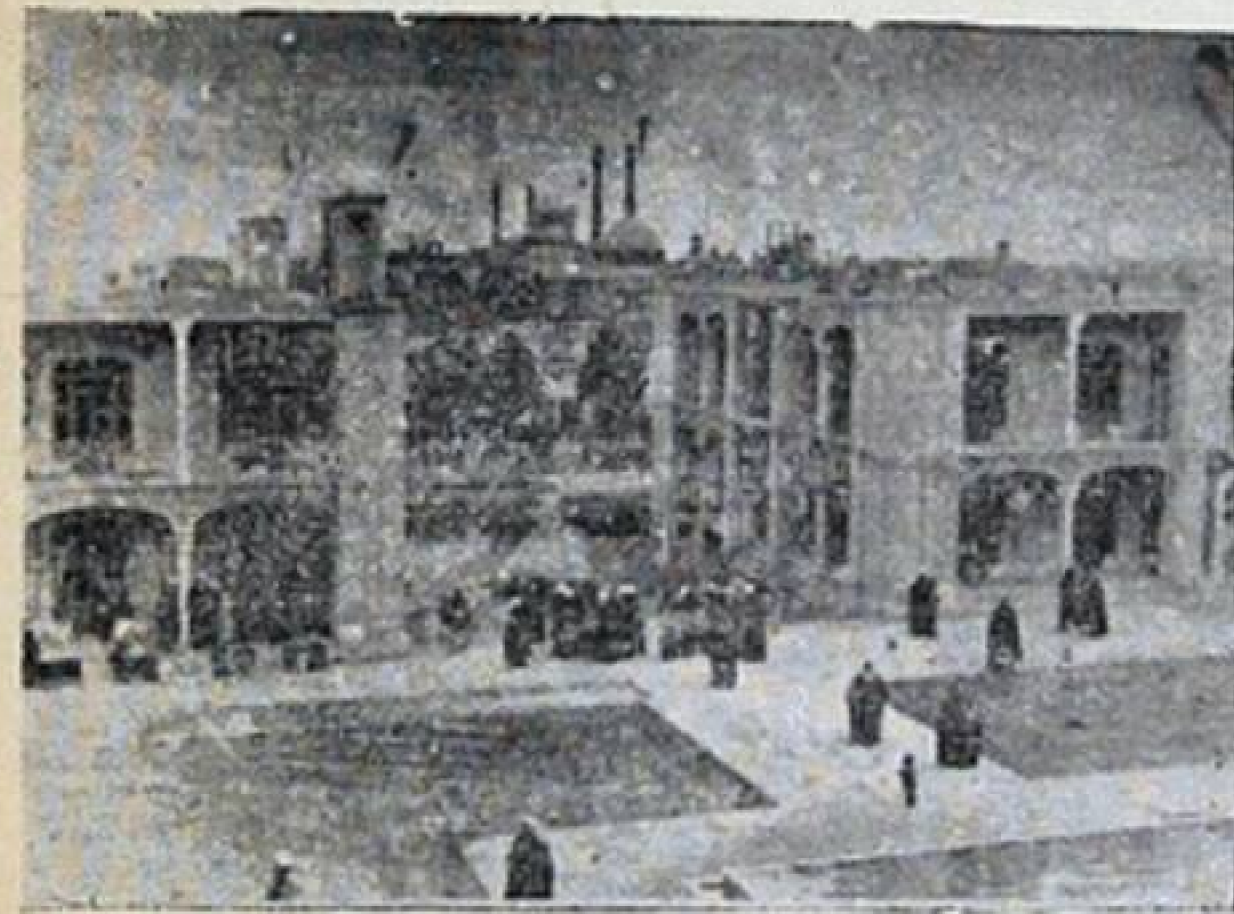
مرحوم آیة الله المؤسس حجت را در بردارد مضافاً بچند حجره زیبا و قسمت شمالی مدرسه را دوپارك دورو تشکیل داده که یکی درمقابل پارك قدیم (کامران میرزانایب السلطنه) است که بمدرسه قدیم حجتیه معروف است و دارای حجرات فوقانی و تحتانی است که قسمتی از آن مدرس و کتابخانه حجت معروف (بکتابخانه حجتیه) است که متجاوز از دوهزار مجلد کتاب دارد که بیشتر آن بهمت آیة الله و پس از ایشان بهمت وجدیت جناب ثقة الاسلام آقای حاج آقا مهدی حایری تهرانی برای استفاده عموم طلاب مدارس حجتیه تشکیل شده است وقسمت عمده آن نیز مسکن طلاب لمعه وقوانین خوان حجته است و آن درمجاورت وهم دیواری منزل مرحوم آیت الله حجت است



منظره کتابخانه حجتیه و پارك قدیم کامران میرزا

وآن دو پارك که قسمت شمالی مدرسه حجتیه است پارك مقابل پارك قدیم دارای ۳۲ حجره دوروی فوقانی و تحتانیست مضافا بسرداب بزرك وخنکی که در زیر آن واقع و تابستانی طلاب مدرسه است و پارك مقابل که قسمت شمالشرقی مدرسه است دارای ۲۴ حجره بهمان کیفیت است

وقسمت شمال غربی این مدرسه را آب انبا بزرك ووسیعی بنام آب انبار حجتیه تشكیل داده كه ازحیث عظمت وبزرگی ومطلوبی درردیف اول ن آب انبارهای قم است و مورد استفاده صدهانفر طلبه ساكن مدرسه وغیرهم میباشد كه ازثلث مرحوم كلكته چی تبریزی بناشده وقسمت جنوبی این مدرسه بخیابان فرعی ارم متصل است كه درب بزرك مدرسه بآن باز میشود وازپهلوی آن درب مسجدحجتیه كه دارای صحن كوچك زیبائیست كه درب خارجی مقبره مرحوم آیة الله حجت در آن واقع است واما مدرسه كوچك حجتیه كه درقسمت شرقی دراین هنگام پی ریزی شده دارای ۳۰ حجره تحتانی وفوقانی خواهد بود بعلاوه آشپزخانه ورخت شوی خانه كه برای رفاهیت محصلین سكنه آن دو مدرسه بناشده است واین مدرسه بزرگ حجتیه دارای شروطیست كه مرحوم حجت رضوان الله علیه خود برای چندین لحاظ قرار ومنظور فرموده اول اینكه محصل وطلبه این مدرسه دارای تهذیب اخلاق بوده وسوء سابقه نداشته باشد دوم اینكه ازبیست سال كمتر نباشند سوم اینكه معلومات آنها ازرسائل ومكاسب پائین تر نباشد



اما كیفیت تأسیس وبناء وتاریخ آن بطور كه وصی مرحوم آیة الله حجة جناب آقای حاج سید احمدزنجانی برای این بنده كتباً مرقوم و وشفاهاً فرمودند آقای حجت رضوان الله علیه درتاریخ ۱۳۶۴ هجری

**منظره قسمتی ازمدرسه مباركه حجتیه و دورنمای آستانه مقدسه**

ایام ورود حضرت آیة الله العظمی بروجردی تصمیم گرفتند تاسیس مدرسه نمایند ازخود كه تاابد باقیات الصالحات واثرخیر ایشان بوده باشد لذازمینهای مجاور پارك قدیم را كه چندی مدرسه قدیم حجتیه و اكنون مدرسه و كتابخانه حجتیه است انتخاب و متجاوزازدوهزار متر آنراكه آزادبود بدین منظور ازمالكین آن خریداری و مابقی آنراكه حدود شش هزارمتر بودازموقوفات آستانه كه درقید وقف بوده صدساله اجاره



نموده ودرروز بیستم ماه جمادی الثانی روز تولد یگانه بانوی اسلام حضرت صدیقه طاهره علیها سلام سال ۱۳۶۶ هجری پی ریزی آنرا شروع و كلنگ اول آنرا خود آنمرحوم در حضور صدهانفرعالم وفاضل ومحصل ومهندسین ومعمارها وغیره بنام خود زدند



حضرت آیة الله حجت در موقع كلنگ زدن مدرسه حجتیه بدون عبا در كنار مهندس كه نقشه در دست دارد در میان علماء و فضلاء دیده میشود

وچون اول كلنك افتخار این بناء محكم دانشگاه روحانی را خود آن بزرگوار باقلبی مملو ازایمان وخالی ازهوا وتظاهر زدند بحمدالله مدرسه باعظمت فراوانی ساخته و از افتخارات و آثار حجت درقم گردیده است خدا بمؤسس وبانیانش جزا خیر دهد

آقای زنجانی فرمودند بامر آنمرحوم در همان روز مقداری تربت سیدالشهداء علیه السلام بزیر پی گذاشتم واسم بانی ومؤسس (یعنی آن فقید معظم) باتاریخ شروع را در صفحه كاغذی نیز نوشته باتربت درباكتی گذارده وبزیربنا گذاشتم

جناب آقای عبدالصمد مقدم دانائی تبریزی كه از محصلین وسكنه آن مدرسه است درباره مدرسه مباركه حجتیه وبانی فقید آن گوید

باقیست تا قیامت آثار حجتیه ... تابش كند بعالم انوار حجتیه
گلزار اینجهانرا پژمرده گیست آخر ... پژمردگی ندارد گلزار حجتیه
عالم شده است غرق دریای بهت وحرت ... حیران بمانده یكسر نظار حجتیه
دانشگهی كه الحق بی مثل وبی نظیراست ... در عقل می نگنجد اسرار حجتیه
اسم بناست حجت هم بهر حجت حق ... هم حجت است اسم معمار حجتیه

دربین علم ومسجد مدفون شده است یاران   مرحوم آیة الله سالار حجتیه
ازعلم وازعبادت ازهردو مستفیض است   آنکس که شد حقیقت زوار حجتیه
دلسوز علم بودوهم غمگسار اهلش   هم بود تادم مرك غمخوار حجتیه
کنجی زعلم درقم اخراج کرد بارنج   بنکر ز دل تو درشهوار حجتیه
همچون بنانبوده دیگر نباشد همچون   دیگر نیاید هرگز سردار حجتیه
هرحجره درحقیقت یکروضه بهشت است   اهل بهشت باشند ابرار حجتیه
محشور بانبی و اصحاب اویقیناً   درروز حشر باشد انصار حجتیه
سال هزار و سیصد هفتاددو زهجرت   ترك جهان نمودی سالار حجتیه
نوررخش(مقدم)خاموش شدو لیکن   تاحشر زنده باشد آثار حجتیه

مؤلف گوید ملاحظه کنید که چون پایه این دانشگاه روحانی یعنی مدرسه حجتیه برتربت پاك مقدس وشریف اعلیحضرت سید الشهداء علیه السلام و نام نامی مرحوم آیة الله حجت که هم نام جدامجدش خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله وخاتم الاوصیاء عجل الله له الفرج است که حقاً وصف آن اسم ومسمی را نتوان کردو چنانست که گفته شده

وصفش نتوان گفت بهفتاد مجلد   این بس که خدا گوید(ماکان محمد)

قرار دارد با این عظمت وشکوه بالارفته وصاحب آن تربت مقدس اورا پذیراء شده و قبر آن معظم رادرجوار خانه خود(فیمابین العلم والرحمة) تعیین فرمودند از طرف یمین (راست) به بیت العلم(مدرسه علمیه حجتیه) و ازطرف یسار(چپ) به بیت الرحمة (مسجد حجتیه) متصل است چنانچه در آن قصیده مرثیه گفتیم

در جوار خانه حق(حجتیه )مرقدش   درمیان علم ورحمت آرمیدا ندر جنان

روز افتتاح مدرسه هم حجتیه روز ۲۰ جمادالثانی ۱۳٦٤ هجری بود که تصادف باروز ولادت علیاحضرت فاطمه زهراسلام الله علیها داشت که در آن مدرسه قدیم( یعنی پارك) جشن باشکوهی در آنجا برپا شد که چندین هزار نفر ازعموم طبقات و مخصوص حضرات آیات الله العظام شرکت داشتندو باخطابه وعاظ وخطباء وقصائدو مدائح و صرف شیرینی و بستنی پایان یافت

**تالیفات و آثار قلمی مرحوم آیة الله حجت قدس الله سره**

ازمختصات مرحوم آیة الله حجت بااین همه گرفتاریها و کسالتها وهمم عالیه این بودکه هیچگاه از مطالعه کتب حتی درشب زفافش هم که بگفته شاعر(شب زفاف کم ازروز پادشاهی نیست)



تاچندین ساعت چون شبهای دیگر مطالعه را ازدست ندادودر اصول و بعض السنه وفنون غریبه دیگر مطالعات کاملی داشت ودرغالب آنها استادماهر ومجتهد جامع بودمثلا در علم طب قدیم بسیار وارد و نوع اطباء حاذق قدیم وامروزی اذعان بدانش طبی ایشان داشتند و کسی بود که در تزریق آمپول وحتی تزریق برك دست خوداز هر آمپول زن تحصیل کردهٔ استادتر بودوغالب تزریقات رگی وغیره خودرا خودبنفسه مینمودودر بسیاری ازاین علوم و مطالعات علمی آثارمهمی ازخود گذارده که هنوز بسبب طبع دراختیارعموم گذارده نشده وآنها بقرار ذیل است

۱-رسالةفی الاستصحاب ۲- کتاب البیع که مبسوط ومفصل و حاوی فروعات بسیار و استدلالیست ۳-جامع الاحادیث والاصول وآن کتابیست نفیس وجلیل القدر وعظیم المنزلة وتمامی احادیث شیعه راکه دراین زمان دسترس فرقه محقه تواندبودجامع وبیان معانی و مقاصدوجمع مابین متناقضات آنهارامشتمل ومطالب مهمه رجالیه وبیان حال اسانیداخبار را بطوری شگفت وطوری بس عجیب محتوی وازانفع کتب اثنی عشریه بوده ودررشته خود بی نظیر میباشد که تازمان حاضر ماماانند آن تالیف نیافته ومصنف معظم رضوان الله علیه عموم محصلین وعلماء امامیه وطلاب عموم دینیه رارهین منت قلم خودفرموده ٤- حاشیه بر کفایه ٥- کتاب الصلوة که استدلالی وحاوی فروعات بسیاراست ٦ -لوامع الانوار الغرویه فی مرسلات الاثار النبویه فی بیان الروایاة النبویه المرسلة فی کتب الفروع وبیان مایصح الاعتمادعلیه و مالایصح ۷-مستدرك المستدرك فی استدراك مافات عن صاحب المستدرك ۸- کتاب الوقف وآن نیزمانند کتاب البیع والصلوة استدلالی ومملواز جواهر ولالی بی پایان ومشتمل برفروع فقهیه بیکرانی است ودیگر آن بزرگوار را مصنفات وتعلیقات بسیار دیگریست درموضوعات متنوعه وبر کتب حدیثیه ورجالیه که شرح وبسط آنها ازموضوع این کتاب بیرونست

وازجمله کتب نفیسه که بهمت وتصحیح آن بزرگوار بزیور طبع ونشر رسیده تفسیر تبیان طوسی است دردوجلد بزرك که چندین سالست دراختیارعموم علماء و فضلاء گذاشته شده شیخ الطائفه جزاه الله عن الاسلام خیرا

**بزرگترین آثار زنده آیت الله حجت یادو فرزند فاضل و ارجمند او**

درچندین ورق پیش درورود آیة الله زاده حجت از نجف بقم اشاره بفرزندان برومند ایشان کردیم و لکن چون درست حق بهترین آثار وباقیات الصالحات ایشان ادا نشده بودلازم دانستم یکی ازباب (یحفظ الرجل فی ولده) ودیگر ازجهت شخصیت مخصوص دوفرزند عالم ودانشمند

ایشان علیحده فهرست ترجمه آثار ایراد نمایم تاهم تذکره دیگری برای آنمرحوم شده وهم حق آن عزیزان اداگردد

**جناب آقای آسیدحسن حجت دام ظله**

از فاضل دانشمندان و آقازادگان حوزه علمیه قم وکلیه ایرانست که بمتانت رفتار ووقار کردار و وفضل واحسان ثانی آن پدر بزرگوار وسرآمد اقرانست درسال ۱۳۳۱ هجری در تبریز متولدشده وپس ازمهاجرت باوالدمعظم خوددرسال ۱۳۴۹ ودیده مقدمات سطوح رانزد اساتید حوزه ووالدماجدخود استفاده نموده وحاضر حوزه درس فقه و اصول پدرعزیزخود گردیده ودرمدت کوتاهی حائزمقام فضل ودانش شده است ودرسفر مشهدمقدس وسفرهای دیگرهم ملازم والدماجدبوده ومورد توجه ایشان بوده اند تاسال ۱۳۶۹ که بانظر آن پدر مکرم توقف درشهرری وپس از آن طهرانرا اختیارودر آن دو بلده محترمه ازندگی وبتدریس سطوح نهائی مسائل ومکاسب و کفایه ومعالجه کسالت قلب وربه خود اشتغال داشته تایکهفته بضایعه اسف ناك فوت مرحوم آیة‌الله الوالد که بالهام غیبی حاضر خدمت ایشان شده ومورد مهر وشادمانی معظم له گردیده تاهنگام آن حادثه ناگوار وپس ازرحلت ایشان علماء بزرك طهران وتجار واعیان محترم تقاضای مراجعت ایشان رابطهران نمودند لکن این فرزند ارجمند داغدیده برای سرپرستی خانواده مرحوم والدمکرم وبازبودن درخانه ایشان آن دعوتها رابوجه احسن ردفرموده واقامت درقم رااختیار و بتدریس فقه واصول پرداختند



ومنزل مرحوم آیت‌الله حجت یکی از آن منازل وبیوت بزرك علم ودانش وروحانیت است که پس ازفقدان صاحب آن درش بسته نشده بلکه بواسطه داشتن فرزند برومندچون جناب آقای آسیدحسن آقای حجت مانند زمان مرحوم آیت‌الله حجت قدس الله سره الشریف و نورالله مضجعه المنیف وادام الله آثاره وانارالله برهانه درش بازومورد تردد ورفت آمدخواص وعوام مخصوص مردم آذربایجان است صانه الله عن الحدثان

نجل مرحوم آیت‌الله آقای آسیدمحمدحجت قدس سره . جناب آقای آسیدحسن حجت



جناب مترجم معظم ازمدرسین عالیمقام کنونی حوزه علمیه قم میباشند که علاوه برمقام علمی بسیاری ازخصال پدر راداراودرآنها اشبه ناس است بایشان ازحیث خلق وخلق و کیاست و درایت وخلاصه شایسته ترین فرزندیست برای پدر و آماده ترین خلفی برای جایگری ایشان ومورداکرام واحترام ومحبوبیت تامه مراجع فعلی وسایر مقامات دیگر میباشند تقریرات اصول والدماجدخود رامن اوله الی آخره مرقوم ومورد تحسین وقبول ایشان واقع وبسیاری ازتقریرات فقه آن جناب راهم نوشته وحاضر دارند

پس ازرحلت والدعزیز برای مشاغل علمی وشخصی که توقف درقم رااختیار نمودندهمت را عالی نموده وزمام امورپدررا بدست گرفته واوضاع ایشانرااداره ودرمدرسه مبارکه حجتیه بتدریس فقه واصول استدلالی اشتغال وجمعی از محصلین ازمحضرشان استفاده مینمایند ـ واکنون هم ازشرکاء محترم درس آیة‌اللهی (بروجردی) ومورد توجه ایشان میباشند تولدایشان درسال ۱۳۰۱ شمسی هجری بوده در سطور قبل ۳۳۱ غلط و اشتباه است

**جناب آقای آسیدمحسن حجت**

یکی دیگر ازدوفرزند فاضل و عالی قدر مرحوم آیة‌الله حجت واکبراولادذکور ایشان آنجنابست که بزیور علم وحلم ومتانت و وقار آراسته ومایه بسی امیدواریهااست درسال ۱۳۳۵ هجری تقریباً درنجف اشرف متولد وپس ازمهاجرت باپدرعزیزخود به بلده تبریز وازآنجابیلده طیبه قم ودیدن مقدمات و سطوح ازاساتید حوزه ووالدمعظم واستفاده چندین سال ازدرس فقه واصول آیة‌الله الوالد اشتیاق مهاجرت بعتبات عالیات پیدانموده وباجازه والد ماجدبرای تکمیل مبانی علوم مشرف بنجف اشرف گردیده ودرآنسامان ازاساتید ومراجع مهمه نجف چون آیة‌الله حاج سید محسن حکیم وآیة‌الله حاج سیدعبدالهادی شیرازی وآیة‌الله حاج سید ابوالقاسم خوئی استفاده نموده ونیزتدریس فقه واصول رامینماید تاسال ۱۳۷۰ که برای زیارت پدربزرگوار خود ومعالجه کسالت قلبی مسافرت بایران وبلده قم و(معززاکمانقلنا) سابقاواردوازآنجا بشهر ری وپس ازچندماه مراجعت بنجف اشرف وتاکنون متوقف ودر میان مراجع و علماء و دانشمندان عرب وعجم نجف اشرف محبوبیت مخصوصی دارد وفقه الله تعالی و ابقاه

**معظم شاگردان مرحوم آیت الله کوه کمری و آیة الله خونساری و آیت الله صدر که بزرگترین آثار حجتیه**

پس ازمرحوم آیت‌الله حایری (مؤسس) درمیان زعماء گذشته حوزه علمیه قم مرحوم آیت‌الله حجت هم ازکسانیستکه ازحوزه تدریسش فضلاء برجسته و دانشمندان بزرك وعلماء عالیمقام

ومجتهدين عظام بيرون آمده ودرشهرستان قم وحوزه علميه وساير شهرستانهاى دور و نزديك ايران مشغول بتدريس وتصنيف وتأليف وخدمات دينى ميباشندوغالب آنها كسانى هستند كه يك يادودوره درس خارج فقه واصول مرحوم آيت الله حايرى را ديده و بعد از درگذشت ايشان ويادرزمان ايشان ازمحضر مرحوم حجت استفاده نموده اندو بيشتر آنها هم از شاگردان اختصاصى اين مرحومند كه متفقاً ميگويند ما ازحيث بيان و تحقيق و جامعيت وحاضرجوابى وسرعت انتقال وجودت ذهن و كثرت تتبع و دردست داشتن مبانى اصول متاخرين ومتقدمين واقوال وفتاوى فقهاء مانند آيت الله كوه كمرى نيافتيم وعبارات بعضى ازايشانرا درباره عظمت علمى آن فقيد معظم وفقيه مكرم در تراجمشان در جزء دوم نگاشته ام

جماعتى ازفضلاء درس ايشانهم ازمشتركين درس مرحوم آيت الله محقق خونسارى و آية الله صدر بوده كه اكنون جل آنهاولا الكل ازمحضرودرس آية الله بروجردى استفاده ميكننددو اكنون فهرست اسامى آنهارا بامحل سكونت آنانرا نگاشته وتفصيل آنارو تراجمشانرادر جزء دوم مينگارم وبراى شاگران اختصاصى ايشان (خص) وبراى مشتركين از آنان بادروس ديگر (ش) وبراى كسانيكه اكثر استفاده آنهااز معظم له بوده (كث) راعلامت ميگذار

١ آقاى آقاشيخ ابراهيم رياضى ش نجف آباد

٢ » شيخ ابراهيم مراغه خص قم

٣ » سيد ابراهيم مقبرهٔ » تبريز

٤ » ميرزا ابوطالب تجليلى ش قم

٥ » ميرزا ابوطالب فاضلى » خوى

٦ » سيد ابوالقاسم تهرانى » قم

٧ » شيخ ابوالقاسم نحوى » »

٨ » ابوالمجد بروجردى » »

٩ » شيخ احمد يمينى » تهران

١٠ » شيخ احمد عراقى » »

١١ » احمد غروى سبط حايرى » »

١٢ » احمد قمى » »

١٣ » شيخ اسحق قفقازى خص »

١٤ » شيخ اسدالله كاشانى ش »

١٥ » سيد اسدالله ده خرقانى » نجف

١٦ » شيخ اسدالله اصفهانى ش قم

١٧ » شيخ اسمعيل بهارى خص تهران

١٨ » سيد اسمعيل اردبيلى خص قم

١٩ حاج ميرزا باقر تهرانى ش »

٢٠ حاج آقا باقر قمى » »

٢١ » ميرزا تقى تبريزى خص »

٢٢ » شيخ جابر فاضلى خص خوى

٢٣ حاج شيخ حاج آقاى مشايخى خص قم

٢٤ » ميرزا جعفر اشراقى تبريزى خص قم

٥٢ » سيد جعفر بروجردى ش »

٢٦ » سيد حسن سريزدى كث »



٢٧ حاج ميرزا احسن تيلى خص »

٢٨ آقا سيد حسن حجت » »

٢٩ حاج آقا حسن سيدى ش »

٣٠ آميرزا حسن مصطفوى خص تهران

٣١ » ميرزا احسن انصارى محلاتى ش قم

٣٢ » سيد حسين قاضى خص »

٣٣ » ميرزا احسين مراغه » مراغه

٣٤ » سيد حسين بدلاء ش قم

٣٥ » سيد حسين هشترودى خص »

٣٦ حاج آقا حسين اثناعشرى ش شهرى

٣٧ مرحوم ميرزا احسين تبريزى خص »

٣٨ آقاى سيد حميد مرندى خص قم

٣٩ » سيد حميد توسركانى ش »

٤٠ » شيخ داود رشتى ش قم

٤١ » سيد رضاى آسيد صفى » »

٤٢ » حاج ميرزا شهاب همدانى خص ملاير

٤٣ » حاج سيد صادق لواسانى ش تهران

٤٤ » شيخ صادق خوئى خص خوى

٤٥ » ميرزا صادق نصيرى خص قم

٤٦ » شيخ صدرالدين قفقازى خص قم

٤٧ » حاج آقا ضياء استرابادى ش تهران

٤٨ » حاج شيخ عباس مستقيم ش قم

٤٩ » شيخ عباس تهرانى ش تهران

٥٠ » حاج سيد عباس علوى خص تهران

٥١ » ميرزا عبدالله قفقازى خص قم

٥٢ » شيخ عبدالله اصفهانى ش قم

٥٣ » حاج آقا عبدالله آل آقا خص تهران

٥٤ » شيخ عبدالله مهاجرانى خص همدان

٥٥ » سيد عبدالحسين سيدى ش قم

٥٦ » شيخ عبدالحسين قفقازى خص قم

٥٧ » شيخ عبدالحسين وكيلى ش قم

٥٨ » ميرزا عبدالحسين غروى خص تبريز

٥٩ » سيد عبدالرسول تهرانى ش تهران

٦٠ » شيخ عبدالرسول بسطامى ش بسطام

٦١ آقاى آشيخ عبدالصمد خص خوى

٦٢ » ميرزا عبدالكريم تهرانى كث تهران

٦٣ شيخ عبدالوهاب روحى ش قم

٦٤ سيد عبدالوهاب يزدى خص »

٦٥ حاج شيخ عزيزالله نهاوندى كث نهاوند

٦٦ حاج ميرزا على تهرانى كث تهران

٦٧ حاج آقا على صافى ش قم

٦٨ ميرزا على هاشمى خص »

٦٩ ميرزا على مرندى خص قم

٧٠ سيد على حسينى خص قم

٧١ ميرزا على اردبيلى خص »

٧٢ شيخ على زنجانى خص »

٧٣ سيد على علوى كث تهران

٧٤ شيخ على انصارى ش همدان

٧٥ سيد على اكبر تهرانى كث قم

٧٦ ميرزا على اكبر اسلامى ش قم

٧٧ ميرزا على اكبر فقيهى خص »

٧٨ شيخ على اصغر قزوينى ش »

٧٩ شيخ قاسم قفقازى خص »

٨٠ شيخ كاظم احمدى خص »

۸۱ آقای آ سیدمحمدداماد ش »
۸۲ آقای آشیخ محمد کرمی خص قم
۸۳ آقای آمیرزا محمدمجاهدی خص »
۸۴ آقای آشیخ محمدداولیائی خص »
۸۵ آقای آشیخ محمدفکوریزدی خص »
۸۶ حاج شیخ محمدلاکانی کث رشت
۸۷ آقای آمیرزا محمدبنایی ش قم
۸۸ حاج میرزا محمدباقرتهرانی ش »
۸۹ شیخ محمدباقرمهاجرانی خص همدان
۹۰ میرزا محمدباقرمرندی خص »
۹۱ شیخ محمدباقرقمی ش »
۹۲ آشیخ محمدتقی تهرانی ش »
۹۳ آشیخ محمدتقی گیلانی ش »
۹۴ آسیدمحمدحسن مدرسی ش قم
۹۵ شیخ محمدحسن مازندرانی ش تهران
۹۶ سیدمحمدحسن آل طیب ش شوشتر
۹۷ شیخ محمدحسن هرسینی ش قم
۹۸ سیدمحمدحسین طباطبائی خص »
۹۹ شیخ محمدحسین دزفولی خص »
۱۰۰ حاج شیخ محمدحسین اردبیلی خص گنبدقابوس
۱۰۱ سید محمدرضای آل محمد ش قم
۱۰۲ شیخ محمدرضای فقیهی خص »
۱۰۳ مرحوم آشیخ محمدصادق قمی ش »
۱۰۴ آشیخ محمدصادق تهرانی خص »
۱۰۵ آسید محمدعلی مجدی ش تهران
۱۰۶ حاج شیخ محمدعلی عبادی ش تهران
۱۰۷ آمیرزا محمدعلی طباطبائی خص تبریز
۱۰۸ حاج میرزا محمدعلی چرندابی خص »
۱۰۹ حاج سید کاظم آیة اللهی ش قم
۱۱۰ شیخ محمودعلمی ش »
۱۱۱ حاج آقامجتبی محمدی اراکی ش »
۱۱۲ آشیخ محسن همدانی خص همدان
۱۱۳ آشیخ محسن مشکینی خص قم
۱۱۴ آسیدمحسن حجت خص نجف
۱۱۵ آشیخ محسن طاهری ش ورامین
۱۱۶ آقامرتضی حایری ش قم
۱۱۷ حاج سیدمرتضی فقیه ش »
۱۱۸ حاج سیدمرتضی ایروانی خص تهران
۱۱۹ سیدمرتضی علوی ش قم
۱۲۰ آشیخ مصطفی جلیلی ش »
۱۲۱ آقامعتمد کرمانشاهی ش »
۱۲۲ حاج سیدمهدی انگجی ش تبریز
۱۲۳ آسیدمهدی تبریزی خص قم
۱۲۲ آقامهدی حایری اکث تهران
۱۲۳ آشیخ مهدی منصوری خص قم
۱۲۶ آشیخ موسی زنجانی خص »
۱۲۷ آسیدنجم الدین خص »
۱۲۸ آشیخ نصرت تبریزی خص »
۱۲۹ شیخ نعمت الله مهدوی ش »
۱۳۰ آشیخ هادی بروجردی ش »
۱۳۱ آشیخ یحیی فاضل همدانی خص »
۱۳۲ آمیرزا یحیی اراکی ش »
۱۳۳ آقایحیی عبادی ش »



۱۳۴ آشیخ یوسف همدانی خص »
۱۳۵ آسیدیوسف مزلقانی خص »
۱۳۶ حاج سیدیونس اردبیلی خص اردبیل

وصدها نفر دیگر امثال اخوان مرعشی نزیل نجف و آقای مکارمی و آقای سید قوام الدین موسوی و آسید یعقوب و آقامیرزا هبة الله زنجانی وغیرهم که یا در قم ساکن و یا در اطراف ایران در شهرستانها و قصبات و قراء بخدمات دینی مشغول که احصاء آنها از عهده این کتاب بیرون است فقط در اینجا مشاهیر و معاریف آنها را فهرست نمودم و اگر کسی از آنها از قلم افتاده و یا مشتبه گردیده از تلامذه مختص و یا مشترك آنجناب و یا آیة الله العلام آقای خونساری مانند جناب حاج سید حاج آقای عراقی و دیگرانیکه خاطرم نیست روی غرض و تعمد نبوده ازهمه معذرت میطلبم (والعذر عند کرام الناس مقبول)

**استاد ریاضی مرحوم آیة الله حجت**
**مرحوم حجت الاسلام سردار کابلی**

مرحوم آیت الله العظمی حجت بااینکه اساتید بزرگ چندی مانند مرحوم علامه یزدی و شریعت اصفهانی ومیرزا نائینی و آقای آشیخ علی قوچانی وغیره داشته اند چنانچه در سابق بیان کردیم لکن احوال هیچکدام را توضیح ندادیم زیرا چندان تناسب باموضوع کتاب ما نداشت اما استاد ریاضی و هندسی معظم له یعنی حجة الاسلام والمسلمین علامه عصر وذوفنون دهر مرحوم سردار حیدرقلی خان کابلی را در این کتاب ترجمه میکنم بچند لحاظ یکی اینکه این نابغه فنون مستظرفه وعلوم متنوعه که درزاویه غرب ایران شهرستان کرمانشاه آرمیده بود تا سال آخر عمرش آنطور که باید شناخته جهان علم وفضیلت نشد وجز معدودی از خواص اهل علم نمیدانستند که شیخ بهاء الدین ثانی (ومن لیس له ثانی) در گوشه شهر ساکت و آرام کرمانشاه قرار دارد و آنها هم که میدانستند آنطور که باید از علم وتقوا وعظمت فضل او تقدیر نمیکردند تا وقتی ازدست رفت مانند همیشه ناله فسوس وافسوس و آه حسرت برای فقدانش میکنند

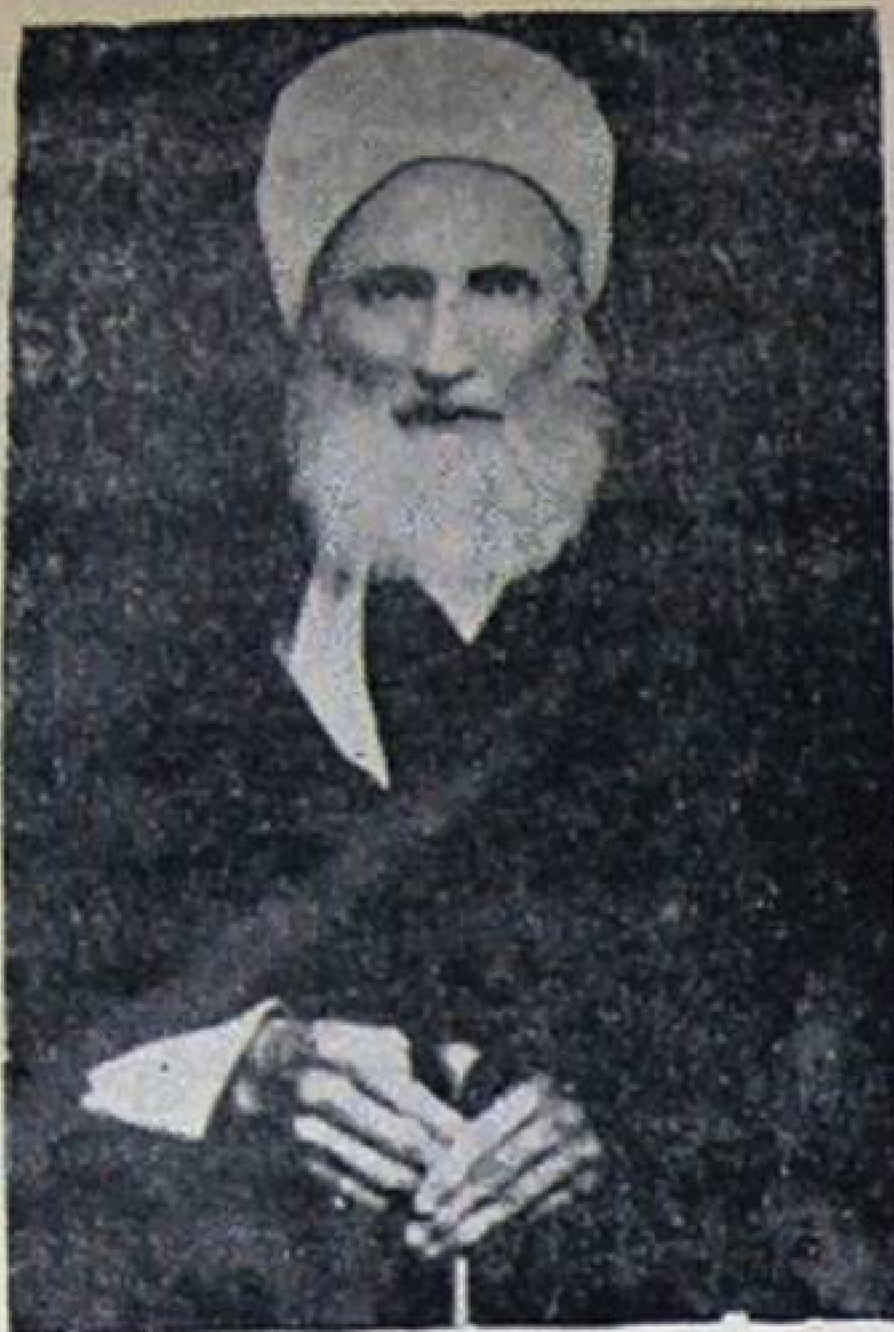
مرحوم سردار کابلی اعجوبه زمان واغلوطه روزگار بود که ازعالم علم وروحانیت گرفته شد ودیگر اینکه آن وحید زمان درسال گذشته ۱۳۷۱ که بقم مشرف شده بود مورد تجلیل وتکریم مرجع بزرگ وزعیم سترك شیعه آیة العظمی بروجردی واقع شده وتقاضا فرموده بودند که در حوزه علمیه قم توقف فرموده واز علوم غریبه وفنون عجیبه خود افاضل حوزه را برخوردار وافاضه کند وایشانهم قبول کرده که پس ازچندماهی از کرمانشاه

منتقل بقم گردد که اجل مهلتش ندادو دیگر سردار کابلی گذشته از مقام استادی که بمرحوم آیت الله حجت داشت روابط معنوی بسیاری با ایشان داشت و بی اندازه علاقهٔ وارادت وسر سپرده ایشان بود وبطوریکه از بعض ثقات طهران شنیدم با آیت الله حجت پیمان وعهد بسته بود که پس از ایشان اگر اجلش تاخیر از اجل ایشان بود دیگر زیست نکند واول لاحق بایشان باشد چنانچه هم چنین شد روز دوشنبه ۳ جمادی الاول نزدیك زوال که آیت الله حجت در گذشت واز این عالم فانی مسافرت بعالم جاوید نمود مرحوم سردار هم در کرمانشاه روز ۳ شنبه ٤ ماه مزبور بمجرد خبر شدن از فوت همعهد شفیق و رفیق صدیق خود از دنیا رفت و بنابر وعده وعهدش اولین لاحق بآیت الله حجت از دوستان ومریدان ومخلصینش گردید (جعله الله من رفقائه فی جنانه مع اجداده و آبائه علیهم السلام) ولادت این مرد بزرك بنابر نامه ایکه درجواب تقاضای مرحوم ملاعلی واعظ خیابانی صاحب علماء معاصرین نوشته دوساعت از روز سه شنبه ۱۸ محرم سنه ۱۲۹۲ هجری گذشته درشهر کابل از کشور افغانستان واقع شده وپس از تسلط انگلستان بر افغانستان وحکومت امیر عبدالرحمن خان با پدرش مرحوم سردار نور محمدخان فرماندار وحاکم مطلق سابق کابل وتمام عائله از افغان بیرون آمده ومهاجرت بهند ودرلاهور ساکن گشتند درسال ۱۲۹۲ ومدت ۷ سال در آنجا تحصیل قرآن وفارسی و انگلیسی رانموده تا ٤ سال واز آنجا هم مهاجرت بکاظمین وعراق عرب نموده درشعبان ۱۳۰٤ ومجاورت آنجارا اختیار ومشغول تحصیل عربی گردیدند درحالیکه از عمرشان دوازده سال نگذشته بود تانیز بحکم تقدیر وقضاء الهی از آنجا هم هجرت بایران ودرجمادی الاولی ۱۳۱۰ نموده وساکن کرمانشاه گردیدند

ترجمه احوال این محقق کم نظیر در بسیاری از کتب تراجم عصری وچندین تالیف از خود ایشان مانند ترجمه انجیل برنابادو ترجمه المراجعات آیت الله الشرف الدین العاملی وبعض دیگر موجوداست وخلاصه این فیلسوف عالم تشیع وافلاطون حکیم قرن ۱٤ هجری درمدت کوتاهی علوم مختلفه ادبیت وعربیت فقه واصول وحکمت ونجوم وبعض السنه مختلفه وبسیاری ازعلوم غریبه و عجیبه رانزد اساتیدفن درهندوستان وکاظمین وکرمانشاهان واماکن دیگر دیده ودر تمام آنها استاد ماهر گردیده ودرفقه واصول و درایه وروایه حائز مقام منیع اجتهاد و مأذون ومجاز ازمراجع بزرك چون آیة الله سیدحسن صدر ومیرزا محمد علی رشتی وحاج سید محسن جبل عاملی وبعضی دیگر از آیات عظام وبحدی در تمام علوم وفنون استادشده که ازاو تصریح بشیخ بهاء قرن ۱٤ هجری



میکردند بایك تفاوت که درشخصیت شیخ بهائی بیشتراز هرچند فقاهت جلوه گر است و درشخصیت مرحوم سردار اطلاعات ریاضی ظهوردارد و از این مراتب گذشته جنبه معنوی و باطنی وصفا وقدس و تقوی وروحانیت محض او در کمتر کسی ازپرهیز- کاران وصاحبان مذهب روحانی و عقلی دیده شده است



مرحوم حجت الاسلام سردار کابلی طاب ثراه

یکی از شاگردان ایشان مینویسد درمقدمه (المراجعات) من هرزمان کثرت معلومات ونجابت و تهذیب اخلاق ایشان رابیاد میاورم وانصاف میدهم روحم بتعظیم برمیخیزد و قلبم گواهی میدهد که

فی قمة الفضل له منزل    مامرفی وهم ولافی خیال

تالیفات این مرد بزرك بسیار واز آنها شماره های ذیل است ۱- کتاب اربعین فی فضائل امیر المومنین ع از کتب اهل سنت وجماعت در ٤ مجلد حدود ۳۰ هزار بیت ۲- دیوان ابوطالب - ۳ شرح لامیه ابوطالب علیه السلام ٤- غایة التعدیل فی معرفة حقیقة الاوزان والمکائیل ٥- تبصرة الحر فی تحقیق الکر ٦- شرح خطابه حضرت زینب علیها سلام در کوفه ۷- رساله در معرفت قبله ۸- العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص فی الاعمال الفلکیه ۹- کشف القناع فی تحقیق المیل والذراع ۱۰- شرح تهذیب المنطق ۱۱- شرح دعاء ندبه ۱۲ ترجمه کتاب التحصین فی صفات العارفین ۱۳ شرح حدیث امیر المومنین علیه السلام دربیان قطر و محیط شمس وقمر وبیان اختلاف دوافق شمس مطابق بااستکشافات امروزی ۱٤- ترجمه کتاب تازتر درمساحت ابتدائی از انگلیسی بفارسی ۱۵ ترجمه الکنز المبذول للغنی والفقیر ۱٦- ترجمه انجیل برنابا ۱۷- تحفة الاحباب فی آیات الکتاب ۱۸- رساله درمعرفت قبله موسوم به تحفة الاجله فی معرفة القبله

وفات این مرد بزرك چنانچه اشاره کردیم در ٤ جمادی الاول ۱۳۷۲ یکروز پس از فوت آیة‌الله حجت در کرمانشاهان واقع و جنازه‌اش حمل بنجف اشرف گردید رحمة‌الله علیه

**معاضدین آیت اله حجت**

از روزیکه مرحوم آیة‌الله المؤسس حاج شیخ عبدالکریم الحایری الیزدی در قم رحلت نمود و آیة‌الله العلام آقا سید محمد حجت رضوان الله تعالی علیه بامرحوم آیة‌الله العظما الحاج الاقاصدر الدین الصدر الموسوی العاملی الاصفهانی، ومرحوم آیة‌الله المعظم الحاج سید محمد تقی الخونساری بر مسند زعامت و سرپرستی حوزه علمیه قم قرار گرفتند بامعاضدین و رفقائی چون حجة‌الاسلام والمسلمین العلامة النسابة آقا سید شهاب الدین النجفی المرعشی والمرحوم آیة‌الله الفیض القمی همت بر حفظ و ابقاء و اداره حوزه علمیه گماشته و بامجاهدات و مبارزات منفی و مثبت خستگی ناپذیر خدا پسندانه هر کدام متکفل قسمت عمده از وسائل تامین حوزه گردیدند یکی بدرس خارج گفتن و نان و شهریه دادن و دیگری هم به شهریه پرداختن و اداره تدریس جمعی نمودن و دیگری به گفتن سطوح نهائی و بامبادی عالیه و مردم متنفذ و خیر تماس مستقیم و غیر مستقیم گرفتن و توصیه بحوزه علمیه را نمودند. کمك بتوسعه آن میکردند

وخلاصه باهر وسیله و بخصوص تحمل و بردباری و صبر و شکیبائی حیرت انگیزی در مقابل حوادث و موانع ایستادگی کرده و دفاع از حوزه علمیه نمودند تا ورود آیة‌الله الکبراء البروجردی که زعامت حوزه را بدست ایشان سپرده و باز تشریك مساعی جمیله با ایشان نمودند تا امروز ونبود این معنی مگر بواسطه پاکی نفس ،سلامتی قلب و سعه صدر و وحدة هدف و کلمه ایشان جزاهم الله عن الاسلام والمسلمین خیرا

بسیار باهم مهربان و رفیق و شفیق بودند در قضایای مهمه انجمن کرده و مشورت مینمودند و منازل یکدیگر رفته ازهم ملاقات می کردند و اگر مریض می شدند عیادت ازهم نموده سعایت برای بهبودی و معالجه همدیگر میکردند

روزیکه خبر کشته شدن احمد کسروی در دادگستری بدست مرحوم سید حسین امامی و فدائیان اسلام بقم رسید بنده مؤلف برای بشارت و عرض تبریك بمنزل مرحوم آیة‌الله خونساری که چندی مریض بودند و بمباحثه نمی آمدند رفتم دیدم حضرت آیة‌الله المرحوم آقای حجت درب منزل ایشان ایستاده و منتظر استیذان دخول است فرمودند فلانی چه خبر است عرض کردم خیر است کسروی بحمدالله ساقط شده و مقتول گشت بسیار خوشحال



شدند باتفاق ایشان وارد منزل شدم آقای خونساری تشریف آوردند و شخص رابعی غیر از آن دو بزرگوار و این حقیر نبود مرحوم آقای حجت استفسار و تفحص از احوال مرحوم خونساری نمودند فرمودند قدری بهترم بعد فرمودند آقای رازی برای ما در این اول صبحی خبر خوشی آورده پرسیدند چیست عرض کردم الحمدلله کسروی بسزای عمل بد خود و دعوتهای کاذبه و جسارتهایش بر مقدسات دینی و نوامیس اسلامی رسید و بدست فلان در فلانجا کشته شد فرمودند الحمدلله ورنك صورتشان بر افروخته گردید و گفتند خبر بسیار خوب و مژده بزرگی بود من حالم خوب شد دیگر کسالتی ندارم و عصری بمباحثه خواهم آمد

مرحوم آیة‌الله حجت با آیة‌الله المعظم آقای حاج آقا صدر الدین صدر بسیار گرم و رفیق بودند پس از فوت مرحوم حایری چون هر دو وصی ایشان بودند در کارهای حوزه و اداره کردن طلاب باهم بسیار تماس میگرفتند و تشریك مساعی مینمودند و چون دو برادر باوفا و صفا مانوس باهم بودند چنانچه در فوت مرحوم حجت ظاهر شد در فاقت و برادری آیة‌الله صدر حقیقتاً زیرا که ( بان الانکسار فی وجهه من بعد موته ) ومی فرمودند چگونه متاثر و شکسته نشوم که متجاوز از بیست سال با این مرد من قدم زده و شبها و روزهائی را گذرانیدم و در غالب اوقات با او همکاری و هم فکری نموده ام

**شخصیت آیت الله العظمی الحاج آقا صدر الدین الصدر مدظله**

این مرد بزرك اسمش سید محمد علی و کنیه‌اش ابو الرضا و شهرتش صدر الدین از اجلاء علماء امامیه عصر حاضر و یکی از زعماء چندین ساله حوزه علمیه قم پس از فوت آیة‌الله المؤسس حایری و یکی از دو وصی ایشان و معاضدین معظم له در زمان حیوتش بوده

تولدش در ماه رجب سال ۱۲۹۹ هجری در کاظمین واقع شده و در آن سامان در مهد تربیت پدر بزرگواری چون مرحوم آیة‌الله حاج سید اسمعیل صدر رضوان الله تعالی علیه صباوت را گذرانیده و تحصیلات ابتدائی را در سامراء و پس از مهاجرت پدر بکربلا در آن شهر بانجام رسانیده و سطوح را نزد مرحوم آیة‌الله شیخ حسن کربلائی و مرحوم آیة‌الله آقا ضیاء الدین عراقی قرائت نموده و تحصیلات عالیه را نزد پدر بزرگوار خود بهرمند شده و در سال ۱۳۲۹ هجری حسب الامر پدر معظم بنجف هجرت کرده و در آنجا مدتها در حوزه درس مرحوم آیة‌الله آخوند ملا کاظم خراسانی حضور یافته و بدرس و بحث تحقیقی پرداختند تا در سال ۱۳۳۹ سفری بایران نموده و چندی در مشهد مقدس اقامت و بدرس و وعظ

وارشاد و اصلاح حال مسلمانان مشغول بوده از جمله در آنموقع که قحطی عظیمی بر مشهد حکمفرما شده بود وجان بیچاره گان را تهدید میکرد حضرت ایشان بااقدامات جدی وتشکیل جلسات جمع آوری اعانه بوسیله علماء ومحترمین شهر بسیاری از مستمندان را از خطر مرك نجات دادند ودرسال ۱۳۴۴ به نجف عودت و چند سالی در آنسامان بتدریس وبحث پرداخته ودر مجلس بحث مرحوم آیة‌الله نائینی حاضر میشدند تاسال ۱۳۴۹ که بایران مراجعت و برحسب خواهش مرحوم آیة‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی چندی درقم توقف وبدرس ووعظ وارشاد و اقامه جماعت اشتغال داشته سپس بمشهد مقدس مراجعت ودر آنجارحل اقامت افکنده و ازلحاظ اقامه جماعت در مسجد گوهرشاد محبوبیت تامی حاصل وموقعیت اجتماعی ووعظ وارشاد واصلاح حال مسلمانان شخص اول روحانیین بوده که هنوز خاطرات بسیار جالب درائر حسن رفتار و کردار ایشان دردلهای مسلمانان خراسان برجاست



مرحوم آیة‌الله حاج سیدصدرالدین صدرطاب ثراه

موقعیکه مرقدمقدس حضرت رضاعلیه السلام احتیاج بتعمیرداشته و از طرف نایب التولیه وقت مرحوم محمد ولی خان اسدی اقدام بتعمیر وتبدیل صندوق چوبی بصندوق مرمری شده بودبنائی مرقد را حضرت آیة‌الله تحت نظر مهندسین و معماران انجام میدادند

تااینکه سال ۱۳۵۴ هجری فرا میرسید یکی از تجار قم عازم زیارت خراسان



اعلیحضرت ثامن الحجج علیه الصلوة والسلام میشود موقعیکه برای تودیع مشرف بحضور آیة‌الله حایری یزدی میشود ایشان باو میگویند من پیر شده ام اگر بتوانی آیة‌الله صدر را بقم بیاوری کاربزرگی کرده ای خلاصه آن شخص تاجر چون بمشهد مشرف میشود باصرار زیاد معظم له را حرکت بقم میدهد مرحوم آیة‌الله مؤسس حایری بسیار خرسند شده ایشان و آیة‌الله حجة رابجانشینی وزعامت برسرپرستی حوزه علمیه تعیین وتنصیص نموده وخود پس از چندماه ۱۷ ذی القعده دنیای فانی را وداع میکند

سپس حضرت آیة‌الله صدر مقام مـرجعیت تقلید عدهٔ از مسلمین رااحراز نموده وباداره حوزه علمیه و تشریك مساعی بادوقرین بزرك مرحومین علمین آیة‌الله حجت و آیة‌الله خونساری ازهیچ کوششی درنگهداری حوزه واصلاح حال طلاب فروگذاری نمیکنند حتی امتحانات طلاب راخود شخصاً رسیده گی کرده وحجرات تحتانی مرطوب مدرسه فیضیه را تعمیروزیر آنهارا برای کم کردن رطوبت خالی ومانندسرداب میسازد که طلاب ساکن مدرسه ازخطر رطوبت ورماتیسم ودردپا مصون بمانند

آیة‌الله صدر ادام ظله درهفته ۱۰ ساعت برای طلاب وفضلاء تدریس می فرمودند واز حوزه درس ایشان صدهانفر عالم ودانشمند بردست بیرون آمده اند که درقم و شهرستانهای دیگر معروف و بتربیت اخلاق مردم وتبلیغات دینی اشتغال دارند واز معاریف ایشان جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای آقاشیخ محمد صدوقی یزدیست که تادوسه سال قبل درحوزه علمیه قم بتدریس دروس نهائی سطح مشغول واکنون دریزد مردم را ازاخلاق فاضله وعلوم خود بهره مند میکنند

آیة‌الله صدر درزمان حیوة خود وصحت مزاجشان درتشویق طلاب بسیارساعی وکوشا بودند ازجمله امتحان هفتگی بطور مسابقه واعطاء جائزه تشکیل وبوضع طلاب ومحصلین آبرومند وعفیف شخصاً رسیدگی کرده وشهریه می پرداختند ونیز بااخلاق حمیده وتواضع مخصوصه خودشان طلاب ومؤمنین رانگهداری کرده وتوسعه میدادند وشاید درمیان اقرانش تنها عامل بگفته جدبزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه وآله بود که میفرمود ( ان لم تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم ) غالباً سبقت بسلام داشتند خود این نگارنده را بسیار شرمنده ومنفعل این سجیه حمیده خود می نمودند وغالباً از ۲۰ و ۳۰ قدمی باروی باز سلام نموده واکرام میفرمودند وحتی بعضاً ازپشت سر سلام گفته و دلجوئی مینمودند

همتش بسیار بلندوعالی وسعهٔ صدرش زیاد درزمان جنك وآمدن متفقین بایران که

از میشومی قدوم آنها قحط و غلا سراسر کشور را فرا گرفته بود و فقرا و بینوایان در هر کجا نان خالی را هم نصیبشان نمیشد بخصوص مردم قم که نصف آنها بطور قطع فقیر و بی بضاعت اند بسیار پریشان و نگران برای آنمردم بینوا شده با تشریک مساعی بوسیله جمع آوری اعانه از اغنیاء دو مؤسسه بزرگ بنام شرکت خیریه و بنگاه خیریه و قریب بیست مؤسسه خیریه کوچك محلی برای کمك مستمندان تأسیس می کند وحتی خود این نویسنده که در آن اوقات ناظر آن حوادث بودم می شنیدم که این مرد بزرگ با آنهمه وزن و مقام و وقارشان بعض شبها بدرب منزل ثروتمندان و سرمایه داران رفته و التماس می کردند که جان فقراء و ضعفاء را از خطر قحطی و گرانی نجات دهید

یکی از آثار معظم له تعمیر قسمتی از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام است در قم که پس از خراب شدن جهت شمالی آن برای خیابان آن بزرگوار دیوار زیبائی که نظرها را جلب میکند بر آن بنا میکند و دیگر چاهای آب و آب انبار در نقاط کم آب شهر بنا می کند حتی وقتیکه شهرداری بعذر نداشتن بودجه از چراغ برق دادن پارهٔ از خیابان خودداری میکند ایشان مخارج آنرا متکفل میشود

آثار قلمی ایشان بسیار است در فنون مختلفه حدیث فقه و اصول و تاریخ اسلام که از مطبوعات آن المهدی است در احوال حضرت صاحب الامر عجل الله له الفرج که تمام آن از اخبار و احادیث عامه و اهل سنت تالیف فرموده اند و دیگر خلاصة الفصول در علم اصول که فصول را ملخص فرموده و مورد بحث و مطالعه اهل فضل و دانش است

تألیفات و آثار علمی ایشان که اغلب آنها متاسفانه بچاپ نرسیده است بقرار ذیل است

الف ـ در فقه ١ منظومه در حج ٢ منظومه در صوم ٣ رساله در حکم ماء غساله ٤ رساله در تقیه ٥ رساله در حج ٦ رساله در امر بمعروف و نهی از منکر ٧ رساله در نکاح ٨ حاشیه بر عروة الوثقی ٩ حاشیه بر وسیلة النجاة ١٠ سفینة النجاة در فقه فارسی ١١ رسالة فی حقوق المرئه

ب ا ـ صول ـ حاشیه بر کفایة الاصول ٢ ـ خلاصة الفصول مطبوع

ج ـ اصول عقاید ١ ـ رساله در اصول دین ٢ ـ رساله در رد شبهات وهابیه ٣ ـ رساله در اثبات عدم تحریف کتاب

د ـ تاریخ مختصر تاریخ اسلام در ٥ جلد

هـ ـ حدیث و اخبار ١ ـ رساله ای در حقوق ٢ ـ المهدی ٣ ـ لواء محمد در اخبار خاصه و عامه



١٢ جلد ٤ ـ مدینة العلم مجموعه اخبار اهل بیت باطرز جدید در ٦ جلد

و ـ اشعار ـ دیوان اشعار شامل اشعار مذهبی و اجتماعی و نصایح و مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السلام (اغلب از این کتابها عربی است)

**آثار و باقیات الصالحات آیة الله صدر طاب ثراه**

مرحوم آیه الله حاج سید صدر الدین صدر قدس الله نفسه الزکیه از علماء اعلام اجتماعی بودند که برای رفاهیت عموم مردم و خصوص طلاب از کارها و خدمات اجتماعی بهیچ وجه مضایقه نفرموده و بلکه ساعی بودند که حتی المقدور در این موضوع از خود یادگارها و باقیات الصالحات بگذارند از این جهت در مدتیکه در مشهد مقدس تشریف داشتند خدمات زیادی باجتماع نموده و تاسیسات عام المنفعه نمودند در ساختمان روضه مبارکه رضویه علی مشرفها السلام خود شخصاً عملکی نموده وخشت و گل و مصالح ساختمان دیگر بکار برده و تحت نظر معماران بنائی آن قبر مطهر را نمودند برق جامعه گوهرشاد در روز نخستش از آثار ایشانست در قم المحمیه هم آثار زیادی از تعمیر مساجد و تأسیس برق و روشنائی و تأسیس حجرات فوقانی مدرسه دار الشفاء و تعمیر مدارس فیضیه و دار الشفا و مدرسه خان از باقیات الصالحات و آثار خیریه ایشانست غیر از مؤسسات و خدمات اجتماعی دیگر ایشان که بر اهل علم و دین قم مبرهن و معلوم و از توضیح واضحات است جزاه الله عن الاسلام و صادعها و المسلمین خیر ا دارای فرزندان چندیست که دو نفر آنها از فضلاء نامی حوزه و افاضل محصلین و مدرسین امروزه حوزه هستند که ذیلا ترجمه خواهند شد

**جناب آقای آقا رضای صدر حفظه الله تعالی** در سال ١٢٩٩ هجری در مشهد متولد شده و پس از چند سالی با والد معظم خود مهاجرت بقم نموده و بخواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و پس از تکمیل آن سطوح را نزد اساتید حوزه و والد ماجد خوانده و بعد از تکمیل آن در جلسات تدریس فقه و اصول آیت الله والد حاضر و در مدت کوتاهی بمقامات علمی و عملی نائل و بکثرت فضل و تحقیق مشهور و از مدرسین و اساتید معقول و منقول گردیده است و اکنون در صحن موزه آستانه در جای والد مرحوم خود نماز جماعت میگذارد و مانند مرحوم والد فقید و معظم خود دارای بیانی بلیغ و لسانی فصیح و مقام وعظ و ارشاد و خطابه می باشند که در ماه رمضان و بعض اوقات دیگر عموم مردم و خصوص اهل علم را مستفیض میفرمایند

**جناب آقای آقا موسی آیت الله زاده صدر**

فرزند برومند و چون برادر بزرگ خود ارجمند و فاضل حضرت آیت الله صدر است که در سن جوانی

وعنفوان شباب گوی سبقت از بسیاری همگنان ربوده و بفضل و دانش شهرت یافته وحوزه تدریس قوانین ودروس دیگرش حائز اهمیت وجمعیت گردیده است درسال ۱۳۰۹ شمسی هجری در مشهد متولد شده و باوالد و برادر گرام خود مهاجرت بقم و از کودکی بتحصیل فارسی اشتغال و بااستعداد سرشار و هوش و ذکاوت خداداد یکه مخصوص بآنهاست طی مقدمات وادبیات نموده و سطوح را معقولا و منقولا از اساتید حوزه چون جناب آقای خمینی و جناب آقای داماد و آقای طباطبائی و دیگران تکمیل ومدتها از خارج آقای دامادو آقای خمینی استفاده نموده ودرجلسات تدریس آیة الله الوالد و آیة الله حجت حاضر و حائز مقام فضل و دانش گردیده است حقا اسلام و مسلمین چشمشان در امروز و آتیه این دو برادر بزرگوار که شرافت حسبی را توام بافضیات نسبی که ازطرف والد فرزندان چنان پدری و ازطرف مادرسبطان مرحوم آیت الله اعظم قمی هستند نموده اند روشن است و آقای آقا موسی دام توفیقه چون والد ماجد خود دارای ذوق سلیم وطبع سرشار یست

## ضایعه اسفناك فقدان و رحلت آیت الله العظمی آقای حاج سید صدر الدین صدر یا سومین حادثه مهم پس از آیت اله حایری

یکی از ضایعات عظیمه اخیره حوزه علمیه درحال تحریر وطبع این تاریخ فقدان و رحلت مجسمه علم وفراست وپیکره عقل و کیاست آیة الله العظمی آقای صدر قدس الله سره الشریف بوده است ـ صبح روز شنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۷۳ ق ه مقداری از تراجم معاریف حوزه رانوشته وبرای حضور در بعض از مباحثات ازخانه بیرون آمده وبعجله بطرف دانشگاه فیضیه رهسپار شدم اما همینکه در محوطه میدان آستانه ودرب مدرسه رسیدم طلاب ومحصلین رادیدم هر چند نفری حیران وسرگردان ایستاده بایکدیگر صحبت میکنند که ناگهان بانك خطر وزنك بلاو ناقوس مصیبة (بلندگوی آستانه) بصدا آمده ومرا وهمه مردم قم بلکه وجمله مسلمین جهانرا متوجه نمود به پیش آمد حادثه بزرك وضایعه اسفناك وفاجعه مؤلمهٔ آه این چه صدائی بود وای این چه آوازی ناله جبرئیل بود یافریاد عزرائیل درمقاتل وتواریخ مسطور است که جبرئیل دووقت بفغان آمده ودرمیان آسمان وزمین آوازداده وناله از دل کشید یک وقت صبح ۱۹ ماه رمضان بود که باصدای رسا گفت (الایااهل العالم هدمت والله ارکان الهدی الخ) ودیگر درظهر عاشورا که فریاد (الا یااهل العالم قتل الامام وابن الامام وابو الامام الخ) ازجگر کشیده ومردم بیدار را متوجه به پیش آمد مصیبت ناگواری نمود درقم هم یك سال نشده که دو بانك عظیم و ناقوس عزا بصدا آمده



ومردم را بحادثه عالم سوزی متوجه کرد یکی درظهر شنبه سوم جمادی الاولی ۱۳۷۲ ق ه بود که گفت مردم آیة الله حجت برحمت ایزدی پیوست ودیگر درصبح شنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۷۳ ق ه بود که گفت مردم قم آیة الله صدر برحمت ایزدی واصل شد خدادانا ست که بشنیدن این کلام که باتلاوت قرآن توام شد آه ازجگر کشیده فریاد (انالله و انا الیه راجعون از دل) بر آورده باعجله بطرف منزل آیة الله صدر روان گردیده و گفتم

تنعی المکبرة الاعلان و اضطربت — وضع الزمان و حار کل انسان
قد مات سید آل الصدر وانکسرت — رکن الدیانة و الاسلام فی الان
ماتت کیاسة والتدبیر و اختلجت — امر الزعامة فی العال و فی الدانی

درمیان صحن آستانه متجاوز از صدها طلبه ومردم دیگر را دیدم که بصدای بلند گریه میکنند در کوچه وخیابان مردم رانگران و گریان دیدم تا بدرخانه آیة الله المرحوم رسیده محشر عظمائی دیدم صدای گریه وناله ازهر طرف بلند وازهر جانب بگوش میرسید پس از دوساعت دیگر جنازه آیة الله را سردوش مردم قم ازعلماء وطلاب وتجار و کسبه وطبقات دیگر که همه متاثر ونالان بوده نگریستم

برچمهای عزا برافراشته دسته جات محصلین وروحانیین وعوام ناله های (یادهر اف لك من خلیلی کم لك بالاشراق والاصیلی من طالب و سالك قتیل والدهر لایقنع بالبدیل) داشتند تاوارد صحن مقدس مطروس ازجمعیت شده وحضرت آیة الله العظمی بروجردی که خدا عمر وعزتش دهد بانهایت تأثر وکمال آه وافسوس با هزاران جمعیت بر آن نماز خوانده وحمل بمقبره آیة الله حایری وروضه منوره فاطمیه علیها سلام نموده و در کنار (سمت قبله وجلوی) آیة الله حایری اورا بخاك سپردند (الا الا عاش سعیداً ومات سعیداً حمیداً حشره الله مع السعداء والشهداء آمین یارب العالمین) عموم طبقات قم وطهران وغالب مردم ایران تادوروز اقامه عزا نمودند درقم بیش ازهمه جاوبعد در طهران وپس از آن خراسان و اصفهان وکاظمین علیهما السلام و کربلا ونجف وپاکستان وسوریاو لبنان و آفریقا مجالس فاتحه وعزا گذارده وازضایعه فوت این مرد بزرگوار تعظیم وتقدیر نمودند

### آیت الله صدر کیست و شخصیت آنجناب چیست

درهمین سطور گذشته بود که فهرست ترجمه و خدمات معظم له را بامقام فضل و تقوی و آثارش نگارش دادیم اماچون درزمان حیوة نمیشود تمام اوصاف وفضائل صاحب عنوان وترجمه را شرح داد حال که مصاب بمصیبة این فقید معظم شده و بگفته

اذ مت كان الناس صنفان   شامت و آخر مثن بالذى كنت اصنع

قلم درتحرير وزبان درتقرير آزادشده فضايل مخفيه وخصايص مكتومه آنجناب را بصفحه آورده وبراى هميشه دراختيار علاقه مندان گذارم وباحترام ارواح ايشان اولاشخصيت خانوادگى ونياكان واجدادايشانرا چنانچه مرحوم ثقة الاسلام حاج شيخ عباس قمى درمنتهى الامال درباب احوال اولاد موسى بن جعفر عليهما السلام از آية الله صدرو آية الله والدشان يادكرده وهم حضرت آية الله نجفى مرعشى نسابه عصر حاضر در تراجم و مشجرات خود آورده مينگارم

## آل صدر الدين

من اشرف بيوت العلويين واعرفهم فى الاصاله والنجابة وقد نبغ فيهم رجال ورثوا المجدوالسياده والفضل منهم سيدالاستاد امام ائمة الفقه و الحديث الرحلة القدوه مسند العراق شيخ الاجازة ومركز الرواية شرف آل الرسول وفخر ذرار البتول((ص))حجة الاسلام وآية الله فى الانام السيدابو الحسن صدرالدين ادام الله بركته وجزاه عنى خير الجزاء فقد ربانى فى حجر تربيته وكم له حق على اخذت عنه الرجال والدرايه وقرات عليه الكافى وشطراً من الفقيه وغيرهما من اصول اصحابنا وامره سلمه الله وجعلنى من كل محذور وقاه فى الجلالة اشهر من ان يذكر وفوق ماتحوم حوله العبارة ومنهم سيدالفقهاء الراشدين بن فخر المجتهدين العلامة الزاهد المعرض عن رياسة الدنيا حجة الاسلام و المسلمين آية الله فى الورى سيدنا ومولانا الحاج سيد اسماعيل الصدر قدس الله لطيفه واجزل تشريفه وكان ممن توجهت اليه الزعامه الدينيه وثنيت له الوسادة فى بلادالشيعه ولكنه لمكان زهده وورعه قد اعرض عنها واشتغل بتهذيب نفسه وتكميلها وخلف عدة هم الهاشميين الرافلون فى اثواب السعادة والمتسربلون بثياب الفخر والسيادة وهم حجة الاسلام السيدمهدى نزيل مشهد الامام ابى ابراهيم موسى بن جعفر ع احداعلام الدين ومروج الشرع ادام الله بركته و حجة الاسلام سيدنا الصدر الدين نزيل مشهد الرضا(ع) بخراسان احدزعماء الشريعه بتلك الديار (اقول المهاجر منه الى بلدةقم المحميه فى سنة ثلاثمائة واربعة خمسين بعدالالف من الهجرة النبوية المتوفى فى تلك الايام فيها) تا آنجاكه درباره نسب آية الله صدر رضوان الله عليه گويد هوفرع الشجرة الزكية وخلاصة السلسلة المصطفوية طراز العصابة العلويه المنتسب الاشرف نسب علاعنصره واحسب حسب غلاجوهره النسب النابت بطينة المجدالثابت بطيبة ونجد حجة الاسلام وقرة عيون الانام سيدنا السيد صدرالدين لازالت شموس المفاخرة بوجوده



طالعه واقمار المآثر بسعوده طالعه ابن آية الله فى الانام حجة المسلمين والاسلام الحاج السيد اسمعيل الصدر بن العلامة السيد صدرالدين محمد بن العلامة الصالح بن محمد بن شرف الدين ابراهيم بن زين العابدين على نورالدين بن العلامة عزالدين بن محمد بن الحسين بن على بن محمد بن تاج الدين ابى الحسن بن شمس الدين محمد بن جلال الدين عبدالله بن احمد بن حمزة بن سعدالله بن حمزة بن محمد بن ابى السعادات ابن ابى محمد عبدالله بن ابى الحسن محمد بن على بن ابى الحسن بن عبدالله شيخ الطالبين ابى طاهر بن ابى الحسن محمد المحدث ابن ابى الطيب الطاهر بن الحسين القطعى ابن موسى بن ابى السبحة بن ابراهيم المرتضى بن الامام سيدنا ومولينا ابى ابراهيم العبد الصالح موسى بن جعفر عليهما السلام انتهى

(واين بنده حقير) گويد ومن تلك الشجرة الطيبة واصل العليه حجة الاسلام والمسلمين آية الله فى العالمين خاتم الفقهاء والمحدثين احد مشايخ اجازتنا واستاذ استاذنا العلامة النسابة والمحدث البحاثه السيد حسن الصدر خال(آية الله الفقيد)نزيل الكاظمين عليهما السلام والمتوفى فيها فى سنة ١٣٥٤ ومنها الرئيس الاعظم والزعيم الافخم فى دولة العراقية فى عصرنا الحاضر العلامة السيد محمد الصدر بن الخال وابن العم الاية الله الفقيد المعظم فوالله لقد كان ابا رحيما رؤفا كريما وسيع الصدر رفيع القدر عظيم المنزلة قل فى الماضين مثله وشذ فى الباقين نظيره فضائله لايحصى و خصايصه لاينسى ولعمرى لاانسى الطافه الكريمه ومراحمه الشميمه واياديه الجميله ومحاضره اللطيفه وكانى به يسلم على كل من يلاقيه فى بحبوحة رياسته من مسافة بعيده لكثرة تواضعه وهضم نفسه كان والله تارة كالهواء مطيعا لامر مولاه صائنا لدينه حافظاً لنفسه متواضعاً لاهل الدين ساعيا لامورهم قاضيا لحوائجهم مديراً مدبرا فى الحوزه العلمية وكان مشوقا للطلاب والمحصلين مواظبا لاوضاعهم مراغبا باحوالهم فلعمر الحبيب اذا هاجرت من بلدتى الرى الى قم فى حول فوت المؤسس الحايرى ولم يكن لى كفيلا يرعانى فكان هو والله ياتينى ويتفقدنى ويعطينى الوجوه والشهرية ويوصينى ان لايطلع عليها احد(فى سنين عديده) الا الاكان والله رجلا عالما فاضلا بارا و رعا سخيا حميما حليما صابراً محتسباً مجتهداً مواسيا وفى حلمه يقول القائل

كفاك حلمك عن كل الكمال وقد   حويت كل المزايا حالة الصغر

فاذا نزل آية الله المعظم البروجردى فى بلدة قم سبق من اقرانه فى المواساة له والتقديم مكانه اليه والايثار عليه والانزواء من الرياسة والزعامة وكان يقول ويتلو تلك الاية الشريفة تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لايريدون علواً فى الارض ولافساداً والعاقبة للمتقين والحمدلله رب العالمين

**قصیده آیت اله صدر طاب ثراه در رثاء جده اطهر خود حضرت زهرا علیها السلام**

مرحوم آیة الله صدر قدس الله تربته الشریف را طبع سلیم و ذوق سرشاری در انشاد و انشاء اشعار و خطب و قصائد عربی (مدایح و مراثی) اجداد خود بوده (در سابق اشاره بدیوان ایشان نمودیم)

و از آنهاست قصیده غدیریه ایشان که آیة الله امینی تبریزی در (شعراء الغدیر) خود یاد نموده و ما برای تبرک و زینت کتاب خود قصیده رثائیه ذیل آنجناب را که برای مصائب جده اطهر خود حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها سلام گفته اند در این جا نگاشته و امید شفاعت و توجه از معظم له و جده ایشان داریم

یا خلیلی احبسا الجرد المهارا    و ابکیا دارا عایها الدهر جارا
وربوعاً    اقفرت من اهلها    و غدت بعدهم قفراً برارا
حکم الدهر علی تلك الربی    فانمحت و الدهر لایرعی زمارا
کیف یرجی السلم من دهر علی    اهلبیت الوحی قدشن المغارا
لم یخلف احمد الا ابنـــة    ولکم اوصی الی القوم مرارا
کابدت بعد ابیها المصطفی    غصصاً لومست الطور لمارا
هل تریهم ادرکو من احمد    بعده فی آله الاطهار ثارا
غصبو ها حقهـا جهـرا و من    عجب ان تغصب الزهرا جهارا
من لحاها اذ بکت و الدها    قـائلا فلتبك لیلا او نهـارا
ویلهـم مـاضرهـم لـو بکیت    بضعة المختـار ایـاما قصارا
من سعی فی ظلمهـا من راعهـا    من علی فاطمة الزهراء جارا
من غدا ظلماً علی الدار التـی    تخذتهـا الانس و الجن مزارا
طـالـم الاملاك فیهـا اصبحت    تلثـم الاعتـاب فیهـا و الجدارا
و من النـار بهـا ینجو الوری    من علی اعتابها اضـرم نـارا
و النبی المصطفی کـم جـائهـا .    یطلب الاذن من الزهـرا مـرارا
و علیهـا هجـم القـوم ولـم    تك لانت لاوعلیاها الخمـارا
لست انسـاهـا و یـا لهفـی لهـا    اذ وراء الباب لاذت کی تورا
فتك الـرجس علـی البـاب ولا    تسئلن عما جـری ثـم وصـارا
لا تسلنـی کیف رضوا ضلعهـا    و اسئلن البـاب عنهـا و الجـدارا
و اسئلن اعتـابهـا عن محسن    کیف فیهـا دمـه راح جبـارا



واسئلن لوءلوء قرطیها لماا    نتثرت و العین لم تشکو احمرارا
و هل المسمار موتور لها    فغدی فی صدرها یدرك ثارا

**خواب دیدن یکی از فضلا حضرت زهرا (ع) را در شب رحلت آیة الله صدر**

در رحلت و فوت این عالم جلیل القدر خوابهای عجیبی دیده شده که یکی از آنها را مینگارم حکایت کرد برای این بنده نگارنده جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای آشیخ عبدالنبی عراقی نجفی که صبح روزشنبه ۱۹ ربیع الثانی اول آفتاب بی خبر در منزل نشسته بودم که آقای آمیرزا محمد همدانی که از طلاب و محصلین بادیانت است آمد و گفت آقا دیشب خواب عجیبی دیدم گفتم چه دیدی خیر است انشاالله گفت خواب دیدم وارد شدم بر مقبره مرحوم آیة الله الحایری (بقعة العلماء) و دیدم در جلوی قبر ایشان (همـانجائیکه الان قبر مرحوم آقای صدر است) قبری کنده اند و میگویند این قبر آیة الله صدر است آمدم نشستم فاتحه بخوانم دیدم هودجی از آسمان بزمین آمده و از میان آن یك بانوی (خانم) متشخصه مجلله بیرون آمد و از عقب اوهم چند خانم دیگر و آمد بطرف آن قبر گفت باخود گفتم حتماً این خانم حضرت فاطمه علیها سلام است دیدم آمد سر قبر و فرمود این قبر صدر من است صدر من هم از دنیا رفت خوب آدمی بود و تعریف فرمود و فرمود جگر گوشه منهم بود و نشست بنا کرد بگریه کردن که از خواب بیدار شدم ـ آقای عراقی فرمود گفتم تعبیرش معلوم است که صدای بلند گوی را شنیدم گفتم به بین چه خبر است گفت انالله خبر فوت آیة الله صدر را میدهد (این خواب این هم تعبیر)

شعراء عصر و فضلاء حوزه در ضایعه فوت او قصاید عربی و فارسی بسیاری سروده اند که چند قصیده آنرا انتخاب و درج مینمایم و از آنهاست قصیده عربیة ذیل که

جنـاب حجة السلام و المسلمین آقای امام سه دهی اصفهانی سروده است

بکت یاسماء المجد یا فلك الفخر    علیك نجوم العلم والانجم الزهر
فقد ناك یابدر الغیاهب فی الدجی    افی اللیلة الظلماء یفقی علی البدر
فقدناك فقد العین انسانها و قد    ترکت لناقلباً کحب علی جمر
محبوك فی محناك یا مشرق الهدی    تلاءلاء للاخلاق والعلم و البشر
(فیا عجباً و الشمس بالفجر تطلع)    (ونحن فقدنا الشمس فی مطلع الفجر)
حوی صدرك المشروح جم الفضائل    فطوبی لعلم حل فی ذالك الصدر
وفیه کنوز العلم و الحلم والتقی    فیا اسفا هل صدره حل فی القبر

فلو كان قلب صارقبراً لميت      لقد كان قلبي قبره ابد الدهر
تحملت اعباء الهداية انما      تجرعت من كاس امر من الصبر
تلقيت من اجدادك الرشد انما      توارثتم العلياء حبراً عن الحبر
ففيكم كان الا مهات لكم ابت      سوى ان يلدن العالم العلم الطهر
تزودت من لقياه قبل ار تحاله      ولم ادران الملتقى موعد الحشر
فانشأت منظومي بمنثور مقلتي      وهاك رثائي جامع النظم والنثر
واذغاب بدر الصدر قلت مؤرخاً «١٣٧٣»      فاصبح الخلد باهي مقدم الصدر

ونيز فاضل دانشمند آقاى آقاشيخ جواد كربلائى گويد

فمن يأمن الدهر الخئون بفعله      سوى جاهل لا يعلم الرشد فى الامر
يجر عنا من اكئوس الغم و العنا      فما ذاك فينا ءاهل المكر و الغدر
فلم تنس من افعاله قبل اشهر      مصائب شتى قد جللن عن الذكر
فبينا يكون الحزن فينا شعارنا      لفقد عظام ذى المعالى و الفخر
زمانا بفقد العزناع بحسرة      فلم يبق منا الصبر فى القلب والصدر
فها نحن في نوح و دمعة ساكب      مصائبنا جلت لفقد هم العر
(مضى الصدرصدر العلم والجودوالتقى)      (الا كل صدر بعده ضيق الصدر)
لقد غاب عنا آية الله صدر نا      هو الصدرابن الصدرللجدفي الصدر
و من فقده قد ضاق صدر اعاظم      فلا مونس للعلم بعدك يا صدر
ايا سائلي عن فقد خير ارومة      لقدصارصدر العلم و الجود فى القبر
لقد حل شمل العلم من بعد جمعه      بفقد الذى قد كان للعلم كالبدر
لقد فقد الاعلام مفخر عزها      اذا لعلم وافاهم من السيد الصدر
لقد كان و الماضون من قبل فقده      اساساً لاهل العلم فى البلدة الغر
فلولاه لم يبق العلوم لوقتنا      و لولاه ما كان المباحث فى النشر
لقد جد فى ابقاء حوزه علمة      ببسط يدفى الجود من سالف الدهر
و ما انا و الاظهار عن بحر فضله      (فكل خصال الخير فى السيد الصدر)
فلم ينس اهل العلم مفخر فضله      دوام بقاء العلم للحشر و النشر
فلا تامنن فى الدهر غير اطائب      اخى ثقة فى الدين او اشبل الصدر
لعمرى فهم من اهل فضل و سودد      بحق لهم اذ انهم من بنى الصدر



فنسئل رب العشر طول بقاء من      بفقد ابيهم فى نياح من العبر
الى رحمة البارى مضى صبح سبتة      بشهر الربيع الثانى فى التاسع العشر
فنودى فى الصبح السعيد بهاتف      اجب دعوت الرحمن بالرتق و البر
فلب نداء الحق شوق لقائه      فصار الى الفردوس ليس الى القبر
تصدر فى صدر الجنان بفرحة      و صافح اهل الخلد للسيد الصدر
الا صبح قد ايتمتنا باب لنا      شفيق علينا ذى السماحة و البر
تخلت عن الايات حوزة علمنا      سوى من به الاحكام مازال فى النشر
لعمرى ما الماوى لنا فى امورنا      سوى السيد الاعلام ذى العز و الفخر
سمى ابن خير الخلق من بسخائه      يكون بقاء العلم فى الزمن العصر
فنسئل رب العرش طول بقائه      الى ان يصير الامر للصاحب الامر (عجل)
فايده يارب العباد بنصره      يفوز بها فى المعضلات من الامر
فيا حائرى اسئل من الله زلفة      تفوز بها خيرا الى اخر العمر

وايضاً جناب حجة الاسلام آقاى آقاميرزاجعفراشراقى تبريزى درمرثيه آنجناب گويد

ان المنايا و ترت قوسها      على البرايا ذيلها تشمر
ثم رمتها بقسى الفنا . .      و اسهم الموت هل تغادر
(ام اللهيم) كدرت عيشنا      و اى عيش القوم ماتكدر
كم اشمس فى الثرى غيبت      منها الظلام فى الورى تعكر
(ياليت صبح السبت ماتنفس)      وليله حتى القيام اخر
وصمت الاذان عن نقرة      حيث النعى بالجهار نقر
ان بالعويل لطموا الخدودا      و بادروا والرؤس حسر
فاجعة لاجلها تهدمت      اركان شرع الانور المطهر
ياارض هل دريت من حويت      حويت صدراً للعلوم مصدر
صلى عليك اله يامن      كان لنا سيداً و مفخر
قداشرف الحور من قصور      مستقبلات روحك المبرر
و قائلات يالنا من بشرى      اذفى الجنان صدر نا تصدر
يا آل صبراً لكم فصبر      عند الرزايا اجمل واجدر

ونيز ميرزاعلى اكبر خشدل شاعر معروف طهران درمرثيه آن يگانه دوران چنين گويد

صدر دیوان فضیلت بدر برج علم و دین / ایدریغا رفت وزد آتش بجان مسلمین
آیةالله معظم - افتخار دین و شرع / حجةالاسلام اعظم اعتبار شرع و دین
بدر رخشان حقایق صدر دیوان شرف / مهر تابان دقایق چرخ ایمان و یقین
صدر دین زان رو پدر خواندش که در دوران عمر
بود اندر محفل روحانیان صدرش مکین
هیچ دانی از چه رو صدرش مکان گردید صدر
زانکه اندر شرح صدرش کس نمی بودی قرین
صبحگاهان ناگهان قلبش زکار افتاد و گشت
خون قلوب مسلمین وز ماتمش زار و حزین
هیچ دانی از وفاتش عالم اسلام را / از چه افتاد انقلاب سهمناکی اینچنین
قلب عالم (حجت عصر است) و قلب نایبش / چون زکار افتاد قلب عالم شدی اندوهگین
قلب عالم چونکه قلب اقدسش شد منقلب / انقلابی شد عیان در آسمان و در زمین
آنکه بودش با ادب علم و ادب در آستان / وانکه بودش از شرف فضل و شرف در آستین
عالمان از سفره علم و کمالش ریزه خوار / عالمان از خرمن تقوای و قدسش خوشه چین
راه دین را رهنما از ابتدا تا انتها / اهل دین را مقتدا از اولین تا آخرین
مذهب اسلام را شایسته بود آن پیشوا / وآنچنان پیغمبری فرزند باید اینچنین
من بنام آیت السرور و مخدوم خویش / (حضرت کاشانی) آن والا زعیم بیقرین
تسلیت گویم بجد وی نبی مصطفی / همچنین بر باب ایشان شهریار هفتمین
زان سپس بر مرجع تقلید خاص شیعیان / (آیت الله بروجردی) ملاذ المسلمین
خوشدلا بر جمله روحانیان گو تسلیت
همچنین بر مسلمین از مرگ صدر المسلمین

ودیگر آقای دوانی در رثاء مرحوم آیت‌الله صدر گوید

الا ای قمری نالان بنال ای مرغ خوش الحان
نخوان ای بلبل خوش خوان نخند ای طوطی خندان
که از نیرنگ گلخن ها نمیاید زگلشن ها / زیاس و سرو و سوسن ها نسیمی در مشام جان
بهاران عهد بشکسته علی رغم دل خسته / طراوت روی بربسته ز روی نوگل بستان
خزان سفله رسوا افسرده عالم دنیا / بکوی و برزن صحرا کشیده لشکر طوفان



ندانستم چراجائی نگشته ایمن از قهرش / نمیدانم چه غوغائی بوددر صفحه کیهان
گمانم گلبنی خوشبو میان سنبل وخیرو / زده در گوشه پهلو شده افسرده وپژمان
و یا شمس جهان آرا گرفته چهره ازدنیا / که گشته تیره وظلما زمین و گنبد گردان
و یا از کشور جانان ز بزم و مجمع یاران / نهان گشته یکی سلطان ز نسل وزاده انسان
که بد آن سرور اعظم فقیه و مرجع اعلم / که از مرگش سروش غمزده آتش بانس جان
یگانه عالم عامل فروغ دیده گان ودل / بصیر و زاهد کامل عزیز ملک جاویدان
جلالش همچو پیغمبر کمالش یادی از حیدر / مثالش در جهان کمتر نه من گویم جهان گویان
جمالش مظهر بینش چراغ محفل دانش / بسوی درگهش کرنش نموده اختر کیوان
هوایش بوی مشک آرد بسان روضه رضوان / رضایش بندگی بارد چو طور موسی عمران
زفقهش بهره ور گشتی هزاران عالم وفاضل / اصولش در نظر بابی از آن ابواب بیپایان
زشعرش غبطخور بودندی کمیت ودعبل وازری / زخوانش بهره بردندی خلیل و جاحظ سحبان
زدانش عنصر خاکی شود برتر ز افلاکی / براین معنی بود حاکی هزاران مدرک و برهان
درآن روزی که بیدینی دراین کشور پدید آمد / شنیدم شخص او بوده ملاذ و حصن دینداران
جنابش در بر دشمن کلیم آسا و شور افکن / که از بیمش روان وتن بسان قبطیان لرزان
در آن بحران ظلمانی در آن دریای طوفانی / که شد با فکر نورانی پناه کشتی ایمان
فروزان آیت اللهی قدر قدرت قوی شوکت / بملک عالمان شاهی سخن گستر در افشان
صدارت مسندی باشد بقصر و بارگاه دین / که صدر الدین بفر دین شدی مسند نشین آن
ولی دردا که دنیائی خزان گشت و نزار وژند / بهر کت ای میهن داور دریغا آه وصد افغان
توگوئی کز گه پیشین جهان را عادت دیرین / براین بوده است وغیر از این ندارد با بشر پیمان
الا ای حجت یزدان ولی حضرت سبحان / بیا با دیده گریان سرشک از دیده گان بفشان
براین فقدی که سر داده بدین وعالم اسلام / بویژه آیت عظمی (بروجردی) عظیم الشان
دوانی تسلیت گوید به آقازادگان وی
براین سوگی که رخ داده بجمع و مجمع آنان

**مشاهیر علماء اعلام و اساتید عظام گذشته حوزه علمیه رضوان الله علیهم**

پس از ترجمه مرحوم آیةالله الصدر و نقل بعضی ازقصائد و مراثی در رحلت ایشان می پردازم بترجمه احوال اساتید مهم و دانشمندان عظیم القدر دیگر حوزه علمیه قم که در ترویج و تشیید ومعاونت مرحوم آیةالله المؤسس الحایری و نگهداری حوزه وتربیت و

تعلیم طلاب قم سهم بسزائی داشته‌اند تاادا،حق آنهاشده وارواح مقدسه آنهارا بذکر نام و آثارشان شاد کرده باشم رضوان الله تعالی علیهم

**مرحوم حجت الاسلام آقامیرزا علی اکبر یزدی طاب ثراه**

این مرد بزرگوار که مبادرت بنام ایشان شد از اساتید معظمه حوزه در اوائل تأسیس آن در دروس معقول وحکمت بوده حکیمی بوده ربانی وفقیهی بوده صمدانی گرچه درك زمان ایشانرا نکرده واز احوال ایشان کماً و کیفاً اطلاعی در دست ندارم ولی اینقدر مسلم است که آن بی بدیل ازاعاظم تلامذه واکابر شاگردان مرحوم حاجی سبزواری صاحب منظومه بوده وچنانچه اساتید حاضر حوزه حکایت کنند آنمرحوم استاد بزرگی در فلسفه و عرفان وحکمت طبیعی و الهی بوده و شاگردان بزرگی چون مرحوم آیة الله کبیر و جناب حجة الاسلام آقای آسید کاظم شریعتمداری و آقای حاج آقاروح الله خرم آبادی وبسیاری از رجال دیگر امروز را تربیت کرده واز بیانات خود مستفیض نموده است در سال ۱۳۴٤ق ﻫ از دنیا رفته ومرحوم آیة الله حایری بر جنازه او نماز خوانده ودر قبرستان شیخان بقرب مقبره مرحوم میرزای قمی رضوان الله علیه بخاك رفته است رحمة الله علیه

**مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد کبیر قمی قدس الله سره**

یکی از علماء طراز اول قم جناب حجة الاسلام و المسلمین آیة الله تعالی فی الارضین مرحوم حاج میرزا محمد کبیر قمی است که از شیوخ ومشایخ عظیم القدر آنسامانست ولادتش در سنه ۱۲۹۰ مقدمات را درقم خدمت آیة الله حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را خدمت مرحوم حکیم یزدی ودر طهران خدمت مرحوم آیة الله شهید نوری و حجة الاسلام آقا سید عبدالکریم جیلانی دیده پس از آن برای تکمیل وتهذیب بنجف اشرف علی من شرفها السلام عزیمت نموده وحاضر حوزه درس مرحومین علمین آقای آخوند خراسانی وعلامه یزدی وحاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل تهرانی گردیده وحداکثر استفاده را نموده ودر سال ۱۳۳۸ ﻫ تقریباً مراجعت بقم وبتدریس وتربیت عدهٔ ازمحصلین وطلاب مشغول و به ترویج احکام شرع وارشاد عوام پرداخته

ودر روزهای عزا واعیاد که درمنزل خود مجلس سوگواری وجشن داشت برفراز منبر نشسته ومردم را بموعظه حسنه تبلیغ مینمود درس فقه واصولش مورد استفاده جمعی از فضلاء بوده و باحکمت وفلسفه وحکماء وفلاسفه مخالفت علنی داشت ومیفرمود این فلسفه بافی ها که همه منفی بافیست مردم را ازحریم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین واخبار واحادیث اهل بیت



دور انداخته ومیاندازد و مقالات ایشان بامرحوم آیة الله شاه آبادی درمیان بعضی از اهل علم قم معروفست



مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آیة الله حاج میرزا محمد کبیر قمی

آثار قلمی ایشان بقرار ذیل است ۱ـ حاشیه برصلوة جواهر ۲ـ حاشیه برعروة ۳ـ منتخب الاحکام ٤ـ جامع الفروع ٥ـ مطالع الشموس در اصول

سه تن از فرزندان برومند و فاضل ایشان که درسلك علم هستند ازاین قرارند ۱ـ جناب حجة الاسلام آقای آقاحسین کبیر که از شرکاء محترم درس آیة الهی بروجردی وهم بجای پدر خود در مسجد امام نماز جماعت میخواند ۲ـ جناب آقای آقاجواد آقای کبیر ۳ـ جناب آقای حاج احمد آقای کبیر که اکنون در تهران اقامت دارند وفقهم الله تعالی لمرضاته

**مرحوم آیت الله میرزا محمد علی شاه آبادی**

از رجال بزرك واساتید سترك حکمت وفلسفه و علوم غریبه وفقه واصول در زمان خود بوده واگر او را ازنوادر دهر واغلوطه‌های عصر بشمریم و بگوئیم مبالغه نکرده‌ایم

صاحب ریحانة الادب گوید (مرحوم) میرزا محمد علی شاه آبادی ابن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی ازاکابر علماء امامیه عصر حاضر ما که جامع معقول ومنقول وحاوی فروع واصول بوده ودر تهران درهر رشته تدریس فرموده ومورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی ازشیعه بوده است ترجمه اجمالی ازحال سعادت منوال آنعالم ربانی را موافق آنچه بحسب درخواست این نگارنده نگارش یافته ثبت اوراق مینمایم درسال ۱۲۹۲ق ﻫ در اصفهان متولد ونخست ازوالد معظم خود که ازاکابر تلامذه صاحب جواهر ومسلم الاجتهاد بوده بتحصیلات علمیه پرداخته سپس در اصفهان درحوزه درس برادر بزرك خود آقاشیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش ازبلوغ و کبر سن مصدق بوده وهم در حوزه آقای میرزا هاشم چهارسوقی حاضر وبتکمیل مراتب علمیه پرداخته پس در تهران بحاج میرزا حسن آشتیانی ومیرزا هاشم گیلانی تلمذ نموده سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی مرحوم آخوند خراسانی وحاج میرزا حسین خلیلی ومیرزا

محمدتقی شیرازی شده تا آنکه اجتهاد ودارای قوه مستنبطه بودن وی محل تصدیق اکابر



وقت گردیده واز نجف مراجعت بایران و در طهران در خیابان شاه آباد ساکن واز این رو بشاه آبادی معروف گردیده ودرسال ۱۳۴۷ بقم آمده وفضلاء واساتید حوزه راچون جناب آقای خمینی وجماعت دیگر را از سرچشمه علوم ومعارف خویش سیراب و بهره‌مند نموده تا سال ۱۳۵٤ که بطهران مراجعت و بناء ترویج دین و اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول ومعقول ومنقول راگذارده ونیز مبانی علمی خویش را برشته تحریر در آورده تا در اوائل ماه صفر سال ۱۳۶۹ ق ه برحمت ایزدی پیوسته وباهزاران تجلیل در

**مرحوم آیت الله آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی**

شهرری درمقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر روح الجنان بخاك سپرده شده (چنانچه در تذکرة المقابر خویش یاد نمودیم) از آثار اوست ۱- الانسان والفطره ۲- الایمان والرجعه ۳- القران والعتره ٤- حاشیه کفایه ٥- مرام اسلامی ٦- منازل السالکین درعرفان وغیر اینها درفقه واصول وعقل و جهل ونبوت وموضوعات دیگر وچهارتای اول آن درطهران بطبع رسیده ودرهمه تالیفاتش مبتکر بوده است واز آثار ناطقه وزنده ایشانست فرزندان برومند وفاضلیکه چندنفر آنها در طهران مشغول تحصیل وترویج اند ودو نفر آنها بنام جناب حجة الاسلام آقا محمد شاه آبادی که از فضلاء جوانان حوزه علمیه است و آقامهدی درقم ویکی هم بنام آقای آقا نصرالله درنجف بتحصیل علوم وتهذیب رسوم واخلاق اشتغال دارند وفقهم الله وایانا جمیعاً

**مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم صغیر معروف بملامحمد کریم**

ازعلماء نامی و مدرسین بزرگوار قم وحوزه علمیه میباشند واز قبل ازتشکیل حوزه و آمدن



مرحوم آیة الله حایری درقم ترویج دین واحکام وتدریس فقه و اصول مینموده اند بپارسائی وورع مشهور وسالها درعتبات مشرف بوده واز اساتید آنجا استفاده‌ها نموده وپس از آن مراجعت بقم وبانجام وظیفه مشغول گردیده تا در هشتم جمادی الاولی سال ۱۳۵۲ ق ه که از دنیا رفته ودر صحن مطهر درکنار ایوان مقبره وثوق الدوله مدفون گردیده است

**مرحوم آیت الله حاج سید فخر الدین قمی قده**

از شیوخ علماء قم در قرن اخیر (١٤) آنمرحوم است پدر بزرگوارش مرحوم سیدابوالقاسم دختر زاده محقق قمی است وخودایشان ازتلامذه مرحوم میرزاحبیب الله رشتی است جلالت قدر وسیادت وکمالاتش بیش از آنست که دراین مختصر گنجایش یابد بسیار محترم ومجلل ومعظم بوده ودر تشیید حوزه علمیه هم خدماتی نموده و آنجناب است که برجنازه مرحوم آیت الله المؤسس الحایری نماز خوانده وتمامی زعماء گذشته حوزه بایشان اقتداء نمودند درسال ۱۳۶۳ ق ه ازدنیا رحلت ودربقعه حایری مدفون گردیده است واز یادگاران ایشانست دو فرزند صالح و برومندیکه درذیل فضلاء ترجمه آنها را خواهم نگاشت اول حاج آقاحسن سیدی دوم آقاسید عبدالحسین سیدی دام عمرهما

**مرحوم حجت الاسلام حاج سید محمد باقر قزوینی**

اززهاد علماء ومقدسین فقهاء امامیه درحوزه علمیه قم بوده اند فرزند مرحوم حاج سید ابوتراب قزوینی است درسال ۱۲۹۱ تولد یافته وسال ۱۳۱۹ ق ه بعتبات مشرف شده ودرنزد مرحوم آخوند خراسانی وعلامه یزدی واساتید دیگر فقه واصول وتهذیب اخلاق درس خوانده ودرسال ۱۳۳۲ ق ه بقزوین معاودت کرده ودرسال ۱۳۴۲ ق ه برای همکاری بامرحوم آیة الله حایری بقم آمده وبتشویق طلاب ومحصلین وترویج دین واقامه جماعت درمسجد عشقعلی ومسجد بالای سر وتدریس سطوح وتفسیر واحادیث کوشیده تا درسال ۱۳۶٤ ق ه درروز ۲۸ ماه صفر سال مزبور ازدنیا رحلت و دربقعه حایری بخاك سپرده شد رضوان الله علیه بسیار بزرگوار وپارسا بود ونسبت بهمه طلاب خصوصاً بااین اقل خدمه اهل العلم مهر مخصوصی داشت (جزاه الله عنا خیر الجزاء)

**مرحوم حجت الاسلام حاج سید حسین کوچه حرمی**

ازعلماء عظیم القدر وسادات بارفعت طباطبائی قم بوده اند ودرزهد وقدس وتقوی از نوادر زمان خود بوده درمسجد بالای سر وآستانه مقدسه اقامه جماعت داشته اند ودرزمان حیوة خود محل نماز خودرا تفویض بسید استاد آیة الله نجفی که داماد برادر ایشان بوده نموده

وخود بواسطه کسالت چندسال از جماعت ومعاشرت کناره نموده تاسال ۱۳۵۷ق ه که از دنیا رفته ودر بقعه مرحوم حایری مدفون گردیده است

**مرحوم حجت الاسلام آقا سید محمد برقعی** ازعلمای عالیقدر قم و فرزند مرحوم آیةالله حاج سیدعبداله میباشد این نویسنده زمان ایشان را درک ننموده از اساتید وفضلاء حوزه شنیدم که مردی بزرگوار وسیدی جلیل القدر بوده ودر ترویج دین وتشویق طلاب وتدریس فقه واصول وادبیات همتی بلند داشته وبسیاری از فضلاء ومدرسین امروزه چون جناب حاج میرزا ابوالفضل قمی مفسر در سطوح از شاگردان ایشانند در سال ۱۳۵۰ق ه ازدنیا رحلت ودر بقعه حایری مدفون گردیده است

**مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمد ارباب** ازاعاظم علماء قم واکابر فقهاء وادباء وانسان و والد معظم مرحوم حجة الاسلام میرزا محمدتقی اشراقی خطیب فحل وواعظ شهیر و نادره دوران در فن خطابه وسخنوری و برادران حاضر ایشان میباشند دارای مقام علم و عمل وتقوی وورع وصاحب مکنت بوده ودر تشکیل حوزه و تأسیس این دانشگاه روحانی بامرحوم آیت الله حایری همکاری شایانی نموده و حقاً میتوان گفت از کسانیست که در این مؤسسه دینی تاقیامت سهم بسزائی داشته ودارد ودرفوت ایشان آیةالله المؤسس الحائری بسیار متاثر و نگران شده ودر تسلیت مرحوم اشراقی وبرادران ایشان فرموده بودند نتنها شما یتیم شدید بلکه برادری هم ازدست من رفته است ازمدرسین حوزه علمیه است وبسیاری ازفضلاء واساتید قم وحوزه چون مرحوم آیت الله فیض وعلماء قم نزد ایشان تلمذ نموده اند در سال ۱۳۴۱ق ه ازدنیا رحلت ودر شیخان مدفون گردیده صاحب طبع سلیم وذوق سرشاری بوده واز آثار ذوق فکر وطبع بکر ایشانست قصیده ذیل که در توسل بامام زمان ارواحناله الفداء سروده است



آیت الله حاج میرزا محمد ارباب

| | |
|---|---|
| چه خوش باشد که بعد از انتظاری | بامیدی رسند امیدواران |



| | |
|---|---|
| جمال اله شود از غیب طالع | بدیدار آید اندر بزم یاران |
| دمد ازقرن قدرت نفخه صور | ببارد ابر رحمت آب باران |
| اگر اسکندر دوران بیاید | چشند آب حیاتی تشنه کامان |
| بآواز (اناالحق) مرغ توحید | کند پرواز اندر شاخساران |
| همی گوید منم آدم منم نوح | خلیل داودم قربان جانان |
| منم موسی منم عیسی بن مریم | منم پیغمبر آخر زمانان |
| جهان شد تیره چون شبهای تاریك | خدایا در رسان خورشید تابان |
| توای جام جهان رخساره بنما | که خستند ازتعب آئینه داران |
| جهان ویران زجور جوفروشان | ز سالوسی این گندم نمایان |
| تو مرات نکوئی خدائی | خدارا سوی ما رو کن شتابان |
| به بین مارا اسیر بند کفار | گرفتار شکنج روزگاران |
| تو موسی وار شمشیر خدائی | بکش وانگه بکش فرعون وهامان |
| توای عدل خدا کن داد خواهی | ز جا خیز ای پناه بی پناهان |
| برون کن ز آستین دست خدارا | به خونخواهی وازخون نیاکان |
| قدم در کربلا بگذار وبستان | سر پرخون ز دست نیزه داران |
| توای دست خدا از شصت قدرت | بکش تیر از گلوی شیرخواران |
| خبر داری که از سم ستوران | دگر جسمی نماند ازشه سواران |
| شنیدستی چنان دست خدا را | جدا کردند از تن ساربانان |

(تحفة الفاطمیین) در باره شخصیت ایشان گوید (ج ا) مرحوم حاج میرزا محمد صاحب (اربعین الحسینیه) از آیات الهیه واز براهین قاطعه طریقه حقه جعفریه در فقاهت واجتهاد مقامی بسیار بلند ورتبه بس ارجمند داشت بمقام بزرگواری وبسط ید ونفاذ حکم وقبول عامه که داشت کمتر کسی رسیده است درحفظ وحمایت شریعت مصطفوی دقیقه فرو نگذاشت ودراین باب اقدام واهتمام او را دیگری نداشت در اوایل جوانی ازاین بلد شریف رخت بعتبات عالیات کشیده ودر محضر حجة الاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی استفاده واستفاضه نموده وعمده تلمذ وی درفقه واصول درخدمت حاج میرزا حبیب الله رشتی و ملاکاظم خراسانی بوده تا آنکه بعداز تحصیل وتکمیل علوم دینیه بقوه قدسیه اجتهاد فائز آمده ومجاز شده وبوطن مراجعت نموده ریاستی عامه وشهرتی تامه پیدا کرد صیت

فقاهت وفضیلت او بهمه جا رسیده ومقروع اسماع خاص وعام گردید مجلس درس وافادت و افاضتش دائر وبرقرار بود منبری داشت شیرین ومتین ومحضری بس نمکین در نهی ازمنکر ومنع اهل فجور قلبی قوی داشت ودرحفظ حدود شرعیه دقیقه فرونگذاشت مادام الحیات بتدریس وترویج وافاضت وامامت وحکومات شرعیه اشتغال داشت وساحت مقدس آن بزرگوار بهیچ توهم مشوب نشد ودامن اصحاب واتباعش هرگز بتهمتی نیالود جماعت علماء درحضرت وی خویشتن راخرد میشمردند و بزرگان دین و دنیانام مبارکش را بحرمت تمام می بردند

از آثار ایشانست (اربعین الحسینیه) وفرزندان فاضل ودانشمندانی ایدهم الله تعالی که سه نفر آنها بنام آقای آقامحسن و آقای آقاسعید و آقای آقامحمد ازفضلاء ومحصلین واهل منبر قم وفرزندان ارشدشان بنام حجة الاسلام آقای آقامیرزا محمدباقر درطهران وپس از آن مرحوم حجة الاسلام اشراقی درقم که ترجمه اش گذشت رحمة الله علیه

**مرحوم حجة الاسلام آقاسید محمد کماری تبریزی** ازعلماء اعلام حوزه علمیه دارای مقام قدس و صفا ومهر ووفا بوده اند فرزند مرحوم آقاسید احمد موسوی کماریست درسال ۱۳۰۹ ق ه درقریه کمار که ۱۲ فرسخی تبریز است متولد شده ونزد حاج میرزا محمدعلی قراچه داغی وحاج میرزا مصطفی درس خوانده وهم چندی درادرو باد روسیه نزد آقاسید مرتضی مدرس تدریس کرده ودر نجف خدمت مرحوم حاج میرزا فرج الله تبریزی واساتید دیگر آنجا استفاده نموده ودرسال ۱۳۴۸ ق ه بقم آمده وازمحضر آیة الله الحایری استفاضه نموده تاسال ۱۳۵۷ ق ه که ازدنیا رفته ودرقبرستان مرحوم حاج شیخ مدفون شده است ازتألیفات ایشانست حاشیة بررسائل که بطبع رسیده وایشانرا براین نویسنده حقی است بزرگ زیرا در اول ورودم بقم که کسی رانمیشناختم درصحن کوچك بایشان برخورده ابتداء تفقدم نموده ومرا بدست جناب ثقة الاسلام آقامیرفتاح ماکوئی که ازمحصلین باتقوی وثقات طلاب بود سپارده وتوصیه بسیاری نموده وازآن ببعد فتح باب برایم شده تاامروز که افتخار خدمت اهل علم ودین رادارم جزاه الله عنی وعن الاسلام خیرا

**مرحوم حاج شیخ ابراهیم جبل عاملی** فرزند حاج شیخ عباس که ازاحفاد مولانا شیخ بهاءالدین عاملی است اززهاد و علماء قم بوده ودرسال ۱۲۹۶ درقریه جبع تولد یافته وسال ۱۳۲۳ ق ه بنجف اشرف آمده درخدمت آقاشیخ احمد کاشف



الغطاء و آقاشیخ علی محمد یزدی و آقا آسید عبدالحسین شرف الدین عاملی بهره مندشده ودرسال ۱۳۳۸ ق ه بقم آمده وازموقع ورود آیت الله حائری تاوفات معظم له ازمحضرش استفاده نموده ودرسال ۱۳۷۰ ق ه از دنیا رحلت کرده و درخاك قم مدفون گردیده است با مرحوم آیة الله حجت بسیار رفیق وایشانرا نسبت باو توجه مخصوصی بود درخاطر دارم که چندسال قبل درفصل تابستان برای زیارت مرحوم آیة الله حجت وانجام کاری بقریه میم قم که محل ییلاقی آیة الله مرحوم بود رفتم مرحوم آشیخ ابراهیم جبل عاملی را در آنجا دیدم درحالیکه مبتلا بدرددل شدیدی بودند از ورودم بحضرت آیة الله المرحوم خبر دادند برای تفقدم به بیرونی تشریف آوردند وعنایت بسیار نموده نوازش فرمودند ودر بین صحبت مابود که حال مرحوم جبل عاملی مزبور از اثر درددل بهم خورده و بزمین افتاد مرحوم آیة الله بسیار متاثر شده وازجای برخاسته وبالای سر ایشان رفته دست بردل ایشان گذارده ودعائی خواندند فورا آقای شیخ ابراهیم فوق الذکر ازجا برخاسته راحت شدند مردم ده واصحاب آقا که متوجه این داستان بودند صلوات فرستاده خوشحال شدند آقا فرمودند حالا نروید مردم را خبر کنید که بسر من بریزند رحمهما الله وایانا وجمیع المومنین آمین یاالله العالمین

**مرحوم حجت الاسلام آقای میرزا محمد همدانی** فرزند ثقة الاسلام العالم الزاهد المتقی آقای آخوند ملا محمدتقی تابتی همدانی از اکابر علماء واعاظم اساتید ومفاخر مدرسین حوزه علمیه قم بوده درسال ۱۳۱۵ ق ه درقریه وهنده ۱۲ فرسخی همدان متولد شده ودرسن ۷ سالگی درخدمت پدرخود بتحصیل علوم پرداخته وباداشتن استعداد فوق العاده خدادادی درمدت ۴۰ روز قرآن راختم وتاحدود قوانین رادرمحضر ایشان خوانده وبرای ادامه تحصیل بهمدان آمده ونزد مرحوم حاج شیخ علی گنبدی وحاج شیخ علی دامغانی درس خوانده وپس از آن بطهران آمده ودرمدرسه سید نصرالدین نزد آشیخ علی مدرس ومرحوم آیة الله حاج شیخ عبدالنبی نوری بهره مندشده ومعقول را ازحاج ملا محمد هیدجی (معروف بحاج آخوند) استفاده نموده ودر سال ۱۳۴۱ ق ه بولایت رفته وازآنجا مهاجرت بقم نموده وازخدمت آیة الله المؤسس استفاده نموده تاجائیکه یکی ازبزرگترین تلامذه معظم له بشمار میرفته وخود نیز ازمدرسین عالیقدر حوزه بوده و سطوح عالی (رسائل ومکاسب و کفایه) راتدریس وبسیاری ازمفاخر فضلاء امروز قم وبسیاری ازشهرستانهای دیگر ازبحث ودرس ایشان استفاده نموده اند مرحوم

آیةالله کمال‌وثوق‌را بایشان‌داشتند وحتی درمواقع کسالت آنجناب‌بجای ایشان نماز خوانده ونیابت میکردند تاسال۱۳۵۶ ق ه پس‌ازفوت مرحوم حایری که بنابرتقاضا ودعوت اهالی‌همدان مهاجرت‌بهمدان نموده‌ودرمسجدجامعه‌اقامه‌جماعت‌وبسیارمورد توجه مردم همدان واقع تاسال۱۳۶۴ ق ه که مسافرت بقم ومشهد نموده ودراین‌سفر چندین بارازحضرت آیةالله‌العظمی بروجردی ملاقات و مباحثه نموده وآیةالله را بخود متوجه تاپس‌از مراجعت از مشهد که‌نامه آیةالله‌العظمی برای ایشان بهمدان رفته ودرآن‌نامه مرقوم فرموده بودند(بنظرمن توقف‌شما درقم‌اصلح‌است )بنارا برحرکت‌بقم گذارده لکن‌اجل مهلتش نداده‌در جمعه۲۲محرم ۱۳۶۵ ق ه ازدنیا رفته درحالی که ازسن او ۵۱ سال گذشته‌بودپس‌ازانجام‌غسل جمعه‌وسوره والصافات درجین(فرستادن صلوات‌معموله خودکه‌روزی ۵۰۰ صلوات میفرستاد)جنازه‌ایشان باتجلیل‌بسیار حمل بقم‌وازمسجد امام‌باتشییع مفصل‌وشرکت عموم‌آیات‌الله العظام قم‌وفضلاء‌وطلاب‌حوزه تاآستانه وازانجا پس‌ازطواف تاقبرستان حاج‌شیخ برده‌ودرمقبرهٔ بخاک‌سپرده‌شدوتا چندروز ازطرف زعماءحوزه مجالس ختم‌منعقد ومرحوم اشراقی دراطراف شخصیت ایشان دادسخن میداد (وحقیق علیه لانه کان‌عالماً فاضلا عاملاورعا تقیانقیا کثیرالفکر دائماالذکر طویل‌الصمت قلیل الکلام منیع الطبع نقی‌القلب حسن‌القول جیدالفعل و وکان‌محبوباً عندکل عاش سعیدا ومات سعیداودفن فی‌مقابر السعداء


مرحوم‌حجةالاسلام میرزامحمدهمدانی

اینـ چنین رفتند پیش‌یارشان — ایخوشا برحالشان وکارشان

(مؤلف گوید) آن‌بزرگوار راحق عظیمی برحوزه علمیه‌وغالب فضلاء آنست جزاه الله‌عنهم‌خیرالجزاء‌ازآثارقلمی ایشانست‌رساله علی‌الید که‌بطبع‌نرسیده‌است

مرحوم آیت‌الله حاج‌شیخ حسن نویسی

فرزند مرحوم حاج ملا نصیر از مجتهدین عالیقدر و مدرسین بزرگ قم و حوزه علمیه است دارای‌مقام زهدوتقوی ومتانت‌وصفابوده‌درسال۱۲۹۱ ق ه درقریه نویس که ۱۲



فرسخی‌قم‌است تولدیافته‌وازآنجا ببلده طیبه قم‌آمده وسطوح عالیه‌را از فقه واصول نزدمرحوم حاج‌میرزامحمدارباب فراگرفته ودرسال ۱۳۲۲ بنجف و ازمحضر آیةالله خراسانی وعلامه طباطبائی یزدی‌استفاده کرده ودرسال ۱۳۲۶ بایران مراجعت و در شهرقم تاسال۱۳۷۱ ق ه بتدریس پرداخته تالیفاتی در فقه‌واصول‌دارد که‌بطبع نرسیده درسال‌مزبور ازدنیارفته‌ودرشیخان بخاک‌سپرده شده‌است رحمةالله‌علیه

ازرجال‌فضیلت وعلم ومردان بزرگوار وشایسته روحانیت اسلام وقم‌بوده‌که در تمام عمر او ازاو هواوحب جاهی دیده نشده‌بتمام‌معنی (کان مخالفالهواه مطیعاً لامرمولاه) حشره‌الله‌مع‌موالیه


مرحوم‌حجت‌الاسلام‌حاج شیخ‌حسن نویسی‌بامرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ‌عباس‌حایری‌قدس سرهما

جناب‌حجةالاسلام والمسلمین
مرحوم‌حاج‌شیخ‌عباس حایری

فرزندمرحوم‌حاج‌ملاحاجی‌چندی‌ازعلماء عظام وفقهاء‌کرام‌قم‌وحوزه‌علمیه‌بوده‌است درزمان‌مرحوم(آیةالله‌المؤسس‌الحایری) و درتشیید حوزه وتشویق طلاب‌ذی‌سهم بوده‌مرحوم آیةالله‌حایری‌هم خیلی نسبت بایشان نظروثوق وحتی ارجاع‌احتیاطات بایشان‌نموده‌وگاهی که‌کسالت و موانعی ازآمدن‌بنمازواقامه‌جماعت‌برایشان‌میرسیدایشان‌رابجای‌خودمیفرستادند فهرست‌ترجمه آنجناب‌چنانچه‌درفهرست‌یکی‌ازموا..ات‌ایشان‌بنام‌شرح‌کتاب‌عقل‌وجهل‌اصول کافی‌است ملخص آن‌بقرارذیل‌است‌جناب‌ایشان‌درسال۱۲۹۸ قمری‌هجری‌درشهرتهران‌متولدشده‌وتا سن۱۲سالگی در تحت‌تربیت‌والدماجدش(مرحوم‌حاجی‌ملاحاجی)که‌ازنجباء‌ومعاریف تهران‌بوده‌اندتربیت‌شده‌سپس‌درمدرسه مروی‌و دبیرستان مروی‌بفراگرفتن‌علوم‌دینی وادبی مشغول و درسلک‌اهل علم‌وادب درآمدند پس ازچندی بحکم‌غریزه فطری و استعدادطبیعی‌برای تکمیل‌دوره‌سطح‌وخارج بنجف‌اشرف‌مشرف وبنزد دانشمندان و استادان‌بزرگ تحصیلات خود را ادامه داده ودرسن سی سالگی بحد کمال رسیده

وبدرجه علیای اجتهاد نائل وباجازه شش مجتهد مسلم الاجتهاد مرحومین آیتین میرزای شیرازی وحاج سیداسمعیل صدر و حجج اسلام فیروز آبادی و سید حسن صدر و مرحوم آیة‌الله الحایری الیزدی و آقای آقاضیاء الدین عراقی مفتخر شده‌اند

درعتبات عالیات چنانکه مقصود صاحب شرع است بترویج شریعت پرداخته تاپس از مدتیکه برای خدمت بیشتری بشرع ودین ومذهب و آئین هم میهنان عزیز خود بایران مراجعت وچندسالی برای همکاری کردن بامرحوم آیة‌الله المؤسس الحایری در تأسیس حوزه علمیه وتشکیل دار العلم ودانشگاه روحانی قم درقم سکونت وبانجام وظائف دینی مشغول تابتقاضای مؤمنین طهران از آیة‌الله الحایری ومعظم له برای تبلیغ وترویج دین و وپیشوائی مسلمین طهران مهاجرت بطهران ومرکز وبانجام وظائف دینی وروحانیت قیام فرمود تاسال ١٣٦٠ ق ه که ازدنیا رحلت وددواثر بزرگ وزنده برای ابداز خود بجای گذاردند اول فرزندفاضل برومندی چون جناب حاج آقامهدی حایری که ازفضلاء جوانان محصلین حوزه ودارای تقوی وفضل وحسن نیت ومتانت وچون پدر خودساعی درامور دین و قضاءحوائج اخوان وکارهای خیر که از جمله تکمیل کتابخانه حجتیه باشد میباشد ودوم تالیفات ذیل که برای همیشه نام اورا بخوبی باقی گذارد ١ـ شرح اصول کافی ٢ـ رساله رضاع ٣ـ موائد الکریم لزوار عبدالعظیم ٤ـ رساله تربتیه ٥ـ رساله وصیت ٦ـ اسرار الصلوة ٧ـ رساله اذانیه ٨ـ رساله دراسلام ابوطالب ٩ـ اصول وفروع دین مختصر ومفصل ١٠ـ کتاب الصلوة وبسیاری ازابواب فقه ١١ـ شرح زیارت عاشوراء ١٢ـ شرح زیارت جامعه کبیره ١٣ شرحی برحاشیه ملاعبدالله ١٤ شرح برصمدیه ١٥ـ مباحث الفاظ اصول

**مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ عبدالکریم خوئینی**

ازشیوخ علماء عظام قم وحوزه علمیه دراین اواخر بوده پدرش مرحوم حاج ملا ابراهیم عالم باورع و تقوی بوده معظم له پس ازدیدن مقدمات وسطوح بنجف اشرف رفته وازمحضر مرحوم آخوند صاحب کفایه استفاده نموده واز اجلاء تلامذه آن بزرگوار گردیده وپس از آن مراجعت بزنجان وازآنجا بخوئین رفته وپس ازدوسال توقف درسال ١٣٦٦ ق مهاجرت بقم نموده وبتدریس عده‌ای ازمحصلین زنجان وغیره پرداخته تا ١٣٧٢ ق ه که داعی حق را اجابت نموده ودرزمین پاك قم بخاك رفته است عالمی محقق وباورع وجلیل القدر ودارای تالیفات ذیل بوده ١ ـ رساله علمیه ٢ حاشیه برعروة الوثقی ناتمام ٣ شرح کفایه الاصول فارسی بنام خودآموز کفایه دردوجلد ٤ کتاب الفوائد درمطالب متفرقه فرزندان صالح او ازمحصلین حوزه میباشند



**مرحوم حجه الاسلام حاج سیدمهدی کشفی**

فرزند آقاسیدریحان الله از احفاد مرحوم سیدجعفر کشفی است که از علماء بزرگ و صاحب تصنیف و تالیف ودرتواریخ نامش مذکوراست صاحب ترجمه درسال ١٣١٦ در طهران تولد یافته وپس از تحصیل علوم جدیده نزد ادیب طهرانی وآقاشیخ علی رشتی بتعلیم علوم ادبی و عربی پرداخته وسال ١٣٤١ ق ه بقم آمده وخدمت حاج شیخ فاضل و مرحوم آیت‌الله خونساری وآیة‌الله آقاسیدابوالحسن قزوینی ومرحوم میرزاعلی اکبرحکمی یزدی تدرس نموده وپس از آن محضر آیة‌الله المؤسس استفاده کرده تاپس ازفوت آن مرحوم که بطهران مراجعت وبترویج وتبلیغ دین وتدریس فقه واصول وعلوم ریاضی وتفسیر که درحوزه علمیه هم اشتغال داشتند پرداخته واثرات و خاطرات نیکوئی ازخود دردل مردم طهران باقی گذارد تاسال ١٣٦٧ ق ه که داعی حق را اجابت وباتجلیل جنازه‌اش حمل بقم ودرقبرستان آیة‌الله مؤسس مدفون گردیده است وحقاً ازعلمای مروج وپرهیزکار زمان خود بوده وشاگردان عزیز وباتقوائی تربیت نموده است جزاه الله عنهم خیرا



مرحوم حجة‌الاسلام حاج سیدمهدی کشفی قده

**مرحوم حجت الاسلام آقامیرزا محمدعلی ادیب**

فرزند مرحوم حاج میرزا محمد تقی حکیم باشی از علماء عظام ومدرسین سطوح وادبیات حوزه علمیه بوده اند دارای فضل وکمال ادب وحسب بوده درسال ١٣٠٢ درطهران متولد شده ودر ٢٠ سالگی نزد آقامیرزا کوچك و آقاشیخ بزرك ساوجی بعلوم ادبی پرداخته و قسمتی خدمت آشیخ عبدالحسین رشتی درس خوانده ودر عراق وقم ازمحضر آیة‌اللهی بهره مندشده ومدتها ازاساتید ادب ومدرسین فقه واصول حوزه علمیه بوده اند تاسال ١٣٦٣

ق ه که مراجعت بطهران نموده و در آنجا بانجام وظیفه دینی و تبلیغی و ترویجی خویش پرداخته تا سال ۱۳۶۹ که از دنیا رفته و یگجهان ادب و ظرافت را با خود بخاك برده است از تالیفات ایشانست کتابی در صرف موسوم بصراف الصرف و دیگر حاشیه بر مغنی

**مرحوم حجت الاسلام آیت الله حاج شیخ حسن فاضل** از علماء عالیقدر و اساتید مهمه قم بوده اند دارای مقام علم و عمل و زهد و تقوی بوده و در ترویج و تشویق اهل علم و عمل سعی و کوشش فراوان داشته اند بسیاری از فضلاء و علماء امروز قم او را خدمت کرده و نزدش تلمذ نموده اند در سال ۱۳۶۶ ق از دنیا رفته و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است قبرش دارای علامت و تا اندازهٔ مشهور است

**مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ محمد حسین علامه** فرزند مرحوم حاج ملاحسن اردستانی از شاگردان مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم قمی است دارای مقام فضل و تقوی بوده و ادبیات و سطوح را تدریس میکرده و عدهٔ از فضلاء و اساتید امروز حوزه نزد ایشان درس خوانده اند تا آخر الامر شربت ناگوار مرگ را کشیده و از دنیا بعقبا خرامیده رحمة الله علیه و علی الماضین من العلماء

**مرحوم حجة الاسلام آقای آقا سید محمد صدر العلماء** از علماء قم و مبرزین تلامذه مرحوم آیت الله حائری بوده والد ماجدش مرحوم حجت الاسلام عالم جلیل آقای حاج سید نور الدین نواده علامه شهیر محقق قمی (صاحب قوانین) میباشد - در حدود سال ۱۳۰۲ هجری قمری در قم متولد گردیده و تحصیلات مقدماتی را در مدرسه جانی خان قم در نزد اساتید فن دیده و فقه و اصول را از اساتید بزرگ فرا گرفته و در اندك زمانی صاحب نظر و تبحر گردیدند

فقید سعید برای زیارت اعتاب مقدسه بعراق مسافرت و مدتی در درس مرحوم آیة الله اصفهانی و در کربلا در درس آیة الله مؤسس حائری یزدی حضور بهم رسانیده و پس از مراجعت از اعتاب عالیات هنگام نزول آیة الله حائری به اراك با عدهٔ از فضلاء قم به اراك مسافرت تا بالاخره با حضرتش بقم آمدند

بیشتر تحصیلات عالیه و استفاده آنجناب در نزد آیت الله حائری بوده و در نوشتجات خود - ایشان را بنام حضرت استاد یاد کرده اند

در علوم عقلی و نقلی بدرجه رفیع نائل و مخصوصاً در فقه و اصول متبحر شدند و مرحوم آیة الله اصفهانی و آیة الله یزدی درجه اجتهاد ایشان را تصدیق و تائید کردند



صاحب تذکره در طول حیات خود یادداشتهائی در فقه تهیه و پس از غور و بحث در مسائل مشکله و ذکر اقوال مختلف عقیده خود را نیز بیان نموده و در اواخر عمر با کمك کتبی یکی از آقایان طلاب مشغول ترتیب و تنظیم آن بودند که بصورت کتاب مدون در آورند ولی کسالت و ضعف دیگر بایشان مجال نداد تا در شب ۱۳ بهمن ۱۳۳۱ مطابق با ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۷۲ قمری ۲۰ روز پس از فوت آیت الله حجت داعی حق را لبیك و بجوار رحمت حق شتافته و در ایوان طلای آستانه حضرت فاطمه معصومه (ع) مدفون گردیده است



مرحوم آقا سید محمد صدر العلماء

در منزل آنمرحوم دیوان اشعار عربی و فارسی بخط و امضاء (ابو القاسم بن الحسن الجیلانی) یعنی مرحوم میرزای قمی جد امی ایشان که از این جهت فرزندان برومند او شهرت بمیرزائی دارند دیدم که در آن قصیدهٔ در رد انکار و مکابره (ابن حجر ناصبی عسقلانی وجود ذیجود اعلیحضرت ولی عصر عجل الله له الفرج را که طعناً علی الشیعة میگوید)

ما آن للسرداب ان یلد الذی — سمیتموه بزعمکم انسانا
فعلی قلوبکم العفا فانکم — ثلثتم العنقاء و الغیلانا

مرحوم میرزا محقق قمی جد امی صاحب عنوان میفرماید

افلکم و لقولکم بتعنت — فی حجد نور ابهر هذیانا
ان الله قد اختفی سبحانه — عمن غدا لظهوره عمیانا
هل ینکر النور البهی لانه — حرم الوطاوط درکه نقصانا
ام یمنع المزن المهیدب فیضه — لابل بغشی علی الوری لمعانا
فی ترك حق و اقتناء و ضلالة — قضیتم استبعاداً استحسانا
انیستم خضراً و نوحاً والمسیح — و بجهلکم ارضیتم الشیطانا
متم بجهل فی امام زمانکم — عشنا بعلم فیه و الایمانا
عشتم و نور الحق خلف ظهورکم — متناوب من نورنا ناقانا
فبقولکم فی الجاهلیة بالهدی — انسیتم العنقاء و الغیلانا

مولای روح روحنا بظهورکم     عجل بروحك روحنا مولانا
خلص عبیدك عن اذی العذال     و اجعل عنیدك خاسئا لهفانا
یارب فاملاء ارضنا بالعدل     من بعد ما فیها طغوا عدوانا

**مرحوم آقا سید ناصر الدین قمی رحمت الله علیه**

فرزند مرحوم سید احمد و از طرف پدر دختر زاده میرزای قمی و از طرف مادر از احفاد مرحوم میرزا محمد متولی آستانه روضه فاطمیه علیها السلام است سال ۱۳۰۰ ق ه در شهر قم بدنیا آمده و ادبیات را نزد ملا محمد تقی فرا گرفته و هم خدمت مرحوم حاج میرزا محمد ارباب فقه و اصول خوانده و از محضر آیة الله المؤسس تا آخر عمر استفاده نموده است تا پس از فوت مرحوم آیت الله حایری در سال ۱۳۶۳ ق ه از دنیا رفته و در آستانه مقدسه مدفون گردیده است و خدا رحمتش فرماید که در نشر اخبار و احادیث اهل بیت کوششی فروان داشت بطوریکه غالباً در کوچه و بازار و مدرسه فیضیه و صحن مقدس دیده ام او را که هنگام ملاقات با دوستان بصدائی بس رسا و بلند بمناسبت مقام حدیثی از حضرت رسول و ائمه علیهم السلام یاد نموده و نقل میکرد و بسیار او را در مدرسه فیضیه دیدم که در کنار درخت نشسته و محصلین را دور خود جمع و برای آنها نظماً و نثراً حدیث فواکه و غیره میگفت رضوان الله علیه

**مرحوم حجت الاسلام حاج میرزا مهدی آشتیانی**

از علماء حکمی و حکماء الهی عصر ما بوده و گرچه در قم بسیار توقف نفرمودند اما چون بسیاری از اساتید و فضلاء حوزه از محضرشان استفاده ها نموده و خود از مفاخر فلاسفه شیعه و امامیه زمان ما بوده و تربت و قبرش هم قم گردیده شایسته ذکر است

در سال ۱۳۰۶ ق ه در طهران متولد و در نزد پدر معظم خود مرحوم آقا میرزا جعفر مشهور به آقا میرزا کوچك برادرزاده و داماد مرحوم آیة الله حاج میرزا محمد حسن آشتیانی که از اعاظم تلامیذ آن مرحوم و در علم و ادب و معقول و منقول نادره زمان خود بوده تلمذ نموده و هم از مرحوم میرزا مسیح طالقانی و آخوند ملا عبدالرسول و آقا سید عبدالکریم و میر نجم الدوله و میرزا جهانبخش و آقا شیخ محمد حسین ریاضی و غیر آنها درس خوانده و در سن ۱۵ سالگی نائل باجازه از عده از اساتید خود گشته و قناعت باجازات مزبور ننموده در خدمت رئیس حکماء وقت مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه مشغول علوم عقلیه شده و پس از فوت ایشان از اساتید دیگر چون مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا هاشم جیلانی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۷ مشرف بعتبات و مدت کوتاهی در حوزه مرحوم



آیة الله خراسانی حاضر شده ولی بواسطه ابتلاء بامراض حاره موفق بتوقف نشده مسافرت بایران و پس از معالجه ثانیاً در ۱۳۲۹ معاودت نموده و در حوزه درس مرحوم آیة الله یزدی طباطبائی حاضر و از ایشان دریافت اجازه اجتهاد نموده و بایران مراجعت و پس از چندی ثالثاً باعتاب مبارکه مسافرت و در خدمت مرحوم فیروزآبادی و آقای نائینی و آقا ضیاء عراقی و آیة الله اصفهانی مشغول و از تمام آن بزرگواران تحصیل اجازه نموده است و مدت یکسال در نجف اشرف مقیم و بتدریس علوم عقلیه و نقلیه پرداخته و پس از آن مراجعت بطهران نموده و در عمر خود مسافرتهای مهمی بممالك اسلامی چون بخارا و مصر و اسکندریه کرده و در بخارا یکسال توقف و تدریس نموده و نیز برای معالجه بممالك غیر اسلامی چون برلن آلمان و پاریس فرانسه و روم ایطالیا و هند و بلژیك و غیر آنها مسافرت نموده و برای دانشمندان آنجاها حل معضلات قانون شیخ و سایر کتب فلسفی و معقولی کرده و حدود یکسال هم متفرقة در قم توقف و حوزه تدریس اسفار اربعه گذارده و فضلاء را بهره مند نموده است شنیدم از بعض ثقات که از مرحوم آیة الله شاه آبادی نقل میکردند که فرموده بودند درباره شخصیت و موقعیت علمی مرحوم میرزا مهدی آشتیانی که ایشان استادی هستند که اگر اسباب برای ایشان جمع شود میتوانند صدها حکیم ربانی تحویل جامعه دهند (رحمة الله علیه)



خواب عجیبی دیده بودند در منزل مرحوم آیة الله حجت در حضور آیة الله العظمی بروجردی و آنمرحوم و آیة الله خونساری و دیگران نقل کردند که بسیار مهم و عجیب بود و مرحوم آقای حجت فرمودند که باب علمی از این خواب برای من مفتوح شد مرحوم میرزا مهدی آشتیانی فرمودند که در موقع انقلاب دموکرات آذربایجان و فتنه پیشوری مشرف بمشهد میشدم در نزدیکی سبزوار درماشین حالم بهم خورد که همه اهل اتوبوس مضطرب و پریشان شدند در آنحال دیدم که در عرفات هستم و میدیدم از آسمان انواری بزمین عرفات فرو میآید و مردم عرفات را دیدم که بیك طرف متوجه اند گفتم کجا میروید

گفتندحضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه وآله تشریف آورده‌اند اهل عرفات بخدمت آنحضرت مشرف میشوند منهم آمدم دیدم ١٤ خیمه مجلل وباعظمت و نورانی برپااست ویك خیمه که ازهمه بزرك‌تراست مورد توجه مردم است گفتند پیغمبر مکرم خدا دراین خیمه است نزدیك شدم واذن گرفتم ووارد شدم سلام کردم خواستم عرض حوائج کنم فرمودند برو درخیمه هشتمین نزدفرزندم حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام فورا امتثال کرده آمدم درآن خیمه حضرت رضا علیه السلام رادیدم نشسته است سلام کردم و سه حاجت خودرا که یکی ازآنها شفاء من از کسالت یرقان بود ودیگری نجات ایران و مسلمانها ازشرتوده وحزبها و حاجت شخصی دیگر فرمودند فلان حاجتت رواست و کسالتت تقدیرچنین است که تازنده هستی باتو باشد وراجع بایران ونجات از این فتن بدانکه مادامیکه ایرانیها متوجه بزیارت قبورما ومجالس ذکر وروضه برای مصائب ما هستند ایمن ازشراشرارند وعنقریب حزبی‌های توده ودموکرات ازبین خواهند رفت که یکمرتبه متنبه شده ودیدم اهل ماشین همه گریان وبرای من انقلاب واضطراب دارند

مرحوم آیت‌الله حجت فرمودند من (اخبارانالله یتجلی لاهل العرفات) رادیده ومعنای آن درست برایم روشن نبود ازاین خواب فهمیدم خبر درست وتجلی خداتجلی اهل بیت وائمه هدی علیهم السلام است

پس ازمدتی مرحوم میرزا معاودت بطهران ودراثر همان کسالت یرقان وزردی وقند منزوی شده تا سال ١٣٧٢ که مرحوم وجنازه ازطهران حمل بقم ودرمسجد بالا سر بخاك سپرده شد تالیفات وآثار قلمی ایشان بسیار وازآنها حاشیه برشرح منظومه ومجلدات شفا واسفار وکفایه خراسانی ورسائل ومتاجر انصاری ورساله درقاعده الواحد ووحدت وجود وغیر اینهااست (الاانه قضی عالما ربانیا وحکیما الهیا)

**مرحوم میرزا حسین تبریزی** ازافاضل حوزه ومبرزین درس مرحوم آیت‌الله حجت و مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمدباقر قزوینی دارای مقام فضل وتقوی وقدس وصفا بود وباکمال تعفف زندگی میکرد ودرمیان تلامذه مرحوم حجت بکثرت دانش وفهم وبینش معروف واز مقررین درس استادبود که این نویسنده از تقریرات ایشان بسیار استفاده نموده ومدتها مکاسب شیخ وبعض سطوح دیگررا درخدمت ایشان خوانده بودم بسیار متواضع ومنیع الطبع وکثیر الصمت وقلیل الکلام بود فقط درموقع سؤال بسخن میامد کمتر کسی راازتلامذه استاد برتبه فضل وتهذیب ایشان یافتم آقای



میرزاعبدالکریم تهرانی که ازفضلاء طهرانیهای حوزه و بمقام قدس وورع معروف و اکنون درطهران امامت مسجد امین‌الدوله رادارد واز مروجین شایسته است درمیان حوزه ایشانرا انتخاب وبوضع زندگیش رسیدگی میکرد واز تحقیقاتش استفاده میبرد درسال ١٣٦٥ ق ه دراوائل شعبان اوراقصد زیارت حضرت رضاعلیه السلام بطهران برد ولی درطهران مبتلا بدرددل شدیدی شده وپس ازسه روز درسن مابین سی وچهل از دنیارفته ودوستان ورفقائی ازاساتید وشاگران خودوغیره را بغم وداغ خودمبتلاجنازه اورا آقامیرزاعبدالکریم حفظه‌الله تعالی باتجلیل بحضرت عبدالعظیم آورده ودرجوارشیخ صدوق معروف بـابن بابویه دفن نمود برایش درقم وطهران ومشهد مجالس ترحیمی برپـا گردید رحمة‌الله علیه

**مرحوم حجت الاسلام آقای آسیدضیاءالدین خونساری** از افاضل دانشمندان ومبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حائری قدس سره بوده که ازاراك مهاجرت بقم نموده درسال ١٣١٢ ق هجری متولدشده وپس ازطی ورشد مقدمات وسطوح چندی در اراك وبعد درقم درخدمت آیت‌الله حایری تلمذنموده تاسال ١٣٥٨ ق که درقم ازدنیارفته ودرجوار امامزاده معروف بشاه محمدقاسم دفن شده

درتقوی وعلم وفضیلت وجودت ذهن مشار بالبنان بوده درسال ١٣٥٢ ق درروزعیدفطر نمازعیدازطرف آیة‌الله بایشان واگذاروصلوة راباجماعت انجام دادند

درخونسار وحومه آن نافذالکلمه بوده در تابستانها که آنجا میرفتند فصل دعاوی و خصومات باایشان بوده از آثار وباقیات الصالحات ایشانست چهار فرزند ذکور که دومی ازآنهاجناب آقای آسیدمصطفی کافی صهر معظم آیة‌الله آقای حاج میرزاخلیل کمرهٔ میباشند که دارای مقام فضل ودانش وآثارقلمی وازحاضرین درس آیة‌الله بروجردی واصحاب وسائل الشیعه آنجناب میباشند آثارایشان ازاین قراراست ١رساله درصرف ٢رساله درنحو ٣ رساله درمنطق ٤ رساله دربدیع ٥ تعلیقاتی برشرح لمعه وفقه الله تعالی لمرضاته وجنبه من سخطه ونقماته

**مرحوم آشیخ حسن صالحی لاهیجانی** ازفضلاء و ذاکرین با فضل ودانش و تهذیب اخلاق حوزهٔ علمیه قم بوده دارای تولای کامل وحال خوش ومعنویت بوده که سالها ازمحضر آیات عظام قم مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت وآیت‌الله خونساری وآیة‌الله صدر وآیت‌الله فیض استفاده نموده وهم چند سالی

ازفیض محضر ودرس وبحث آیةالله مستفیض گشته تاسال ۱۳۶۷ ازهجرت که بواسطه مبتلاشدن بکسالت سرطان بدرود زندگی گفته است

این نگارنده که باآنمرحوم تماس نزدیك داشتم ومعاشرت بسیاری نموده بودم حقاً اورااسم بامسمی یعنی بحقیقت صالح یافتم بخصوص حال توسل ومقام حب وولایتش نسبت بخاندان وحی ورسالت بسیاربود منبر گرم وبیانات موثری داشت ازاواستفاده های معنوی زیادی نمودم

کرامتی ازمولای ما حضرت عبدالعظیم الحسنی مدفون در مسجدشجره ری که مشهوربسیدالکریم است برای ایشان شده که در کتاب زنده گانی حضرت عبدالعظیم(ع) مطبوع سال ۱۳۶۸ تهران یادنمودم ومجمل آن اینستکه زخمی منتن در گوش ایشان پیداشده بود که چرك میکرد ورایحه بدی داشت مدتها معالجه میسور وممکن خودرا نموده فایده ندید عاقبت ازقم بطهران ومراجعه بدکترلقمان متخصص درمرض گوش نموده پس ازمعاینه دقیق تشخیص سالك داده و نسخه مفصلی از آمپول وغیره نوشته وایشانرا تاکید بگرفتن آن دواها مینماید

آنمرحوم گفت ازمنزل دکتربیرون آمدم باخود گفتم منکه از معالجه خسته شدم چرامراجعه بدکترمعنوی ومتوسل بطبیب حقیقی حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام نشوم پس از آنجا بشهرری آمده بادلشکسته بحرم مشرف و عرض حاجت نمودم و نزدیك ضریح شریف رفته قدری گردضریح برداشته وبرآن زخم مالیدم واز حرم بیرون آمدم تا بصحن داخل شدم دیدم از زخم و درد و چرك گوشم اثری نیست بکلی خشك وخوب شده(مؤلف گوید)ازکرامت آن بزگوار بعیدنیست زیراکه سیدالکریم است

# در خاتمه

## استبصار فیه استدراك

درچندین جای این تاریخ ازهمه علماءاعلام وفضلاءعظام ومحصلین وطلاب گرام معذرت خواسته وگفتیم که اگر کسی ازقلم افتاده یاازذکر آن غفلت شده حمل بغرض ونظری نکنند زیرااین تاریخ باکمال بینظری وغرض تنظیم وتدوین شده است مضافاً وعده دادیم که باامعان نظراگر اطلاع زیادتری از فهرست وباتراجم تلامذه مرحوم



آیت الله حایری و آیات دیگر پیدانمودیم استدراك نموده واستدراج نمائیم

اکنون که چندین نفردیگر ازتلامذه مبرزودانشمندمعظم لهم را بخاطر آوردیم دراینجا که پایان جزءاول است جبران وبازاگر بدیگرانی برخورد نمودیم که شایسته ذکر بودند ثانیاً تدارك مینمائیم

| | |
|---|---|
| | آقای آسیدابوالقاسم همدانی حصاری |
| آقای حاج میرزا ابوالحسن روحانی قم | آقای حاج آقااحمدواعظ قمی تهران |
| آقای حاج میرزا جوادانصاری همدان | آقای آشیخ جعفر صبوری کاشان |
| آقای حاج میرزا حسن برقعی قم | آقای حاج میرزا حسن رازینی همدان |
| آقای آقا سیدحسن استادزاده بابل | آقای آقاشیخ حسن جابلقی قم |
| » » شیخ رضای مدنی کاشان | » » » میرزازین العابدین نواری همدان |
| مرحوم آقاضیاءالدین خونساری قم | » » شیخ عبدالرزاق قاینی قم |
| آقای شیخ عبدالحسین لاله جینی | » » » عبدالوهاب گرگانی گرگان |
| » » آقاشیخ عبدالوهاب قائینی محلات | » » » عبد الوهاب قمی قم |
| حاج میرزاعلی اصغرربیعی همدان | » » » علی اصغر اشعری قم |
| » » حاج آقا عیسی جزایری خرم آباد | » » آقاسیدعلیرضای یزدی یزد |
| آقاسیدمحسن لاله جینی | » » شیخ فضل الله سعادت رشت |
| آقامیرزامحمدآقای کاجی کاج همدان | » » » محمد بروجردی بروجرد |
| آقای آقاسیدمحمودطباطبائی قم | » » » محمدبن آخوندملاعبدالله قم |
| » » شیخ محمدصبوری قم | » » سیدمحمد سلطان شیرازی تهران |
| » » » » نخعی گلپایگانی قم | » » شیخ محمد صابری رشتی قم |
| » » حاج سیدمحمدباقر(حاج عالم)شیراز | » » میرزامحمدباقر اشراقی تهران |
| » » شیخ محمدعلی دامغانی زاده همدان | » حاج شیخ مرتضی انصاری واعظ قم |
| » » آقاسیدموسی مازندرانی تهران | » آقاشیخ نصرالله محمدی لنگرودی قم |

(( الناس موتی واهل العلم احیاء ))

تمام شد جزءاول آثارالحجة یاتاریخ ودائرة المعارف

حوزه مقدسه علمیه قم

الحمدلله اولاوآخرا

شعبان ۱۳۷۳

| صفحه | سطر | الخطا | الصواب |
|---|---|---|---|
| ۳ | ۱ | انفسکم | انفسهم |
| ۳ | ۲۱ | الحزدل | الخردل |
| ۳ | ۲۳ | المکر | المکرم |
| ۴ | ۲۴ | بجار | بحار |
| ۱۰ | ۴ | بساسان | بساسانیان |
| ۱۶ | ۱۷ | آنحضرت | حضرات |
| ۱۶ | ۱۷ | علیهما | علیهم |
| ۱۶ | ۱۸ | فاضه | افاضه |
| ۱۶ | ۲۷ | دیگرمیهاو | وگرمیها |
| ۱۸ | ۲۴ | پذیرفتن | پزیرفتند |
| ۲۰ | ۲۷ | صفحه | ۱۲صفحه |
| ۲۱ | ۲۶ | آساس | اساس |
| ۲۲ | ۱ | دابا | دابة |
| ۲۴ | ۵ | حضرت | حضرات |
| ۲۵ | ۱۳ | که | -- |
| ۲۸ | ۱۴ | چهل‌ستونی‌تهرانی | شالیچیلار تبریزی |
| ۳۲ | ۱۶ | واقفی | باقفی |
| ۳۳ | ۲۳ | چکوقه | چگونه |
| ۴۱ | ۳ | حادثه‌حوزه | حادثه‌هفتم‌حوزه |
| ۴۱ | ۶ | قصیده | قضیه |
| ۴۱ | ۱۴ | شل | شن |
| ۴۴ | ۲۷ | الکوبین | الکونین |
| ۴۴ | ۲۷ | آله | آلة |
| ۴۶ | ۵ | میگرد | میگیرد |
| ۴۶ | ۱۶ | یازدهم | نهم |

| صفحه | سطر | الخطا | الصواب |
|---|---|---|---|
| ۴ | ۵ | خدبا | خدایا |
| ۵ | ۱۳ | بامنزلگاه | منزلگاه |
| ۱۰ | ۵ | بخود | بخود |
| ۶۰ | ۱۷ | میگستم | میگشتیم |
| ۶۱ | ۱۳ | تفر | نفر |
| ۶۲ | ۴ | مؤتمن | ومؤتمن |
| ۷۰ | ۱۰ | حربی | وبی |
| ۷۰ | ۲۲ | وعد | وعده |
| ۷۱ | ۷ | طرز | طراز |
| ۷۴ | ۶ | میرسید | میرسد |
| ۷۷ | ۱۱ | نفص | نفس |
| ۷۷ | ۱۲ | او | از |
| ۷۷ | ۲۰ | مذار | مزار |
| ۷۸ | ۱۲ | جسه | جسته |
| ۷۹ | ۹ | حسن | محسن |
| ۸۰ | ۵ | مرحوم‌شریف | پدرمرحوم‌شریف |
| ۸۰ | ۱۵ | مرحوم‌شریف | پدرمرحوم‌شریف |
| ۸۱ | ۲۱ | مناظره | ومناظره |
| ۸۱ | ۲۷ | بمرجعیت | مرجعیت |
| ۸۲ | ۱۷ | مولوی | مولی |
| ۸۴ | ۳ | شهد | شهید |
| ۸۴ | ۱۳ | النبین | النبیین |
| ۸۴ | ۲۲ | آیةالهی | آیه‌اللهی |
| ۸۷ | ۱۳ | رفسنجانی | ارسنجانی |
| ۸۹ | ۱ | آبة | آیة |
| ۸۹ | ۸ | امثال | امتثال |



| صفحه | سطر | الخطا | الصواب |
|---|---|---|---|
| ۸۹ | ۱۱ | رحمه | رحمة‌الله |
| ۹۰ | ۱۱ | محددد | محدود |
| ۹۳ | ۲۵ | فرنذ | فرزند |
| ۹۶ | ۴ | دادة | نداده |
| ۹۶ | ۱۳ | است | شده‌است |
| ۹۶ | ۲۱ | متفکرانه | متنکرانه |
| ۹۶ | ۲۳ | بمیان | بیان |
| ۹۹ | ۱ | وسید | وحید |
| ۱۱۴ | ۲۱ | محرمین | مرحومین |
| ۱۲۶ | (۱) | ۱۳۴۷ | ۱۳۶۴ |
| ۱۲۷ | ۳ | هزادرنفرد | هزارنفردر |

| صفحه | سطر | الخطا | الصواب |
|---|---|---|---|
| ۱۵۳ | ۴ | مرحرم | مرحوم |
| ۱۷۲ | ۲۵ | کیلة | کلیلة |
| ۱۷۲ | ۲۷ | دزءك | رزءك |
| ۱۷۶ | ۳ | داسن | داس |
| ۱۷۷ | ۱ | جون | چون |
| ۱۷۸ | ۲۰ | کردش | کرده |
| ۱۹۱ | ۱۵ | الاوار | الانوار |
| ۱۹۲ | ۳ | فاضل | افاضل |
| ۲۰۷ | ۱ | شنبه | دوشنبه |
| ۲۱۲ | ۱۳ | زمانا | رهانا |
| ۲۱۳ | ۳ | بالرتف | بالرتق |

## ((بشارت))

# قسمتی از نشریات این بنگاه

تفسیر سوره یوسف تألیف مرحوم حجة الاسلام آقای اشراقی بهاء ۳۵ ریال

« اعلی ون والقلم » » » » » « ۲۵ «

جلد سوم فقه الصادق در شرح تبصره علامه تألیف حضرت حجة الاسلام آقای آسید صادق روحانی بهاء ۶۰ ریال

جلد اول سماء المقال فی علم الرجال تألیف مرحوم آیة الله کلباسی ۴۰ «

فصول العلیه تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی بهاء ۱۰ «

انیس المتوحدین « مرحوم نراقی « ۱۲ «

احراق لانه‌های فساد برد ماتریالیسم « ۰۲ «

بهائیت تاریخ پیدایش مذهب باب و بهاء « ۱۰ «

دریای نور « ۲۵ «

فیلسوف نماها داستانی است علمی دینی -

حقایق روشن و مشت فیلسوف نما



## قسمتی از نشریات این بنگاه

تفسیر سوره یوسف تألیف مرحوم حجة الاسلام آقای اشراقی بهاء ۳۵ ریال

« اعلی و ن و القلم » » » » » » » ۲۵ «

جلد سوم فقه الصادق در شرح تبصره علامه تألیف حضرت حجة الاسلام آقای

آسید صادق روحانی بهاء ۶۰ ریال

جلد اول سماء المقال فی علم الرجال تألیف مرحوم آیة الله کلباسی ۴۰ «

فصول العلیه تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی بهاء ۱۰ «

انیس المتوحدین مرحوم نراقی » ۱۲ «

احراق لانه‌های فساد برد ماتریالیسم » ۰۲ «

بهائیت تاریخ پیدایش مذهب باب و بهاء » ۱۰ «

دریای نور » ۲۵ «

فیلسوف نما هاداستانی است علمی دینی ...

حقایق روشن و مشت فیلسوف نما ...

